

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جرم شناسی پیشگیری

(۶۰ رویه و راه کار برای پیشگیری از جرم)

سرشناسه	: کلارک، آر. وی. جی، ۱۹۴۱ - م. Clark, R. V. G
عنوان و نام پدیدآور	: جرم شناسی پیشگیری (۶۰ رويه و راه کار برای پیشگیری از جرم) // مولفان رونالد وی کلارک، جان اک : مترجمان مهدی مقیمی، مهدیه تقی زاده : برای فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، دفتر تحقیقات
مشخصات نشر	: تهران: زرد، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۳۱ ص. : مصور، نقشه، جدول، نمودار.
شابک	: ۸-۰۵-۸۹۲۴-۹۶۴
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا	
یادداشت	: عنوان اصلی: Crime analysis for problem solves: in 60 Small Steps
موضوع	: جرم شناسی
موضوع	: جرم و جنایت- پیشگیری
شناسه افزوده	: ک، جان ای.
شناسه افزوده	: Eck, John E
شناسه افزوده	: مقیمی، مهدی، ۱۳۶۰ - ، مترجم
شناسه افزوده	: تقی زاده، مهدیه، ۱۳۶۳ - ، مترجم
شناسه افزوده	: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۲۸ - ، مقدمه نویس
شناسه افزوده	: نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی نیروی انتظامی تهران بزرگ، دفتر تحقیقات کاربردی
رده بندی کنگره	: ۱۳۸۸ ج۸/ک۲۵/ HV۶۰۲۵
رده بندی دیویی	: ۳۶۴
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۸۸۱۷۲۶



عنوان کتاب: جرم شناسی پیشگیری

Crime Analysis for Problem Solvers (In 60 Small Steps)

ناشر: سازمان زرد، ۱۳۸۸

مؤلفان: رونالد وی کلارک - جان اک

مترجمان: مهدی مقیمی - مهدیه تقی زاده

ویرایش ادبی: لیلا قاسم پور

ناظر علمی: دکتر اکبر وروایی

ناظر ترجمه: سروش بهر بر - موسی ترابی

امور رایانه ای: سید علیرضا حاجی سید تقیا

صفحه آرایی: چاپ زرد

شابک: ۸-۰۵-۸۹۲۴-۹۶۴

لیتوگرافی و چاپ: چاپ زرد

صحافی: چاپ زرد

تیراژ: ۱۰۰۰

تاریخ انتشار: مهر ۱۳۸۸

طرح جلد: چاپ زرد

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۸

کلیه حقوق و امتیاز این اثر متعلق به فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، دفتر تحقیقات کاربردی می‌باشد
نشانی: تهران، میدان ونک، بزرگراه حقانی، انتهای پارک طالقانی، فرماندهی انتظامی تهران بزرگ، دفتر تحقیقات کاربردی.

تلفن: ۲۱۸۶۱۸۷۸ و ۲۱۸۶۱۸۱۴-۰۲۱

آدرس الکترونیکی: tehran.police@yahoo.com

فهرست مطالب

۹ پیشگفتار ناشر
۱۱ دیباچه
۱۷ پیشگفتار مترجمان
۲۳ پیشگفتار مولفان
۲۹ اول این بخش را بخوانید
۳۴ ۱- حرفه خود را بازبینی کنید
۳۹ ۲- کارشناس جرائم محلی شوید
۴۵ ۳- عوامل مؤثر در انجام امور پلیسی را بشناسید
۵۰ ۴- متخصص انجام امور پلیسی مسئله محور شوید
۵۵ ۵- صرفاً امور پلیسی مسئله محور را انجام دهید
۶۱ ۶- در مورد جرائم خاص دقیق تر باشید
۶۶ ۷- فرآیند SARA را مدّ نظر داشته و در مسیر آن گام بردارید
۷۱ ۸- از مثلث تحلیل مسئله استفاده کنید
۷۶ ۹- آگاه باشید که پیدایش موقعیت مناسب باعث ارتکاب سرقت می‌شود
۸۱ ۱۰- خود را به جای بزهکار بگذارید
۸۵ ۱۱- عکس‌العمل‌های بزهکار را در نظر بگیرید
۸۹ ۱۲- از جابه‌جایی بزهکاری دل‌سرد نشوید
۹۴ ۱۳- توزیع منافع را نیز در نظر داشته باشید
۹۹ ۱۴- هنگام تعریف مسئله از آزمون CHEERS استفاده کنید
۱۰۴ ۱۵- با نوع مسئله‌ای که با آن مواجه هستید آشنا باشید
۱۱۰ ۱۶- عزیمت بزهکاران برای ارتکاب جرم را یاد بگیرید
۱۱۵ ۱۷- نحوه گسترش نقاط بحرانی را بدانید

- ۱۸- قاعده ۲۰-۸۰ را بیاموزید ۱۲۰
- ۱۹- در مورد مسئله مورد نظر تحقیق کنید ۱۲۴
- ۲۰- فرضیه سازی کنید ۱۳۰
- ۲۱- اطلاعات خود را جمع‌آوری کنید ۱۳۵
- ۲۲- پراکندگی اطلاعات خود را بررسی کنید ۱۴۰
- ۲۳- محل‌های بحرانی را شناسایی کنید ۱۴۵
- ۲۴- از نقشه‌های سه‌بعدی داخلی استفاده کنید ۱۵۰
- ۲۵- به دوره‌های زمانی روزانه و هفتگی توجه کنید ۱۵۴
- ۲۶- دوره‌های زمانی بلند مدت را مد نظر قرار دهید ۱۵۸
- ۲۷- بدانید که چگونه باید از نرخ جرائم استفاده کنید ۱۶۲
- ۲۸- اماکن پُرمخاطره را بشناسید ۱۶۷
- ۲۹- برای وقوع بزه‌دیدگی مکرر آماده باشید ۱۷۲
- ۳۰- به بزهکاری مجدد توجه کنید ۱۷۷
- ۳۱- اجناس جذّاب برای سارقان را بشناسید ۱۸۲
- ۳۲- مطالعات کنترل موردی انجام دهید ۱۸۸
- ۳۳- میزان همبستگی را برآورد کنید ۱۹۳
- ۳۴- تسهیل‌کننده‌های جرم را بیابید ۱۹۷
- ۳۵- به مراحل ارتکاب جرم از ابتدا تا انتها توجه کنید ۲۰۲
- ۳۶- اطمینان حاصل کنید که به شش سؤال پاسخ داده‌اید ۲۰۸
- ۳۷- بدانید که انسان جایزالخطاست ۲۱۳
- ۳۸- بدانید در اجرای راهکار نقشی کلیدی دارید ۲۱۸
- ۳۹- زحمت ارتکاب جرم را افزایش دهید ۲۲۴
- ۴۰- خطر جرم را افزایش دهید ۲۲۹

- ۴۱- عواید جرم را کاهش دهید ۲۳۵
- ۴۲- عوامل تحریک‌آمیز را کاهش دهید ۲۴۱
- ۴۳- معاذیر برای جرم را حذف کنید ۲۴۷
- ۴۴- ریشه اصلی مسئله را بیابید ۲۵۲
- ۴۵- راهکارهایی را انتخاب کنید که بیشترین احتمال اجرایی شدن را دارند ۲۵۸
- ۴۶- فرایند را ارزیابی کنید ۲۶۳
- ۴۷- از نحوه به کارگیری ابزارهای مهارکننده آگاه باشید ۲۶۸
- ۴۸- به جابه‌جایی‌های جغرافیایی و زمانی بزهکاری توجه داشته باشید ۲۷۳
- ۴۹- نحوه جابه‌جایی آماج، شیوه‌های ارتکاب و نوع جرائم را بررسی کنید ۲۷۹
- ۵۰- مراقب دیگر بزهکاران غیرثابت باشید ۲۸۴
- ۵۱- گوش به زنگ منافع غیرمنتظره باشید ۲۸۸
- ۵۲- منتظر کاهش پیش از موعد جرائم باشید ۲۹۲
- ۵۳- آزمون معناداری بگیرید ۲۹۷
- ۵۴- جریان را به طور روشن بیان کنید ۳۰۲
- ۵۵- نقشه‌هایی واضح ارائه دهید ۳۰۷
- ۵۶- از جدول‌های ساده استفاده کنید ۳۱۰
- ۵۷- از نمودارهای ساده استفاده کنید ۳۱۴
- ۵۸- اظهاراتی مستدل ارائه دهید ۳۱۸
- ۵۹- ارائه دهنده‌ای مؤثر باشید ۳۲۲
- ۶۰- در خزانه دانش سهیم شوید ۳۲۸

پیشگفتار ناشر

پیشگیری از جمله مباحث عملی و بسیار با اهمیت در تمامی علوم از جمله جرم‌شناسی است. این شاخه از جرم‌شناسی ضمن بررسی عوامل (وضعی و اجتماعی) پدیده مجرمانه، با ارائه تدابیر و راهکارهای پیشگیرانه، سعی در پیشگیری از وقوع جرم دارد. امروزه اهمیت پیشگیری از جرم بر همه دولت‌ها و به ویژه سازمان‌های پلیسی و سایر نهادهای برقراری نظم و امنیت در جامعه، بیش از پیش مشخص شده است. از طرفی توسعه روزافزون علم و پیدایش فن‌آوری‌های نوین، علاوه بر تأثیر مثبت بر جنبه‌های گوناگون زندگی بشری آثاری سوء نیز در پی داشته است. از جمله این آثار سوء می‌توان به استفاده برخی از بزهکاران از جدیدترین تجهیزات رایانه‌ای و فن‌آوری‌های پیچیده مخابراتی در راستای ارتکاب جرم اشاره کرد. از این رو سازمان پلیس نیز که حسب وظیفه ذاتی، مکلف به مبارزه با بزهکاران است، باید تدابیری را ببیند تا به طور مؤثری با این‌گونه بزهکاران مقابله کند. از سویی مقابله مؤثر با بزهکاران و جلوگیری از پیدایش آثار وخیم و زیانبار ارتکاب جرم، ایجاب می‌کند که پلیس، پیشگیری از جرم را سرلوحه عملکرد خود قرار دهد. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین گام برای اجرای طرح‌های پیشگیری از جرم، ارتقا سطح دانش عملی و بومی سازی فن‌آوری‌های مختلف و بکارگیری آن در سازمان پلیس می‌باشد.

فرماندهی انتظامی تهران بزرگ به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجرایی در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران افتخار دارد که به تولید دانش نو در زمینه‌های مختلف پیشگیری از جرم و انجام امور پلیسی بپردازد. کتاب حاضر نیز از جمله کتب ترجمه‌ای است که هدف آن آموزش دوره‌ای راهکارها و تدابیر پیشگیری از جرم است. امید است که با ارائه این اثر، تغییر نگاه به پدیده جرم بعنوان اساسی‌ترین راه برای رسیدن به جامعه آرمانی و نهادینه نمودن اصل پیشگیری بعنوان اولین هدف در برخوردها و شرایط بازدارنده در اجتماع افزایش یابد و نیروی سرفراز اجتماعی وظایف خود را در این زمینه به شایسته‌ترین نحو انجام دهند.

سرهنگ ستاد پاسدار مسعود مقامی

رئیس دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی تهران بزرگ

پیشگیری وضعی از جرم: مدیریت جرم‌شناختی خطر جرم و تکرار جرم (دیباچه)

زوج سرکوبی- پیشگیری در همه جوامع برای مقابله با بزهکاری و رفتارهای منحرفانه همواره برای دولت‌ها و مردم مهم بوده است، انسان‌های باستانی، به گواهی قانون‌نامه‌های حمورابی، هیتیت‌ها، اورنمو و ... در منطقه بین‌النهرین، مجازات‌های ثابت و پاسخ‌هایی از نوع دیگر را برای بزهکاران پیش‌بینی کرده بودند، ولی همزمان به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه به مصون کردن خود و اموالشان در برابر بزهکاری نیز اقدام می‌کردند، چنان‌که به نظر جرم‌شناسان، استفاده از قفل، پنهان کردن پول، جواهرات، غلات و ... در میان دیوار یا زیر زمین از مظاهر اولیه پیشگیری از جرم در جوامع بشری بوده است.

این گونه پیشگیری، به تعبیر جرم‌شناسی علمی، پیشگیری وضعی- فنی از جرم نام گرفته است که دولت‌ها امروزه اعضاء جامعه را از طریق تشویق به اتخاذ اقدام‌های وضعی در تأمین امنیت خود مسئول می‌نمایند، چنان‌که مردم هستند که باید با اعمال تدابیر وضعی از بزه‌دیده واقع شدن خود در امان بمانند. در کنار این گونه از پیشگیری، باید به پیشگیری اجتماعی از جرم نیز اشاره کرد که با هدف جلوگیری از مجرم شدن اعضاء جامعه، اقدام‌ها فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و محیطی را پیشنهاد می‌کند. پیشگیری اجتماعی، از نظر جرم‌شناسی، بهترین گونه پیشگیری محسوب می‌شود؛ از این جهت که سعی دارد با شناسایی عوامل شخصی و محیطی جرم، زمینه‌های بزهکاری و بزهکار شدن انسان را به صورت ریشه‌ای از بین ببرد. اما از آنجا که نتایج اعمال این گونه پیشگیری، با گذشت زمان آثار خود را نشان می‌دهد و با توجه به این که به عقیده برخی از جرم‌شناسان، پیشگیری اجتماعی تاکنون موفق به مهار بزهکاری و بزهکاران نشده است، دولت‌ها در پاسخ به مطالبات مردم در زمینه امنیت، به اقدام‌های وضعی- فنی متوسل شده‌اند.

۳ امروزه جوامع به پیشگیری وضعی به دو دلیل دیگر نیز اهمیت می‌دهند؛ دلیل اول را می‌توان رشد نرخ جرائم خُرد یعنی رفتار و اعمال غیرمدنی و بی‌نزاکتی‌های اجتماعی دانست که کیفیت زندگی روزانه مردم را مختل می‌کند. دلیل دوم را باید در رشد چشمگیر جرائم تروریستی و خشونت‌آمیز جستجو کرد که بنیان نظام‌های اجتماعی و سیاسی را نشانه گرفته‌اند. بدین ترتیب جای شگفتی نیست که در کشورهای غربی، به ویژه کشورهای انگلوساکسون که دارای جوامعی باز و دولت‌های مردم‌سالار هستند برای مقابله با این‌گونه جرائم خشونت‌آمیز (به ویژه تروریسم) و تأمین فوری امنیت جامعه، بیش از پیش به دستاوردهای فن‌آوری‌های نوین مانند دوربین، نظارت‌های ویدئویی و ... در سطح معابر و مکان‌های خصوصی و عمومی متوسل می‌شوند.

۴ بدین‌سان هدف اقدام‌های پیشگیرانه وضعی، قبل از هر چیز تأمین امنیت، بالا بردن کیفیت امنیت و جلب رضایت اعضای جامعه در فضاها و مکان‌های عمومی است. تأمین امنیت در این گونه پیشگیری، دیگر انحصاری کاملاً دولتی نیست بلکه دولت‌ها با آگاه‌سازی مردم نسبت به جنبه‌های مختلف بزهکاری، مناطق جرم‌خیز، محله‌های خطرناک، شیوه‌های مصون‌سازی، روش‌های دفاع شخصی از خود و اموال خود آنها را در حفظ و برقراری امنیت تشویق و حتی مشارکت می‌دهند. بنابراین در تأمین امنیت، چه دولت و چه مردم و چه تشکل‌های مدنی، هر یک نقشی را به عهده می‌گیرند و به این ترتیب است که ریسک (خطر) ارتکاب جرم و تکرار جرم را کاهش می‌دهند. در چنین بستری است که سیاست جنایی جوامع باز و مردم‌سالار در سه دهه اخیر، بر اصل «پیشگیری، سرکوبی، همبستگی» استوار شده است.

امروزه برداشت دولت‌ها از رکن پیشگیری در این اصل، بیشتر پیشگیری از گونه وضعی و فنی آن است. در سال‌های اخیر، سخن از کنترل و نظارت بزهکاران، در چارچوب سیاست و رویه مدیریت ریسک جرم مطرح شده که به دنبال منزوی و دور کردن گروه‌هایی از جامعه است که ریسک ارتکاب جرم در میان آنها بیشتر از گروه‌های دیگر است. در چارچوب سیاست جنایی مدیریتی، عدالت کیفری در خدمت مهار گروه‌های انسانی خطر‌دار است (مدیریت کیفری ریسک جرم). ولی مدیریت جرم‌شناختی ریسک جرم^۱، عمدتاً به خنثی کردن فرصت‌های ارتکاب جرم، نظارت بر گروه‌های خطر‌دار و تنگ کردن عرصه و فرصت‌گیری از افرادی است که به لحاظ سنی، موقعیت اجتماعی، جنسیتی، ملیتی، سابقه مجرمانه، اعتیاد و ... بیشتر در معرض ارتکاب جرم یا تکرار آن قرار دارند.

ناگفته پیداست که «مدیریت جرم‌شناختی ریسک جرم» آثار خود را همچون داروی مسکن برای بیمار دردمن، سریع نشان می‌دهد ولی به چه بهایی؟ در بستر چنین مدیریتی، حقوق و آزادی‌های فردی و خلوت افراد، خواسته یا ناخواسته در معرض نقض و سوءاستفاده قرار می‌گیرد، مشکل جرم به صورت ریشه‌ای حل نمی‌شود، عوامل جرم به قوت خود باقی می‌مانند و از همه مهم‌تر مدیریت جرم‌شناختی ریسک جرم، اقدام‌های نظارتی، فنی و وضعی در سطح خیابان‌ها، کوچه‌ها، ساختمان‌های اداری و مسکونی، شهر و جامعه را به تدریج به دژی سراسربین تبدیل می‌کند که اعضاء و مکان‌های آن همواره با چشم‌های حقیقی و مجازی زیر نظارت مستمر قرار دارند.

۱- رک به: پان‌نهاد، امیر، سنجش و مدیریت ریسک جرم، پایان‌نامه مقطع دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، مهرماه ۱۳۸۸.

پیشگیری، به طور کلی و به ویژه پیشگیری وضعی و تدابیر مختلف آن در سال‌های اخیر، بیشتر از نظر مبانی، نظریه‌ها و اصول در چارچوب ترجمه و تالیف مقاله و کتاب و نیز پایان‌نامه‌های مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی مورد توجه پژوهشگران و دانشجویان ایرانی قرار گرفته است، ولی رویه‌ها و تجربه‌های عملی پیشگیری از جرم در کشورهای دیگر که از منظر «جرم‌شناسی پیشگیری تطبیقی» مهم می‌نماید و می‌تواند به نوعی در رویه‌ها و راهکارهای عملی پیشگیری از جرم در کشور ما دست کم مورد الهام قرار گیرد، کمتر مطالعه شده است. این خلاء با ترجمه‌های یک‌سال اخیر^۱، از جمله برگردان حاضر «جرم‌شناسی پیشگیری: ۶۰ رویه و راهکار برای پیشگیری از جرم» تا اندازه‌ای پُر شده است.

در کتاب حاضر که به قلم جناب آقای مهدی مقیمی و سرکار خانم مهدیه تقی‌زاده از زبان انگلیسی به فارسی ترجمه شده است، نویسندگان، استادان رونالد کلارک و جان اک سعی کرده‌اند جرم‌شناسی پیشگیری و بزه‌دیده‌شناسی علمی را با معرفی و ارائه نمونه‌های عملی به زبان ساده برای عموم مردم بیان کنند. نویسندگان محترم کتاب حاضر با تشریح نمونه‌های مختلفی از وقایع مجرمانه، مناطق جرم‌خیز، کیفیت بزه‌دیدی، نوع رفتار در ارتکاب جرم، فرایند و مراحل ارتکاب جرم، تسهیل‌کننده‌های (اجتماعی، شیمیایی، فیزیکی) جرم، روش تحقیق و تحلیل وقایع مجرمانه و ... اعضای جامعه را که همواره در معرض بزهکاری و بزه‌دیدی هستند، از فرایند ارتکاب جرم، فرایند بزه‌دیده واقع شدن، چگونگی پیشگیری از بزهکار و بزه‌دیده شدن آگاه کنند. بدین ترتیب، مطالعه این برگردان می‌تواند نه تنها برای دست‌اندرکاران پیشگیری مانند پلیس، مددکاران اجتماعی،

۱- مانند: ابراهیمی، شهرام (مترجم) مجموعه رویه‌های بین‌المللی پیشگیری از جرم، بنیاد حقوقی میزان، تابستان ۱۳۸۸؛ گلرکوهن ایان، طراحی عاری از جرم، ایجاد مناطق امن و پایدار، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی و حمیدرضا عامری، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۷؛ محمدنسل، غلامرضا، پلیس و پیشگیری از جرم، انتشارات معاونت آموزش ناجا و پلیس پیشگیری ناجا، ۱۳۸۷؛ کلارک، رونالد، پیشگیری از جرم: مطالعه موردی سرعت از فروشگاه‌ها، ترجمه مهدی مقیمی و حمید جربانی، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۸؛ پیشگیری از جرم: مطالعه موردی بی‌نظمی جوانان در اماکن عمومی، ترجمه مهدی مقیمی و حمید جربانی، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۸.

شهرداری‌ها و ... بلکه برای والدین، آموزگاران، مربیان تربیتی و دانش‌آموزان نیز مفید و راه‌گشا باشد.

آقای مهدی مقیمی و سرکار خانم مهدیه تقی‌زاده، برای برگردان حاضر، از تجربه انتظامی و نیز دانش جرم‌شناختی خود با انگیزه فراوان برای ترجمه درست مفاهیم و رویه‌ها استفاده کرده‌اند و به نوبه خود نوشتگان جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی را غنی نموده‌اند. در اینجا جادارد از این پژوهشگران که آثار دیگری نیز در زمینه جرم‌شناسی پیشگیری در کارنامه علمی خود دارند^۱ قدردانی کرد.

علی حسین نجفی ابرندآبادی

تهران، ۱۶ مرداد ماه ۱۳۸۸

۱- کِلارک، رونالد، پیشگیری از جرم: مطالعه موردی سرقت از فروشگاه‌ها، ترجمه مهدی مقیمی و حمید جربانی، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۸؛ پیشگیری از جرم: مطالعه موردی بی‌نظمی جوانان در اماکن عمومی، ترجمه مهدی مقیمی و حمید جربانی، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، ۱۳۸۸؛ کِلارک، رونالد، بستن معابر و کاهش جرم، ترجمه مهدی مقیمی و مجید قورچی بیگی، فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره چهارم؛ مهدی مقیمی، تکرار بزه‌دیدگی و راهکارهای پیشگیری از آن، همایش ملی پیشگیری از وقوع جرم، ۱۳۷۸ و ...

پیشگفتار مترجمان

در گذشته‌ای نه چندان دور، پلیس را صرفاً مأمور اجرای قانون یا ضابط دادگستری تلقی می‌کردند و از آنجا که این نهاد یا سازمان از جمله ارکان حکومت است، خط‌مشی‌ها و سیاست‌های مربوط به نحوه عملکرد و وظایف او غالباً در همین حیطه پیش‌بینی و تدوین می‌شد. در این حیطه، اقدام‌های پلیس بیشتر به پس از وقوع جرم معطوف بود و در برگیرنده آشکال سنتی امور پلیسی نظیر عملیات‌های غافل‌گیری، دام‌گستری، عملیات‌های توأم با شدت عمل و تعاملات آن با قوه قضاییه کشور می‌شد. از این منظر، انجام امور پلیسی صرفاً ناظر بر ابعاد حقوقی مسئله‌های اجتماعی می‌شد که در قوانین کیفری به عنوان «جرم» پیش‌بینی شده بودند. اما هم‌اکنون پلیس نه تنها به انجام این گونه امور (سنتی) می‌پردازد بلکه به عنوان نهادی اجتماعی و در تعامل مستقیم با جامعه و شهروندان، به عنوان یکی از نهادهای حل مسئله نیز وارد عمل می‌شود. پلیس امروزی در راستای تحقق اصل جامعه محوری و برای جلب هرچه بیشتر اعتماد شهروندان، به دنبال رفع هر گونه دغدغه‌ای است که از سوی جامعه به عنوان مسئله تلقی می‌شود و در این راستا علاوه بر توجه به قوانین مدون کشور و جرم‌انگاری‌های انجام شده، با توسل به معیارهایی معین و بهره‌گیری از علوم مختلفی نظیر جرم‌شناسی (روان‌شناسی جنایی، جامعه‌شناسی جنایی، زیست‌شناسی جنایی)، آمار، پزشکی و ... سعی در پیشگیری از مسئله‌های اجتماعی، کاستن از آثار زیان‌بار آنها و ترمیم و بازسازی کلیه اموری است که به واسطه پیدایش این مسئله‌ها آسیب دیده‌اند. به طوری که امروزه مامور پلیس را می‌توان کارشناس جرائم، تحلیل‌گر جرم، حل و فصل‌کننده مسئله‌های اجتماعی و فردی دانست که به واسطه برخورداری از تعاملات مثبت و سازنده با سایر نهادهای اجتماعی، نقشی چشمگیر در پیشگیری از مسئله‌های اجتماعی و کاهش آنها دارد.

با اوصاف پیش‌گفته می‌توان به نقش مهم پلیس در صحنه اجتماع و برخورد با هر گونه جرم، مسئله و یا مسئله اجتماعی پی‌برد. اما پیش از هر گونه اقدامی لازم است در زمینه یکی از ارکان اساسی در هر سازمان یا نهاد به نام «آموزش» گامی اساسی برداشت. هم‌اکنون آموزش پیشگیری از جرم و نحوه برخورد با مسئله‌های اجتماعی، با رویکرد جرم‌شناختی دچار فقری کمابیش بنیادین است.

فقدان مجموعه‌ای نسبتاً کامل پیشگیری از جرم در نیروی انتظامی، به طوری که مباحث مهم، کلیدی و در عین حال، پلیسی و اجرایی پیشگیری از جرم را بیان کند، از جمله ضرورت‌ها و نیازهای اساسی ناجا به شمار می‌رود. گرچه در این زمینه گام‌هایی برداشته شده است و محققان محترم در قالب تألیف و ترجمه کتاب یا مقاله، به غنای منابع موجود پرداخته‌اند اما عرصه پیشگیری از جرم به قدری وسیع است که انجام تحقیقات جامع‌تری را ایجاب می‌کند. با این وصف و با توجه به موارد مشروحه زیر، ضرورت ترجمه این اثر و اهمیت آن تا حدودی روشن می‌شود.

۱- کتاب حاضر، مجموعه نسبتاً کاملی از مباحث پیشگیری از جرم است که با امور انتظامی و پلیسی به صورتی خاص مرتبط است. از سویی مطالب این کتاب و نحوه چینش و ارائه آن به گونه‌ای است که می‌توان آن را یک دوره نسبتاً جامع آموزش پیشگیری از جرم دانست.

۲- این کتاب بیشتر به علل نزدیک بزهکاری و عواملی می‌پردازد که پلیس با توجه به آنها و عملکرد مؤثر خود، قادر به کنترل جرائم خواهد شد، همان‌طور که مولفان آن در راهبرد شماره هشت ابراز داشته‌اند: «بیشتر نظریه‌های جرم‌شناسی در پی کشف علل بزهکار شدن اشخاص هستند. آنها علل دور بزهکاری نظیر تربیت دوران کودکی، ساختار ژنتیکی و علل روان‌شناسی و اجتماعی را عامل این امر می‌دانند. ارزیابی این تئوری‌ها بسیار مشکل است، چرا که بسیار متفاوت بوده و میزان اعتبار و صحت آنها از نظر علمی معین نیست. از طرف دیگر، آورده‌های

نظریه‌های مذکور اغلب مبهم و پیچیده بوده و فراتر از قلمرو فعالیت‌های پلیسی است. اما دستاوردها و مفاهیم جرم‌شناسی محیطی (که شاخه جدیدی از علم جرم است) در عملکرد روزانه پلیس بسیار مؤثر است. پلیس با عوامل آنی ایجادکننده موقعیت جرم سر و کار دارد، علل مذکور عبارت است از: اغواگری‌ها (وسوسه‌ها)، موقعیت‌ها و عدم حمایت کافی از آماج جرم.»

۳- اثر حاضر ارائه دهنده شصت راهبرد و رویه اجرایی و عملی است که هر راهبرد با توضیحی نسبتاً اجمالی (حدود چهار صفحه)، صریح و گویا، هر یک از کارکنان پلیس را در مسیری مطلوب و در راستای پیشگیری از جرم رهنمون می‌سازد. بنابراین از بیان مطالب اضافی و غیرمهم پرهیز شده است. از این رو هر یک از کارکنان پلیس چه در سطح کلان و مدیریتی و چه در سطوح میانی، خرد و اجرایی، می‌توانند با اختصاص اندک زمانی برای مطالعه، به اهداف مورد نظر کتاب دست یابند. در این زمینه مولفان این اثر در راهبرد شماره یک بیان می‌دارند: «هدف اصلی این نوشتار این است که شما را با انجام امور پلیسی مسئله محور و نقش مهمی که شما به عنوان یک پلیس می‌توانید در اجرای آن داشته باشید، آشنا کند. از طرف دیگر به شما نشان می‌دهد که چگونه انجام امور پلیسی مسئله محور می‌تواند از طریق جرم‌شناسی محیطی و پیشگیری وضعی مؤثرتر واقع شود. در واقع انجام امور پلیسی مسئله محور، چهار مرحله یک طرح مسئله محور، شامل «بررسی مسئله جرم»، «تحلیل دقیق مسئله مورد نظر»، «پاسخ به مسئله از طریق اجرای راهکارها» و «ارزیابی نتایج حاصل از طرح» را توصیف می‌کند. همچنین اطلاعات مورد نیاز در مراحل فوق را ارائه داده، نهایتاً استدلال‌هایی را در اختیاران می‌گذارد که در هر چهار مرحله بتوانید عضو مؤثری از تیم حل مسئله باشید.»

۴- شصت راهبرد و رویه اجرایی ارائه شده در این اثر، زیر هشت بند با عنوان‌هایی کلی و در قالب عبارت‌هایی دستوری به شرح زیر بیان شده است:

- الف) خودتان را آماده کنید: زیر این اصل، سه راهبرد اجرایی (راهبرد ۱-۳) آموزش داده شده است.
- ب) امور پلیسی مسئله محور را بیاموزید: زیر این اصل، چهار راهبرد اجرایی (راهبرد ۴-۷) آموزش داده شده است.
- پ) جرم‌شناسی محیطی را بیاموزید: زیر این اصل، شش راهبرد اجرایی (راهبرد ۸-۱۳) آموزش داده شده است.
- ت) مسئله‌ها را شناسایی کنید: زیر این اصل، پنج راهبرد اجرایی (راهبرد ۱۴-۱۸) آموزش داده شده است.
- ن) به طور دقیق تحلیل کنید: زیر این اصل، نوزده راهبرد اجرایی (راهبرد ۱۹-۳۷) آموزش داده شده است.
- و) راهکارهای اجرایی بیابید: زیر این اصل، هشت راهبرد اجرایی (راهبرد ۳۸-۴۵) آموزش داده شده است.
- ه) میزان تأثیر راهکارها را ارزیابی کنید: زیر این اصل، هشت راهبرد اجرایی (راهبرد ۴۶-۵۳) آموزش داده شده است.
- ی) به صورتی مؤثر اقدام کنید: زیر این اصل، هفت راهبرد اجرایی (راهبرد ۵۳-۶۰) آموزش داده شده است.
- ۵- در سراسر این اثر به منظور درک هر چه بیشتر مطالب بیان شده، از مصادیق و مثال‌های عینی استفاده شده است. از جمله محاسن این کتاب در این زمینه، بررسی علل موفقیت پروژه‌های پیشگیری از جرم و تشریح و تحلیل علل ناکارآمدی پروژه‌های ناموفق است. که در این راستا از آمارهای رسمی، سی و هشت نمودار، سی و یک جدول، پنجاه و دو باکس آموزشی- تجربی و تحلیل‌های آماری - مدیریتی به وفور استفاده شده است. مولفان محترم در راهبرد شماره یک به نقش مهم مأموران پلیس در جمع‌آوری صحیح اطلاعات به منظور تحلیل دقیق آنها اشاره

می‌کنند: «البته شما باید که اطلاعات را به سرعت در اختیار آن دسته از کسانی قرار می‌دهید که در پی یافتن راه‌های بهتر برای دستگیری بزهکاران هستند. شما باید که به درخواست کارشناسان در خصوص کسب آخرین آمار سرقت خودرو پاسخ می‌دهید. شما باید که نقشه‌های حاوی اطلاعات جرائم را در ملاقات‌های هفتگی مطرح می‌کنید تا مأموران پلیس بدانند که در کدام قسمت‌ها به کار بیشتری نیاز است. شما باید که آمار ماهیانه‌ای را که دیگران برای تنظیم گزارشاتشان نیاز دارند، جمع‌آوری می‌کنید.»

۶- مؤلفان این اثر، یعنی پرفسور رونالد وی کلارک^۱ و جان اِک^۲ که هر دو استاد دانشگاه و رئیس پلیس سابق چند کلان شهر بوده‌اند، بیش از چهل سال به تدریس علوم جرم‌شناسی و به ویژه جرم‌شناسی پیشگیری از جرم (پرفسور کلارک) پرداخته و تجربه‌های مدیریتی و اجرایی فراوانی در زمینه امور پلیسی (جان اِک) داشته‌اند که جا دارد در همین رهگذر مراتب تقدیر و تشکر خود را از ایشان ابراز کنیم. درباره مؤلفان مذکور لازم به ذکر است که هم اکنون کتاب «جرم‌شناسی» اثر لاری نیگل، از جمله معتبرترین کتاب‌ها در زمینه علوم جرم‌شناسی و پلیسی است که تقریباً در سراسر اروپا، محل استناد قرار می‌گیرد و به عنوان کتاب مرجع در دانشگاه‌ها معرفی می‌شود. به لطف خداوند متعال این کتاب در پلیس آگاهی ناجا ترجمه شده است. در صفحه ۲۰۵ این کتاب (ترجمه) در مورد یکی از مؤلفان، یعنی پرفسور کلارک نوشته شده که «رونالد کلارک در سال ۱۹۹۲ کتاب پیشگیری وضعی را منتشر نمود که مشهورترین تدابیر و تاکتیک‌های کاهش وقایع جنایی در آن جمع‌آوری شده است. کلارک به طور گسترده‌ای در مورد راهبرد ها و تاکتیک‌های کاهش رویدادهای جنایی مطلب نوشته است.»

۷- شایان ذکر است که در سراسر این اثر، مسائلی برای بومی‌سازی مطالب مذکور در

۱- Ronald V. Clarke

۲ - John E. Eck

کتاب ذکر شده است تا به این واسطه بتوان راهکارها و امور مذکور در آن را با ایجاد بستر و زمینه مناسب به اجراء در آورد.

در ترجمه این اثر مترجمان سعی کرده‌اند بسته به موضوع مورد نظر، از کارشناسان و متخصصان مختلفی نظیر تحلیل‌گران آمار، جامعه‌شناسان، مهندسان عمران و معماری، زیست‌شناسان، کارشناسان زبان انگلیسی و ... بهره ببرند. در اینجا جادارد مراتب تقدیر و تشکر خالصانه خود را از استادان گرانقدر جناب آقای دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، دکتر علی صفاری، دکتر باقر شاملو، دکتر سیدمحمد حسینی و همه عزیزانی که در ترجمه این اثر ما را یاری دادند ابراز نمائیم.

مترجمان

مهدی مقیمی، مهدیه تقی‌زاده

پاییز ۱۳۸۸

پیشگفتار مولفان

امروزه در کشور امریکا یکی از نگرانی‌های قابل پیش بینی محدودیت شدید در هزینه‌ها و بودجه است. بیشترین سهم بودجه پلیس صرف هزینه‌های کارکنان می‌شود. در نتیجه، بسیاری از سازمان‌های پلیسی قبلاً به شکل گسترده‌ای توسط قدرت حاکم بر کشور اداره می‌شدند. به دست آوردن سرمایه لازم برای استخدام مأموران جدید در راستای تأمین نیازهای رو به رشد کار بسیار سختی است. به ویژه مرتبط‌ترین مسئله در اینجا، آشکال سنتی امور پلیسی است (که به شدت به نیروی انسانی وابسته هستند) که رفته رفته کم‌تر انجام می‌شوند. تماس‌ها نمی‌توانند به خوبی و با سرعت گذشته اداره شوند. نیروی انسانی نمی‌تواند با آسودگی و به منظور افزایش حضور پلیس در خیابان‌ها در شگردهایی که نیاز به نیروی انسانی است، مثل عملیات‌های توأم با شدت عمل، تجسس و نیروی‌های عملیات ویژه به مأموریت اعزام شود.

این واقعیت رویکرد جدید قدرتمندی است برای تجدید نظر در نحوه انجام امور پلیسی توسط ما. این مطلب با تلاش‌های قبلی به منظور افزایش توجه بیشتر به اثربخشی فعالیت‌های پلیس، ارتباط می‌یابد و انگیزه‌ای تازه برای رویارویی با نیازی ایجاد می‌نماید که مدت‌هاست به آن توجهی نشده یعنی لزوم تجهیز کردن پلیس به توانایی و ظرفیت نهادینه شده برای بررسی نتیجه کار؛ و همچنین پرسش همیشگی و روزمره قبل از اقدام به کارهای مشابه، انتظار می‌رود که پلیس چه کارهایی انجام دهد و پلیس چگونه می‌تواند این اقدام‌ها را مؤثرتر انجام دهد.

روش‌های بازاندیشی رایج مستلزم درک جدیدی از نقش و وظیفه پلیس در هر دو بخش انجام امور پلیسی و ارائه خدمات عمومی است. بسیار ضروری است که تشخیص دهیم عملکرد پلیس به آن سادگی که گاهی اوقات به تصویر کشیده می‌شود نیست بلکه به طور باورنکردنی بسیار سخت و پیچیده است. این نقش شامل عملکردی

منحصر به فرد نیست که عموماً به عنوان اجرای قانون از آن یاد می‌شود، بلکه مستلزم حل و فصل دامنه‌ای گسترده از مشکلات رفتاری است که هر یک از آنها کاملاً با دیگری متفاوت است. وظایف پلیس فقط شامل اجرای راهکار برای رفع یک سری حوادث همیشگی نیست. در حال حاضر جامعه از پلیس انتظار دارد در وهله نخست از آنها محافظت نماید.

برخورداری از دیدگاهی جدید درباره انجام امور پلیسی مستلزم موارد زیر است: (۱) پلیس هر یک از مشکلات رفتاری را عمیقاً بررسی نماید که در صورت همسو شدن با یکدیگر، گرفتاری ایجاد می‌کنند؛ (۲) پلیس به حوزه‌ای وسیع از تدابیر برای پیشگیری، کاهش و حذف هر یک از این مشکلات توجه کنند؛ (۳) پلیس اثربخشی کار خود را بر اساس انتخاب راهکاری هدفمند و جدید به طور دقیق‌تر بسنجد. این ماهیت و جوهر انجام امور پلیسی مسئله محور است.

از زمانی که مفهوم انجام امور پلیسی مسئله محور، در سال ۱۹۷۹ مطرح شد، بسیاری از پیشرفت‌ها در سایه آن به دست آمده است. ولی آنها روند و گرایش کلی در زمینه انجام امور پلیسی مسئله محور) نیستند. کاربرد آنها ناهمگن، نامناسب و بدون پایه و اساس محکم و دیرپاست. آنها از نظر امور سنتی پلیسی که به شدت به گشت‌زنی تعداد زیادی از مأموران پلیس و دستگیری‌های متعدد وابسته است، با قبول مسئولیت‌های برتر و مستمر تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند.

توجه و نگرانی بیشتر درباره اثربخشی فعالیت‌ها و اقدام‌های پلیس در حل و فصل مشکلات رفتاری معین نباید از صفر شروع شود. در کل، ما درباره حوزه گسترده مشکلات رفتاری که کار و مشغله کارکنان پلیس را شکل می‌دهند و درباره چگونگی بهترین نوع پیشگیری از آنها، اطلاعات زیادی در اختیار داریم. این آگاهی می‌تواند در ادبیات غنی درباره جرم و پیشگیری از آن، به خصوص در ادبیات مبتنی بر پیشگیری وضعی از جرم موقعیتی یافت شود. بسیاری از مطالب با ارزش، همچنین می‌توانند

در میان اقدام‌های سازمان‌های پلیسی و در ذهن مأموران با تجربه آنها پیدا شوند، هر چند که این تجربه‌ها و کارشناسان باید تحت تجزیه و تحلیل بسیار دقیق و همه‌جانبه قرار گیرند.

مرکز انجام امور پلیسی مسئله محور (POP Center) به آدرس اینترنتی: www.popcenter.org، با توجه به مسئله‌هایی که پلیس معمولاً با آن‌ها برخورد می‌نماید، به عنوان مکانی برای جمع‌آوری بدنه اصلی و رو به رشد اطلاعات به کار می‌رود. این مرکز، اطلاعات یاد شده را به طرق مختلف پخش می‌کند، ولی در وهله اول از طریق انتشار کتاب‌های راهنمای مسئله محور اطلاعات را منتشر می‌کند. هر دلیل یا راهنمایی، اطلاعات موجود را با هم تلفیق می‌کند و سپس اقدام‌های انجام شده را با توجه به مسئله‌ای معین ارزیابی می‌نماید و مأموران پلیس را به منظور تقویت نحوه اندیشیدن خود درباره چگونگی بهترین شیوه برخورد با مسئله در هر زمینه آن برمی‌انگیزاند.

هر چند مرکز انجام امور پلیسی مسئله محور، صدها مورد موفقیت‌آمیز در این زمینه را به صورت مستند ثبت کرده، اما فقدان توانایی تحلیل در سازمان‌های پلیس همواره به عنوان مانعی بزرگ برای پیشبرد این مفهوم وجود داشته است. بسیاری از سازمان‌های پلیسی یک یا چند تحلیل‌گر جرم را استخدام می‌نمایند، ولی برخی از بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین سازمان‌های پلیسی چنین کاری انجام نمی‌دهند. پس از استخدام تحلیل‌گر، وظیفه او معمولاً به تهیه فهرستی دقیق از جرم‌های انجام شده محدود می‌شود. در موارد دیگر، این وظیفه به شناخت الگوهای جرائم با هدف اولیه شناخت بزهکار احتمالی توسعه می‌یابد تا آنجایی که بزهکار دستگیر شود. در عالی‌ترین شکل آن، وظیفه تحلیل‌گر جرم می‌تواند شامل شناخت عوامل پیدایش الگوی جرم نیز باشد، ولی وظیفه تصمیم‌گیری در مورد چگونگی پاسخ (راهکار) به این عوامل معمولاً به کارکنان عملیاتی واگذار می‌شود که آنها نیز به استفاده از وسائل و ابزار سنتی در مواجهه با این عوامل تمایل دارند.

در عین حال، حوزه تحلیل جرم به خودی خود بسیار پیچیده و موشکافانه رشد کرده است. در حال حاضر ادبیاتی بسیار قوی از آن به صورت بالقوه آن در دست است. توانایی جمع‌آوری، ذخیره و بازیابی حجم عظیمی از اطلاعات که پلیس به طور روزانه و به صورت الکترونیکی جمع می‌کند، به مراتب بیشتر از آن چیزی است که در یک دهه قبل وجود داشت. استعداد طراحی نقشه جغرافیایی جرم حیرت‌آور است و در حال حاضر یکی از رشته‌های اصلی و ابزاری اجتناب‌ناپذیر در تجزیه و تحلیل جرم به شمار می‌رود. رویکردهای استاندارد به منظور جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات در سراسر حوزه‌های مجزای اطلاعاتی ایجاد شده‌اند.

در این کتاب رونالد کلارک و جان اِک یک برنامه و دستور کار مؤثر، بسیار هدفمند و بالقوه برای تحلیل‌گران تنظیم کرده‌اند. آنها وظیفه‌ای را تعیین می‌نمایند که تحلیل‌گر جرم در قالب آن به شدت به دنبال راهکارهای جدید برای رفع مسئله‌هایی است که شناسایی شده‌اند و خودشان مستقیماً در تلاش‌های انجام شده جهت آزمودن و اجرای آنها شرکت می‌نمایند. از تحلیل‌گر جرم انتظار می‌رود در تحقیق و بررسی راه جدیدتر، خلاقانه‌تر و بالقوه‌تر، پلیس را در انجام وظایفش یاری نماید. کلارک و اِک در این کتاب نشان می‌دهند چگونه تحلیل‌گری که به خوبی آموزش دیده و از آموزه‌هایش به خوبی استفاده کرده، دارای استعدادی بالقوه برای افزایش کارایی و بهره‌وری صدها مأمور پلیس است. با این نگرش، سرمایه‌گذاری روی تحلیل‌گران جرم می‌تواند راهی هوشمندانه برای افزایش احتمال بازگشت اصل سرمایه‌ای باشد که جوامع، صرف مأموران سوگند خورده پلیس می‌کنند.

کلارک و اِک با ترکیب مهارت آنها به عنوان محققان و آشنایی آنها با انجام امور پلیسی، همه اطلاعات و روش‌هایی که مربوط به موضوع و در دسترس هستند را جمع‌آوری کرده و آن را در شصت راهبرد یا گام کوچک که منطقاً بر اساس یکدیگر استوار هستند، قرار دادند و بین مطالب موجود در هر روش که دقیق و کاربردی هستند،

ارتباط برقرار نمودند. کتاب مملو از اطلاعات مهم و موشکافانه است که آن را تبدیل به یکی از نشریات چشمگیری نموده که در چند دهه گذشته، حوزه انجام امور پلیسی را مورد توجه قرار داده است.

سریع‌ترین هدف این کتاب کمک به توسعه عملکرد عده نسبتاً کمی از اشخاص است که این روزها معمولاً به عنوان تحلیل‌گران جرم در سازمان‌های پلیسی استخدام می‌شوند و از این طریق اثربخشی عملیات سازمان‌های آنها افزایش می‌یابد. یکی از مهم‌ترین اهداف این کتاب، آموزش دادن تحلیل‌گران جرم یا حل‌کنندگان مسئله‌ها، توصیه به افزایش تعداد آنها و توسعه کار آنها به عنوان حرفه‌ای حیاتی و متمایز است. ولی تجزیه و تحلیل مسئله یک قلمرویی انحصاری برای کارشناسان تخصصی نیست. ما امیدواریم هر شخص دیگری در سازمان پلیس، از مأموران پلیس که در حال انجام وظیفه هستند تا مأموران اجرایی، و حتی به طور وسیع‌تر کسانی که در هر دو قسمت دولتی و خصوصی نگران وقوع جرم هستند، در خط فکری که کتاب حاضر از پیش تعیین نموده، با یکدیگر متحد شوند.

هرمن گلدشتاین

استاد بازنشسته حقوق دانشگاه ویسکونسن مَدیسن (Wisconsin-Madison).

اول این بخش را بخوانید

شصت راهبرد ذکر شده در این کتاب فرض را بر این می‌گذارد که شما تحلیل‌گری با تجربه هستید و به طور معمول اطلاعات مورد نیاز برای پشتیبانی از عملیات‌های پلیسی را تهیه و آماده بهره‌برداری می‌نمائید. این بدان معنی است که:

۱. شما محاسبه‌های جدید و به روز را به کار می‌برید و می‌دانید چگونه به پایگاه داده‌ها دسترسی پیدا کرده و آنها را کنترل نمائید.

۲. شما می‌دانید به منظور تهیه نقشه جرم و تشخیص کانون‌های بحران چگونه از نرم افزارها استفاده کنید و چگونه میان آنها و اطلاعات جمعیت‌شناسی و دیگر اطلاعات ارتباط برقرار نمائید.

۳. شما به طور منظم و شاید به منظور پشتیبانی از عملیات‌های به شیوه **CompStat**، در واحد سازمانی خود نمودارهایی که نشان‌دهنده تغییرهای هفتگی و ماهانه وقوع جرمند را تهیه می‌کنید.

۴. شما به طور معمول ارتباط میان موضوع‌هایی نظیر شیوه عمل بزهاکاران معروف و شیوع محلی سرقت خودرو و سرقت از منازل را تجزیه و تحلیل می‌کنید.

۵. ممکن است قبل و بعد از عملیات‌های توأم با شدت عمل (پلیس)، برای مثال در مورد سرقت از منازل یا سرقت خودرو ارزیابی‌هایی به عمل آورید.

۶. شما دارای اطلاعات پایه‌ای از آمار و روش تحقیق هستید تقریباً مانند آنچه که توسط یک دانشجوی دوره کارشناسی رشته علوم اجتماعی تهیه می‌شود.

کتاب حاضر بر این تجربه استوار است که شما را برای یک نقش تحلیلی متفاوت، به عنوان عضو کلیدی تیم حل مسئله آماده نماید. در حقیقت، آخرین نوشته‌ها در مورد انجام امور پلیسی مسئله محور، تحلیل‌گران جرم را به عنوان هسته اصلی و مرکزی این روش جدید انجام امور پلیسی اجتماعی می‌پندارند. این نویسندگان معتقدند که بسیاری

از نقاط ضعف روش‌های رایج، ناشی از حضور ناکافی تحلیل‌گران آموزش‌دیده و کارآمد جرم، در هر یک از مراحل فرآیند حل مسئله است.

این کتاب با تهیه اطلاعات اساسی درباره انجام امور پلیسی مسئله محور و حوزه‌های مربوط به جرم‌شناسی محیطی و پیشگیری وضعی از جرم، شما را برای انجام این وظیفه جدید آماده می‌سازد. بدون آشنایی با این حوزه‌ها، نمی‌توانید به خوبی به عنوان یک تحلیل‌گر جرم در تیم حل مسئله عمل نمایید. شما نمی‌توانید بدون تجدید نظر درباره کار خود این شغل را تصاحب کنید. بخش‌های اولیه این کتاب توضیح می‌دهد که چگونه می‌توانید رویکردی مبتکرانه‌تر اتخاذ نمایید. شما نمی‌توانید به سادگی منتظر همکاران پلیس خود باشید تا بیایند و از شما درخواست اطلاعات نمایند. بلکه شما باید در هر مرحله از پروژه از جمله در تعریف حیطه تلاش برای حل مسئله، کوشش برای تجزیه و تحلیل علت مسئله، کمک به یافتن راهکاری مؤثر و راه‌اندازی پروژه پیشقدم شوید؛ به طوری که پروژه را بتوان ارزیابی کرد و کارکنان پلیس بتوانند از نتایج آن مسائل زیادی بیاموزند. این یعنی این‌که شما باید عضوی جدایی ناپذیر از تیم حل مسئله باشید؛ منابع اطلاعات و داده‌ها را فراتر از آن چیزهایی کشف نمایید که معمولاً در کار خود از آنها استفاده می‌کنید؛ یک پروژه معین را خیلی بیشتر از آنچه معمولاً انجام می‌دهید، پیگیری نمایید و نهایتاً شما باید افتخار موفقیت یا غم شکست پروژه را به طور مساوی با دیگر اعضای گروه تقسیم نمایید.

این کتاب چنین فرض می‌کند که تحلیل‌گرانی که وظیفه جدید را تقبل می‌نمایند علاقمندند شغل و حرفه خود را توسعه بخشند. با کمک بسیار وسیع پایگاه پیشرفته داده‌ها و نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای قدرتمند محاسبه‌ای، تجزیه و تحلیل جرم در آستانه تبدیل به تخصصی پر شور و هیجان است. حقیقتاً امر تجزیه و تحلیل جرم تاکنون شروع به جذب مجموعه‌ای از افراد حرفه‌ای کرده که به خوبی آموزش‌دیده‌اند، دارای انگیزه بالایی هستند و وجودشان برای توسعه هر چه بیشتر انجام امور پلیسی

در قرن بیست و یکم، حیاتی و حائز اهمیت است. شما می‌توانید با اعلام نتایج کار خود در جلسه‌های تخصصی و جراید، به رشد و توسعه حرفه خود کمک نمایید به این ترتیب، نه تنها به طور کلی به شغل خود و انجام امور پلیسی کمک کرده‌اید، بلکه تبدیل به منبعی مطلع‌تر و ارزشمندتر برای سازمان خود شده‌اید.

کتاب حاضر آن‌قدر کوتاه و مختصر است که می‌توان آن را در تعطیلات آخر هفته مطالعه نمود. این کار سختی خواهد بود و احتمالاً ارزش انجام دادن را دارد، ولی این کتاب قطعاً برای خواندن و کنار گذاشتن طراحی نشده است. در عوض، ما امیدواریم که شما آن را به عنوان منبعی بنگرید که همیشه کنار میز کار خود آن را نگه خواهید داشت و در زمان نیاز در پروژه‌های حل مسئله به آن رجوع نمایید. به این دلیل است که بسیار محکم و مقاوم برای استفاده مستمر و دائم طراحی شده است. هنگامی که آن را در راهبردی معین باز می‌کنید کاملاً روی سطح میز کار شما گسترده می‌شود و شما می‌توانید به راحتی وقتی در حال کار کردن با رایانه خود هستید از آن استفاده نمایید.

ما راهبردها را به صورت منطقی یکی پس از دیگری و به ترتیب، با مدل 'SARA' (تشخیص، تجزیه و تحلیل، راهکار و ارزیابی) مرتب نموده‌ایم، با این حال هر یک به تنهایی کامل و مستقل هستند و به موضوع معینی پرداخته‌اند. وقتی شما به دنبال سرفصل مشخصی هستید، این نوع آرایش کتاب، شما را از ورق زدن بیهوده و از جایی به جای دیگر پریدن، بی‌نیاز می‌سازد. برای درک بیشتر این کتاب باید با لیست محتویات آن کاملاً آشنا باشید و نگاهی گذرا به بخش‌هایی بیندازید که نظر شما را برای فهم یک عقیده از کل کتاب جلب می‌نماید. در هر صورت، وقتی نیاز فوری به اطلاعات مندرج در راهبردی معین را دارید، باید فقط همان راهبرد معین را مطالعه نمایید. در هر موردی، این بهترین روش برای یادگیری است: جستجو و به کارگیری اطلاعات، زمانی که نیاز عملی به آن دارید. در پاره‌ای از موارد، در موقعیت‌های مختلف، با موضوعی معین سر و کار داریم. برای مثال، راهبرد دوازده بیان‌گر مفهوم

کلی جابه‌جایی بزهکاری است، در حالی که راهبردهای چهل و هشت و چهل و نه چگونگی کنترل شکل‌های مختلف جابه‌جایی بزهکاری در مراحل ارزیابی را توضیح می‌دهند. فرهنگ لغت و فهرست انتهایی کتاب در یافتن جایی که موضوعی در بیش از یک صفحه ذکر شده، به شما کمک می‌نماید.

علاوه بر امریکا، از مثال‌هایی در مورد سایر کشورها نیز استفاده می‌کنیم. ما بهترین مثال‌ها را برای بیان مطلب خود جستجو کردیم، بنابراین حتی اگر متن خارجی باشد، اصول آن، جامع و کلی هستند. امیدواریم تنوع نظرات، باعث برانگیختن خلاقیت خواننده گردد. «آیا رویکرد مذکور با این مسئله مطابقت دارد؟ ما چگونه می‌توانیم آن را انجام دهیم؟»

ما در این کتاب، مانند نشریات دانشگاهی، به دلایل متعدد اشاره نکرده‌ایم، بلکه قبلاً سعی کرده‌ایم مطالب ضروری در هر راهبرد را خلاصه و فشرده نمایم. همچنین تردید داریم که تحلیل‌گران پرمشغله، وقت کافی برای مطالعه کتب دانشگاهی را داشته باشند. نهایتاً تعداد کمی از شما به کتابخانه‌های تخصصی که دارای این مطالب هستند، دسترسی دارید. ولی گاهی اوقات لازم است که درباره موضوعی بیشتر بدانید، در هر راهبرد، مقالات کلیدی یا کتاب‌هایی که قادرید راحت‌تر به دست آورید مشخص شده است. تا جایی که امکان داشته، مقالاتی که در اینترنت قابل دسترسی هستند را انتخاب کرده‌ایم. اگر به منابع بیشتری نیاز دارید، برای ما در نامه ارسال کنید یا به یکی از ما به آدرسی که قبلاً داده شده، ایمیل بزنید. همچنین ما از دریافت هرگونه توضیح یا پیشنهاد که برای بهتر شدن کتاب در چاپ‌های بعدی مفید باشد خوشحال خواهیم شد. مهمترین مطلب این‌که، لطفاً درباره پیشنهاد و ارسال تجزیه و تحلیل خودتان احساس خجالت نداشته باشید.

وزارت کشور و پلیس بریتانیا

همان‌طور که در قسمت تقدیر و تشکر توضیح داده شد، این کتاب ویرایش اصلاح شده نسخه قبلی است که برای بخش دانش جرم‌موسسه جیل داندو در دانشگاه لندن تهیه کردیم. ما اصطلاحات و املاهای انگلیسی (بریتانیایی) را حذف و بسیاری از مثال‌های امریکایی را جایگزین مثال‌های انگلیسی نموده‌ایم. ولی شما هنوز بسیاری از این منابع و مراجع را می‌توانید در مسائل انگلیسی پیدا کنید. به خصوص، به طور مکرر به ذکر نام وزارت کشور بریتانیا که معادل وزارت دادگستری کشور امریکاست برخورد خواهید خورد. به طور کلی این وزارت‌خانه مسئولیت مسائل مربوط به جرم و دادگستری در انگلیس و ویلز را بر عهده دارد، که این امر شامل پلیس نیز می‌شود. تنها چهل و سه یگان پلیس، برای جمعیتی در حدود پنجاه میلیون نفر، در انگلیس و ویلز وجود دارد، بنابراین نیروهای انتظامی به مراتب بزرگ‌تر از اکثر ادارات پلیس امریکا هستند. همچنین در پلیس انگلیس، یکپارچگی و انسجام بیشتری در خط‌مشی، ساختارهای درجه‌نظامی، تجهیزات و صف‌آرایی و آرایش به چشم می‌خورد. این امر تا حدود زیادی به دلیل نظارت انجام شده توسط وزارت کشور (که ۵۱ درصد بودجه و اعتبار هر یک از نیروها را فراهم می‌نماید) و کنترل منظم توسط ستوان پلیس‌های (بازرسان) نیروی پلیس ملکه انگلستان است. وزارت کشور انگلستان همچنین بخش اعظم هزینه‌های تحقیق درباره جرم و عدالت کیفری را تأمین می‌نماید و خود، دارای یک واحد پژوهش بسیار بزرگ است که بسیاری از مطالعات مستقیم، کاربردی مربوط به پلیس را منتشر می‌سازد. اخیراً این وزارت‌خانه هزینه انجام کارهای بسیاری درباره انجام امور پلیسی مسئله محور، که شامل نسخه اصل این کتاب می‌شود را نیز تقبل نموده است.

۱- حرفه خود را بازیابی کنید

ممکن است شما نیز مانند اکثر تحلیل‌کنندگان جرائم^۱، تصور کنید که شغلتان، شغلی معمولی یا بی‌اهمیت است. البته شما به تنهایی مسئله جرائم و آثار سوء ناشی از آن را رفع نکرده و اولویت‌های مبارزه با جرائم را تعیین نمی‌کنید، بلکه اطلاعات را به سرعت در اختیار آن دسته از کسانی قرار می‌دهید که در پی یافتن راه‌های بهتر برای دستگیری بزهکاران هستند. شما می‌دانید که به درخواست مأموران پلیس در خصوص کسب آخرین آمار ارتکاب برگرگی^۲ یا سرقت خودرو پاسخ می‌دهید. شما می‌دانید که نقشه‌های حاوی اطلاعات جرائم را در ملاقات‌های هفتگی مطرح می‌کنید تا مأموران پلیس بدانند که در کدام قسمت‌ها به کار بیشتری نیاز است. شما می‌دانید که آمار ماهیانه‌ای را که دیگران برای تنظیم گزارشاتشان نیاز دارند، جمع‌آوری می‌کنید. به بیان دیگر، هنگامی که دیگران رانندگی می‌کنند، شما در صندلی عقب نشسته اید تا هر لحظه که نیاز باشد از شما کمک بگیرند.

نوشتار حاضر به شما کمک می‌کند تا بتوانید نقش مهم خود را بازیابی کنید. حتی کسی که در صندلی عقب نشسته نیز می‌تواند به راننده گمراه کمک کند تا مسیر خود را بیابد. به خاطر داشته باشید که کنترل اطلاعات و توانایی تحلیل آن از مهم‌ترین امور است. شخصی که امور مزبور را فراگیرد یکی از اعضا اصلی تیم می‌شود. اما ما در اینجا از قدرت و منزلت صحبت نمی‌کنیم، به جای آن به مشکلاتی اشاره می‌کنیم که همه مأموران پلیس با آن‌ها مواجه می‌شوند، مانند این‌که چگونه می‌توان مسئله جرائمی که همیشه ارتکاب می‌یابند را رفع کرد. اگر خود را به عنوان عضوی از تیم فرض کنید، با ایفای نقشی ویژه در آن، می‌توانید به رفع این نوع مسئله‌ها کمک کنید. هنگامی که از

۱- Crime analysts

۲- Burglary. در رویه قضایی الزام‌آور (کامن لا) به معنی وارد شدن به خانه دیگری به هنگام شب و به قصد سرقت یا ارتکاب جرم است. در حال حاضر این کلمه کاربرد وسیع‌تری یافته و شامل هر گونه سرقت می‌شود. جرم ورود به ساختمان، کشتی یا خودروی مسکونی (مثل اتومبیل کاروان‌دار) به قصد سرقت، صدمه بدنی، ایراد خسارت یا تجاوز. (دکتر آقایی، بهمن، فرهنگ حقوقی بهمن، ص ۱۹۱، انتشارات گنج‌دانش). مترجم این اثر با کمی اغماض و به منظور اجتناب از استعمال واژه بیگانه، به جای برگرگی، از «سرقت» استفاده کرده است. مترجم.

این نوشتار استفاده می‌کنید، می‌آموزید که چگونه آن نقش را ایفا کنید و خواهید دید که این نقش چقدر ضروری و مهم است.

برای ایفای این نقش اساسی، نیاز است که بیشتر بدانید. اگر چه مهارت‌های پیشرفته رایانه‌ای یا توانایی نقشه‌برداری از اهمیت بالایی برخوردارند ولی ما در اینجا به این‌گونه مسائل اشاره نمی‌کنیم. در اینجا لازم است که بیشتر در مورد خود جرم بدانید، تا در منطقه و اداره خود در زمینه جرم و مسئله‌ها مربوط به آن، فردی خبره باشید. اگر ارتکاب سرقت روند رو به رشدی یابد، شما باید اولین کسی باشید که مطلع شده و وقوع آن را گزارش دهید، سپس آمار آن را تحلیل و نقشه آن را ترسیم کنید و اطلاعات اصلی و مهم آن را استخراج کنید. اگر تردید کنید، دیگران بدون در نظر گرفتن مبانی علمی و حقیقی، در این مورد اظهار نظر خواهند کرد. شما باید فردی واقع‌گرا و آشنا به مسئله‌ها مربوطه بوده و در اسرع وقت و با استفاده از بهترین ابزار ممکن، نکات مهم را استخراج کنید. اغلب این موضوع به معنی فراتر رفتن از حدود اطلاعات پلیسی است. نوشتار حاضر به شما می‌گوید که چگونه می‌توانید از سایر منابع اطلاعاتی، از جمله مصاحبه با بزه‌دیدگان، بزه‌کاران و آمار ثبت‌شده جرائم توسط اصناف استفاده کنید. راهکار اول این است که اطلاعات زیاد و موثقی داشته و در عین حال مشاوره نیز بدهید. این که آیا می‌توانید این کار را انجام دهید یا خیر، به این بستگی دارد که رؤسای شما تا چه اندازه به شما آزادی عمل دهند، اما حداقل می‌توانید پیشنهاداتی را ارائه و یا از پیشنهادات دیگران با اطلاعات و داده‌های موجود حمایت کنید.

به ویژه باید بدانید که چه اقدام‌های در انجام امور پلیسی کارساز بوده و چه مسائلی مؤثر واقع نمی‌شود؟ گشت‌های نامنظم پلیس چقدر مؤثر واقع می‌شوند؟ هر چند وقت یکبار پلیس با جرمی رو به گسترش مواجه می‌شود؟ چند مدت یکبار با تلاش صبورانه کارآگاهان یا مدارک ارائه شده توسط پزشکی قانونی مسئله جرمی رفع می‌شود؟ تعقیب و مراقبت و انجام امور پلیسی چقدر در دستگیری و بازداشت

مؤثر است؟ چقدر از وقت پلیس صرف برخوردهای توام با شدت عمل می‌شود؟ نرخ دستگیری در جرائم مختلف چقدر است؟ چه میزان از انواع جرائم به پلیس گزارش شده است؟ دانستن پاسخ این سؤال‌ها به شما می‌گوید که چرا سخت‌کوش‌ترین مأموران پلیس نیز کمابیش در امر پیشگیری از جرم ناموفق‌اند و چرا مأموران پلیس، به طور روز افزون به انجام امور پلیسی مسئله محور^۱ روی می‌آورند.

هدف اصلی این نوشتار این است که شما را با انجام امور پلیسی مسئله محور و نقش مهمی که شما می‌توانید در اجرای آن ایفا کنید، آشنا کند. همچنین چگونگی تفکیک امور پلیسی مسئله محور از انواع انجام امور پلیسی جامعه محور^۲ را به شما می‌آموزد. از طرف دیگر به شما نشان می‌دهد که چگونه انجام امور پلیسی مسئله محور می‌تواند از طریق جرم‌شناسی محیطی^۳ و پیشگیری وضعی مؤثرتر واقع شود. در واقع انجام امور پلیسی مسئله محور، چهار مرحله یک طرح مسئله محور، شامل «بررسی مسئله جرم»، «تحلیل دقیق مسئله مورد نظر»، «پاسخ به مسئله از طریق اجرای راهکارها» و «ارزیابی نتایج حاصل از طرح» را توصیف می‌کند. همچنین اطلاعات مورد نیاز در مراحل فوق را ارائه داده، نهایتاً استدلال‌هایی را در اختیارتان می‌گذارد که در هر چهار مرحله بتوانید عضو مؤثری از تیم حل مسئله باشید.

در مراحل «طراحی مسئله محور» باید بر روی طرح مورد نظر، در مقایسه با نقش سنتی (قبلی) تحلیل‌گرایانه خود وقت بیشتری صرف کنید. ممکن است شما هفته‌ها یا ماه‌ها وقت خود را صرفاً صرف یک طرح حل مسئله نمائید، در حالی که تنها چند ساعت وقت لازم باشد که نقاط بحرانی سرقت را روی نقشه ترسیم و یا گزارش ماهانه‌ای تنظیم کنید. حدود یک‌سال طول می‌کشد که نتایج حاصله را با جزئیات مربوط به آن ارزیابی کنید، البته اگر بخواهید این موضوع را برای مأمورانی که برای

۱ - problem oriented policing - این عبارت اشاره دارد به انجام امور پلیسی (روند حفظ نظم و امنیت توسط پلیس) از طریق تغییر شرایطی که باعث ازدیاد نرخ تکرار جرم می‌شود. در این روش با اجرای راهکارهایی نظیر گشت‌های نظارتی، درصددند از وقوع وقایع (مسئله‌ها) پیشگیری شود. م.

۲ - community policing

۳ - criminology environmental

مشاوره به شما رجوع می‌کنند نیز توضیح دهید. باید زمان بیشتری را صرف کنید. در ابتدا ممکن است تعجب کنند که شما مدت بسیار طولانی را تنها صرف یک طرح نموده‌اید، اما طولی نمی‌کشد که این کار شما را به جهت انجام چنین تلاش ارزشمندی تصدیق می‌کنند.

اگر نتایج ارزشمند حاصل از تلاش خود را با دیگران در میان نگذارید، وقت خود را تلف نموده‌اید. قسمت‌های بعدی این نوشتار به شما می‌گوید که چگونه می‌توانید با مطرح کردن موضوع مورد تحلیل و یا استفاده از نقشه‌ها و نمودارهای ساده ارتباط مؤثری برقرار کنید. سخنرانی‌های دوره‌ای، باید در دستور کار شما قرار گیرد، اما باید همیشه محدوده اطلاعات خود را توضیح داده و به مأموران بگوئید که در کدام موارد، پیشنهادات شما بر مبنای بهترین حدسیات ممکن بوده است تا حقایق موجود.

با این همه، نوشتار حاضر نمی‌تواند همه آنچه را که باید بدانید به شما گفته و یا در رفع مسئله‌ها، شما را تحلیل‌گر کند. همواره باید تلاش کنید که مهارت‌های حرفه‌ای و تخصصی خود را افزایش داده و با استفاده از آخرین پیشرفت‌های رشته‌های مرتبط، همیشه به روز باشید. برای یافتن راه‌های مؤثرتر جهت کسب اطلاعات و تحلیل آن، باید ابتکار عمل به خرج داده و به محض این‌که از انجام کارهای روزمره فراغت یافتید، در راستای رفع مسئله وقت بیشتری صرف کنید. باید مطالعه خود را گسترش داده و سایر منابع اطلاعاتی را نیز بررسی کنید. مطالعه سایر منابع نیز در این نوشتار توصیه شده، اما نباید فقط به همین منابع اکتفا کرد. یک راه مناسب برای انجام این کار، برقراری ارتباط با تحلیل‌گران ادارات دیگر از طریق شبکه و شرکت در نشست‌های تخصصی تحلیل‌گران، پلیس و یا جرم‌شناسان است. تلاش کنید آموخته‌های ارزشمند و جدید خود را در چنین نشست‌هایی انتقال دهید.

در هر حال باید خود را بیش از متخصص فنی و یا خبره در به‌کارگیری و ارائه اطلاعات بدانید. باید بیشتر مانند محقق عمل کرده و با اتکاء بر نکات علمی، در جهت

مؤثرتر کردن انجام امور پلیسی^۱، پیشنهادهاتی را ارائه نمائید. به همین دلیل، بدانید که شما صاحب حرفه روشنگرانه‌ای بوده (از این نظر که در تحلیل مسئله مورد نظر و ارائه راهکارها به صورت مؤثری عمل می‌کنید) و می‌توانید به توسعه و پیشرفت کمک کنید.

شغل خود را بازبینی کنید:

- متخصص جرم باشید.
- بدانید که در انجام امور پلیسی چه کاری می‌توانید انجام دهید.
- روش‌های حل مسئله را افزایش دهید.
- عضوی از تیم بررسی مسئله باشید.
- جرم‌شناسی محیطی را بیاموزید.
- مهارت‌های مطالعاتی خود را گسترش دهید.
- به صورت مؤثری ارتباط برقرار کنید.
- توانایی‌های حرفه‌ای خود را افزایش دهید.

۱ - مجدداً خاطر نشان می‌شود که منظور از «انجام امور پلیسی»، نظارت و کنترل پلیس بر جامعه و در حدود وظایف و اختیارات قانونی یا به عبارت دیگر، روند دائمی حفظ نظم عمومی و امنیت است. م.

۲- کارشناس جرائم محلی شوید

- هر چند وقت یکبار در حین کار مسئله های زیر به ذهنتان خطور می کند؟
- چه محل هایی برای سرقت خودرو مناسب هستند؟ (منطقه جرم خیز سرقت)
 - از کدام سوپرمارکت های ۲۴ ساعته مرتب سرقت می شود و چرا؟
 - سارقان چه اجناسی را از مغازه ها می ربایند و آنها را کجا می فروشند؟
 - آیا نرخ ارتکاب جرم در خیابان هایی که روشنایی مناسب دارند، کمتر است یا خیر؟
 - کدام یک از مجتمع های مسکونی، محل خرید و فروش مواد مخدر هستند؟ ممکن است نتوانید به برخی از این سؤال ها پاسخ دهید، اما فرض کنید که در حوزه انتظامی خود نسبت به جرائم بومی، خبره هستید و هیچ کس نمی تواند در جایگاه شما باشد:
 - مأموران جزء آن قدر مشغله دارند که نمی توانند به تماس های تلفنی پاسخ دهند.
 - کارآگاهان به موضوع های خاص رسیدگی می کنند.
 - گروه بانها، بر اعمال کارکنان خود نظارت دارند.
 - ستوانها بر گشتی های حوزه انتظامی نظارت دارند.
 - فرمانده، معاونان وی و سروانها مشغول تحلیل مسئله و موضوع های اداری هستند.
- خلاصه می توان گفت که هیچ کس نمی تواند همه جزئیات مربوط به صحنه جرم را متوجه شده و به دید یک کارشناس بنگرد. اما اگر شما در جرائم محلی کارشناس باشید، این تخصص به شما کمک می کند که اداره خود را به پایگاهی اطلاعاتی در راستای به کارگیری راهکارهای کاهش جرم تبدیل کنید. با این روش، میزان آگاهی شهروندان در

شناسایی بزهکاران و همراهکاری با اقدام‌های پیشگیرانه ارتقا می‌یابد. در واقع شما به عده زیادی از افراد از طریق جمع‌آوری و ارائه اطلاعات موثق کمک می‌کنید.

برای این‌که کارشناس جرائم محلی شوید، باید به طور مرتب با کارکنان مجموعه جلسه داشته و با مأموران درباره آنچه که در مأموریت‌هایشان مشاهده می‌کنند بحث و گفت‌وگو کنید. به خاطر داشته باشید که مأموران شیفت شب با روز، همچنین مأمورانی که در نقاط مختلف شهر مشغول خدمت هستند، با هم در تماس نبوده و به ندرت یکدیگر را می‌بینند. آنها غالباً در این جلسه‌ها، درباره جزئیات شغل خود صحبت می‌کنند نه اجرای قوانین و مقررات. مثلاً درباره این‌که چه چیزهایی باعث عصبانیتشان می‌شود، نه برنامه‌های شغلی و روزمره. اما باید دانست که بحث از برنامه‌های روزمره، از مباحث اصلی تجزیه و تحلیل‌های جرم محسوب می‌شود.

سعی کنید برخی مواقع در اطراف شهر گشتی بزنید، با این کار نه تنها با اطلاعات ارائه شده توسط مأموران به صورت عملی مواجه می‌شوید، بلکه موقعیت کاری و مشکلاتی که آنها در خیابان‌ها با آن درگیرند را بهتر درک می‌کنید. مت‌وایت (جرم‌شناس) و جکسون ویل (کلانتر فلوریدا) پیشنهاد می‌کنند که به هنگام تحلیل جرم از لپ‌تاپ‌های حاوی اطلاعات جغرافیایی GIS استفاده کنید. در این صورت به راحتی می‌توانید اطلاعات خود را در مورد نقاط مختلف، با گزارش‌های ارائه شده توسط مأموران مقایسه کنید.

«صحنه جرم» در جرائم وخیم، از اهمیت خاصی برخوردار است، اما در مورد جرائم عادی این‌گونه نیست. شما می‌توانید با مشاهده این صحنه‌ها اطلاعات زیادی را جمع‌آوری کنید، به خصوص وقتی که در حال بررسی و رفع مسئله جرم خاصی هستید. مقایسه گزارش واقعه با مشاهدات خودتان می‌تواند بیانگر برخی جزئیات مهم ثبت نشده در گزارش وضعیت و اوضاع و احوال مربوط باشد. همچنین این اشکال می‌تواند ناشی از نقص فرم‌های گزارشی باشد که از پیش تنظیم شده‌اند. بنابراین شما

می‌توانید با وجود این اطلاعات جدید پیشنهاد دهید که سؤال‌ها و شکل فرم‌های مزبور به گونه‌ای تنظیم شود که اطلاعات کاربردی و دقیق‌تری را ثبت کنند. در این صورت، شناسایی بزهکاران و دستیابی به راه‌های پیشگیری از ارتکاب چنین جرائمی راحت‌تر خواهد بود.

سعی کنید که به جدیدترین گرایش‌ها در ارتکاب جرم و نحوه ارتکاب آن آگاه باشید. مجموعه گزارش‌های جرائم را هر هفته مطالعه کنید، شاید نکات جدیدی عایدتان شود. همچنین سعی کنید به اقدام‌ها و عملکردهای ناموفق نیز توجه داشته باشید. (به جدول رجوع کنید) برخی از بزهکاران برای ارتکاب جرم از روش آزمون و خطا استفاده می‌کنند، این مطلب را زمانی متوجه می‌شویم که بسیاری از راه‌هایی که بزهکاران برای ارتکاب جرم به کار می‌برند، ناموفق بوده و در نهایت هیچ منفعتی عایدشان نمی‌شود. استفاده از روش آزمون و خطا مثلاً در مورد تقلب در ماشین‌های فروش بلیط یا خودپردازها، برای بزهکاران با مشکلات فراوانی همراه است، اما به محض یافتن راه ارتکاب جرم، به سرعت همه بزهکاران این روش را فرا می‌گیرند. اگر شما با روش‌های آنها آشنا باشید، آنگاه می‌توانید پلیس و افراد دیگر را نیز نسبت به آن آگاه سازید.

در اکثر اوقات مسئله جرائم بومی، در مناطق دیگر نیز وجود دارد، ممکن است نیروهای شما با نوعی سرعت از ساختمان مواجه شوند که قبلاً هرگز آن را تجربه نکرده‌اند. اما مطمئن باشید که در سایر مناطق، جرائم مشابه این جرم وجود دارد، و به همین دلیل است که آگاهی از تغییر آماج (سوژه) جرم و شیوه‌های ارتکاب جرم مهم است. اینترنت یکی از بهترین منابع برای آشنایی با جرائم مشابه در سایر مناطق است. همچنین باید از همکاران کارشناس خود در حوزه‌های انتظامی مجاور درخواست همکاری کنید، چرا که ممکن است آنها مسئله کنونی شما را تجربه کرده و گروهی بزهکار نیز مشابه بزهکاران مورد نظر شما در اختیار داشته باشند.

صرفاً به اطلاعات پلیس متکی نباشید، چرا که بسیاری از مردم در مورد جرم مورد نظر

شما اطلاعاتی بیش از پلیس دارند. برای مثال:

- مدیران مدارس در مورد قلدری و خرابکاری‌های خلاف مقررات مدرسه، اطلاعات مناسبی دارند.
- صاحبان مشاغل و حِرَف کوچک، در مورد مسئله‌هایی که با آن مواجه می‌شوند، کاملاً آگاه و هوشیار هستند. برای مثال داروفروشان به خوبی می‌دانند که چه جنسی از داروخانه آنها به سرقت رفته و یا این‌که افراد مست به چه منظوری در اطراف مغازه آنها پرسه می‌زنند.
- کارکنان اورژانس، روزانه با افراد زیادی مواجه می‌شوند که در اثر ارتکاب جرم مجروح شده و به پلیس گزارش نداده‌اند.
- مراکزی که از زنان بزه‌دیده و بی‌خانمان نگهداری می‌کنند اطلاعات زیادی در خصوص خشونت‌های خانوادگی دارند.
- غالباً محافظان شخصی اولین اشخاصی‌اند که درگیر حوادث خاص شده و می‌توانند اطلاعاتی کلی از جرائم بومی در اختیار شما قرار دهند.

خود بزه‌کاران، منابع شگفت‌انگیز اطلاعاتی محسوب می‌شوند. البته آنها غالباً از پذیرش رفتار ارتكابی خود سرباز می‌زنند، اما معمولاً در مورد چگونگی ارتكاب آن اطلاعاتی را در اختیارتان خواهند گذاشت. بزه‌کاران در مورد ترفندهای ارتكاب جرم کمتر صحبت می‌کنند و چنانچه در این مورد صحبت کنند دقیقاً به شما خواهند گفت که چگونه آماج جرم (مجنی علیه، اموال و...) خود را انتخاب می‌کنند، اشیاء گران‌قیمت ربوده شده را کجا می‌فروشند و این روزها به دنبال چه سوژه‌هایی هستند و... از همکاران پلیس خود بخواهید که این‌گونه اطلاعات را از بزه‌کاران جمع‌آوری و در اختیار شما قرار دهند، چرا که گاهی اوقات بسیار مفیداند.

و در آخر، بزه‌دیدگان می‌توانند اطلاعات خوبی در مورد جرم در اختیار شما قرار دهند. البته در مورد جرائمی چون سرقت نمی‌توانند زمان دقیق ارتكاب جرم را در اختیار

شما قرار دهند، اما می‌توانند بگویند که سارقان از کجا به زور وارد شده، چه چیزهایی ربوده شده و کدام طبقه از ساختمان یا اتاق دست نخورده باقی مانده و غیره.

چگونه کارشناس جرائم محلی شوید:

- رایانه خود را کنار بگذارید.
- با مأموران در مورد مشاهداتشان صحبت کنید.
- حوزه انتظامی خود را بازدید کرده و با کارکنان خود جلسه بگذارید.
- از صحنه‌های جرم بازدید نمائید و گزارش‌ها را بررسی کنید.
- اقدام‌ها و عملیات‌های ناموفق را بررسی کنید تا بدانید که دقیقاً چه اتفاقی افتاده است.
- با مسئولان تراز اول شهر صحبت کنید تا با مشکلات مورد نظر آنها نیز آشنا شوید.
- با صاحبان مشاغل و محافظان شخصی تبادل اطلاعات کنید.
- با کارشناسان جرم در شهرهای مجاور در ارتباط بوده و در خصوص تغییر آماج جرم و شیوه‌های ارتکاب جرم از آنها سؤال کنید.
- از مأموراتتان بخواهید که از بزهکاران در مورد روش‌های خاص خودشان مصاحبه کنند.
- از بزه‌دیدگان، زمان و مکان دقیق ارتکاب جرم و همچنین چگونگی ارتکاب آن سؤال کنید.
- با ارائه پیشنهادات مفید به بهبود یافتن سؤال‌های موجود در فرم‌های مربوط به بررسی حوادث (جرم و...) و وضعیت کلی آنها کمک کنید.

از نتایج اقدام ها و عملیات های ناموفق عبرت گرفته و بر اندوخته های قبلی خود بیفزایید

اداره چولاویستا، حوزه مرکزی پلیس کالیفرنیا، دریافت که روند روبه رشد ساخت مجتمع های مسکونی اطراف شهر می تواند ارتکاب سرقت در این اماکن مسکونی را تشدید کند. واحدهای مسکونی مذکور برای زوج هایی در نظر گرفته شده بود که مدت زمان زیادی از روز را بیرون از خانه به سر برده و شرایط برای ارتکاب سرقت کاملاً مهیا بود. بنابراین پلیس تصمیم گرفت که تأثیر تدابیر پیشگیرانه و تأمینی حاضر را بررسی کند تا مشخص شود که کدام یک از این روش ها برای برقراری امنیت منازل مناسب تر بوده یا می تواند به مالکان آنها پیشنهاد شود. کتی پرسیاگا، یکی از کارشناسان جرم، سرقت های ارتکاب یافته در ۱۸ ماه گذشته نسبت به پانصد و شصت و نه باب منزل را با تدابیر ناموفق انجام شده در این مدت مقایسه کرد. نتیجه حاصل از این تحقیق نشان داد که از قفل های کلید خور، باید در هر دو سمت درهای ورودی این منازل استفاده شود. مصاحبه های انجام شده با دویست و پنجاه نفر بزه دیده و پنجاه نفر سارق نشان داد که هیچ یک از سارقان برای ورود به منزل، تلاشی جهت شکستن شیشه های دوجداره نکرده اند. با روشن شدن این موضوع، پلیس به تمام ساکنان منازل، پیشنهاد داد که از شیشه های دوجداره استفاده کرده و بدین طریق «ورود به عنف» را سخت تر کنند.

تأثیر	سرقت های تام (با موفقیت ارتکاب یافته اند)	شروع به سرقت (عدم موفقیت در سرقت)	تدابیر و اقدام ها
منفی	۲۸٪	۲۹٪	چراغ ها خاموش
منفی	۲۶٪	۲۹٪	چراغ ها روشن
منفی	۹٪	۱۱٪	چراغ های زماندار
منفی	۲۸٪	۲۵٪	قفل در ورودی
مثبت	۱۵٪	۲۹٪	قفل های در ورودی و کناری
مثبت	۲۳٪	۳۶٪	دستگاه حس گر بیرونی
مثبت	۹٪	۱۸٪	دوربین مدار بسته
مثبت	۱۹٪	۳۶٪	آژیرهای خطر کنترلی

واژه «مثبت» مذکور در قسمت تأثیر، به معنی فزونی شروع به سرقت های ناموفق نسبت به سرقت های ارتکاب یافته است.

۳- عوامل مؤثر در انجام امور پلیسی را بشناسید

اقدام‌های که موجب می‌شود عملکرد پلیس مؤثر واقع شود، گویای این امرند که تحلیل جرائم در انجام امور پلیسی در قرن بیست و یکم نقشی حیاتی ایفا می‌کند. درک مطالب زیر به شما کمک می‌کند تا از دانشی بهره‌مند شوید که متخصصان پلیس در سه دهه اخیر فراگرفته‌اند.

بسیاری از تحقیقات عملکردهای مؤثر پلیس در کاهش نرخ جرم را از سایر عملکردهای او تفکیک کرده‌اند. اخیراً فرهنگستان ملی علوم^۱، جمعی از متخصصان علوم اجتماعی را به کار گرفته تا مروری بر کلیه تحقیقات پلیس به ویژه مسئله عملکرد مؤثر پلیس، داشته باشند. نمودار پایان این بخش نیز برگرفته از همین گزارش است رویکردهایی که کمترین تأثیر را در کاهش جرائم داشته‌اند در ربع پائینی سمت چپ نمایش داده شده و مؤثرترین رویکردها در ربع بالایی سمت راست نشان داده شده‌اند.

در گوشه پائینی سمت چپ نمودار شاهد مدل استاندارد انجام امور پلیسی هستیم که از مؤثرترین تدابیر نظارتی در امریکای شمالی است. از ویژگی‌های "مدل استاندارد" اتکا بر اجرای قوانین^۲ و عدم تمرکز است. در این مدل بحث گشت‌های کلی پلیس مطرح می‌شود که هدف آنها عبارت است از: باز داشتن بزهکاران از ارتکاب جرم، پاسخ فوری به طیف وسیعی از تماس‌های تلفنی برای ارائه خدمات پلیسی، پی‌جویی جرائم و انجام دیگر فعالیت‌های مربوط به اجرای قانون که در اجرای آنها باید بین خصوصیات افراد، مکان‌ها و زمان‌ها و موقعیت‌ها، تمایز قائل شد. افکار عمومی، مقام‌های رسمی و مطبوعاتی که مدل استاندارد را حمایت کرده‌اند، معتقدند که برای کاهش نرخ جرم باید تعداد مأموران پلیس افزایش یابد و زمان پاسخ‌گویی کاهش یافته، حضور فیزیکی پلیس بیشتر شود و میزان موفقیت او در انجام تحقیقات و دستگیری‌ها نیز افزایش یابد. در این راستا، مسئله مهم دیگر

۱- The National of Sciences

۲- Law enforcement

این است که مقام‌های رسمی و مطبوعات به دنبال تعیین دقیق مسئله‌ها زیر نیستند: چه کسی، چه، کی، کجا، چرا و چگونه جرائم ارتکاب می‌یابند، وجه تمایز میان انواع جرائم چیست، کدام‌یک از مراجع و نهادهای خصوصی و دولتی به موضوع جرائم می‌پردازند و چه راهکارهای دیگری غیر از اجرای صرف قانون وجود دارد.

برخی از جدیدترین تحقیقات در مورد تأثیر به کارگیری پلیس، به بررسی ابعاد مختلف مدل استاندارد پرداخته‌اند. بنابراین تحقیقات، اجرای مدل استاندارد تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر جرم، بی‌نظمی‌های اجتماعی و ترس از جرم و احساس عدم امنیت ندارد. گشت‌های نامنظم پلیس، پاسخ‌گویی سریع، پیگیری تحقیقات و بازداشت‌های پلیسی ممکن است برای دستیابی به اهداف دیگر بسیار مؤثر واقع شوند، اما نباید انتظار داشت که این اعمال تأثیری بر نرخ جرائم و بی‌نظمی‌های اجتماعی داشته باشند. همچنین دلیل محکمی مبنی بر این‌که الزام پلیس به انجام چنین اموری می‌تواند نرخ جرائم را تحت تأثیر قرار دهد وجود ندارد. بنابراین تحقیقات انجام شده برای این‌که تدابیر پلیسی، نرخ جرائم را تحت تأثیر قرار دهند باید مبتنی بر دو عامل زیر باشند، این دو عامل که در محورهای نمودار نمایش داده شده عبارت است از:

۱) تدابیر مورد نظر در هنگام مواجهه با جرائم، باید به صورت مختلفی اجراء شوند. این بدان معنی است که نباید فقط با تکیه بر اجرای صرف قانون به انجام امور پلیسی پرداخت، بلکه باید با استفاده از طیف گسترده‌ای از انواع راهکارهای موجود، جرائم را بررسی کرد. این نظریه در محور عمودی جدول نمایش داده شده است. برخی دلایل نشان می‌دهند که انجام امور پلیسی به صورت مذکور و بدون توسل به اجرای صرف قانون، تأثیر به‌سزایی در کاهش جرائم و بی‌نظمی‌های اجتماعی خواهد داشت^۱. بنابراین، نکته زیر را باید از اصول اساسی فعالیت‌های پلیسی تلقی کرد: «هرچقدر پلیس شهروند محورتر بوده و برخوردهای او خارج از حیطه برخوردهای سازمانی باشد، تأثیری بیشتری بر ارتکاب جرائم خواهد

۱- اجرای صرف قانون توسط پلیس عموماً جنبه خشن و قهر آمیز دارد، بنابراین منظور نگارنده محترم از عدم توسل به اجرای صرف قانون، در نظر گرفتن مسئله‌هایی چون مداخله و مشارکت جامعه مدنی، نهادها و موسسات دولتی و خصوصی مرتبط، با امور پلیسی در انجام اقدام‌های پلیسی و افزایش برخوردهای ارشادی او است. م.

داشت.»

۲) عامل دوم که در مؤثر واقع شدن انجام امور پلیسی ضرورت دارد، تمرکز است، این عامل در محور افقی نمودار نمایش داده شده است. مطابق برخی مدارک معتبر، در رأس قرار گرفتن «اجرای قانون» توسط پلیس در یک حوزه جغرافیایی، در نقاط جرم‌خیز حداقل در کوتاه مدت می‌تواند مؤثر واقع شود. برای مثال می‌توان به گشت‌های پلیسی اشاره کرد، این گشت‌ها در محل‌های کم‌وسعت با نرخ بالای ارتکاب جرم (مانند گوشه خیابان‌ها، محوطه جلوی ساختمان‌ها) تأثیر اندکی بر ارتکاب جرائم و تأثیر زیادی بر کاهش بی‌نظمی‌های اجتماعی دارد. این گشت‌ها می‌تواند با دستگیری‌های فراوان و یا حتی بدون دستگیری انجام شود. سیستم Comp Stat^۱ و دیگر فن‌آوری‌های اواخر دهه ۱۹۹۰ در صدد برآمده‌اند که از مزایای حاصل از این یافته‌ها بهره‌مند شوند. اداره خدمات امور پلیسی جامعه محور^۲، راهنمای مسئله محوری را در مواقعی که شدت عمل پلیس و دیگر تدابیر مرتبط، تأثیر به‌سزایی گذارده و یا اصولاً کارساز واقع نمی‌شوند، منتشر کرده است.

اگر تعداد اندکی از بزه‌کاران، مرتکب بیشترین جرائم و بی‌نظمی‌های اجتماعی در منطقه‌ای شوند، به نظر می‌رسد جابجا کردن آنها موجب کاهش نرخ جرائم خواهد شد. البته تحقیقاتی که صحت این اصل را بررسی کرده بسیار ضعیف‌اند، بنا بر این به طور قطعی نمی‌دانیم که آیا برنامه‌های مربوط به تکرار کنندگان جرم (مثلاً جابجایی آنها)، در عمل کارساز واقع می‌شود یا تنها یک ایده امیدبخش است و در عمل تأثیر چندانی نخواهد داشت.

در انجام امور پلیسی مسئله محور از هر دو عامل مذکور استفاده می‌شود، تلفیقی از رویکردهای متنوع (مذکور در عامل اول) به همراه عملکرد متمرکز مذکور در عامل دوم. این موضوع چقدر مؤثر است؟ متخصصان با استفاده از روش استقرا حجم انبوهی از اسناد و مدارک را ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که این تلفیق (عامل اول و دوم) حتماً نرخ

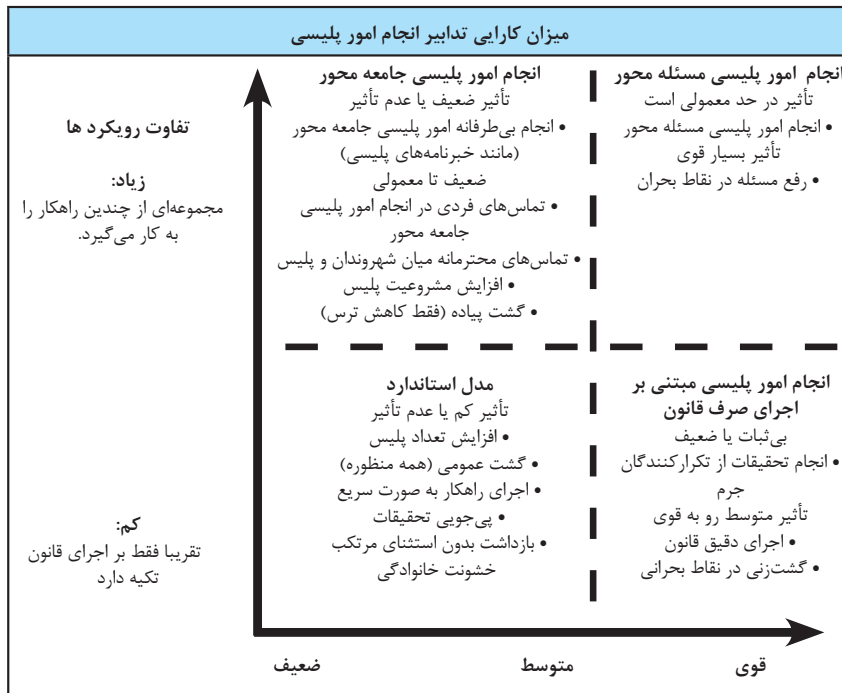
۱- یک سیستم مدیریت پلیسی است که برای اولین بار در شهر نیویورک انجام شد. در این سیستم از آمار و اطلاعات به روز مربوط به جرم استفاده شده (اغلب این اطلاعات با سیستم اطلاعات جغرافیایی پردازش می‌شود) و هدف آن تسلط و احاطه از نظر جغرافیایی است (برای مثال در حوزه استحفاظی، منطقه، ناحیه). در واقع این سیستم توجه‌کننده کاهش نرخ جرم در منطقه مورد نظر است. م.

۲ - The office of community oriented policing services

جرائم و بی‌نظمی‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد. اول، بسیاری از راهکارهای رفع مسئله زمانی استفاده می‌شود که اجرای صرف قانون موفق به تأثیرگذاری بلندمدت بر نرخ جرائم نبوده، بنابراین نیاز است که شیوه دیگری نیز اعمال شود. جدیدترین مصداق آن، مبارزه پلیس با نرخ بسیار بالای سرقت در آپارتمان‌های نیوپورت نیوز در ویرجینیا بوده است. پس از اجرای راهکارهای متنوع اجرای قانون از قبیل گشت پیاده و برنامه استقرار در ایستگاه‌های کوچک، نتایج کوتاه مدتی عاید پلیس می‌شود. اما مشاهده شد که هر زمان که پلیس در جای دیگری غیر از نیوبرایدفیلد مامور به خدمت می‌شد، نرخ سرقت‌ها دوباره به حالت قبلی باز می‌گشت. بنابراین پلیس به طور ضمنی متوجه شد که رفع این نقیصه تنها با اتخاذ رویکرد حل مسئله امکان‌پذیر بوده و آن نیز مستلزم همکاری شهروندان، اداره نظارت بر اماکن، اداره آتش‌نشانی، و اداره مسکن و توسعه شهری ایالت متحده است. دوم، هنگامی که برخورد مبتنی بر رفع مسئله در نقاط بحرانی جرائم مواد مخدر، با اجرای قانون به صورت سنتی و عرفی در شهر جرسی در نیوجرسی ارزیابی شد، دیوید ویسبرگ و لورن گرین متوجه شدند که اتخاذ این رویکرد تأثیر به‌سزایی داشته است. بنابراین درست است که اجرای صرف قانون، مؤثرتر از اجرای غیر متمرکز قانون (استفاده از سایر عوامل مرتبط به‌جز اجرای قانون) است، اما برخورد مبتنی بر حل مسئله از آن نیز مؤثرتر خواهد بود.

بررسی نتایج تحقیقات سه دهه آخر قرن گذشته، توضیحات واضح‌تری را ارائه می‌دهد. عملکرد مؤثر پلیس به هر دو عامل اجرای صرف قانون و تنوع رویکردها نیاز دارد و کم‌اثرترین نوع انجام امور پلیسی، اقدام‌های بوده که هیچ‌یک از این دو عامل را به کار نبرده‌اند. اگر تنوع رویکردها، بدون «اجرای صرف قانون» استفاده شود، انتخاب رویکرد مناسب کار مشکلی خواهد بود. از سوی دیگر اگر پلیس نقاط جرم‌خیز را محور عملیات‌های خود قرار داده و تنها به اجرای قانون بپردازد، میزان اثربخشی عملیاتش را محدود کرده است. اگر پلیس بخواهد کاملاً مؤثر عمل کند، باید از جزئیات مربوط به موقعیت‌های جرم در راستای کاهش فرصت‌های جرم‌زا بهره‌گیرد. تحلیل‌گران جرائم در به‌کارگیری هر دو عامل زیر نقش بسیار

مهمی دارند: اجرای صرف با استفاده دقیق از روش‌های تحلیلی، کمک ماهرانه به اتخاذ تدابیر مناسب پلیسی‌ای که با تمام جزئیات مسئله منطبق باشد. همین موضوع باعث شده که قرن بیست و یکم به قرن تحلیل جرائم در انجام امور پلیسی معروف شود.



برگرفته از هیئت تحقیقات ملی ۲۰۰۳، انصاف و تأثیر آن در انجام امور پلیسی:

مدارک.

هیئت بررسی تحقیقات عملکرد و انجام امور پلیسی، تدوین شده توسط skogan

wesly

۴- متخصص انجام امور پلیسی مسئله محور شوید

هنگامی که جرم و خیمی ارتکاب می‌یابد، انتظار می‌رود که پلیس به سرعت عکس‌العمل نشان دهد. آنها باید به سرعت در جهت کمک و تسکین بزه‌دیده اقدام و فوراً بزه‌کار را دستگیر کنند. اما هنوز شاهدیم که در بسیاری موارد، پلیس قادر به دستگیری بزه‌کار نبوده و یا اگر متهم را دستگیر کند، گاهی قادر به اثبات اتهام وی نیست. همین‌طور دیده شده که گشت‌های نامنظم که مردم از آنها انتظار دارند، قادر به دستگیری بزه‌کاران نیستند. این بدان معنی است که اکثر اقدام‌هایی که پلیس در راستای تأمین انتظارات عامه انجام می‌دهد، باعث کنترل جرائم نمی‌شود.

اما اگر مردم این واقعیات را بدانند، باز هم متقاعد نمی‌شوند که پلیس اقدام به گشت‌زنی نکرده و یا از کیفیت راهکارها در قبال جرائم وخیم بکاهد. بلکه از پلیس انتظار دارند در عین حال که وظایف سنتی خود را انجام دهد، راه‌های بهتر و جدیدتری نیز برای کنترل جرائم بیابد. در حقیقت این همان چیزی است که فرماندهان پلیس از طریق اجرای سیستم Stat Comp، سیاست عدم تسامح^۱، انجام امور پلیسی جامعه محور و انجام امور پلیسی مسئله محور (که اغلب حل مسئله نیز نامیده می‌شود) قصد انجام آن را دارند. نقش مهم تحلیل‌گران جرائم در ابداعات مذکور و انجام امور پلیسی مسئله محور، باعث معروفیت و شهرت آنها شده و از این رو عملکرد تیمی مهمی به آنها محول شده است.

مفهوم انجام امور پلیسی مسئله محور توسط هرمن گلدشتاین^۲ در سال ۱۹۷۹ بیان شد. نظریه او بسیار ساده و بر این محور استوار بود که اساساً انجام امور پلیسی باید در راستای تغییر شرایطی باشد که موجب تکرار جرم می‌شوند. از طرفی نباید برای رفع مسئله جرم تنها به اجرای راهکار اکتفا کرده و یا این‌که تنها از طریق

۱ - zero tolerance

۲ - Herman Goldstein

گشت‌های پیشگیرانه^۱ از وقوع جرم پیشگیری کرد. البته رجوع مکرر پلیس به اماکنی که قبلاً بارها و بارها کنترل شده و یا بررسی و رسیدگی‌های مکرر به ناهنجاری‌ها و جرائمی که توسط گروهک خاصی^۲ از بزهکاران ارتکاب یافته، پلیس را دلسرد می‌کند. این دلسردی به حدی است که آنها احساس می‌کنند به دلیل حجم زیاد تماس‌ها و انجام امور بیهوده‌ای نظیر رسیدگی به این موارد، تضعیف شده‌اند. برای رهایی از این مخصصه، گلدشتاین توصیه می‌کند که پلیس باید رویکرد حل مسئله اتخاذ کرده و به واسطه آن، چهار مرحله زیر را اجراء کند:

۱- اطلاعات موجود را بررسی تا طرح‌های مربوط به حوادث روزمره را پی‌ریزی و سازماندهی کند.

۲- این طرح‌ها را به طور دقیق تحلیل کند.

۳- راه‌های جدیدی برای کشف روابط علی و معلولی یافته و از این طریق احتمال وقوع این مسئله‌ها را در آینده کاهش دهد. این تدابیر جدید، محدود به شناسایی، دستگیری و تعقیب قانونی بزهکاران (وظایف سنتی و عرفی پلیس) نمی‌شود. انجام امور پلیسی مسئله محور با در نظر گرفتن موازین حقوق جزا و اجرای آن می‌تواند راه‌حلی مفید و مؤثر باشد، همچنین باید در جستجوی راه‌حل‌های دیگری باشد که با همکاری سایر اقشار جامعه مؤثر واقع می‌شوند. از سوی دیگر پیشگیری از جرم را در اولویت امور قرار دهد.

۴- تأثیر اقدام‌ها را ارزیابی و اگر مؤثر واقع نشده‌اند، این فرآیند را دوباره از نو شروع کند. عبارت SARA واژه مخففی است که در راستای حل مسئله به این فرایند چهار مرحله‌ای اشاره دارد: بررسی^۳، تحلیل^۴، راهکار^۵ و ارزیابی^۶.

۱ - Preventive patrols

۲ - منظور نگارنده، گروهی از بزهکاران است که عموماً اعضاء گروه ثابت، تعداد آنها مشخص است و قبلاً نیز سابقه ارتکاب جرم و یا ایجاد ناهنجاری‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی را داشته‌اند. م

۳- Scanning

۴- Analysis

۵- Response

۶- Assessment

بخش‌های بعدی این نوشتار، جزئیات این موارد مطرح و شما متوجه می‌شوید که چرا نقشی اساسی در انجام امور پلیسی مسئله محور ایفا می‌کنید. شمائید که بیشترین آشنایی را با اطلاعات پلیسی دارید، می‌دانید که چگونه به بهترین نحو داده‌ها را تحلیل و نقشه آنرا ترسیم کنید و از این طریق، طرح‌های زیربنایی ارائه دهید. بهتر است برای ارزیابی راهکارهای جدید با استفاده از داده‌ها، از کارشناسان مربوطه مشاوره بگیرید. اگر در شناخت جرائم محلی اهل خبره شوید، آن وقت است که می‌توانید سایر اطلاعات مرتبط با مسئله را بیابید. می‌دانید که در کجای اینترنت اطلاعات مرتبط با کتب تخصصی وجود دارد و یا راهکارهای موفقی را یافته که در بسیاری موارد، استفاده شده‌اند. چگونه از آورده‌های جرم‌شناسی محیطی در راستای تحلیل دقیق مسئله استفاده کنید. چگونه از جابه‌جایی بزهکاری^۱ پیشگیری کرده و میزان آن را اندازه‌گیری کنید. هرگز شاهد کاهش چشمگیر و پایدار مسئله مورد نظر در طرح انجام امور پلیسی مسئله محور نخواهید بود، مگر آن‌که هر روز با این چهار مرحله درگیر بوده و آنها را مدنظر قرار دهید.

ممکن است حل مسئله مشکل باشد، بیشترین مشکل هنگام تحلیل و ارزیابی به وجود می‌آید، دقیقاً همین جاست که می‌توانید بیشترین نقش را ایفا کنید. در واقع از همان ابتدا گلدشتاین نیز چنین استدلال کرده که انجام موفق امور پلیسی مسئله محور به «ظرفیت بالای تحلیلی موجود» در اداره بستگی دارد.

ممکن است شما نیز در مورد این‌که نقش تعیین‌کننده‌ای در پروژه‌های مسئله محور دارید یا ما هم عقیده باشیم، اما پرسید که چگونه می‌توانید در ایفای نقش با توجه به واقعیت‌های شغلی خود موفق باشید؟ چگونه می‌توانید زمانی را به انجام تحلیل‌های دقیق مورد نیاز اختصاص دهید؟ چگونه می‌توانید برای مدت طولانی بر روی پروژه‌ای کار کنید، درحالی که مکرراً از شما خواسته می‌شود گزارش‌های آماری و نقشه‌ها را فوراً تنظیم کنید، مگر قبلاً چنین نبوده؟ چگونه می‌توانید به عنوان یک عضو هم‌رتبه در

تیم پذیرفته شوید درحالی که تنها یک شهروندید؟ چگونه می‌توانید به عنوان یک عضو هم‌رتبه و هم‌تراز عمل کنید، درحالی که رئیس‌تان از شما می‌خواهد که هر تحلیلی را که پیشنهاد می‌کنید ابتدا به تأیید وی برسد و تمام کار شما را مورد بازبینی قرار دهد؟ وقتی که هنوز تحلیل‌هایتان به طور کامل مطرح نشده چگونه می‌توانید با کم‌حوصلگی مأموران برای اتخاذ راهکاری مقابله کنید؟ چگونه می‌توانید آنان را متقاعد کنید که راهکارهایی غیر از شناسایی و دستگیری بزهکاران را بررسی کنند؟ چگونه با انتقاداتی نظیر اینکه «شما بیش از پرداختن به امور کاربردی به تحقیقات تئوری علاقه‌مندید» برخورد می‌کنید؟ و خلاصه ممکن است شگفت‌زده شوید و از خود پرسید که ما در چه سیاره‌ای زندگی می‌کنیم. چرا که مطمئناً به آنچه که تاکنون دیده‌اید هیچ شباهتی ندارد.

اینها سؤال‌های خوبی هستند، اما ما معتقدیم که انجام امور پلیسی همواره در حال تغییر است و شما باید که باید به این تغییرها سرعت ببخشید. هم‌اکنون مسئولان، فشار کاری مأموران پلیس را افزایش می‌دهند تا مؤثرتر عمل کنند، از این رو زمان آن گذشته که رؤسا بگویند اگر منابع بیشتری در اختیار داشتند مانع وقوع جرائم می‌شدند. امروزه حداقل در اداره‌های بزرگ، باید چارتری سازمانی با تمام جزئیات مربوطه از این موضوع طراحی شده و نحوه استفاده از آن دقیقاً توضیح داده شود. هر روز عملکرد آنها از جمله کاهش نرخ جرائمی که پلیس در بسیاری از شهرهای بزرگ ادعا می‌کند به آن دست یافته، بررسی دقیق شده است تا جلوی بهانه‌ها و قصور پلیس را بگیرد.

خلاصه شکی نیست که پلیس روز به روز به داده‌ها بیشتر وابسته می‌شود، از این رو باید از منابع استفاده کرده و به طور مؤثر آنها را مدیریت کند. با فراهم آمدن همین داده‌هاست که می‌توانید امور پلیسی را به صورت مفیدتری انجام دهید. گرچه مجبورید صبورانه کار کنید تا اطلاعات را به موقع و به شکلی که برای سازمان مفید باشد تهیه کنید. اگر چنین عمل کنید و هدف اصلیتان کاهش جرائم باشد، نقشی مهم در انجام امور پلیسی داشته و یکی از اعضای کلیدی تیم انجام امور پلیسی مسئله محور خواهید

شد. همه ما می‌دانیم که پلیس با رویکرد مسئله محوری هر روز بر روی مسئله های جدیدی فعالیت می‌کند که پشت سر هم می‌آیند و به محض این‌که مسئله جدیدتری رخ می‌نماید، به سرعت ناپدید می‌شوند. در این حین بسیاری از مأموران با تجربه، مدتی تظاهر به همکاری کرده و منتظر می‌مانند مدیریت پروژه انگیزه خود را از دست دهد، آن‌وقت است که طبق روال معمول به کار خود باز می‌گردند، اما انجام امور پلیسی مسئله محور تنها گرایشی کلی و غیر مؤثر نیست، بلکه به نتیجه رسیده و ماندگار می‌ماند.

۵- صرفاً امور پلیسی مسئله محور را انجام دهید

برخی از مسئولان پلیس که به انجام امور پلیسی مسئله محور گرایش یافته‌اند، در عین حال از تدابیر دیگری مانند انجام امور پلیسی جامعه محور، انجام امور پلیسی مبتنی بر نظریه پنجره‌های شکسته^۱ و انجام امور پلیسی اطلاعات محور^۲ و Comp Stat نیز بهره می‌جویند. انجام امور مزبور با توجه به چگونگی اجرای آنها، ممکن است با انجام امور پلیسی مسئله محور مطابقت داشته باشند. اما باید توجه داشت که حتی اگر مطابق هم باشند، دقیقاً همانند انجام امور پلیسی مسئله محور نخواهند بود. بدین دلیل دانستن تفاوت‌های میان امور پلیسی مسئله محور با سایر تدابیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

امور پلیسی مسئله محور شیوه‌ای است برای تحلیل و حل مسئله جرم در حالی که امور پلیسی جامعه محور، فلسفه سازمانی گسترده‌تری را بیان می‌کند. انجام امور پلیسی جامعه محور نیز مانند امور پلیسی مسئله محور به «حل مسئله» می‌پردازد، اما در عین حال به توسعه روابط بیرونی با اқشار و نهادهای جامعه نیز می‌پردازد. به علاوه انجام امور پلیسی جامعه محور، به تغییرهای سازمانی که باید در ادارا پلیس انجام شود نیز توجه می‌کند (مانند اتخاذ تصمیم‌های مختلف، پاسخ‌گویی در حوزه جغرافیایی معین، آموزش‌های سازمانی، ارزیابی کارکنان پلیس و...). این تغییرهای سازمانی در راستای حمایت از تدابیر حل مسئله و گسترش روابط اجتماعی و جهت‌گیری‌های خودجوش نسبت به جرم و بی‌نظمی‌های اجتماعی است. بنابراین انجام امور پلیسی جامعه محور بیش از انجام امور پلیسی مسئله محور، تعامل پلیس و مردم را مد نظر داشته و تئوری سازمانی گسترده‌تری را ارائه می‌کند، به طوری که اصول امور پلیسی مسئله محور را نیز در برمی‌گیرد. اگر امور پلیسی جامعه محور درست انجام شود، از طریق آن می‌توان

۱- Broken windows policing

۲- Intelligence -Led Policing

به امور پلیسی مسئله محور نیز پرداخت. اما اگر امور پلیسی جامعه محور، اصول امور پلیسی مسئله محور را اعمال نکند، تأثیر چشمگیر بر کاهش نرخ جرم نخواهد گذاشت.

انجام امور پلیسی مسئله محور نهادهایی را شناسایی می‌کند که در مسئله ای خاص به کمکشان نیاز است، البته در موقعیتی مطلوب، انجام امور پلیسی جامعه محور نیز همین کار را انجام می‌دهد. مثلاً اگر مسئله مورد نظر «حمله و تهدید به ضرب‌هایی» باشد که اطراف ایستگاه‌های اتوبوس ارتکاب می‌یابد، عضوی که حضورش ضروری است اداره امور حمل و نقل عمومی است و اگر مسئله مورد نظر، دله‌دزدی از مغازه باشد به همکاری اصناف نیاز است. عموم مردم، مسئله های کلی را می‌دانند اما افراد خاص (از جمله بزهکاران) نظراتی دارند که در تحلیل مسئله از اهمیت خاصی برخوردار است. مردم در برخی موارد می‌توانند راهکارهای اجرایی ارائه دهند (برای مثال استفاده از قفل‌های کلیدخور و یا ممانعت از پرداخت پول به متکدیان) و در مواردی میزان موفقیت تدابیر حل مسئله برحسب واکنش جامعه معین می‌شود. اما به ندرت پیش می‌آید که جامعه بتواند در امور تخصصی مربوط به تحلیل مسئله، ارزیابی دقیق و ارائه راهکارها کمک چشمگیر کند. علاوه بر همکاری در مسئله های خاص، انجام امور پلیسی جامعه محور به دنبال جلب همکاری گسترده عموم مردم و سازمان‌های دولتی است، تا میزان اعتماد و همکاری عمومی را میان آن‌ها ارتقاء دهد. بنابراین از این نظر روابط انجام امور پلیسی جامعه محور، فراتر از حد روابطی است که در انجام امور پلیسی مسئله محور تعریف شده، از این رو بدیهی است که برخی از روابط آنها با یکدیگر همسو و مشترکند. بنابراین اداره هایی که اصول کلی امور پلیسی جامعه محور را انجام می‌دهند، باید توجه داشته باشند که روابط محدودتر حل مسئله را تضعیف نکنند.

البته تفاوت‌های مذکور هنگامی که منطقه‌ای محروم، موضوع طرح مسئله محور

است مشهود نیستند. در این‌گونه موارد پروژه طرح‌ریزی می‌شود تا مجموعه‌ای از مشکلات که در مجموع مسئله بزرگ‌تری را به وجود می‌آورد، شناسایی شوند. (به راهبرد چهارده رجوع کنید) اما هدف اصلی یک پروژه مسئله محور، به جای ایجاد و گسترش روابط با جامعه، تحلیل مسئله‌هایی خاصی از قبیل محل‌های استعمال مواد مخدر، ارتکاب سرقت در اماکن تجاری است. در این پروژه‌ها نیز میزان تعامل با جامعه تا این اندازه است که هریک از نهادهای جامعه به نحو مؤثری در حل هریک از این مسئله‌ها مشارکت می‌کنند، که البته برای حل هر مسئله، گروه متفاوتی مشارکت می‌نمایند. این همکاری با جامعه هرچه بیشتر توسعه یابد، میزان اعتماد میان پلیس و جامعه را افزایش داده و روند حل مسئله را ساده‌تر می‌کند. البته اگر جامعه از این پروژه‌ها در حد وسیع حمایت نکند، باز هم پلیس باید به طور دقیق به مسئله‌ها بپردازد.

دانستن تفاوت‌های میان انجام امور پلیسی مسئله محور و انجام امور پلیسی مبتنی بر نظریه پنجره‌های شکسته نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. با امور پلیسی مسئله محور می‌توانید برای هر مسئله از طیف گسترده‌ای از مسئله‌ها، راهکارهای خاص خود را یافته و با بررسی دقیق علل پیدایش آن، مسئله مورد نظر را رفع کنید. اما از راهکارهای کلی انجام امور پلیسی برای رفع بی‌نظمی‌های اجتماعی و اعاده نظم استفاده می‌کنند. این رویکرد بر دو اصل استوار است، اولین اصل این است که وقتی جرائم کوچک جمع می‌شوند، زندگی اجتماعی را مخدوش می‌کنند. برای مثال دور ریختن یک برگ کاغذ خیلی قبیح نیست، اما تصور کنید اگر هرکس این کار را انجام دهد، محله به یک زباله‌دانی تبدیل می‌شود. اصل دوم نظریه پنجره‌های شکسته است که جرائم کوچک زمینه و مشوقی برای ارتکاب جرائم بزرگ‌تر محسوب می‌شوند، برای مثال اغلب املاک متروکه یا محصور شده با حصارهای چوبی، به محلی برای معامله مواد مخدر تبدیل می‌شوند و موجب ارتکاب جرائم وخیم‌تری نیز می‌شوند.

این نگرش باعث شده که برخی از شهرهای بزرگ، تلاش بیشتری برای کنترل جرائم کوچک کنند.

اختیارات (آزادی عمل توأم با دقت) لازمه انجام هر نوع امور پلیسی است، برای انجام امور پلیسی مبتنی بر نظریه پنجره‌های شکسته نیز مأموران مستقر در خیابانند که تصمیم‌های مهمی می‌گیرند. (به خاطر داشته باشید که «سیاست عدم تسامح» که شعاری سیاسی است را نباید به اشتباه تفسیر کرد در حقیقت پلیس نباید همه مسئله‌ها را به دستگاه قضایی ارجاع دهد، چون به زودی دادگاه‌ها به واسطه حجم زیاد کار از وظیفه اصلی خود بازمانده و در نهایت موجب رکود کارایی و بی‌تفاوتی مردم می‌شود.) از این رو باید دقیقاً بررسی کرد که کدام‌یک از جرائم کم‌اهمیت به جرائم وخیم تبدیل می‌شود و کدام‌یک خیر؟ برای مثال، مدیران شرکت متروی شهر نیویورک متوجه شدند مرد جوانی که همیشه بدون ارائه بلیط به متصدیان مترو به صورت رایگان سفر می‌کرد، در آنجا مرتکب سرقت مقرون با آزار و تهدید نیز شده است. کنترل جرائم خرد به کاهش جرائم وخیم نیز کمک می‌کند، با وجود این در همین شرکت مترو کسانی که روی دیوارها شعارنویسی می‌کردند مرتکب جرائم مهم‌تری نشدند. در این راستا تلاش مسئولان برای کنترل شعارنویسی بسیار مؤثر واقع شد اما تأثیری بر کاهش سرقت نداشت.

انجام امور پلیسی مسئله محور، به همین جرائم کم‌اهمیت نیز توجه می‌کند، حتی اگر هیچ احتمالی مبنی بر وخیم شدن آنها وجود نداشته باشد. برای مثال تخریب اموال عمومی یا خصوصی در پارک‌ها، ارتکاب سرقت مقرون به آزار را افزایش نمی‌دهد، اما اموال را تخریب کرده و بر همین مبنا باید به آن توجه شود. یا ممکن است رانندگی با سرعت غیرمجاز، گره‌های ترافیکی (ازدحام عبور و مرور) یا سر و صدا دغدغه اصلی ساکنان محله‌ای باشد. به محض این‌که این موارد به حدّ یک مسئله برسند (به راهبرد چهارده رجوع کنید) باید از طریق امور پلیسی مسئله محور علت‌یابی شوند، حتی اگر هیچ احتمالی مبنی بر تنزل و رو به خرابی گذاشتن آن محله وجود نداشته باشد.

تحلیل گران جرائم، نقش اساسی در انجام امور پلیسی اطلاعات محور دارند، تا حدی که حتی هزینه ویژه‌ای را به تأمین اطلاعات صوتی (گفتاری و شنیداری) مورد نیاز برای هدایت این نوع عملیات اختصاص داده‌اند. انجام امور پلیسی اطلاعات محور در درجه اول نوعی مطالعه روش‌شناسی بوده و برای کسب اطلاعات صحیح و مستند استفاده می‌شود. از طرفی قادر به طراحی و اجرای راهکارهای کاهش جرم، آن هم به شیوه SARA نبوده و پلیس نیز در طراحی و اجرای چنین راهکارهایی از امور پلیسی اطلاعات محور استفاده نمی‌کند و نقش مهمی را نیز در این زمینه ایفا نمی‌کند. اما امور پلیسی مسئله محور با پلیس و تحلیل گران جرائم تعامل بیشتری داشته و استفاده از تعداد بیشتری از این متخصصان را توصیه می‌کند.

امور پلیسی مسئله محور مانند Comp Stat نیز نیست، اگرچه در برخی ویژگی‌های کلی شباهت‌هایی با هم دارند. هر دو مورد استفاده پلیس‌اند، اما اجرای Comp Stat مختص نقاط جرم‌خیز است، درحالی که انجام امور پلیسی مسئله محور، قلمرو گسترده‌تری از جرائم را بررسی و تحلیل می‌کند. هر دو برای هدایت عملکرد پلیس از داده‌ها استفاده می‌کنند، اما تنوع داده‌ها تحلیل‌های دقیق از خصیصه‌های انجام امور پلیسی مسئله محور در مقایسه با Comp Stat است؛ چرا که Comp Stat تنها یک موضوع را انتخاب کرده و به سرعت به پاسخ مورد نظر می‌رسد. Comp Stat صرفاً از تدابیر اجرای قانون (اجرای صرف قانون) استفاده می‌کند در حالی که امور پلیسی مسئله محور، در کنار این موضوع از سایر راهکارها نیز دیگر استفاده می‌کند. Comp Stat تأثیر مقطعی بر نقاط جرم‌خیز خواهد داشت، جرم را از بین می‌برد اما به صورت کوتاه مدت، بنابراین برای ثبات اثر آن، باید قانون به صورت دائمی اجراء شود. اما یک رویکرد مسئله محور به دنبال راهکاری بلند مدت است. از Comp Stat به عنوان راهکاری اولیه استفاده می‌شود در حالی که امور پلیسی مسئله محور راهکارهای بلند مدتی را اجراء می‌کند، در نهایت اجرای همزمان این دو رویکرد کارایی بالایی خواهد داشت.

تفاوت های میان انجام امور پلیسی محور و دیگر راهبردها					
گام های ابتدایی	سبک	اصول و دلیل	هدف	کانون توجه	
مسئله هایی را تشخیص می دهد که لازم است به آنها توجه شود.	با توجه به تحقیق میدانی (SARA) اقدام می کند.	پیشگیری مؤثرتر از سایر اقدام های بعدی است.	حذف عوامل پیدایش این نوع مسئله ها	جرائم و مسئله های خاص، تکرار شونده	انجام امور پلیسی مسئله محور
یکی از کارکنان خوش برخورد پلیس را به محله اختصاص می دهد، مسئله هایی را تشخیص می دهد که لازم است به آنها توجه شود. تغییرهای سازمانی را تعیین می کند که برای حمایت از اقدام ها پلیس ضروری است.	با انجام توافق با ساکنان و انجمن های محلی، اعتماد سازی می کند. برای حمایت از اقدام ها، ایجاد تغییرهای سازمانی را به تصویب می رساند. دستی در حل مسئله دارد.	حمایت، عنصر کلیدی در پیدایش کارایی است. تغییرهای سازمانی، برای ایجاد اصلاحاتی دائمی مهم است. حل مسئله، شیوه های نهادینه در برخورد با جرم و بی نظمی های اجتماعی است.	پیشگیری از جرم و بی نظمی به شیوه های که مردم را به وجد آورد. افزایش اعتماد عمومی به پلیس در حمایت از پلیس.	روابط عمومی پلیس، تغییرهای سازمانی، حل مسئله	انجام امور پلیسی جامعه محور
تشخیص محله هایی که اوضاع آنها رو به وخامت می رود.	انجام امور پلیسی به منظور کنترل بی نظمی ها و برقراری نظم.	مسئله را در نطفه خفه می کند.	کنترل اوضاع به نحوی که از تبدیل شدن به جرائم وخیم ممانعت شود.	محله های در حال وخیم تر شدن اوضاع	پنجره های شکسته
توسعه اطلاعات جمع آوری، ارزیابی و تحلیل شده و سپس انتشار آنها.	چرخه جمع آوری، ارزیابی، تدوین، تحلیل و انتشار اطلاعات را ارتقاء می دهد.	فقط وقتی اطلاعات کامل و دقیق باشد مؤثر واقع می شود.	مبنای کار، امور پلیسی است و شگردها بر مبنای اطلاعات دقیق است.	فرایند جمع آوری، تحلیل و انتشار اطلاعات	انجام امور پلیسی اطلاعات محور
نقشه ای از جرائم تهیه می کند که قابلیت پاسخ گویی به مسائل مطرح شده در حوزه جغرافیایی را دارد.	نقاط بحرانی جرائم را با محاسبه کشف می کند و به طور شدیدی اقدام به گشت زنی و اجرای قانون می کند.	کانون های بحرانی کلیه جرائم را کمتر کاهش می دهد.	کاهش کانون های بحرانی جرم	الگوی مکانی دقیق و مقطعی	CompStat

۶- در مورد جرائم خاص دقیق تر باشید

گاهی ممکن است اداره شما در خصوص برخی جرائم خاص، از جمله جرائم مرتبط با خودرو و یا سرقت، شدت عمل بیشتری نشان داده و در این راستا وظایفی از قبیل طراحی نقشه وضعیت جرائم و کسب اطلاعات مورد نیاز برای پشتیبانی طرح را به شما محول کند. اما باید بدانیم که در خصوص این قبیل جرائم نمی‌توان از پروژه «انجام امور پلیسی مسئله محور» استفاده کرد، چراکه جرائم مزبور انواع مختلفی داشته و باید به طور جداگانه بررسی شوند. برای مثال، جرائم خاص اتومبیل می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- سرقت قالباق خودروها برای فروش یا کلکسیون کردن آنها.
- شکستن شیشه خودرو و سرقت اشیای داخل آن.
- شکستن شیشه خودرو و سرقت ضبط و اشیای قیمتی آن.
- سرقت خودرو برای گردش و تفریح.
- سرقت خودرو برای استفاده از آن در ارتکاب سایر جرائم.
- سرقت خودرو و نگهداری آن.
- سرقت خودرو، اوراق کردن و فروش قطعات آن.
- سرقت خودرو برای فروش آن.
- سرقت خودرو به منظور صادرکردن آن از راه‌های دریایی.
- سرقت مسلحانه خودرو.

همان‌طور که در مثال‌های بالا ملاحظه کردید، این جرائم توسط بزهکاران متفاوت و به دلایل، انگیزه‌ها و شیوه‌های مختلف ارتکاب می‌یابند. ربودن قالباق خودرو کار سختی نبوده، عمدتاً توسط نوجوانان انجام شده و ناشی از هوس‌ها و امیال دوره بلوغ است. سرقت خودرو و گردش با آن نیاز به جرأت بیشتری داشته و سارق باید

اطلاعات اولیه در خصوص چگونگی روشن کردن و رانندگی با خودرو را بدانند. سرقت خودرو برای صادرکردن آن نیز یکی از جرائم بسیار پیچیده بوده که ارتکاب آن نیازمند سازماندهی بسیار قوی، برنامه ریزی قبلی و به کارگیری افرادی (باند) در این زمینه است. معمولاً این‌گونه بزهکاران تمایل دارند که شغل مجرمانه داشته باشند، از این رو ارتکاب جرم، حرفه آنان محسوب می‌شود. از طرفی غالباً بزهکاران بسیار سنگدل و بی‌رحم مرتکب سرقت مسلحانه خودرو می‌شوند.

تفاوت‌های مذکور بیانگر این مطلب‌اند که برای حل مسئله‌های مختلف باید از راهکارهای متفاوتی استفاده کرد. نرخ سرقت اتومبیل برای گردش و تفریح، با تعبیه تجهیزات امنیتی مناسب کاهش پیدا می‌کند (که دلیل محکمی بر تأثیر مثبت دستگاه‌های متوقف‌کننده^۱ و در نهایت کاهش سرقت خودرو است). اما همین دستگاه‌ها در پیشگیری از سرقت مسلحانه اتومبیل مؤثر نیستند، چرا که ممکن است بزه‌دیده در اثر تهدید سارقان نتواند ماشین را روشن^۲ و سوئیچ را رها کند. در واقع بعضی از مفسران معتقدند که سرقت مسلحانه اتومبیل^۳ با تعبیه دستگاه‌های متوقف‌کننده افزایش می‌یابد، زیرا ارتکاب این نوع سرقت با روش‌های معمولی ارتکاب جرم امکان‌پذیر نیست. همچنین این متوقف‌کننده‌ها با به‌کارگیری تکنیک‌های پیشرفته خشتی می‌شوند، بنابراین تأثیر بسیار اندکی در کاهش نرخ سرقت خودرو و صادرات آن دارند، از این رو تنها راه‌حل این مسئله کنترل دقیق بندرها و مرزها (گمرک) و مدارک مربوط است، چرا که جعل اسناد و مدارک به مراتب سخت‌تر از سرقت خودرو است.

تجزیه مسئله بزرگ (ناشی از جرم) به مسئله‌ای کوچک‌تر، اولین مرحله از مراحل انجام امور پلیسی مسئله محور است. به عنوان مثال اخیراً در مرکز شهر شارلوت ان‌سی، سرقت خودرو را با امور پلیسی مسئله محور بررسی نمودند، در ابتدای امر مشخص شد که این مسئله عمدتاً در پارکینگ‌ها اتفاق می‌افتد و فقط ۱۷ درصد از سرقت‌ها

۱- Immobilizers

۲ - کنترل دستگاه‌های متوقف‌کننده اتومبیل با تعبیه کلیدی بر روی سوئیچ خودرو بوده که در اثر تهدید سارقان و برداشتن دست از روی خودرو، سوئیچ فعال نمی‌شود.

۳ - سرقت اتومبیل و صادر کردن آن. م.

نسبت به خودروهای پارک شده در خیابانها و منازل ارتکاب یافته است. نتیجه حاصل از آمارگیری از مناطق قابل پارک خودرو نیز بیانگر این بود که خودروهای پارک شده در پارکینگ‌های غیرمسقف، شش برابر بیش تر از خودروهای پارک شده در پارکینگ‌های مسقف در معرض خطرند. (به راهبرد ۲۷ رجوع کنید) این بدان معنا بود که پروژه ای با هدف بهبود امنیت پارکینگ‌ها از طریق نصب روشنایی و حفاظ و مراقبت بیش تر و دقیق تر توسط متصدیان پارکینگ‌ها می تواند به اجراء درآید. نتیجه حاصله پس از اجرای این طرح کاهش نرخ سرقت خودرو از پارکینگ‌ها بوده و در این راستا درصد موفقیت و استفاده صحیح از منابع پلیس نیز افزایش یافت.

شیوه‌ها و منابع موجود برای ارزیابی دقیق میزان کارایی پروژه‌های مسئله محور پلیس بسیار محدود است. از طرفی این گونه پروژه‌ها صرفاً بر روی یک موضوع انجام شده و ضمن صرف هزینه‌های زیاد، مسئله تعداد اندکی از جرائم را حل می‌کنند. البته این مسئله بستگی به میزان وخامت جرم مورد نظر دارد. برای مثال اگر نرخ سرقت قالباق خودروها یا نرخ جرم خاصی، بسیار پایین باشد در این صورت برای حل این مسئله خاص نباید از پروژه امور پلیسی مسئله محور استفاده کرد. از طرفی در بعضی

به دلیل توجه غیرتخصصی و زیاد به طبقه‌بندی انواع جرائم از قبیل: سرقت، سرقت مقرون به آزار و سرقت خودرو در واقع از اصل موضوع (پیشگیری) دور شده و از این رو دستیابی به واقعیت‌ها در مورد شرایط ارتکاب جرم (موقعیت‌ها) امکان‌پذیر نیست. بنابراین توجه به این مسئله نیازمند دقت و تأمل بیش‌تری در حل مسئله و پیشرفت تدریجی در این مسیر است.

به سرقت از اماکن مسکونی بیشتر توجه کنید

بری پوینر و پری وب گفته‌اند که تدابیر و اقدام‌های لازم برای پیشگیری از سرقت اجناس الکتریکی منازل مسکونی کاملاً متفاوت از تدابیر مورد نیاز برای پیشگیری از سرقت جواهرات و پول است. این تفاوت تدابیر به دلیل وجود تفاوت‌های ماهوی میان این دو نوع سرقت است. زمانی که آماج سارقان، پول یا جواهرات است، بدون استفاده از وسائل نقلیه خانه‌های قدیمی مرکز شهر را سرقت می‌کنند. ولی زمانی که هدف سارقان، اجناس و وسائل الکتریکی مانند تلویزیون و VCR است، با استفاده از وسائل نقلیه در شهرک‌های نوساز حومه شهر مرتکب سرقت می‌شوند، زیرا برای حمل اشیای مسروقه نیاز به خودرو داشته و باید خودروی خود را نزدیک منزل مورد نظر پارک کنند اما نه آن قدر که جلب توجه کند. طراحی شهرک‌های مسکونی جدید، شرایط مناسبی برای سارقان فراهم کرده است. به نظر پوینر و وب اصولاً کمبود مراقبت و کنترل جاده‌ها و پارکینگ‌ها از علل اصلی ارتکاب جرائم مزبور است. پیشنهاد آنها برای پیشگیری از سرقت‌های مرکز داخل شهر عبارت است از: تجهیز وسائل امنیتی و حفاظتی در نقاط ورودی شهر.

موارد مانند سرقت از مغازه‌های کنار خیابان، حتی اگر نرخ جرم پایین باشد به دلیل دستاوردهای ارزشمند آن باید از پروژه امور پلیسی مسئله محور استفاده کرد. زیرا ارتکاب این قبیل جرائم منجر به افزایش جرائم وخیم‌تر از جمله قتل عمد و به تبع آن ایجاد رعب و وحشت در جامعه می‌شود.

ارتکاب بعضی از جرائم وخیم مانند تیراندازی در مدارس به قدری نادر است که نمی‌توان آنها را جزء جرائم بومی محسوب کرد و از طریق پروژه امر پلیسی مسئله محور به بررسی آن پرداخت. باید دانست که یکی از فاکتورهای اصلی برای انجام پروژه‌های امور پلیسی مسئله محور، تکرار جرم است که با بررسی آن، علل اصلی و زیربنایی جرم را می‌شناسیم. برای جرائم، پلیس باید از تجهیزات حفاظتی و امنیتی مناسب استفاده کند و راهکار مناسبی برای رفع آن در نظر بگیرد.

هرچند شایسته است که کار را با راه حل آغاز نکنیم اما بررسی راهکارهای مبارزه با برخی جرائم خاص، نویدبخش این است که با طراحی یک پروژه پلیسی مسئله محور می‌توان آن مسئله را برطرف کرد. برای مثال اگر به سرقت‌های مقرون به آزار یا تهدید آخر شب از فروشگاه‌های کنار خیابان بنگریم، قبلاً تحقیق مناسبی در این زمینه انجام شده که نشان می‌دهد حضور دو مامور پلیس در آن محل باعث کاهش نرخ سرقت از این مغازه‌ها خواهد شد. بنابراین شما باید سرقت از مغازه‌های کنار خیابان را در حوزه انتظامی خود بررسی کرده، چنانچه نرخ آنها زیاد باشد اداره خود را به استفاده از پروژه امور پلیسی مسئله محور تشویق کنید، زیرا با انجام این پروژه مطمئناً راه‌حل‌های مؤثری را خواهید یافت.

در نهایت هر قدر درباره مسئله ای اطلاعات بیشتری کسب کنید، راه‌حل‌های مناسب‌تری ارائه داده و جرائم مرتبط را نیز بهتر می‌شناسید. برای مثال زمانی که در حال بررسی «مسئله حمله به رانندگان تاکسی» هستید، به وجود رابطه میان این مسئله با شروع به سرقت مقرون به آزار پی می‌برید. از نظر اقتصادی نیز بسیار مقرون به صرفه است که هر دوی این مسئله‌ها را یکجا بررسی کنید. با استفاده از این روش معیار

مناسبتی به دست می‌آورد که به حل هر دو مسئله کمک می‌کند.

مسئله های جداگانه (نامربوط) و راهکارهای معمول			
مسئله های خاص در مجتمع‌های مسکونی مخروبه باید جداگانه مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرند. از طرفی برای این که از نظر اقتصادی نیز مقرون به صرفه باشد، باید راهکارهای کلی‌ای برای همه آنها در نظر گرفته شود. در مثال زیر، آخرین و مؤثرترین راهکار، استفاده از حفاظ در و دوربین‌های مدار بسته است که از تمامی روش‌های دیگر گران‌ترند، اما این طور پیش‌بینی می‌شود که مؤثرترین راه‌حل برای هر مسئله بوده و ممکن است برای هر سه مسئله زیر انتخاب شوند. به هر حال شاید به دلیل هزینه بالایی که این راهکارها دارند، از آنها استفاده نشود.			
راهکارهای موجود: (از روش‌های کم‌هزینه (ارزان‌تر) تا گران‌تر)			
نوع راهکار	خرابکاری در آسانسورها	سرقت خودرو یا سرقت از خودرو	سرقت در
هرس و کوتاه کردن گیاهان و بوته‌ها (\$)	_____	**	**
استفاده از نگهبان محله (\$)	***	*	*
زنگ خطر آسانسورها (\$\$)	****	_____	_____
در کنترلی و برقی پارکینگ‌ها (\$\$)	_____	****	****
نصب آیفون برای در ورودی (\$\$\$)	**	_____	_____
نگهبان و گشت امنیتی (\$\$\$\$)	_____	_____	_____
قفل پنجره و درهای محکم برای آپارتمانها (\$\$\$\$)	*	**	**
حفاظ در ورودی و دوربین‌های مدار بسته (\$\$\$\$)	****	****	****
\$ هزینه پیش‌بینی شده * تأثیر پیش‌بینی شده			

۷- فرآیند SARA را مدّ نظر داشته و در مسیر آن گام بردارید

- برای انجام امور پلیسی مسئله محور، پلیس ملزم به رعایت موارد زیر است:
- ۱- مسئله های خاص را به دقت تعریف کند. (برای تعریف مسئله به راهبرد چهارده رجوع کنید)
 - ۲- مسئله های را به طور دقیق تحلیل کرده تا علل پیدایش آن را بیابد.
 - ۳- تحقیقات گسترده‌ای انجام دهد تا برای این علل راهکار مناسبی یافته و موجب کاهش همیشگی مسئله شود.
 - ۴- میزان تأثیر اقدام ها انجام شده را بسنجد. فرایند چهار مرحله‌ای مزبور، نوعی تحقیق کاربردی است، روشی نهادینه در علوم اجتماعی که مطابق آن، محققان (از نظر علمی) در کنار دست‌اندرکاران (تجربی و حرفه ای) روی موضوع کار می‌کنند تا اقدام ها مورد نظر طراحی شده و به موفقیت دست یابند. معمولاً این تحقیق با نظریه‌های صرفاً علمی محققان در تعارض است چرا که تحقیقات نظری فارغ از امور تجربی بوده، صرفاً پیشینه مسئله را تشخیص داده و ارزیابی مستقلی ارائه می‌دهند. اما در تحقیق کاربردی، محقق یکی از اعضاء اصلی تیم حل مسئله فرض می‌شود و این همان نقشی است که تحلیل‌کنندگان جرائم ایفا می‌کنند. تحلیل شما باید به گونه‌ای بوده که در همه مراحل آگاه کننده و راهنما باشد.
- خواهید دید که فرآیند SARA چگونه به شما و تیم شما کمک کرده تا بتوانید مسئله را پیگیری کنید. SARA واژه‌ای اختصاری است که جان اک و بیل اسپلمن آن را مطرح کردند. این واژه به یک فرآیند چهار مرحله‌ای حل مسئله یعنی تشخیص، تحلیل، راهکار و ارزیابی اشاره دارد. ارکان این فرآیند نیز مانند بسیاری از فرآیندهای استاندارد تحلیلی دیگر، همان جمع‌آوری، تطبیق، تحلیل، تشخیص و تحلیل جزئی و

بازخورد است. اجرای فرآیند SARA با مراحل مجزا، به شما این امکان را می‌دهد که در اجرای مراحل طرح، ترتیب و توالی را دقیقاً رعایت کنید. مثلاً تا زمانی که راهکار مورد نظر را دقیقاً تحلیل نکرده‌اید، نباید به عنوان راهکاری برای اجراء انتخاب شود. این فرآیند به گونه‌ای طراحی شده تا نسنجیده و بدون تحلیل به راهکار نهایی نرسید، به عبارت دیگر باید مسئله را به طور صحیح تعریف کرده، سپس دقیقاً تحلیل کنید و میزان تأثیر راهکار بر روی مسئله را نیز ارزیابی نمایید.

پروژه‌های حل مسئله پیچیده‌اند، بنابراین از تیم حل مسئله انتظار می‌رود که با توجه به تجربه‌های گذشته تا دستیابی به موفقیت کامل همچنان پایدار بوده و اقدام‌ها خود را بهبود بخشند. انجام ارزیابی (مرحله آخر) الزاماً به معنی پایان یافتن فرآیند نیست، اگر مسئله مورد نظر همچنان باقی مانده و یا شیوه بروز آن تغییر کند، تیم باید همه چیز را دوباره از سرگیرد. در شکل صفحه بعد نیز، وجود فلش بیرونی میان ارزیابی و تشخیص، بیان‌گر همین مفهوم است.

البته همیشه این چهار مرحله به طور منظم، یکی پس از دیگری انجام نمی‌شوند. در حقیقت به ندرت پیش می‌آید که پروژه‌ها از مرحله تشخیص ابتدایی تا مرحله اجرای راهکار و ارزیابی در یک مسیر (بدون اختلال در روند آنها) اجراء شوند. غالباً در طی فرآیند، مشکلاتی به وجود می‌آید که باید با تحلیل‌های جدید حل شوند. در واقع باید پروژه را بازبینی کرد، در این میان سؤال‌های جدیدی مطرح می‌شوند که برای پاسخ به آنها باید تحلیل‌ها از سرگرفته شوند. هرچه طول پروژه از نظر زمانی طولانی‌تر و نوعاً پیچیده‌تر باشد، احتمال پیدایش چنین مشکلاتی بیشتر است. در شکل نیز فلش‌های داخلی، این روند پویا را نشان می‌دهند. برای مثال ممکن است مجبور شویم بلافاصله بعد از مرحله تشخیص، در کوتاه‌مدت، راهکاری فوری و مقطعی را اجراء کنیم، در این حالت وقتی به مرحله تحلیل می‌رسیم، موضوع تثبیت شده است. همچنین ممکن است با ارزیابی راهکارهای مقطعی در مرحله تحلیل به راهکار جدیدی دست یابیم.

برای دستیابی به این امر باید به مرحله تشخیص بازگشته تا با اطلاعات جدید، مجدداً «مسئله» تعریف شده و یا مسئله‌های جدیدی کشف شود. توجه کنید که تحلیل و ارزیابی مستلزم تشخیص روابط علی و معلولی بوده و به سادگی نمی‌توان از مرحله تشخیص به مرحله راهکار رسید.

فرآیند حل مسئله SARA



اخیراً یکی از ما «کلارک»^۱ و آقای هرمن گلدشتاین در مورد کاهش نرخ سرقت از تجهیزات خانه‌های در حال ساخت در شارلوت در کالیفرنیا روی پروژه‌ای کار می‌کرد. توسعه و گسترش شهری، اغلب در مناطق نسبتاً دورافتاده این شهر انجام شده و امکان به‌کارگیری مؤثر عوامل گشتی وجود نداشته و تأمین امنیت آنها کار مشکلی بود. از طرفی سازندگان این خانه‌ها سعی داشتند خریداران را دعوت کنند که بعد از

۱ - Clarke منظور، نگارنده اصلی کتاب حاضر است. م.

ظهِرها یا در تعطیلات پایان هفته از این اماکن دیدن کنند. از سوی دیگر تعداد کمی از سارقان این تجهیزات دستگیر شده و از آنها و این‌که چگونه این تجهیزات را به فروش می‌رسانند (از شرّ این تجهیزات خلاص می‌شوند)، اطلاعات اندکی در دست بود. ما طیف وسیعی از راهکارهای ممکن از جمله انبار کردن تجهیزات در انبارهای مطمئن در محل و استفاده از سیستم‌های هشداردهنده قابل حمل و دوربین‌های مدار بسته را در نظر گرفتیم. اما به طور اتفاقی به راهکاری برخوردیم که معمولاً پیمانکاران خرد از آن استفاده می‌نمودند. راهکار آنان بدین صورت بود که تا زمان انتقال مالکیت منزل به خریدار، نصب تجهیزات را به تأخیر می‌اندازند. ما پس از تشخیص‌های فراوان همین پیشنهاد را دادیم.

در ابتدا بسیاری از پیمانکاران مخالف این نظر بودند. مسئولان فروش نیز معتقد بودند که نصب تجهیزات در محل مورد نظر موجب می‌شود که خانه، برای فروش مناسب‌تر به نظر برسد. از سوی دیگر اگر فقدان تجهیزات در محل به سرقت نسبت داده شود، ممکن است هشدار به خریداران درمورد ناامنی محل جدید زندگی باشد. مهندسان ناظر نیز معتقد بودند که انتقال و نصب تجهیزات در خانه‌هایی که مردم در آنها ساکن شده‌اند، کار بسیار مشکلی است. برخی دیگر نیز به اشتباه اعتقاد داشتند تا زمانی که تجهیزاتی در محل وجود نداشته باشد، بازرسان ساختمان نباید قابلیت سکونت ساختمان را تأیید کنند و برخی دیگر نیز به اشتباه تصور می‌کردند که این موضوع از موارد لازم‌الرعايه در رهن است. نهایتاً نصب تجهیزات در هر واحد به صورت جداگانه بدان معنی بود که دیگر پیمانکاران نمی‌توانند با بازرسان هماهنگ باشند که در یک زمان از ساختمانها بازدید کرده و مجوز سکونت برای کل مجموعه صادر کنند.

از آنجایی که این راهکار مزایای زیادی دربرداشت، تصمیم گرفتیم که به مرحله تحلیل بازگردیم تا برای اعتراض‌های پیمانکاران پاسخی بیابیم. نهایتاً با ارائه اطلاعاتی

در این زمینه، پیمانکاران را متقاعد کردیم که همین راهکار را اتخاذ نمایند و از این طریق نرخ سرقت تجهیزات را کاهش دادیم.

موضوع بالا نشان دهنده آن است که انجام امور پلیسی مسئله محور فرآیندی است که در آن فراگیری تدریجی اطلاعات و داده‌ها پروژه را تحت تأثیر قرار داده، آن را به سوی طرح سؤال‌های بیش‌تری هدایت و در نهایت مجدداً مسئله را تعریف می‌کند. لازم به ذکر است در صورتی که مسئله به گونه دیگری تغییر کند، باید حیطه کار را در آن جهت تغییر داد. به محض اینکه راهکار مورد نظر انتخاب شد، باید هزینه‌ها و منافعش را به طور دقیق تحلیل کرد. اگر بخواهید جنبه‌های مختلف راهکارهای موجود را تشخیص دهید، با سرعت مورد نظر پیش نرفته و مورد حمایت دست اندرکاران پروژه واقع نمی‌شوید.

فرآیند SARA و I ۵

اخیراً پائول اکبولم یکی از کارکنان وزارت کشور بریتانیا، پیشنهاد داده که فرآیند SARA گسترش یابد، طبق طرح او این فرآیند باید شامل اطلاعات، اقدام‌ها، اجراء، به‌کارگیری (در تعامل بودن) و تأثیر و ارزیابی فرآیند باشد. I۵ دربردارنده مفاهیمی ارزشمند و ابزارهای کاربردی است.

۸- از مثلث تحلیل مسئله استفاده کنید

بیشتر نظریه‌های جرم‌شناسی در پی کشف علل بزهکار شدن اشخاص هستند. آنها علل دور^۱ بزهکاری نظیر تربیت دوران کودکی، ساختار ژنتیکی و علل روان‌شناسی و اجتماعی را عامل این امر می‌دانند. ارزیابی این تئوری‌ها بسیار مشکل است، چرا که بسیار متفاوت بوده و میزان اعتبار و صحت آنها از نظر علمی معین نیست. از طرف دیگر، آورده‌های نظریه‌های مذکور اغلب مبهم و پیچیده بوده و فراتر از قلمرو فعالیت‌های پلیسی است. اما دستاوردها و مفاهیم جرم‌شناسی محیطی (که شاخه جدیدی از علم جرم است) در عملکرد روزانه پلیس بسیار مؤثر است. پلیس با عوامل آنی ایجادکننده موقعیت جرم^۲ سر و کار دارد، علل مذکور عبارت است از: اغواگری‌ها (وسوسه‌ها)، موقعیت‌ها و عدم حمایت کافی از آماج جرم. اگر می‌خواهید در تیم حل مسئله مسلط‌تر از دیگران عمل کنید، باید با این مفاهیم بیشتر آشنا شوید.

مثلث تحلیل مسئله (که از آن به عنوان مثلث جرم یاد می‌شود) از یکی از نظریه‌های اصلی جرم‌شناسی محیطی اقتباس شده است. نام این نظریه، «نظریه فعالیت‌های روزمره» بوده و توسط لورنس کوهن و مارکوس فِلْسُن مطرح شد. مطابق نظریه مذکور، جرم شکارگرانه هنگامی ارتکاب می‌یابد که بزهکار احتمالی و آماج مناسب جرم، در زمان و مکان واحدی با هم مواجه شده و محافظانی که قادر به پیشگیری یا کنترل آن هستند، در آن لحظه حضور نداشته باشند. در این نظریه وجود بزهکار مسلم فرض شده، چرا که خودخواهی و طمع هر فرد حتی انسانهای معقول، او را به سوی ارتکاب جرم سوق داده و برای پیدایش انگیزه مجرمانه توجیح مناسبی است. این نظریه میان بزه‌دیده انسانی و سایر آماج جرم (بی‌جان) هیچ تمایزی قائل نیست، چرا که هر دو ممکن است سیل بزهکار واقع شوند. این نظریه محافظانی که قادر به پیشگیری یا کنترل

۱- Distant factors

۲- immediate situational causes of crime منظور نگارنده از «علل آنی»، همان «عوامل ماقبل بزهکاری» است. م.

جرم‌اند را به دو شکل عوامل انسانی و تجهیزات امنیتی در نظر می‌گیرد. این ساختار در نهایت به شکل‌گیری اولین مثلث جرم منتهی شد، سه ضلع این مثلث نشان‌دهنده بزهکار، آماج جرم و موقعیت مکانی است (به مثلث داخلی موجود در نمودار صفحه بعد مراجعه کنید).

اگر مثلث داخلی را مد نظر قرار دهید، در تحلیل‌های خود هر سه عامل را لحاظ نموده‌اید. سابق بر این، پلیس برای بررسی یک مسئله تنها در صدد چگونگی شناسایی و دستگیری بزهکاران بالفطره بود. اما در انجام امور پلیسی مسئله محور، شما باید طیف گسترده‌ای از عوامل را بررسی کنید. بدیهی است که انجام این امر نیازمند کسب اطلاعات در مورد بزه‌دیدگان و اماکنی است که مبتلا به این مسئله هستند.

ساختار جدید مثلث تحلیل مسئله (مثلث خارجی) عامل کنترل‌کننده را نیز به ۳ عامل اصلی مذکور اضافه کرده است. (به نمودار رجوع کنید) به عنوان مثال:

- برای آماج جرم / بزه‌دیده، همان محافظان توانای (پیشگیری یا کنترل) موردنظر در ساختار اولیه تئوری فعالیت‌های روزمره در نظر گرفته شد. اغلب مردم، خودشان از جان، مال، اعضای خانواده، دوستان و همکارانشان محافظت می‌کنند. علاوه بر این، محافظ شامل پلیس‌های عمومی و محافظان خصوصی تأمین امنیت می‌شود.
- برای بزهکار، کنترل‌کننده‌های نزدیک در نظر گرفته شده است. این کنترل‌کننده‌ها کسانی‌اند که بزهکار را به خوبی می‌شناسند و در موقعیتی‌اند که می‌توانند رفتار او را کنترل نمایند. کنترل‌کننده‌های نزدیک شامل اشخاصی چون والدین، خواهر و برادر، معلمان، دوستان و همسر است.
- برای مکان نیز، عامل کنترل‌کننده موردنظر، فردی است که او را مدیر می‌نامیم، در واقع مالک یا منتصبی که مسئولیت کنترل رفتارها در مکانی معین بر عهده اوست، مانند راننده اتوبوس یا معلم مدرسه، مالک در املاک استیجاری یا

مهمان‌دار هواپیما.



مثلت تحلیل جرم ابزاری است که به واسطه آن می‌توان طبقه‌بندی مفید دیگری را نیز ارائه داد، با این طبقه‌بندی مسئله‌هایی که پلیس با آن مواجه می‌شود به سه دسته تقسیم می‌شوند. همچنین تحلیل‌هایی در مورد چگونگی بروز این مسئله‌ها از مفاهیم مهم دیگری است که مثلث تحلیل جرم در اختیار ما می‌گذارد. جان اِک و ویلیام اسپِلْمَن در قالب مثال زیر طبقه‌بندی خود را ارائه کرده‌اند. مسئله‌ها به سه دسته گرگ، لانه و اردک به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- مسئله‌های مربوط به تکرار جرم، در این حالت با بزهکارانی مواجهیم که با ارتکاب جرم در اماکن متعدد، به اهداف مختلفی حمله می‌کنند. به این بزهکاران اصطلاحاً گرگ گرسنه گفته می‌شود، بهترین تمثیل برای گرگ، سارق مسلحی است که به بانک‌های زیادی دستبرد زده است. جرائم گرگ هنگامی ارتکاب می‌یابد که بزهکار قادر به تعیین مکان احتمالی آماج جرم و اماکن آسیب‌پذیر باشد. البته ممکن است عوامل کنترل‌کننده‌ی چنین آماج‌ها و اماکنی از بروز حمله‌ها در آینده پیشگیری کنند، در این صورت بزهکاران مزبور آماج‌های دیگری را هدف قرار می‌دهند که از سوی کنترل‌کننده‌ها نظارتی بر آنها نیست.

۲- مسئله‌های مربوط به تکرار بزه‌ی‌دگی، به بزه‌ی‌دگانی اشاره دارد که به طور مکرر هدف بزهکاران متفاوت قرار می‌گیرند. این اشخاص اردک (هدف سهل‌الوصول و لقمه حاضر و آماده) نامیده می‌شوند. نمونه بارز اردک، رانندگان تاکسی‌ای هستند

که مکرراً در اماکن مختلف، توسط افراد متفاوت از آنها سرقت می‌شود. جرائم اردک هنگامی ارتکاب می‌یابد که بزهدکاران و بزهدیدگان بالقوه، همواره در اماکن متفاوت با هم روبه رو شده و بزهدیدگان هیچ تلاشی در جهت افزایش اقدام های پیشگیرانه و ایمن کردن خود نکنند. عموماً در این حالت محافظان آنها نیز یا حضور نداشته و یا عملکردشان مؤثر واقع نمی‌شود.

۳- مسئله های مربوط به موقعیت‌های مکرر مکانی، این موضوع بیان‌گر بزهدکاران و آماج‌های متفاوتی است که در یک مکان با هم روبه رو می‌شوند، به این‌گونه اماکن، لانه فساد نیز گفته می‌شود. بهترین نمونه لانه فساد، مشروب فروشی است، چرا که در آن‌جا معمولاً نزاع‌های زیادی اتفاق می‌افتد. جرائم لانه فساد هنگامی ارتکاب می‌یابند که بزهدکاران بالقوه و آماج‌های احتمالی در مکانی که مدیریت مؤثری حاکم نیست با هم روبه رو شوند. در این‌گونه اماکن زمینه ارتکاب جرم همیشه وجود داشته و به همین واسطه ارتکاب جرم تسهیل می‌شود.

نکته مهم این است که، جرائمی که صرفاً به گرگ، اردک و یا لانه اشاره دارند بسیار نادر بوده و اغلب مسئله‌ها، ترکیبی از این موارد است. سؤال مهم این است که در جرم مورد نظر، اولویت با کدام یک از این موارد است؛ گرگ‌ها، اردک‌ها یا لانه‌ها؟

برای ارتکاب جرم، وجود تمام عناصر مثلث داخلی لازم بوده و از سوی دیگر هیچ‌یک از عناصر مثلث خارجی نباید وجود داشته و یا ضعیف عمل کنند. برای مثال حتی اگر بزهدکاران احتمالی نیز همواره حضور داشته باشند، جرم تنها زمانی اتفاق می‌افتد که محافظان نباشند، پس تغییر و اصلاح برنامه محافظان راهکار مناسبی است. از خود بپرسید که مثلث تحلیل جرم در قبل، حین و پس از ارتکاب جرم به چه شکل است؟

اگر بدانیم که فرصت‌های جرم‌زا چگونه باعث پیدایش مسئله‌ها می‌شوند، از کنترل‌کننده‌های نزدیک برای پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم توسط بزهدکاران بهتر

استفاده خواهیم کرد. همچنین به بزه‌دیدگان کمک می‌کنیم تا کمتر زیر آماج جرم قرار گرفته و اماکنی نظیر مدارس، مهمان‌سراها یا پارکینگ‌ها که ممکن است محل ارتکاب جرم باشند را به گونه مورد نظر (عاری از جرم) تغییر می‌دهیم. این مثلث به شما کمک می‌کند تا مجموعه اطلاعاتتان را روی این شش عنصر متمرکز کنید، با این کار احتمال بیشتری می‌رود که به راهکارهای عملی برسید.

علم جرم چیست؟

جرم‌شناسی سنتی فشارهای روان‌شناختی و علل اجتماعی بزهکاری را به شما معرفی می‌کند، به این امید که راه‌هایی را یافته که این عوامل را تغییر دهید. اما علم جرم، رویکرد کاملاً متفاوتی را در پیش می‌گیرد. در این رویکرد به این مسئله توجه نمی‌شود که آیا فرد بزهکار زاده می‌شود یا در جامعه بزهکار می‌شود، بلکه بحث را فارغ از فرآیند بزهکار شدن فرد، به «عمل ارتکاب جرم» معطوف می‌کند. علم جرم در جستجوی راه‌هایی است که بتواند فرصت‌های جرم‌زا و وسوسه‌های ارتکاب جرم را کاهش داده و بر احتمال کشف آن بیفزاید. برای نظریه‌پردازی در این نوع جرم‌شناسی به تعامل طیف گسترده‌ای از رشته‌ها از جمله، روان‌شناسی، جغرافیا، پزشکی، برنامه‌ریزی شهری و معماری نیاز است. هدف نهایی علم جرم این است که کارشناسان با استفاده از آورده‌های موفق به کاهش جرم در خیابانها، منازل و مراکز تجاری شوند

۹- آگاه باشید که پیدایش موقعیت مناسب باعث ارتکاب سرقت می‌شود

از نظر جرم‌شناسان محیطی، عبارت «فراهم شدن موقعیت‌های مناسب، باعث ارتکاب سرقت می‌شود» فقط یک شعار نیست، بلکه شالوده یافته‌های آنها است. آنها معتقدند اگر زمینه ارتکاب جرم وجود داشته باشد به تبع آن، نرخ ارتکاب جرم نیز افزایش می‌یابد. برای توضیح بیشتر این مطلب به نظریه گلواریا لی کاک و نیک تیلی، از موسسه جرم‌شناسی جیل داندو توجه کنید:

تصور کنید هیچ کنترل و نظارتی بر موقعیت‌ها وجود نداشته باشد، هیچ قفلی نباشد، گمرک‌ها کنترل نشوند، وجه نقد در جایی که گاهاً ورود گروهی به آن آزاد است تنها گذاشته شود، هیچ نظارتی بر کتابخانه‌ها نباشد، بلیط‌ها، چمدانها و وسائل مسافران در ایستگاه قطار کنترل نشود، چراغ راهنمایی وجود نداشته باشد و... آیا نرخ جرائم تغییر نخواهد کرد؟

اگر پاسخ مثبت است، پس شما نیز با نظریه فوق که بیان می‌دارد "افزایش زمینه و فرصت ارتکاب جرم منجر به افزایش جرم می‌شود" موافقید. با وجود این، به طور غیرمنطقی و باور نکردنی، اکثر جرم‌شناسان، این نظریه را رد کرده و معتقدند که موقعیت جرم فقط می‌تواند «زمان و مکان» ارتکاب جرم را معین کند نه این که باعث ارتکاب جرم شود! از دیدگاه آنان، این که جرم اتفاق خواهد افتاد یا خیر، فقط به میل و گرایش باطنی بزهکاران بستگی دارد، بنابراین «گرایش باطنی» بزهکار است که نرخ جرم را در جامعه مشخص می‌کند.

در واقع همان‌طور که میزان جرائم، با عوامل مادی و اجتماعی ارتباط مستقیم دارد، به همان میزان به خواست‌ها و گرایش باطنی فرد نیز مربوط می‌شود. اثبات این نظریه‌ها بدون انجام تحقیقات علمی بسیار مشکل است، از طرفی انجام این‌گونه تحقیقات نیز به راحتی ممکن نیست زیرا اخلاق حرفه‌ای به ما اجازه نمی‌دهد که موقعیت ارتکاب جرم،

مثلاً سرقت مقرون به آزار را فراهم کنیم و سپس منتظر پیامدهای آن باشیم. به هر حال انجام این نوع تحقیقات همیشه با کمی تخلف از قانون همراه بوده‌اند. در دهه ۱۹۲۰، محققان موقعیتی را فراهم کردند تا دانش آموزان بتوانند در امتحانات درسی تقلب کرده، در مورد تقلب خود دروغ گفته و تکه‌های چیده شده روی پازل را برابند. محققان دیگری در پاکت نامه‌های دارای نشانی و تمبر مقداری پول قرار داده و در چند خیابان پخش کردند، هدف آنها این بود که ببینند آیا کسی نامه را به نشانی روی آن پست می‌کند یا خیر؟ مورد بعدی انجام تحقیقی در آزمایشگاه بود، از افراد نمونه خواسته شد که چند نفر را به دلیل سرپیچی از دستورالعمل آزمون با یک دستگاه الکتریکی شوک بدهند (اما در واقع هیچ شوکی از دستگاه منتقل نمی‌شد).

نتایج این آزمون‌ها، گویای وجود رابطه علیت بین «موقعیت» و «ارتکاب جرم» بود. بیشتر افراد، حتی کسانی که در برابر تحریک‌ها مقاومت بیشتری نشان دادند، از موقعیت‌های فراهم شده برای بروز رفتارهایی چون تعرض به حقوق دیگران یا حقه‌بازی استفاده کردند. این موقعیت‌ها، فرصت‌هایی بودند که شاید این افراد هیچ‌گاه به طور تصادفی با آنها مواجه نمی‌شدند، بلکه به دلیل شرکت در این تحقیقات برای آنها فراهم شده بود. اما شما نمی‌توانید این یافته‌ها را به تمام سرقت‌های مقرون به آزار یا سرقت خودروها تعمیم دهید. ما باید از منابع و ادله دیگری نیز در مورد اهمیت موقعیت ارتکاب جرم استفاده کرده و به مطالعه و بررسی آنها بپردازیم.

خودکشی و موقعیت:

خودکشی جرم تلقی نمی‌شود اما مانند سایر جرائم، به نظر می‌رسد که فرد کاملاً تحت تأثیر انگیزه و محرک مرتکب این عمل می‌شود. در کشور انگلستان شواهد و دلایل زیادی وجود دارد که همگی گویای این مطلبند که «موقعیت» نقش به‌سزایی در ارتکاب خودکشی دارد. در سال ۱۹۵۰، حدود نیمی از کسانی که مرتکب خودکشی شده از گاز

شهری استفاده کرده بودند، این گاز حاوی گاز کشنده مونوکسید کربن (CO) است، آنها با قرار دادن سرشان داخل فر گاز آشپزخانه خودکشی می‌کردند. در سال ۱۹۶۰، برای تهیه گاز شهری، به جای ذغال از نفت استفاده شد چرا که حاوی مونوکسید کربن کمتری بود، در نتیجه تعداد خودکشی‌هایی که با مونوکسید کربن صورت می‌گرفت کاهش یافت. تا این‌که در سال ۱۹۶۸ فقط حدود ۲۰ درصد خودکشی‌ها با گاز انجام می‌شد. در همین زمان تحولی دیگر به وقوع پیوست، گاز طبیعی که از دریا تهیه شده بود، جایگزین گازی شد که از نفت گرفته می‌شد. گاز طبیعی جدید فاقد مونوکسید کربن بود و تقریباً خودکشی با آن غیرممکن به نظر میرسید. با انجام این تغییر، تا اواسط سال ۱۹۷۰ آمار خودکشی با گاز به کمتر از ۱ درصد تقلیل یافت.

مسئله جالب توجه این است که روش دیگری برای خودکشی، جایگزین خودکشی با گاز نشد. همان‌طور که در جدول مربوطه مشاهده خواهید کرد، بین سال‌های ۱۹۵۸ و ۱۹۷۶ نرخ خودکشی‌ها ۳۰ درصد کاهش یافته، یعنی از ۵۲۹۸ مورد به ۳۸۱۶ مورد رسیده است. حتی این کاهش، علی‌رغم وجود یک رکود اقتصادی بود، دقیقاً زمانی که انتظار می‌رفت تعداد خودکشی‌ها افزایش یابد، البته در کشورهای اروپایی دیگر همین‌طور هم شد. دلیل عدم استفاده از سایر روش‌ها این بود که آنها از سایر روش‌ها می‌ترسیدند. شدت کشنندگی دوز بالای دارو، بسیار کمتر از مونوکسید کربن است، برای دار زدن نیز فرد باید شجاع بوده و اطلاعات زیادی در مورد نحوه بستن دار داشته باشد. برای خودکشی با اسلحه نیز، همه مردم به اسلحه دسترسی نداشته‌اند و در صورت داشتن نیز ترس از نقص عضو به جای مرگ، از عوامل دیگر عدم استفاده از اسلحه برای خودکشی است. از طرفی گاز شهری همه جا در دسترس بوده، بسیار کشنده و بدون خونریزی و درد است. بنابراین تعجب‌آور نیست که این روش برای مدت‌ها بهترین روش برای خودکشی بوده و زمانی که موقعیت و زمینه استفاده آن از بین رفت، تعداد خودکشی‌ها نیز کاهش یافت.

« خودکشی در انگلستان و ولز ۱۹۷۷-۱۹۵۸ »

سال	خودکشی با گاز شهری	کل خودکشی‌ها	درصد
۱۹۵۸	۲۶۳۷	۵۲۹۸	۴۹/۸
۱۹۶۰	۲۴۹۹	۵۱۱۲	۴۸/۹
۱۹۶۲	۲۴۶۹	۵۵۸۸	۴۴/۲
۱۹۶۴	۲۰۸۸	۵۵۶۶	۳۷/۵
۱۹۶۶	۱۵۹۳	۴۹۹۴	۳۱/۹
۱۹۶۸	۹۸۸	۴۵۸۴	۲۱/۶
۱۹۷۰	۵۱۱	۳۹۴۰	۱۳/۰
۱۹۷۲	۱۹۷	۳۷۷۰	۵/۲
۱۹۷۴	۵۰	۳۸۹۹	۱/۳
۱۹۷۶	۱۴	۳۸۱۶	۰/۴

قتل عمد و موقعیت جرم:

«موقعیت» نقش مهمی در ارتکاب قتل عمد ایفا می‌کند. مقایسه نرخ قتل عمد در ایالات متحده و انگلستان، بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۴، نشان داده که نرخ قتل عمد در ایالات متحده ۸/۵ برابر بیش از انگلستان و ولز بوده است. نرخ قتل عمد با اسلحه و کلت (اسلحه کمری)، به ترتیب شصت و سه و هفتاد و پنج برابر بیش تر بود. در سراسر قلمرو انگلستان و ولز در این مدت (با حدود پنجاه میلیون نفر جمعیت) فقط پنجاه و هفت مورد قتل عمد با کلت رخ داده بود. در ایالات متحده با جمعیتی در حدود دویست و سی میلیون نفر (تقریباً پنج برابر جمعیت انگلستان) چهل و شش هزار و پانصو پنجاه و سه نفر با کلت به قتل رسیدند.

نتایج مذکور قابل باور نیستند، زیرا نرخ قتل عمد در ایالات متحده به نسبت بسیار بالاتر از انگلستان و ولز در این مدت بوده است. به هر حال در پانزده سال گذشته، نرخ

جرم در مجموع در این دو کشور همسو بوده و در حال حاضر به استثناء قتل عمد، تفاوت‌های کمی بین آن دو است. هم‌اکنون نرخ قتل عمد در امریکا بسیار بالاست، زیرا اکثر مردم مجاز به حمل اسلحه‌اند، به خصوص اسلحه کمری، در حالی که در انگلستان این‌طور نیست. در انگلستان حتی پلیس هم به‌طور مرتب و دائمی اسلحه حمل نمی‌کند تا چه رسد به مردم عادی! بنابراین در امریکا زمانی که بین مردم نزاع و درگیری رخ می‌دهد مطمئناً یکی از آنها دست به اسلحه می‌برد، ولی در انگلستان این‌طور نیست. با مقایسه نرخ قتل عمد در امریکا و کانادا چنین یافته‌هایی به چشم نمی‌خورد. مقایسه‌ها نشان می‌دهد که در دسترس بودن اسلحه (یک موقعیت ارتکاب جرم) نقش مهمی در ارتکاب قتل عمد دارد.

از مجموع مباحث این قسمت این‌طور نتیجه می‌گیریم که موقعیت‌ها است که منجر به ارتکاب جرم می‌شود، البته این بدان معنی نیست که شما اهمیت سایر عوامل را نادیده بگیرید. در مجموع این نکته را نیز مد نظر داشته باشید که شما هرگز نمی‌توانید مثلاً میزان عیب‌جویی، نرخ طلاق و یا فقر را کاهش دهید. حداکثر شما می‌توانید شرایط و موقعیت‌های جرم‌شناختی که افراد در آن قرار می‌گیرند را تغییر دهید. حال که می‌دانید موقعیت و زمینه مناسب منجر به ارتکاب سرقت می‌شود، به راهکارهای پیشگیری از جرم توجه خواهید کرد.

اسلحه و رابطه آن با قتل در ایالات متحده و کانادا:

در سال‌های ۱۹۸۶-۱۹۸۰ با تحقیقی دقیق نرخ قتل غیرعمد و حمله و یورش در سیاتل امریکا و ونکوور کانادا مقایسه شد. هدف این تحقیق اثبات وجود رابطه علیت میان استفاده از اسلحه کمری و نرخ این جرائم بود، البته سیاتل و ونکوور در بسیاری از مسئله‌ها مشابه‌اند، اما استفاده از سلاح در ونکوور کمتر است. بررسی‌ها نشان داده‌اند که دسترسی راحت به اسلحه کمری، نرخ قتل غیر عمد را افزایش داده است. یافته‌های کلیدی به شرح ذیل‌اند:

- ۱- در خصوص نرخ حمله و تهدید به ضرب، بین دو شهر مزبور تفاوت اندکی وجود دارد.
- ۲- ارتکاب قتل عمد در سیاتل بیش از ونکوور است، دلیل آن نیز پنج برابر بودن تعداد کشته‌شدگان در اثر قتل عمد با اسلحه کمری در سیاتل است.
- ۳- نرخ ارتکاب قتل‌های غیرعمدی بدون اسلحه نیز میان دو شهر تفاوت جزئی دارد.

۱۰- خود را به جای بزهکار بگذارید

هرگاه خواستید جرمی را تحلیل کرده و در جستجوی راه‌حلی برای آن باشید، سعی کنید جرم را از دیدگاه بزهکار ببینید، تا بفهمید که چرا مرتکب جرم شده است. منظور ما یافتن دلایل روان‌شناسی و جامعه‌شناسی نیست، بلکه منافی است که بزهکاران در جستجوی آن هستند. انتقاد اساسی که سی سال پیش به جرم‌شناسی شد، این بود که تأثیر ژنتیک نیست که سارقین را به سمت بانک‌ها می‌کشاند، آنها از بانک سرقت می‌کنند، چرا که می‌خواهند پولی به دست آورده یا امرار معاش کنند.

در بسیاری از انواع سرقت‌های معمولی و سرقت مقرون به آزار یا تهدید منافی که از این امر حاصل می‌شود روشن است، اما واقعاً معلوم نیست که بزهکار با ارتکاب جرائمی نظیر خشونت‌های باندي، تخریب غیرمقولانه اموال عمومی یا دیوارنویسی در پی تحصیل چه منافی است. در حقیقت دیوارنویسی ممکن است حوزه کاری یک باند مجرمانه جوان را مشخص کند یا نشان‌دهنده این باشد که از کجا می‌توان مواد مخدر خرید و یا می‌تواند صرفاً راهی برای خودنمایی باشد. دانستن ارجحیت هریک از این دلایل، کمک می‌کند که قلمرو پروژه حل مسئله را تعیین کرده و عوامل دخیل در امر را موشکافانه بررسی کنیم. در عین حال به تیم حل مسئله نیز کمک می‌کند تا راهکارهای ممکن را شناسایی کنند، برای مثال مسئولان متروی نیویورک سیتی با کشف انگیزه اصلی باند مجرمانه taggers موفق به از بین بردن دیوارنویسی آنها شدند. انگیزه آنها این بود که کار خود را هنگامی که قطارها در حال حرکت‌اند به نمایش بگذارند. (به راهبرد چهل و یک رجوع کنید)

دانستن این‌که بزهکاران چگونه مرتکب جرم می‌شوند به همان اندازه از اهمیت برخوردار است که بدانیم چرا مرتکب جرم می‌شوند. اگر به این سؤال‌ها فکر کنید، تئوری انتخاب عقلاانه را درک خواهید کرد. نام این تئوری کمی گمراه‌کننده است،

چون فرضیه این نظریه این نیست که بزهکار فرایند ارتکاب جرم را به دقت طرح‌ریزی می‌کند، بلکه فرض این تئوری این است که بزهکار با ارتکاب جرم، تنها در جستجوی منفعی است که از نظر عقلایی مقرون به صرفه باشد. در این تئوری حتی به این موضوع هم توجهی نمی‌شود که آیا بزهکار در نهایت موفق به کسب منافع مورد نظر خواهد شد یا خیر؟ این نیز بدین خاطر است که به ندرت پیش می‌آید که بزهکاران همه اطلاعات مورد نیاز را در اختیار داشته و روند ارتکاب جرم را به دقت برنامه‌ریزی کنند. رفتار ارتكابی آنها متضمن مواجهه با خطر بوده و در بسیاری از موارد به هدف خود نمی‌رسند. فرضیه مزبور (جستجوی منافع) مبنای تصمیم‌گیری در تمام فعالیت‌های روزمره ماست. این همان چیزی است که نظریه پردازان آن را منطق محدود یا مرزبندی شده می‌نامند.

بزهکار باید به سرعت تصمیم بگیرد که چگونه به هدفش دست یافته و فرار کند تا دستگیر نشود. مصاحبه با بزهکاران به شما کمک می‌کند تا بدانید چگونه این تصمیم‌ها را اتخاذ می‌کنند. ممکن است تعجب کنید که متقاعد کردن بزهکاران برای مصاحبه کار مشکلی نیست. حتماً این کار را انجام دهید، بنابراین باید خود را متقاعد کرده و تلاش کنید که مسئله را حل کنید. از پرسیدن سؤال‌های خاص در خصوص جرائمی که مرتکب شده‌اند اجتناب کنید. بزهکاران نیز همانند سایر انسانها دوست دارند از خودشان و کارهایی که انجام می‌دهند صحبت کنند. از طرف دیگر این نکته را نیز به خاطر داشته باشید که افرادی که عادتاً قانون‌شکنی می‌کنند، عموماً غلو کرده و دروغ نیز می‌گویند.

مارتین گیل از دانشگاه لیکستر انگلستان، مصاحبه با بزهکار سابقه‌داری در زندان را نقل کرده است. هنگامی که به جرمی که موجب دستگیری او شده بود رسیدگی می‌کردند، گیل پرسید: «فکر می‌کردی که دستگیر شوی» زندانی به صندلی خود تکیه داد و نگاه سنگینی به او انداخت و گفت: «هیچ وقت فکر نمی‌کردم که از یک تحصیل کرده دانشگاهی چنین سؤال احمقانه‌ای بشنوم. فکر می‌کنی اگر می‌دانستم دستگیر می‌شوم، چنین کاری می‌کردم؟»

اگر مصاحبه با بزهکار امکان ندارد، سعی کنید روند وقوع جرم را تصور کنید. (به راهبرد سی و پنج رجوع کنید) این‌که در هر مرحله چه کاری انجام شده؟ آماج‌های جرم چگونه انتخاب شده‌اند؟ بزه‌دیدگان چگونه مغلوب شده و یا فریب خورده‌اند؟ بزهکار چگونه از دست پلیس فرار کرده؟ چگونه از شرّ اموال (ربوده یا کلاهبردای شده و...) خلاص شده؟ حتی اگر با بررسی روند وقوع نیز نتوانید به همه این سؤال‌ها پاسخ دهید، همین‌که تلاش می‌کنید به دنیای بزهکار وارد شوید به شما کمک می‌کند تا راهکار متناسب را انتخاب کنید. البته شما را تشویق نمی‌کنیم که روان‌کاوی را نیز یاد گرفته و امتحان کنید. به جای کند و کاو در ضمیر ناخود آگاه بزهکاران، سعی کنید منافع ملموسی که آنها به دنبال آن بوده‌اند را بشناسید. یاد بگیرید که آنها روند ارتکاب جرم را چگونه طراحی می‌کنند تا کار زیادی انجام نداده و در معرض خطر زیاد قرار نگیرند. منظور پائول اکبولم، عضو اداره تحقیقات وزارت کشور از این‌که به تحلیل‌کنندگان مسئله‌ها توصیه می‌کند «به مانند یک سارق فکر کنید» نیز همین است.

پائول اکبولم با سارقان متروی لندن مصاحبه‌ای کرده بود، آنها به او گفته بودند که کنار تابلوی هشداردهنده «مراقب جیب‌برها باشید» می‌ایستادند، هنگامی که مسافران متوجه تابلو می‌شدند و به جیبی که کیف پولشان در آن قرار داشت دست می‌زدند (تا از وجود کیف اطمینان حاصل کنند)، موقعیت و اطلاعات لازم برای ارتکاب جرم فراهم می‌شد.

عامل دیگری که باید در مصاحبه با بزهکاران در نظر بگیرید این است که گزارش مصاحبه‌هایی را که سابق بر این، با گروه مشابهی از بزهکاران انجام شده را مطالعه کنید. جرم‌شناسان محیطی میزان اطلاعات ما را در خصوص شیوه‌هایی که سارقان خودرو، جیب‌برها، سارقان مغازه، سارقان اماکن تجاری و مسکونی در مصاحبه به کار می‌برند، تا حد بسیار زیادی افزایش داده‌اند. ممکن است بزهکاران دقیقاً مانند گروه نمونه مورد مطالعه شما نباشند، اما با نگاهی دقیق به نتایج حاصل از این مصاحبه‌ها، می‌توانید فرضیه‌هایی را به دست آورید که خود نیز در مسئله مورد نظر در جستجوی‌ش بودید.

صحبت های سارقان مسلح

انگیزه ها:

تنها نشسته‌اید و جیبتان خالی است، موعد پرداخت اجاره منزل سر رسیده، تاریخ پرداخت قبض برق و گاز نیز رسیده، مأموران وصول قبوض همیشه برای شما اختاربه می‌فرستند و شما با خود می‌گوئید: ای کاش کمی پول داشتم، به کمی پول نیاز دارم. ذهن شما به این موضوع مشغول است که چرا پولی به دست نیاورده اید، این جاست که گرگ‌ها در کمینند. بعد از آخرین سرقت مسلحانه‌ام کمی پول به صاحبخانه دادم و کمی از آن را به اداره برق پرداخت کردم. کمی پول هم به حساب اداره گاز واریز کردم، هنوز ۳۰-۲۰ دلار پول در جیبم بود. کمی آبجو خریدم، چند تا سیگار و کمی پول خرج خرید یک سنگ (چند گرم) کوکائین درجه یک کردم که حداقل یک دقیقه به خودم خوش بگذرانم.

مزایای سرقت مقرون به آزار:

سریع ترین راه تحصیل پول، سرقت مقرون به آزار است چرا که در سرقت عادی مجبورید اموال مسروقه را بفروشید تا پولی به دست آورید. در (معامله) مواد مخدر مجبورید با خیلی‌ها معامله کنید، یک بسته ۵۰ یا ۱۰۰ دلاری به این بفروشید، یک بسته ۵۰ یا ۱۰۰ دلاری به آن بفروشید که خیلی طول می‌کشد. اما در سرقت مقرون به آزار تنها کافیست که بدانید پول نقد کجاست و آن را بردارید.

انتخاب بزه‌دیده:

ببینید، من می‌دانم که باید کجاها بروم که آماج‌های مناسبی برای سرقت مقرون به آزار وجود داشته باشد. من غالباً به جاهایی می‌روم که معتادها پرسه می‌زنند. البته گاهی هم کسانی که از منطقه مذکور خارج شده بودند را هدف سرقت قرار می‌دادم.

همه کسانی که از آنها سرقت کرده‌ام، دلانان مواد مخدر اند (مواد فروشان)... چرا که آنها با پلیس تماس نمی‌گیرند. به پلیس چه می‌توانند بگویند؟ می‌خواهند بگویند مواد مخدری که همراهم بود به سرقت رفته؟ اینها بهترین و آسان‌ترین طعمه‌ها برای من هستند. نمی‌خواهم به هیچ آدم بدبختی آسیب برسانم تنها با مواد فروشان در می‌افتم.

خشونت:

خُب اگر بزه‌دیده این دست، آن دست کرد، کمی پرخاش می‌کنی و هلش می‌دهی، حتی من ممکنه سلاح را بردارم و بکشمش (مخشو پیاده کنم)، آن موقع است که باید پول را برداری و صحنه را ترک کنی یا این که باز هم به یک دردرس جدید بیفتی! معمولاً اگر بدانند که قصد انجام چنین کاری داری، کوتاه می‌آیند!

۱۱- عکس‌العمل‌های بزهکار را در نظر بگیرید

انتخاب بزهکاران براساس انتظاراتشان از فرصت‌های موجود است. دانستن این‌که بزهکاران مسئله‌ها را چگونه می‌بینند، در پیشگیری از جرم از اهمیت بالایی برخوردار است. چرا که تدابیر پیشگیری از جرم به سطح توقع‌های بزهکاران از موقعیت‌های مستعد بزهکاری بستگی دارد. برخی از برنامه‌های پیشگیری، دقیقاً با توقع‌های بزهکار تنظیم می‌شوند، مانند زمانی که پلیس به بزهکاران اطلاع می‌دهد که کاملاً تحت نظرند. اما در اکثر طرح‌های پیشگیری از جرم، بر روی چند مؤلفه کار می‌شود. مانند این‌که، در طرح‌های علامت‌گذاری بر اموال^۱، ساکنان از برچسب‌های مخصوص شیشه استفاده می‌کنند تا مشارکتشان را در این زمینه نشان دهند. تغییر طراحی محیط موجب می‌شود که توقع بزهکاران نیز فرق کرده و تغییر موضع دهند. این توقع‌ها، رفتار بزهکاران را تحت تأثیر قرار داده و در صورت تغییر، پی در پی الگوهای ارتکاب جرائم^۲ را تغییر می‌دهد. در بسیاری موارد، اقدام‌ها پیشگیرانه مانع ادامه فعالیت‌های مجرمانه می‌شود. همچنین ممکن است به طور ناخواسته تأثیرات مثبت زیر را نیز در برداشته باشند:

- ۱- کاهش نرخ جرم فراتر از حیطه اقدام‌ها انجام شده است که به عنوان توزیع منافع^۳ از آن یاد می‌شود (به راهبرد بیست و سه و چهل و هفت رجوع کنید)
- ۲- کاهش نرخ جرم، قبل از این‌که تدابیر پیشگیرانه اجراء شوند، که از آنها به عنوان مزایای مورد انتظار^۴ از پیشگیری یاد می‌شود. (راهبرد پنجاه و دو)

البته اقدام‌های پیشگیرانه، همیشه به نتایج مورد نظر دست نمی‌یابند. گاهی بدین خاطر که بزهکاران از اقدام‌های که در آن محل صورت می‌گیرد اطلاع کامل ندارند. برای مثال ممکن است بزهکاران در مقابل اقدام‌ها نامشهود همچنان مبادرت به ارتکاب جرم نمایند، چرا که متوجه افزایش احتمال دستگیری نشده‌اند. در موارد دیگر، ممکن است

۱ - Property marking schemes

۲ - Crime patterns

۳ - Diffusion of benefits

۴ - Anticipatory benefits

بزهکاران در جهت منفی خود را با اقدامهای پیشگیرانه سازگار کنند. سازگاری‌های منفی ممکن است به صورت جابجایی بزهکاری^۱ یا سازگاری بلند مدت^۲ نمایان شود.

جابه‌جایی بزهکاری:

هنگامی اتفاق می‌افتد که بزهکاران رفتارشان را به نحوی تغییر داده‌اند که مانع از اجرای تدابیر پیشگیرانه شوند. بزهکاری دقیقاً برعکس گسترش منافع است. جابه‌جایی تهدیدی در راه اجرای اقدام‌های پیشگیرانه است اما این نیز راه چاره داشته و می‌توان آن را تا حدودی برطرف کرد (اما عدم وقوع آن نیز غیرممکن نیست). بررسی‌ها نشان داده‌اند که در بسیاری از برنامه‌های پیشگیری وضعی میزان جابه‌جایی کم بوده و یا اصلاً وجود نداشته و اگر جابه‌جایی نیز مشاهده شده، به ندرت توان مقابله و رویارویی با مزایای پیشگیرانه را داشته است. (راهبرد ۱۲)

سازگاری:

به فرآیند بلند مدت‌تری اطلاق می‌شود که به موجب آن، همه جمعیت بزهکار پس از اجرای تدابیر پیشگیرانه در یک محله، با ارتکاب جرم جدیدی آنجا را آسیب‌پذیر می‌کنند. پائول اِکِبلم و کِن پیس و برخی محققان برای بررسی سازگاری از سنجش‌گر رقابت تجهیزاتی^۳ میان مسئولان اجرای پیشگیری و بزهکاران استفاده می‌کنند. در هر صورت پس از اجرای تدابیر پیشگیرانه، شاهد کاهش نرخ جرائم خواهیم بود. اما دیر یا زود بزهکاران راه جدیدی برای ارتکاب جرم یافته، دوباره این مشکلات بروز می‌کنند. سازگاری هنگامی اتفاق می‌افتد که بزهکاران خلاق، آرام آرام شیوه‌های جدیدی برای ارتکاب جرم یافته و یا از تغییر فرصت‌ها استفاده کنند.

۱ - Displacement

۲ - Long-term adaptation

۳ - Analogy of an arms race، منظور سنجش میزان تطابق و تناسب تدابیر اجرا شده از سوی نهادهای پیشگیری از جرم با طرف‌ها و شیوه‌هایی است که بزهکاران پس از اجرای این تدابیر، به منظور مقابله و بی‌اثر کردن آن‌ها در راستای ارتکاب جرم انجام می‌دهند. م.

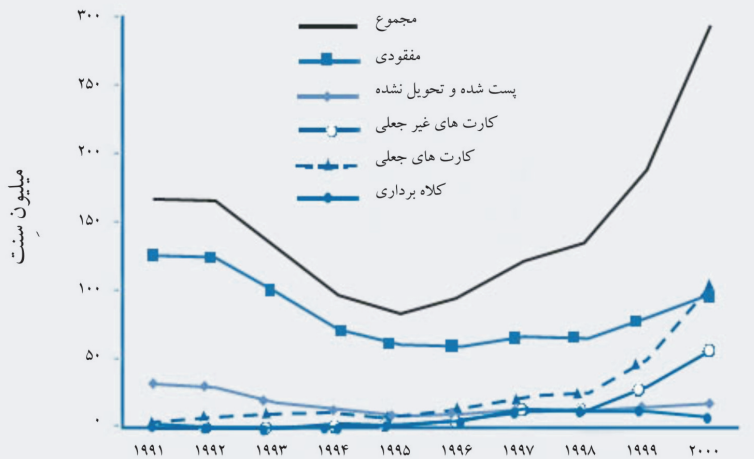
بهترین مثال برای سازگاری، جعل کارت‌های اعتباری است. نمونه جدیدتر سازگاری با قفل‌های دوچرخه است، سارقین دوچرخه متوجه شدند که می‌توانند با استفاده از یک خودکار معمولی و ارزان، قفل‌های پرکاربرد و ایمن را از کار بیاندازند. اما بزهکاران نمی‌توانند همه اقدام‌ها پیشگیرانه را با ابتکار عمل مجرمانه خود بی‌اثر کنند. برای مثال نیل شاور نشان داده که تکنولوژی‌های فعلی، نرخ سرقت از گاوصندوق را به طور چشمگیری کاهش داده، در حالی که سابقاً بسیار متداول بوده است.

در برخی مواقع اقدام‌ها پیشگیرانه موجب تحریک بزهکار برای مقابله با آن می‌شود، این امر هنگامی به وقوع می‌پیوندد که بزهکار اجرای تدابیر پیشگیرانه را مشروع ندانسته^۱ و به جای عدم ارتکاب جرم، مرتکب جرائم بیشتری می‌شود. این کار قانوناً به پلیس مربوط می‌شود، برای مثال «حضور شتاب‌زده پلیس» می‌تواند عاملی برای تحریک جمعیت باشد، به نحوی که رفتار آشوب‌گرانه از خود بروز دهند، بنابراین تا زمانی که پلیس اطمینان حاصل نکند که شورش در حال وقوع است، نباید آرایش ضد شورش اتخاذ کند. تحقیقات نشان می‌دهند که احتمال بروز مقابله افراد زمانی بیشتر می‌شود که پلیس، ناعادلانه و با خشونت عمل کند. بدیهی است که اگر همین افراد با برخورد منصفانه پلیس مواجه شوند، به قانون بیشتر پایبند می‌شوند، حتی اگر نتیجه حاصله چیزی که مورد نظر آنهاست نباشد. به طور کلی مقابله از نظر علمی اثبات نشده، اما نمی‌توان امکان بروز آن را نیز رد کرد، خصوصاً زمانی که تدابیر و اقدام‌های پیشگیرانه صرفاً توسط پلیس به اجراء در آیند.

سازگاری بزهکاران و کارت‌های اعتباری

میشل لوی و همکارانش چگونگی همکاری میان پلیس و وزارت کشور بریتانیا و صادرکنندگان کارت‌های اعتباری را برای کاهش جعل کارت‌های اعتباری توضیح داده‌اند. این راهکار در اواسط دهه ۱۹۹۰ انجام و شامل اقدام‌های زیر می‌شد: ۱- اقدام‌های جدید به گونه‌ای بود که به متصدیان فروشگاه‌ها برای انجام معامله‌ها اختیارات وسیع‌تری اعطا می‌کرد. ۲- اقدام‌ها جهت دستیابی به روش‌های ایمن‌تر ارسال کارت‌های اعتباری از طریق پست. همان‌طوری که نمودار زیر نشان می‌دهد، تعداد کارت‌های مفقودی، به میزان زیادی کاهش یافت. کارت‌های مفقودی شامل موارد زیر می‌شود: گم‌شدن، به سرقت رفتن و کارتهایی که ارسال شده اما تحویل نشده‌اند. با وجود این در سال‌های اخیر تعداد کارت‌های اعتباری گم‌شده که می‌توانند جعلی یا غیرجعلی باشند رو به افزایش گذاشته است. ازدیاد کارت‌های غیرجعلی به جهت توسعه سریع معامله‌های اینترنتی بوده و گسترش کارت‌های جعلی به دلیل فعالیت باندهای مجرمانه سازمان‌یافته در آسیای شرقی است.

کلاهبرداری با کارتهای اعتباری مفقودی - انگلیس



۱۲- از جابه‌جایی بزهکاری دلسرد نشوید

غالباً امور پلیسی مسئله محور در صدد کاهش موقعیت‌های ارتکاب جرم است. برای مثال برای پیشگیری از سرقت استفاده از قفل پنجره در یک مجتمع مسکونی و یا نصب دوربین‌های مداربسته در پارکینگ‌ها، نمونه‌هایی از راهکارهای پیشنهادی پروژه امور پلیسی مسئله محور است. اما انجام این راهکارها غالباً با مخالفت‌هایی مواجه می‌شوند چرا که این روش‌ها فقط جرم را از سیبل مورد نظر دور کرده و پیشگیری به معنای واقعی محسوب نمی‌شود. مطابق نظریه جابه‌جایی بزهکاری، با اجرای راهکارهای مزبور جرم ممکن است حول پنج محور زیر جابه‌جا شود، این پنج محور عبارت است از:

- ۱- انتقال جرم از محلی به محل دیگر (به لحاظ جغرافیایی).
 - ۲- زمان ارتکاب جرم از زمانی به زمان دیگر تغییر می‌کند (زمانی).
 - ۳- انتقال سیبل جرم به آماجی دیگر (آماج).
 - ۴- تغییر نحوه ارتکاب جرم (شیوه، ترفند).
 - ۵- ارتکاب جرم دیگری به جای جرم مورد نظر (نوع جرم).
- در هر یک از این موارد، نظریه جابه‌جایی فرض را بر این می‌گذارد که بزهکاران قطعاً مرتکب جرم می‌شوند، حتی اگر هر چیزی مانع آنها شود (بنابراین ارتکاب جرم قطعی است). این فرضیه مبتنی بر گرایش باطنی بزهکار به ارتکاب جرم بوده و این میل را به قدری قوی می‌داند که او را مجبور به ارتکاب جرم کرده آن هم به همان شیوه‌ای که در ذهن بزهکار است. فرضیه دیگر این نظریه این است که بزهکاران حرفه‌ای یا معتادان برای امرار معاش باید درآمد مکفی از ارتکاب جرم عایدشان شود. دلیلی وجود ندارد که نشان دهد بزهکاران برای ارضای تمایل‌های شدید روانی خود (جبر روانی) دست به ارتکاب جرم می‌زنند. در واقع، دلائل زیادی بیان‌گر این مطلب‌اند که انسانها

در ارتکاب جرم اختیار دارند، یا در مورد این که کجا و چگونه مرتکب جرم شوند. با وجود این نظریه جابه‌جایی بزهکاری، نقش مهم «وسوسه و موقعیت» را در ارتکاب جرم نادیده می‌گیرد. (به راهبرد نهم رجوع کنید)

این نظریه حتی در مورد بزهکارانی که مرتکب جرائم متعددی می‌شوند نیز، «موقعیت ارتکاب جرم» را نادیده می‌گیرد. تحقیقات انجام شده بر معتادان نشان می‌دهد که آنها برای مصرف مواد و اعتیاد خود، به هر نوع تغییرهایی خو می‌گیرند بنابراین در اعتیاد خود باقی مانده و به امور دیگری روی نمی‌آورند. ترجیحاً یا باید معتادان را تحت فشار قرار داد تا مصرف مواد مخدر را کاهش دهند یا این که مقدار مصرف آنها را پایین آورد تا این که به مرور زمان مصرف آن را ترک کنند.

در مورد بزهکاران حرفه‌ای مانند سارقان بانک، بر خلاف فرضیه جابه‌جایی بزهکاری نمی‌توان گفت که همیشه درآمد ثابتی از ارتکاب این جرم عایدشان می‌شود. در خصوص این نوع بزهکاران مطمئناً چنانچه شرایطی فراهم شود که ارتکاب سرقت مورد نظر آنها سخت‌تر و مخاطره‌آمیزتر باشد، سرقت‌های کمتری مرتکب می‌شوند و بالعکس. سارقان بانک به مثابه سارقان دیگر گاهی مجبور می‌شوند که به دلیل وجود شرایط و اوضاع و احوال مذکور (سخت و پرخطر شدن سرقت) سطح توقع های خود را پایین آورده و به درآمد کمتر قانع شوند.

البته ما قصد نداریم نظریه جابه‌جایی بزهکاری را نادیده بگیریم، در واقع مطابق نظریه انتخاب منطقی زمانی که منافع حاصل پس از جابه‌جایی بزهکاری، بیش از هزینه‌های تحمیلی ارتکاب جرم به بزهکار باشد، جابه‌جایی بزهکاری صورت می‌گیرد. برای مثال در اواخر سال ۱۹۹۰ پلیس نیویورک سیتی، تیم‌های مبارزه با مواد مخدر را در مراکز خرید و فروش مواد مخدر مستقر کرد، دلالتان مواد مخدر در واکنش به این طرح، محل خرید و فروش خود را از کنار خیابان به داخل مجتمع‌های مسکونی جابه‌جا کردند. اما تحقیقات متعدد دیگری بیانگر این مطلب‌اند که یا جابه‌جایی

بزهکاری صورت نمی‌گیرد و یا در صورت وجود، بسیار محدود است. برای مثال به موارد موثق زیر توجه کنید:

— گشت ویژه پلیس در کانزاس سیتی، در محله‌هایی که آمار جرائم مسلحانه بالا بود، توانست بدون تحقق جابه‌جایی بزهکاری برای این جرم یا سایر جرائم، نرخ این جرائم را کاهش دهد.

— کارشناسان با استفاده از شیوه‌های نوین تشخیص اسناد جعلی، به طور چشمگیری جعل چک در سوئد را کاهش دادند، بدون هیچ جابه‌جایی در جرائم مرتبط با جعل یا جرائمی که می‌توانست به جای جعل ارتکاب یابد.

— مراقبت‌ها و حفاظت‌های شدید امنیتی نسبت به بانک‌ها در استرالیا باعث کاهش نرخ سرقت شد، اما هیچ دلیلی مبنی بر ازدیاد نرخ سرقت از دکه‌های خیابانی، پمپ‌های بنزین، هتل‌ها یا مردم در خیابانها یافت نشد.

— زمانی که انجام امور پلیسی مسئله محور نرخ سرقت از مجتمع‌های مسکونی جرم‌خیز را در ویرجینیای نیوپورت نیوز کاهش داد، این جرم به مجتمع‌های مسکونی مجاور منتقل نشد.

— زمانی که خیابانها در پارک فاینز بری لندن بسته و نظارت پلیس تشدید شد، جابه‌جایی روسپی‌گری به مناطق مجاور مشاهده نشد. مطابق تحقیقات انجام شده، اکثر این زنان به میل خود در این پارک روسپی‌گری نمی‌کردند، بلکه این کار آنان برای امرار معاش بود اما با اجرای این طرح دچار مشکل شده و بازی را باختند. (به راهبرد پنجاه رجوع کنید)

— طراحی مجدد یک ایستگاه اتوبوس برقی به منظور مهار سرقت مقرون به آزار، حمله و تهدید به ضرب و کاهش جرائم خشونت‌بار در سن دیگو، بدون جابه‌جایی این جرائم به ایستگاه دیگر انجام شد.

در مثال‌های بالا و مثال‌های متعدد دیگری، جابه‌جایی بزهکاری هزینه‌های زیادی

را بر بزهکاران تحمیل می‌کرد. بنابر مستندات بالا تصور اکثر مردم اشتباه است، چرا که عموم مردم تصور می‌کنند که جابه‌جایی بزهکاری بیش از اینها رخ می‌دهد. مطالب مذکور اقتباسی بود از چهار گزارش موثق از انگلستان، کانادا، امریکا و هلند. گزارش هلند (جدیدترین گزارش) پنجاه و پنج نمونه را در کل جهان بررسی کرده است، در بیست و دو مورد آن هیچ‌گونه جابه‌جایی رخ نداده و در سی و سه مورد باقیمانده فقط بعضی از جرائم جابه‌جا شده‌اند. در هیچ‌یک از این موارد، نرخ جرم جابه‌جا شده با نرخ جرم پیشگیری شده برابر نبوده، همچنین جابه‌جایی موجب افزایش جرم دیگری نشده است.

معمولاً جابه‌جایی بزهکاری محدود است زیرا بزهکاران به سختی می‌توانند سریعاً خود را با شرایط جدید سازگار کنند. اگر بزهکاران تغییر کنند احتمال بسیار زیادی دارد که اماکن، زمانها، آماج، شیوه‌ها و انواع جرائمی را تغییر دهند که با موارد مشابه فروبسته توسط برنامه پیشگیری از جرم مشابهت دارد، زیرا موارد مذکور آسان‌ترین اموری هستند که بزهکاران می‌توانند آن را تغییر دهند. این موضوع بیان می‌دارد که با حدس زدن اموری که تغییر آنها برای بزهکاران بسیار آسان است، می‌توان جابه‌جایی بزهکاری را پیش‌بینی کرد. اگر اموری وجود داشته باشد که تغییر، آنها به وضوح آسان باشد، توصیه می‌شود چگونگی درج و تلفیق این امور در طرح پیشگیری از جرم را در نظر بگیرید. اگر نمی‌توانید این موارد را با طرح پیشگیری تلفیق کنید، بهتر است برای یافتن و کشف جابه‌جایی بزهکاری کلیه امور مذکور را زیر نظر داشته باشید.

به اختصار، جابه‌جایی بزهکاری همیشه تهدیدی محسوب می‌شود اما دلایل نظری قوی برای این اعتقاد وجود دارند که جابه‌جایی بزهکاری الزاماً به وقوع نمی‌پیوندد. علاوه بر این مطالعات انجام شده بر جابه‌جایی بزهکاری نشان می‌دهند که حتی در صورت وقوع جابه‌جایی، ممکن است به صورت کامل و همه‌جانبه نباشد و می‌توان بخش عظیمی از جرم را با اقدام‌های کاهش دهنده موقعیت جرم کاهش داد.

ادعای جابه‌جایی بزهکاری غالباً با بررسی‌های دقیق نقض می‌شود

در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، جان اک گزارشی از جابه‌جایی بزهکاری پلیس نیوپورت نیوز را بررسی کرد. در این گزارش شدت عمل پلیس موجب عدم خرید و فروش ماری‌جوانا در گوشه و کنار خیابان شده بود. بعضی از مأموران پلیس اظهار می‌کردند که بزهکاران برای خرید و فروش مواد مخدر، فقط به نقاط مشابه مجاور تغییر مکان داده‌اند. در مصاحبه‌های انجام شده با مأموران پلیس چند واقعت مهم آشکار شد:

- دلان مواد مخدر در کنار سایر خیابانها، هروئین معامله می‌کردند نه ماری‌جوانا.
- هیچ‌یک از بزهکاران بازار خرید و فروش ماری‌جوانا، در بازار هروئین نبودند.
- عملکرد بازار هروئین بسیار پایین بود.
- عملکرد پلیس منجر به تأخیر گشایش بازار ماری‌جوانا شد.

ادعای جابه‌جایی بزهکاری ممکن است به دلیل برداشت‌های شخصی و گزینشی باشد. از نظر مردم مبارزه پلیس با خرید و فروش ماری‌جوانا در گوشه و کنار خیابان راهکار مهمی در مبارزه با مواد مخدر تلقی نشده و مسئولان مربوطه نیز از آن استقبال نکردند. دقیقاً زمانی که ساکنان محله‌های مجاور از خرید و فروش ماری‌جوانا شکایت کردند، این موضوع توجه مسئولان را به خود جلب کرد. (در ابتدای انجام این طرح به دلیل کم‌اهمیت تلقی کردن موضوع، توجهی به آن نشد و پس از ارائه گزارش توسط ساکنان، توجه مسئولان به این مطلب مهم جلب شد، در واقع باور عمومی این بود که این مشکل توسط پلیس حل نشد، بلکه فقط جابه‌جا شده است.)

۱۳- توزیع منافع را نیز در نظر داشته باشید

گاهی در مواردی که محققان انتظار دارند که با جابه‌جایی بزهکاری مواجه شوند، دقیقاً با عکس آن روبه‌رو می‌شوند. به جای آنکه جرم به زمان یا مکان دیگری جابه‌جا شده باشد، نرخ آن بسیار گستره‌تر از آنچه که انتظار می‌رود کاهش می‌یابد، به بیانی دیگر کاهش فراتر از حیطه اقدام‌ها انجام شده است. با وجود اینکه این موضوع کشف نسبتاً جدیدی است، اما مصادیق بسیاری در این زمینه وجود دارد که به مواردی از آن اشاره می‌کنیم:

۱- همان‌طور که انتظار می‌رفت، کُذگذاری الکترونیکی کتاب‌ها در کتابخانه دانشگاه ویسکانسین موجب شد نرخ سرقت کتاب‌ها کاهش یابد، گرچه نرخ سرقت نوارهای ویدیویی و دیگر اجناسی که برچسب و کُذ نداشتند نیز کاهش یافت.

۲- هنگامی که فروشنده قسمت وسایل الکترونیکی فروشگاه‌های در نیوجرسی پیشنهاد کرد که اجناس قیمتی موجود در انبار، روزانه شمارش شود نرخ سرقت کارکنان فروشگاه از این‌گونه اجناس به‌طور چشمگیری کاهش یافت. البته علاوه بر این و بر خلاف انتظار، از نرخ سرقت اجناسی هم که شمارش نمی‌شد نه کاسته شد.

۳- هنگام به‌کارگیری سیستم ردیاب وسایل نقلیه، معروف به لوجک در شش شهر بزرگ، علاوه بر سرقت وسایل نقلیه مجهز به این سیستم، نرخ سرقت وسایل نقلیه فاقد این سیستم نیز کاهش یافت.

۴- سیمون حکیم و همکارانش در دانشگاه تمپل نشان دادند که استفاده گسترده از دزدگیر و آژیر در مناطق مرفه نشین نزدیک فیلادلفیا، نه تنها نرخ سرقت در آن منطقه را کاهش داد بلکه در تمام شهر اثر چشمگیری داشت.

۵- با نصب چراغ‌های راهنمایی مجهز به دوربین در تقاطع‌های مشخصی از شهر استراتکید، یکی از شهرهای بزرگ اسکاتلند، نه تنها تعداد متخلفان در تقاطع‌های مذکور کاهش یافت، بلکه نرخ تخلفات ارتكابی در تقاطع‌های مجاور نیز کاهش

یافت. (البته این راهکار در شهرهای کوچک، برای مدت زمان طولانی قابل استفاده نیست، چرا که مردم تقاطع‌های دارای چراغ‌های راهنمایی مجهز به دوربین را به سرعت شناسایی می‌کنند).

۶- اجرای طرح ارتقاء امنیت مشروب‌فروشی‌های منطقه‌ای از کایرخولت در انگلستان که مکرراً از آنها سرقت می‌شد نه تنها نرخ سرقت را در منطقه موردنظر، بلکه در کل مشروب‌فروشی‌های ایالت کاهش داد.

همه این موارد مصادیقی از توزیع منافع هستند که به واسطه اجرای اقدام‌های پیشگیرانه حاصل شده‌اند. به نظر می‌رسد که بزه‌کاران بالقوه از اجرای راهکارهای پیشگیرانه آگاهند، اما غالباً از حیطة دقیق اجرای آن مطمئن نیستند. آنها اغلب حیطة اقدام‌های پیشگیرانه را بیشتر از آنچه در واقع است تصور نموده و فکر می‌کنند اقدام‌های لازم برای ارتکاب جرم در بسیاری از زمانها و مکانها و نسبت به بسیاری از آماج‌های جرم افزایش یافته و برای ارتکاب جرم خطر بیشتری را باید متحمل شوند. این بدان معنی است که توزیع منافع نیز مانند انواع متفاوت جابه‌جایی بزهکاری، می‌تواند اشکالی متفاوت به خود بگیرد (به جدول رجوع کنید).

توزیع منافع امری غیرمنتظره است به طوری که دستاوردهای کاربردی پیشگیری وضعی را به طور چشمگیری افزایش می‌دهد. اما هنوز نمی‌دانیم که چگونه می‌توانیم به طور کنترل شده و آگاهانه به آن دست یابیم. یکی از بهترین شیوه‌های آن تبلیغات است. مبارزه تبلیغاتی در شمال انگلستان موجب شد عواید و مزایای حاصل از نظارت و کنترل با دوربین‌های مدار بسته، همه مجموعه هشتاد اتوبوس را در برگیرد، در حالی که این دوربین‌ها تنها بر روی تعداد معدودی از اتوبوس‌ها نصب شده بود. یکی از این اتوبوس‌ها در حوالی مدارس به کار گرفته شد تا به دانش‌آموزان نشان دهد که اگر مرتکب عمل غیر اخلاقی شده و یا بخواهند به اتوبوس آسیب برسانند از طریق دوربین‌ها شناسایی و دستگیر شده و تصویر آنان از شبکه سراسری پخش خواهد شد.

جابه‌جایی و توزیع منافع سرقت از آپارتمانها			
توزیع منافع	جابه‌جایی	حیطه	نوع
نرخ سرقت را در ساختمان موردنظر و ساختمانهای اطرافش کاهش داد	به ساختمان دیگری منتقل شده	تغییر جغرافیایی	جغرافیایی
سرقت‌های ارتكابی طی روز و عصر کاهش یافت	زمان ارتكاب از روز به عصر تغییر کرد	تغییرهای زمانی	زمانی
نرخ ارتكاب سرقت‌ها هم در خانه‌ها و هم در آپارتمانها کاهش یافت	موضوع سرقت از آپارتمانها به خانه‌ها (حیاط دار) تغییر کرد	موضوع مورد تهاجم تغییر کرد	آماج جرم
کاهش نرخ دستبرد از درهای قفل شده و بدون قفل	تغییر روش از سرقت از درهای بدون قفل به شکستن قفل‌ها	تغییر در شیوه ارتكاب جرم	شیوه
کاهش نرخ سرقت از منازل و سرقت به طور کلی	تغییر نوع سرقت از سرقت از منازل به سرقت	تغییر نوع جرائم	نوع جرم

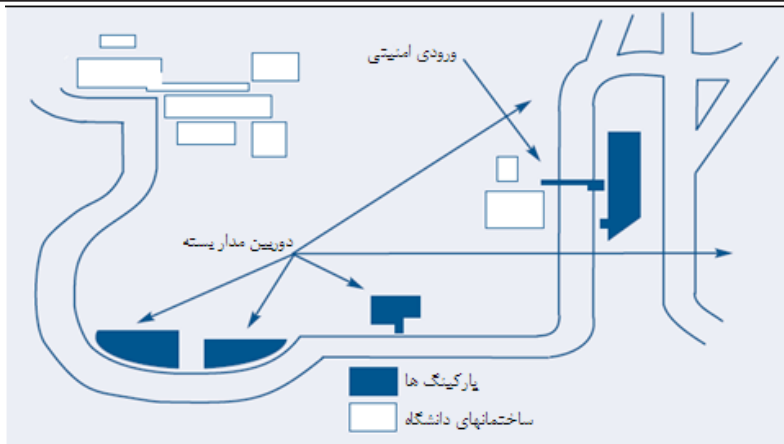
باید در نظر داشت وقتی بزه‌کاران متوجه شوند، که خطرها و اقدام‌ها برای ارتكاب جرم به گونه‌ای که تصور می‌شود افزایش نیافته است، میزان توزیع منافع کاهش می‌یابد. تحقیقات نشان داده است که این مسئله اخیراً در انگلستان در مورد دستگاه دم‌سنج محقق شده است. این دستگاه به طور موقت تأثیری بیش از حد انتظار بر رانندگان مست داشت. در این مورد به نحوی عمل شد که خطر دستگیری افزایش یافته بود، اما به محض اینکه رانندگان دریافتند که خطر ایست و بازرسی کم شده است، مجدداً رانندگی با حالت مستی افزایش یافت. شاید این بدان معنی است که تدابیر اتخاذ شده، بزه‌کاران را در مسیری هدایت می‌کند که همیشه در پی راه‌حلی باشند که با استفاده از آن بتوانند تهدیدهای موجود را کاملاً شناسایی نموده و دقیقاً بدانند که اگر بخواهند مجدداً مرتکب جرم شوند به چه میزان باید تلاش کرد.

از حیث عملی، توزیع منافع از این جهت مهم است که دقیقاً عکس جابه‌جایی بزه‌کاری عمل می‌کند، با وجود جابه‌جایی، اشاعه اقدام‌ها پیشگیرانه باید استمرار داشته باشد. مطمئناً با بسیاری از این موارد مواجه خواهید شد. دومین گام مهم ارزیابی میزان توزیع است که

ارزیابی های شما باید به گونه ای باشد که این توزیع را مدیریت کند. شیوه انجام این ارزیابی در راهبرد پنجاه و یک با توصیف دو منطقه کنترل با دو مسافت دور و نزدیک بررسی خواهند شد. در غیر این صورت ممکن است مردم در مورد تأثیر این ابتکار عمل در امور پیشگیرانه شما سؤال کنند که چطور ممکن است جرم در منطقه‌ای مجاور منطقه مورد نظر کاهش یابد. ممکن است شما با این مسئله مواجه شوید که مردم در مورد تأثیرات اولیه اقدام ها پیشگیرانه از شما سؤال کنند، علت سؤال آنان این است که جرم در منطقه‌ای مجاور منطقه مورد نظر نیز کاهش یافته است.

توزیع منافع و کنترل ویدیویی در یکی از پارکینگ‌های دانشگاه

یکی از رؤسای جدید حراست دانشگاه سِری انگلستان تصمیم گرفت با استفاده از دوربین‌های مدار بسته، مسئله سرقت از پارکینگ‌های دانشگاه را حل و فصل کند. وی دوربین مدار بسته‌ای را روی تیرکی بلند قرار داد که امکان نظارت بر فضای پارکینگ‌ها وجود داشته باشد. همان طور که نقشه نشان می‌دهد، دوربین مذکور کنترل یکسانی روی همه پارکینگ‌ها نداشت، چرا که وجود ساختمانهایی در مسیر پارکینگ شماره یک مانع دید دوربین می‌شد.



پیش بینی می‌شد که اگر چنانچه استفاده از دوربین در پیشگیری از جرم مؤثر واقع شود، این تأثیر فقط باید نسبت به پارکینگ‌هایی صورت پذیرد که توسط دوربین‌ها تحت کنترل قرار گرفته‌اند. همچنین پیش بینی می‌شد که جرائم از پارکینگ‌هایی که تحت کنترل هستند به پارکینگ‌هایی که تحت نظر نیستند منتقل شود (جابه‌جا شود).

اما طی سال گذشته که این دوربین‌ها به کار گرفته شدند، نرخ سرقت‌ها و موارد تخریب

اموال عمومی موجود در پارکینگ‌ها به نصف رسید و از صد و سی و هشت مورد در سال قبل به شصت و پنج مورد در سال بعد رسید. البته در پارکینگ شماره یک نیز بر خلاف اینکه تحت پوشش دوربین‌ها قرار نگرفته بود، وقایع به اندازه سه پارکینگ دیگر کاهش یافت. احتمالاً توزیع منافع ناشی از کنترل‌های ویدیویی، به خاطر آگاهی بزهکاران بالقوه‌ای بود که با فضای دانشگاه نیز آشنا بودند. اما محدوده اعمال اجرائیات را به دقت نمی‌شناختند. احتمالاً بسیاری از اشخاص نیز به این نتیجه رسیدند که دیگر به خطر انداختن خود و اقدام‌های لازم برای ورود به پارکینگ‌های دانشگاه برای ارتکاب جرم ارزشی ندارد.

۱۴- هنگام تعریف مسئله از آزمون CHEERS استفاده کنید

مسئله عبارت است از یک سری وقایع تکرار شونده، زیان بار و مرتبط در سطح جامعه که مردم از پلیس انتظار دارند به آنها رسیدگی کند. با توجه به این تعریف شش عنصر اصلی مسئله عبارت است از: جامعه، زیان بار بودن، انتظارات، وقایع، تکرار و وجه اشتراک که با واژه اختصاری^۱ CHEERS نشان داده می‌شوند.

جامعه: وقایع زیان بار مورد نظر باید به گونه‌ای باشد که عموم مردم آن را تجربه کنند. منظور از عموم مردم اشخاص حقیقی، اصناف، اداره‌های دولتی و دیگر نهادها است. نیازی نیست که همه یا اکثریت جامعه این شرایط را تجربه کنند، بلکه تجربه توسط بخشی از افراد جامعه نیز کافی است.

زیان بار بودن: مردم و نهادها باید از آن آسیب متضرر شوند. آسیب می‌تواند موارد زیر را در برگیرد: از بین رفتن یا تخریب اموال، آسیب جسمی یا مرگ، اضطراب و تشویش خاطر شدید، اتلاف و کاستن قابلیت‌های پلیس (مانند تماس‌های مکرر و بی‌مورد برای دریافت خدمات). به خاطر داشته باشید که «غیرقانونی بودن» جز تعریف مسئله یا از ویژگی‌های آن نیست. در بعضی موارد، پلیس باید به رفتاری قانونی رسیدگی کند. مثال متداول آن، شکایت از آلودگی‌های صوتی ناشی از فعالیت‌های اقتصادی قانونی و تأثیر آن بر ساکنان محله است. از طرفی، برخی مسئله‌ها در ابتدا در قالب رفتاری غیرقانونی گزارش می‌شوند، اما با بررسی دقیق‌تر، هیچ رفتار غیرقانونی‌ای مشاهده نمی‌شود. گزارش‌هایی که دارای همه معیارهای CHEERS باشند، «مسئله» نامیده می‌شود.

انتظاراتها: برخی از افراد جامعه از پلیس انتظار دارند که علل زیان بار بودن را پیگیری کند (گفته شد که نیاز به عده کثیری نیست). انتظار نباید مفروض باشد، بلکه

۱ - واژه اختصاری به منظور تعریف عناصر یک مسئله، حروف آن به ترتیب بیانگر مفاهیم زیر است: جامعه (C)، زیان بار بودن (H)، انتظارات (E)، وقایع (E)، تکرار (R) و وجه اشتراک (S).

باید به مواردی مانند تماس‌های تلفنی شهروندان، تجمع‌ها، گزارش‌های خبرگزاری‌ها یا... مستند باشد. در این زمینه پلیس ملزم به پذیرش نظر مردم در خصوص تعریف مسئله یا آنچه که باید درباره آن انجام شود یا علل پیدایش آن نیست. زیرا ممکن است مردم در تشخیص ویژگی‌ها و علل پیدایش اشتباه کنند. این موضوع از وظایف تحلیل‌کننده است تا به دقت، علل پیدایش آن را بیابد.

وقایع: باید وقایعی که باعث پیدایش مسئله می‌شوند را بیابید. مسئله‌ها از وقایع مجزا تشکیل شده‌اند. وقایع، مواردی مانند ورود به عنف (برای سرقت از منزل)، حمله به دیگری، مسائل جنسی، سر و صدای فوق‌العاده زیاد و... هستند. اکثر وقایع در کوتاه مدت اتفاق می‌افتند، اگر چه انجام برخی از آنها مستلزم صرف زمان است، مانند انجام برخی از گونه‌های تقلب.

تکرار: وقایع مورد نظر باید تکرار شوند. ممکن است تکرار حاکی از مسئله‌ی حاد یا مزمن باشد. مسئله‌های حاد، ناگهانی ظاهر می‌شوند، مانند محله‌ای که در آن، نرخ سرقت تجهیزات داخل خودرو کم است، اما به طور ناگهانی نرخ چنین سرقت‌هایی افزایش می‌یابد. برخی از مسئله‌های حاد حتی اگر هیچ اقدام خاصی نیز برای برطرف کردنشان صورت نگیرد، خود به خود مرتفع می‌شوند. اما در بسیاری موارد، اگر به آنها رسیدگی نشود، به مسئله‌ای مزمن تبدیل می‌شوند. بدین خاطر، مسئله‌های حاد باید بررسی شوند تا مشخص شود آیا نشانه‌ای از مستحکم شدن (تبدیل به مسئله‌ای مزمن) در آنها وجود دارد؟ مسئله‌های مزمن مدت‌ها باقی می‌مانند، مانند سال‌ها پرسه زدن زنی روسپی در محله‌ای. وقایع مربوط به مسئله‌های مزمن دائماً واقع می‌شوند، تا زمانی که اقدامی در این زمینه صورت گیرد.

وجه اشتراک: وقایع مکرر باید وجه اشتراکی داشته باشند. مثلاً ممکن است مسئله مورد نظر توسط شخص واحدی ارتکاب یابد. ممکن است در شرایط و اوضاع مشابهی به وقوع پیوسته یا آلت ارتکاب یکسان بوده و یا این‌که در یک یا چند عامل دیگر وجه

اشتراک داشته باشند. بدون وجود ویژگی مشترک، تنها شاهد مجموعه‌ای از وقایع اتفاقی خواهید بود، نه مسئله مورد نظر ما در این بخش. توجه داشته باشید که طبقه‌بندی‌های متداول جرائم در این زمینه کارساز نیست. برای مثال سرقت خودرو به تنهایی شامل موارد زیر می‌شود: سرقت خودرو برای تفریح، سرقت خودرو برای استفاده در سرقت از مغازه، سرقت برای صادر کردن به کشورهای دیگر، سرقت برای استفاده در جرائم دیگر و تعداد زیادی از وقایع متنوع دیگر. بدیهی است که مجموعه سرقت‌های مزبور را نمی‌توان تنها یک مسئله دانست بلکه به اطلاعات بیشتری نیاز است. با وجود همین ویژگی‌های مشترک است که وقایع به مسئله تبدیل می‌شوند - برای مثال سرقت وانت از حومه شهری برای استفاده به عنوان تاکسی کولی‌ها در داخل شهر.

مسئله‌ها باید به طور دقیق بررسی شوند (به راهبرد شش و پانزده رجوع کنید)، با بررسی دقیق کلیه جزئیات، مجموعه شرایط ایجادکننده ی وقایع زیان بار را از مجموعه شرایط افزایش دهنده این وقایع تفکیک می‌کنند. CHEERS شش سؤال اصلی را به شما پیشنهاد می‌کند، که باید در مرحله بررسی به آنها پاسخ داده شود.

• چه کسی در جامعه تحت تأثیر مسئله قرار می‌گیرد؟

• چه آسیب‌هایی به واسطه پیدایش مسئله وارد می‌شوند؟

• از پلیس انتظار می‌رود چه واکنشی نشان دهد؟

• چه نوع وقایعی در پیدایش مسئله مؤثرند؟

• چند وقت یکبار این وقایع تکرار می‌شوند؟

• وجه اشتراک وقایع با یکدیگر چیست؟

همه اموری که پلیس به آنها رسیدگی می‌کند، مسئله نیستند. در این راستا CHEERS به شناسایی دقیق مسئله کمک می‌کند. یادآوری می‌کنیم که از واژه «مسئله» به طور تخصصی و آن‌گونه که برای انجام امور پلیسی مسئله محور لازم است استفاده می‌کنیم، نه آن‌گونه که در محاورات روزمره ما استفاده می‌شود. برخی از اموری که

مسئله نیستند، ممکن است مسئله‌آفرین (درد سر ساز) شوند، بنابراین لازم است که پلیس به آنها توجه کند، مانند موارد زیر:

وقایع تکرار ناپذیر: واقعه‌ای که تکرار نمی‌شود، بدون توجه به درجه وخامت آن، مسئله نیست. مگر این‌که به طور منطقی به نظر برسد، که اگر اقدامی نشود، واقعه مشابه دیگری پدید خواهد آمد. برخی اوقات لازم است که واقعه‌ای تکرار ناپذیر بررسی شود و یا تحت انجام برخی اقدام‌های پلیسی قرار گیرد، اما حل مسئله را نباید برای رفع وقایع تک‌موردی به کار گرفت، زیرا از هیچ مسئله‌ی پیشگیری نمی‌شود.

مناطق: گاهی مناطقی کوچک مانند مرکز شهر یا مجتمع‌های آپارتمانی به عنوان محل‌های مسئله‌آفرین شهرت می‌یابند، اما معمولاً مسئله‌ای وجود ندارد. در واقع این مناطق، دارای محله‌ها یا اماکنی هستند که در آنها مسئله‌های متعددی اتفاق می‌افتد. ممکن است مسئله‌های شخصی نیز جزء این موارد باشند، اما همیشه این‌طور نیست. اگر کل منطقه را به عنوان مسئله‌ای تکرار ناپذیر در نظر بگیریم، پیچیدگی کار افزایش یافته و احتمال یافتن راهکارهای مؤثر نیز کمتر می‌شود. از این رو شما باید مسئله‌های خاص هر محله را شناسایی کرده و به طور جداگانه به آنها بپردازید. اگر این مسئله‌ها با هم مرتبط باشند (برای مثال یک راسته خیابان در پیدایش چندین مسئله دخیل باشد) بررسی این ارتباط مؤثر خواهد بود. هرگز تصور نکنید که ارتباط مسئله‌ها با هم، تنها به علت نزدیک بودن آنها (از نظر زمانی، مکانی یا...) به یکدیگر است. البته در برخی موارد ممکن است راه‌هایی برای متمایز کردن مسئله‌ها وجود داشته باشد.

جایگاه (خوابگاه) اجتماعی: کودک مدرسه‌گریز، نوجوان بی‌حوصله، بزرگسال ولگرد و بزهکاران محکوم شده را نمی‌توان به خاطر مدرسه رفتن، نداشتن شغل، استخدام نشدن یا محکوم به ارتکاب جرمی بودن؛ مسئله تلقی کرد. جامعه از پلیس انتظار دارد که نسبت به آنها اقدامی انجام دهد، اما این‌گونه جایگاه‌های اجتماعی، دو ویژگی «زیان‌بار بودن» و «وقایع» را ندارند. برخی از این اشخاص قطعاً در پیدایش

مسئله‌ها نقش دارند، برای مثال سیبل جرم واقع می‌شوند یا بزه‌کار می‌شوند یا...، اما این امر باعث نمی‌شود که آنها مصداق مسئله باشند. بنابراین باید از تعریف مسئله با توجه به جایگاه اجتماعی اجتناب کرد. جایگاه‌های اجتماعی ممکن است به بخشی از مسئله ای بزرگ اشاره داشته باشند.

همیشه از آزمون CHEERS استفاده کنید تا ببینید که آیا امر مورد نظر همه این شش عامل را دارد؟ اگر چنین نیست، برای مرتفع کردن آن، از انجام امور پلیسی مسئله محور بپرهیزید.

۱۵- با نوع مسئله ای که با آن مواجه هستید آشنا باشید

از آنجایی که پلیس محلی باید با مسائل بسیاری مواجه شود که ویژگی‌های مطرح شده در CHEERS را دارا هستند (به راهبرد چهارده رجوع کنید) این مسائل را به شکل طبقه بندی ارائه نموده‌ایم. این شیوه طبقه بندی به شما کمک می‌کند که بتوانید به دقت مسئله‌ها را تعریف کنید و شما را قادر می‌سازد که بتوانید مسئله‌های به ظاهر مشابه که واقعاً از هم متفاوتند را تفکیک کنید و در عین حال این امکان را برای شما فراهم می‌آورد که بتوانید مسئله مورد نظرتان را با مسئله‌های مشابه آن که تاکنون بدانها پرداخته شده است، مقایسه نموده و ویژگی‌های مهمی که باید بررسی شوند را بشناسید. برای مثال می‌توانید مجموعه ای گسترده از تحقیقات در مورد مسئله‌های متداول را در دفتر خدمات پلیسی مسئله محور و وب سایت‌های انجام امور پلیسی مسئله محور بیابید که به خوبی بدانها پرداخته شده است (به راهبرد نوزده رجوع کنید). شناخت مسئله مورد بررسی به شما کمک می‌کند که بتوانید تحقیقاتی را شناسایی کنید که ممکن است برای شما مفید واقع شوند، حتی اگر مستقیماً به مسئله مورد نظر شما نپرداخته باشند. این شیوه طبقه‌بندی بر دو ضابطه استوار است:

۱- محیط‌هایی که مسئله در آنجا شکل می‌گیرد.

۲- رفتارهای اشخاص دخیل در مسئله (البته این شیوه، از شیوه طبقه‌بندی گریگ و اردک و لانه که نوعی طبقه‌بندی برای مسئله‌های پایدار است و در راهبرد شماره هشت مطرح شد متفاوت است).

محیط‌ها هستند که از طریق فعالیت‌هایی که اشخاص در آنها انجام می‌دهند و یا به وسیله کسانی که محل مورد نظر را اداره و کنترل می‌کنند، امکان دسترسی به آماج‌های جرم را فراهم می‌آورند. شناسایی نوع محیط، این امکان را برای شما فراهم می‌آورد که بتوانید محیط‌های مسئله دار و بدون مسئله را با هم مقایسه کنید. محیط‌ها مالکانی دارند که می‌توانند در حل مسئله نقشی مهم ایفا نمایند (به راهبرد چهل و چهار رجوع کنید) به طور کلی یازده

نوع محیط وجود دارد که با مسائل پلیسی مرتبطند که عبارت است از:
محیط‌های مسکونی: مکان‌هایی هستند که مردم در آنجا اقامت می‌کنند نظیر خانه‌ها، آپارتمانها و اتاق‌های هتل‌ها. گرچه اغلب آنها در مکان‌هایی ثابت قرار دارند، اما برخی نیز نظیر وسایل نقلیه تفریحی متحرک‌اند.

اماکن تفریحی: مکان‌هایی هستند که افراد برای خوشگذرانی و تفریح به آنجا می‌روند، نظیر کلوب‌ها، رستورانها، سینماها، زمین‌های بازی، بندرگاه‌ها و پارک‌ها.
اداره‌ها: محل انجام امور اداری و دفتری که تعامل نزدیک و رو در روی کارکنان و ارباب رجوع در این اماکن کم بوده و اغلب امکان دسترسی به این اماکن نیز کم است نظیر اماکن دولتی و تجاری.

اماکن و بازارهای غرفه بندی شده: مکان‌هایی که اشخاص می‌توانند به طور پیاده یا سواره در آنجا رفت و آمد کنند و در آنجا معامله‌های پولی صورت می‌گیرد نظیر فروشگاه‌ها و بانک‌ها.

اماکن صنعتی: این اماکن محل تولید اجناس و کالاهاست. در این محل‌ها، معامله‌های نقدی در زمره فعالیت‌های با اهمیت محسوب نشده و مشتریان حضور کم‌رنگی دارند. کارخانه‌ها، انبارها، محل بسته بندی کالاها و... از جمله این مکانها هستند.
محیط‌های مربوطه به کشاورزی: محل‌هایی برای پرورش محصولات کشاورزی و دام و طیور.

اماکن آموزشی: اماکنی برای مطالعه یا یادگیری از جمله مراکز بهزیستی، مدارس، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و اماکن مذهبی.

مراکز ارائه دهنده خدمات عمومی: اماکنی که مردم در صورت بروز مشکل به آنها مراجعه می‌کنند نظیر دادگاه‌ها، زندانها، ندامتگاه‌ها، اداره پلیس، بیمارستانها و مراکز ترک اعتیاد.

معابر عمومی: کلیه مسیرهایی که محیط‌های دیگر را به هم مرتبط می‌سازد مانند جاده‌ها،

بزرگراه‌ها، پیاده‌روها و مسیرهای ویژه دوچرخه و موتورسیکلت.

پایانه‌های حمل و نقل و ترابری: مکانهایی که جابه‌جایی توده‌ای عظیم از مردم در آنجا صورت می‌گیرد مانند اتوبوس‌ها، ترمینال‌ها، ایستگاه‌های اتوبوس، هواپیماها، فرودگاه‌ها، قطارها، ایستگاه‌های راه‌آهن، قایق‌ها، اسکله‌ها، کشتی‌های مسافربری و ایستگاه‌های قایق‌ها. **اماکن بلاصاحب:** مناطقی بدون استفاده مشخص یا کاربردهایی از پیش تعیین شده؛ این اماکن از پارک‌ها متفاوتند به این دلیل که به منظور تفریح ساخته نشده‌اند اگر چه ممکن است که مردم بدین منظور از آنها استفاده کنند. این اماکن ساختمانهای متروکه و اموال بلاصاحب را در بر می‌گیرد.

رفتارها دومین ضابطه در طبقه بندی مسئله‌ها هستند. تفکیک کمک می‌کند که بتوانیم جنبه‌های مهم آسیب، سوء نیت و روابط حاکم میان آماج جرم و بزهکار را بشناسیم. در کل شش نوع رفتار وجود دارد:

رفتار شکارگرانه: در این نوع از رفتار بزهکار و بزه‌دیده کاملاً مجزا و متمایز اند و بزه‌دیده، مفعول فعل (عمل) بزهکار واقع می‌شود. اغلب جرائم متداول نظیر سرقت مقرون به آزار یا تهدید، سرقت از منازل، کودک آزاری و، قلدری و... از این دسته‌اند.

رفتار توافقی: رفتاری است که طرفین به صورت آگاهانه و با میل و رغبت اقدام به انجام آن می‌کنند، که نوعی داد و ستد (معامله) را در بر می‌گیرد. نظیر فروش مواد مخدر، روسپیگری، فروش اموال مسروقه و... اما لازم به ذکر است که حمله‌ها و تهدید روسپیان به ضرب جزو رفتارهای شکارگرانه به حساب می‌آید.

رفتارهای ستیزه‌جویانه (درگیری): بروز رفتار خشونت آمیز از طرف هر دو طرف دعوی (درگیری) که بر اثر سوابق قبلی طرفین ایجاد می‌شود. برخی از انواع خشونت‌های خانوادگی میان بزرگسالان از این نوع رفتار است، اما خشونت‌های خانوادگی میان کودکان و بزرگسالان در دسته رفتارهای شکارگرانه جای می‌گیرد، چرا که طرفین درگیر مانند هم نیستند (تساوی در طرفین دعوی وجود ندارد).

بی‌نظمی‌های اجتماعی: در این نوع رفتار بزهکاران از بزه‌دیدگان قابل تفکیک هستند اما آسیب‌ها جدی و شدید نبوده و بسیاری از اشخاص مورد بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند. بسیاری از مسائل که آزاردهنده، ناخوشایند و با آلودگی‌های صوتی همراه بوده اما آسیب‌های جدی به افراد و اموالشان وارد نمی‌آورند در این دسته جای می‌گیرند نظیر میهمانی‌های پر سر و صدا. گاهی بسته به جزئیات آن برخی از انواع تخریب اموال عمومی نیز در این دسته جای می‌گیرد. برخی دیگر نیز در دسته رفتارهای شکارگرانه قرار می‌گیرند. برخی از موارد بی‌نظمی‌های اجتماعی صرف نظر از محیط‌شان مسئله‌آفرین می‌شوند، در حالی که برخی دیگر تنها در محیط‌های مشخصی مسئله‌آفرین می‌شوند.

در معرض خطر قرار گرفتن: در این نوع از رفتار، بزه‌دیده و بزهکار هر دو یک شخص است و بزهکار قصد آسیب زدن به بزه‌دیده را ندارد. نظیر شروع به خودکشی، مصرف بیش از حد مواد مخدر و تصادف‌های رانندگی.

سوءاستفاده از پلیس: شاخه‌ای است که تقاضاهای تعریف نشده و بدون توجیح در خصوص استفاده از خدمات پلیسی در آن جای می‌گیرد. گزارش‌های خلاف واقع و تماس‌های مکرر در خصوص موضوع‌هایی که مردم خود نیز می‌توانند به آنها رسیدگی کنند، از این دسته است. از این شاخه در مواردی که آسیب تنها از رفتاری ناشی شود که برخورد با آن مستلزم به کارگیری منابع پلیسی باشد و نیز در مواردی در هیچ یک از شاخه‌های دیگر جای نگیرد به عنوان آخرین راهکار استفاده می‌شود.

شکل کامل دسته بندی، در جدول نشان داده شده است. در جدول زیر، مسئله در محلی قرار گرفته که سطر و ستون متناسب با هم تلاقی کرده‌اند. برای مثال برنده جایزه تیلی سال ۲۰۰۱، به آسیب‌های ایجاد شده در اثر بطری‌های شکسته در حومه مشروب فروشی‌ها پرداخته است، که مسئله دیگری در اماکن تفریحی است که با A نمایش داده شده است، مأموران پلیس سانديگو مجبور بودند که در مورد تماس‌های مکرر و خلاف واقع گانگسترها در خصوص تهدید در خوار و بار فروشی‌ها اقدام نمایند که در جدول با B نمایش داده

شده است. البته توجه داشته باشید که این مورد از موردی که به فروش مشروبات الکلی به کودکان در پلانو تگزاس می‌پرداخت و برنده جایزه ۲۰۰۳ گلدشتاین شد متفاوت است، که این مورد نیز در جدول با C نمایش داده شده است. برنده جایزه سال ۲۰۰۲ گلدشتاین تصادف‌های کارگران کشاورز مهاجر را حل و فصل کرده بود، که در آن به مسئله مخاطره آمیز شدن معابر عمومی پرداخته شده بود و با D نمایش داده شده است. برنده جایزه سال ۱۹۹۹ گلدشتاین به مسئله کارتن خوابی و ولگردی پرداخته بود که یک مسئله بی‌نظمی اجتماعی در معابر عمومی است و با E نمایش داده شده است. به تفاوت میان مسئله فروش (معامله) مواد مخدر در گوشه و کنار خیابان که با F نمایش داده شده است و مسئله سرقت مقرون به آزاری که به قصد تلافی، منجر به شلیک شد و از مشاجرات میان معامله‌کنندگان ناشی می‌شود (در نمودار با E نمایش داده شده است) توجه داشته باشید. اینها مسائلی هستند که بسیار به هم شبیه‌اند اما مانند هم نیستند.

اگرچه اکثر مسئله‌ها تنها می‌تواند در یک خانه جای بگیرد، گه‌گاه مواردی یافت می‌شود که یک مسئله از چندین رفتار ناشی شده و چندین محیط را درگیر می‌کند. برای مثال پلیس استافوردشایر در انگلستان با مسئله‌ی مواجهه شده بود. معترضان ساختمانهایی را که برای راه‌سازی تخلیه شده بود تصرف نموده بودند که اینها جزو محیط‌های بلاصاحب محسوب می‌شدند. این اعتراض‌ها از نوع بی‌نظمی‌های اجتماعی بودند اما تاکتیک‌هایی که برای تصرف این ساختمانها استفاده شده بود، خطری را به معترضان تحمیل می‌کرد. در عین حال در معرض خطر قرار گرفتن نیز رفتار مرتبط دیگری بود (که در نمودار با H نشان داده شده است). اگرچه گاهی اوقات وجود چندین نوع رفتار یا محیط لازم می‌شود، اما استفاده مضاعف از چندین نوع، خود منجر به ایجاد فشار می‌شود.

اداره‌های پلیس می‌توانند با دسته‌بندی مسائل، اقدام‌های متفاوتی را با هم قیاس نمایند که در حل مسائلی که در یک محیط به وقوع پیوسته و در یک شاخه رفتاری قرار دارند، استفاده شوند. بررسی کنند آیا تحلیل متداولی برای این موضوع‌ها وجود دارد و یا راهکار

مؤثری برای این مسئله ها هست؟ آیا تحلیل ها و راهکارهای موضوع این نوع مسئله ها از تحلیل ها و راهکارهای انواع دیگر مسئله ها متمایز است؟
 پاسخ به اینگونه سؤال ها می تواند کمکی در راستای ارتقاء کیفیت حل مسئله و همچنین ارتقاء دوره آموزشی حل مسئله باشد. همین طور به ما کمک می کند که بفهمیم برای انواع متفاوتی از مسئله ها چه نوع کاری مؤثرتر است؟

طرح طبقه بندی مواجهه با مسئله های متداول توسط پلیس محلی						
سوء استفاده از پلیس	مخاطره آمیز	ناشی از بی نظمی های اجتماعی	ستیزه جویانه رفتارها	توافقی	شکارگرانه	محیطها
						مسکونی
			A			تفریحی
B				C		اداری
						مراکز خرید
						صنعتی
						کشاورزی
						آموزشی
						خدمات عمومی
	D	E		F	G	معايير عمومی
						حمل و نقل
	H	H				اماکن بلاصاحب

۱۶- عزیمت بزهکاران برای ارتکاب جرم را یاد بگیرید

مثلت تحلیل مسئله (راهبرد هشت) فقط سه عامل ضروری جرم را مشخص کرده و چگونگی انتخاب سبیل جرم توسط بزهکار را بازگو نمی‌کند. به گفته مارکوس فِلِسُون، بزهکاران این کار را به سه شیوه زیر انجام می‌دهند:

- ۱- از راه شناخت قبلی بزه‌دیده (ممکن است همسایه بداند که شما چه موقع خارج از منزل هستید)؛
- ۲- از راه شغل (ممکن است سارقی که به عنوان مهندس مخابرات مشغول به کار است، اتفاقی بشنود که شما هفته آینده به تعطیلات خواهید رفت)
- ۳- از راه تشابه حیطة فعالیت.

مفهوم حیطة کاری، رکن اصلی نظریه الگوی جرم^۱ است. این رکن توسط جرم‌شناسان کانادایی به نام پت و پائول برانتینگهام مطرح شده است (به نمودار رجوع کنید). این رکن بیان می‌کند که بزهکاران در طول فعالیت‌های روزمره، چگونه آماج جرم‌های خود را انتخاب می‌کنند. با در نظر گرفتن مثلث تحلیل مسئله، تصور می‌شود که بزهکار برای تفریح از خانه به محل کار می‌رود. اینک به ضلع‌های این مثلث توجه کنید، در همه این زمانها و حالت‌ها، بزهکاران به دنبال موقعیت‌های جرم‌زا می‌گردند. (به غیر از BufferZone^۲ که ممکن است در آنجا شناسایی شوند). ممکن است این موقعیت را کمی دورتر از محل مورد انتظار بیابند، اما معمولاً از منطقه‌ای که می‌شناسند، پا فراتر نمی‌گذارند. این موضوع بدین خاطر است که ارتکاب جرم، طبق روال روزمره ساده‌تر است، در غیر این صورت باید برای آن متحمل سختی‌های زیادی شوند.

برانتینگهام‌ها از عبارت لبه‌ها^۳ نیز استفاده می‌کنند که بر مرزهای منطقه دلالت دارد،

۱ - Crime pattern theory

۲ - منطقه‌ای در اطراف یک مکان یا محل. غالباً به منطقه‌ای اطلاق می‌شود که در اطراف مناطق زیر واقع شده است: نقاط جرم‌خیز، اماکنی که در آن‌ها ضمانت‌های اجرایی خاصی حاکم است و یا منطقه‌ای که با اجرای تدابیر پیشگیرانه در حال اصلاح (عاری شدن از بزهکاری) است.

۳ - edges

همان جایی که مردم، زندگی، کار، خرید یا تفریح می‌کنند. احتمال وقوع برخی جرائم نظیر تهاجم‌های نژادی، سرقت مقرون به آزار یا دله دزدی از فروشگاه‌ها در این لبه‌ها بیشتر است، چرا که مرزها، اماکنی هستند که افراد ناشناس از مناطق مختلف در آنجا تردد می‌کنند. در تحقیقات اولیه، برائتینگهام‌ها دریافتند که نرخ سرقت از مناطق مسکونی در تالاهاسی فلوریدا رو به افزایش است. تالاهاسی جایی است که منطقه‌ای مرفه‌نشین را به منطقه‌ای فقیرنشین ارتباط می‌دهد. توجیح آنها این بود که منطقه مرفه‌نشین، آماج‌های جذابی برای سارقان مناطق فقیرنشین فراهم می‌آورد. اما سارقان ترجیح می‌دادند که جان خود را خیلی به خطر نینداخته و داخل این مناطق نشوند، چرا که با منطقه آشنا نبوده و ممکن بود سریعاً شناسایی شوند. خطر بزرگ‌تری نیز آنها تهدید می‌کرد، چون باید با اموال مسروقه، مسافت بیشتری را طی می‌کردند.

باید دانست همان‌طور که بزهکاران از فعالیت روزمره برای ارتکاب جرم استفاده می‌کنند، خطر بزه‌دیدگی نیز در همین فعالیت‌های روزمره مردم و مشکلات موجود پنهان است. بدین خاطر است که برائتینگهام‌ها و دیگر نظریه‌پردازان الگوی جرم، توجه فوق‌العاده‌ای به توزیع جغرافیایی جرم و روند فعالیت‌های روزمره می‌کنند. برای مثال محققان در این زمینه نقشه‌هایی را طراحی می‌کنند که بیانگر اطلاعات زیر است: ساعت‌های مختلف روز و روزهای هفته، میزان دقیق ارتباط میان جرائم، میزان دانش‌آموزان فراری از مدرسه، ساعت‌های تعطیلی مغازه‌ها و یا هر فرآیند دیگری که مردم در راستای انجام فعالیت‌های روزمره به آن می‌پردازند. جیب‌برها و سارقان مغازه در جستجوی شلوغی‌اند، در حالی که سایر بزهکاران به دنبال عدم حضور مردم‌اند. برای مثال، هنگام عزیمت مردم به محل کار، حرکت سارقان به مناطق مسکونی شروع می‌شود تا هر روز از موقعیت عدم حضور بهره‌مند شوند. با مراجعت مردم به سمت منازل در شب‌ها و آخر هفته‌ها نیز، سارقان ساعت‌های باقیمانده را صرف سرقت از اماکن تجاری و صنعتی می‌کنند.

بسیاری از مطالعه‌ها نشان می‌دهند مسافتی که برای ارتکاب جرم طی می‌شود، اغلب

کوتاه است. بزهکاران عموماً در یک یا دو مایلی منازلشان مرتکب جرم می‌شوند. برای مثال آندی برابول در اداره پلیس وست میدلند، یکی از بزرگترین اداره‌های پلیس انگلستان، اخیراً ۲۵۸۰۷۴ مورد عزیمت بزهکاران برای ارتکاب جرم در طول دو سال را تحلیل کرده است. او با این تحلیل به نکات زیر دست یافته است:

- حدود نیمی از عزیمت‌ها، مسافتی کمتر از یک مایل بوده‌اند، (در بیشتر مطالعه‌ها در ایالات متحده، عزیمت‌ها کمی طولانی‌ترند، چرا که تراکم جمعیت، کمتر و دسترسی به وسائل نقلیه بیشتر است.)
 - طول مسیر با توجه به نوع جرائم متفاوت است. برای مثال دله‌دزدان از مغازه‌ها، نسبت به دیگر بزهکاران مسافت بیشتری را طی کرده‌اند.
 - زن‌ها نسبت به مردها مسافت بیشتری را طی کرده‌اند، احتمالاً بدین خاطر است که اکثراً مرتکب دله‌دزدی می‌شوند.
 - بزهکاران در عزیمت برای ارتکاب جرم بسیار متفاوت از یکدیگرند. برخی از آنها معمولاً در محله خود مرتکب جرم شده‌اند و برخی دیگر مسافت بیشتری را طی کرده‌اند، خصوصاً هنگامی که با دیگر بزهکاران در ارتکاب جرم شرکت داشته‌اند.
 - بزهکاران جوان، در مناطقی بسیار نزدیک به منزل خود مرتکب جرم می‌شوند، در حالی که بزهکاران بیست ساله و بالاتر مسافت بیشتری را طی کرده‌اند.
- سوزان ورنیک در کنفرانس ملی تدوین اطلس جرائم شهر اورلند پارک، کانزاس، که در مؤسسه ملی عدالت در سان‌دیگو برگزار شد، اطلاعات دقیق‌تری را در مورد جوانان اعلام کرد. او نشان داد که کودکان یازده ساله دستگیری شده شهر اورلند پارک به طور میانگین در مسافت ۱/۰۵ مایلی منازلشان مرتکب جرم شده‌اند. با توجه به افزایش سن، این مسافت کم کم افزایش یافته تا در سن هفده سالگی به ۲/۷ مایل رسیده است. وی بخشی از این افزایش را به دلیل امکان استفاده و دسترسی بیشتر به خودرو دانسته است.
- شما باید مفهوم نظریه الگوی جرم را دانسته و از آن در حوزه قضایی خود استفاده کنید.

شاخص عزیمت برای ارتکاب جرم و محدودیت مکانی

آندی برامول شاخص مناسب تری از «عزیمت برای ارتکاب جرم و محدودیت مکانی» ارائه داده است. این شاخص متکی بر نرخ جرائم منطقه‌ای است که توسط بزهکاران ساکن در همان منطقه ارتکاب یافته‌اند. نرخ ۱۰۰ نشان‌دهنده آن است که بزهکاران ساکن، مرتکب تمامی این جرائم شده و نرخ صفر نشان‌دهنده آن است که بزهکاران ساکن، هیچ‌یک از این جرائم را مرتکب نشده‌اند. این نرخ باید هنگام تحلیل مسئله مورد نظر در منطقه محاسبه شود. این امر که آیا بزهکاران بومی هستند یا پس از طی مسافتی به آنجا آمده‌اند، در انتخاب نوع اقدام‌های پیشگیرانه وضعی که بتواند با موفقیت انجام شود، مؤثر است. برای مثال مسدود کردن خیابانهای یک محله، تنها در صورتی مؤثر است که اکثر بزهکاران برای ارتکاب جرم با وسیله نقلیه به آن محله بیایند.

باید تلاش کنید که بزهکار و الگوهای جرم را با فعالیت‌های روزمره و لبه‌ها به هم مرتبط کنید. در ابتدا بزهکاران اتفاقی را از آنها بی که با پیدایش موقعیت و یافتن فرصت مرتکب جرم می‌شوند از یکدیگر تفکیک کنید. باید بدانید که بزهکاران چه موقع حضور نداشته و در چه مواقعی در نقاط جرم‌خیز گرد هم می‌آیند. با مدنظر قرار دادن نظریه الگوی جرم و تفکر دقیق بر دلایل حضور و عدم حضور بزهکاران به نتایج مطلوبی خواهید رسید. توجه داشته باشید که منطقه‌ای با نرخ بالای جرائم، ممکن است دارای خیابانهای عاری از جرم بوده و در عین حال امکانی دارد که محل ارتکاب بیشتر جرائم‌اند. ممکن است ساکنان نیز بدانند که مثلاً این خیابان برای قدم زدن نسبتاً امن است اما خیابان دیگر این‌طور نیست، حتی ممکن است یک سمت خیابان را به سمت دیگر ترجیح دهند. اگر ساکنان، محله خود را به این خوبی بشناسند هیچ‌چیز مانع شناخت شما نسبت به این موضوع نخواهد شد. نظریه الگوی جرم به شما کمک می‌کند که دقیقاً همین کار را کرده و بتوانید مسئله خاصی را در مرحله بررسی تعریف کرده و در مرحله تحلیل، علل پیدایش آن را بیابید.



۱۷- نحوه گسترش نقاط بحرانی را بدانید

اغلب تحلیل گران نقاط بحرانی را تنها به کمک جغرافیا بررسی می‌کنند. ممکن است این نوع بررسی در شروع کار مطلوبی باشد، اما برای کاهش و از بین بردن نقاط بحرانی باید با دید عمیق‌تری به این مسئله نگریست، تا علت بحرانی بودن این نقاط را یافت. در این راهبرد به شناخت بیشتر فرآیندهایی می‌پردازیم که عامل اصلی ایجاد نقاط بحرانی هستند. بعدها در راهبرد بیست و سه و پنجاه و پنج خواهیم آموخت که چگونه می‌توان بدون استفاده از نرم‌افزار نقشه‌کشی نقاط بحرانی را تحلیل و نقشه وضعیت آن را ترسیم نمود. همان گونه که در راهبردهای قبلی نیز اشاره شد، مناطق و اماکن کوچک در شناخت بسیاری از مسئله‌ها و ترویج راهکارهای مؤثر نقش به‌سزایی دارند. بنابراین در این راهبرد به بررسی نقاط بحرانی می‌پردازیم. در راهبردهای بعدی نیز برای شناخت خیابانها و مناطق بحرانی بر این اصل متکی خواهیم بود.

سه نوع محل بحرانی وجود دارد که هر یک فرآیندهای علی‌خاص خودش را دارد، این سه نوع عبارت است از:

اماکن جرم‌زا: مکانهایی هستند که تعداد زیادی از مردم، به دلایلی که ارتباطی با انگیزه‌های مجرمانه ندارند، آنجا جمع می‌شوند. فراهم آمدن تعداد زیادی از فرصت‌ها برای ارتکاب جرم توسط بزهکاران و جمع شدن آماج‌های جرم در یک مکان و زمان، جرائم و بی‌نظمی‌های اجتماعی را به وجود می‌آورد. اماکن جرم‌زا عبارت است از مراکز خرید، پایانه‌های حمل و نقل، جشنواره‌ها و رویدادهای ورزشی و.... نرخ بالای جرائم و بی‌نظمی‌های اجتماعی به دلیل تعداد زیاد آماج‌های جرم و اشخاصی است که از این مکانها استفاده می‌کنند.

جاذب‌های جرم: مکانهایی هستند که فرصت‌های متعدد ارتکاب جرم را فراهم می‌آورند، که بزهکاران نیز آنها را به خوبی می‌شناسند. کسانی که انگیزه‌های مجرمانه دارند، به سمت

چنین مکانهایی جذب می‌شوند. کمی بعد، بزهکاران از مناطق دیگر به این مناطق می‌آیند و پس از مدتی و تحت شرایطی، برای همیشه به این منطقه نقل مکان می‌کنند. مناطق فروش مواد مخدر و مناطقی که روسپی‌گری در آنجا رواج دارد، از این دسته‌اند. برخی از نقاط مراکز تفریحی نیز برای ارتکاب فعالیت‌های منحرفانه شناخته شده است. ممکن است در ابتدای امر، این مناطق تنها برای ساکنان محل شناخته شده باشد، اما هنگامی که تعداد بزهکارانی که به این مناطق مراجعه می‌کنند افزایش یابد، نرخ جرائم و بی‌نظمی نیز افزایش می‌یابد.

تسهیل‌کنندگان جرم: هنگامی روی می‌دهد که در اماکن، مقررات رفتاری معدودی وجود داشته باشد یا مقررات رفتاری وجود ندارد و یا رعایت نمی‌شود. مانند برکنار کردن متصدی پارکینگ که موجب می‌شود اشخاص در سطح پارکینگ پرسه بزنند که موجب افزایش نرخ سرقت از وسایل نقلیه می‌شود. این مورد نمونه‌ای از تغییرهای ناگهانی در مدیریت اماکن است. برخی مواقع مدیریت با گذر زمان تحلیل می‌رود و این امر به مرور منجر به افزایش مشکلات می‌شود. ممکن است تسهیل‌کنندگان جرم با حذف عامل حفاظت و نظارت به وجود آیند. برای مثال اگر والدین به همراه کودکانشان در زمین بازی حضور پیدا کنند، همزمان هم از کودکان محافظت می‌کنند (حفاظت) و هم از بروز سوء رفتار در کودکان جلوگیری (نظارت نزدیک) می‌کنند. اگر شیوه رفتاری والدین کم‌کم تغییر کند و کودکان به حال خود رها شوند، خطر بزه‌دیدگی و یا بزهکار شدنشان افزایش می‌یابد.

نظر پاتریشیا و پائول برانتینگهام این است که مناطق می‌توانند از نظر جرم‌خیزی خنثی باشند، به عبارتی یعنی نه جرمی جذب کنند و نه آماج جرمی، و کنترل رفتارها نیز مناسب باشد. این مناطق معمولاً دارای نرخ اندکی از جرم هستند و جرم‌های ارتكابی در این مناطق معمولاً از الگوی جرم خاصی پیروی نمی‌کند. به همین خاطر به ندرت پیش می‌آید که مناطق خنثی، توجه پلیس را به خود جلب کند. بر خلاف اینکه نیاز چندانی به تحلیل جرائم احساس نمی‌شود، تحلیل جرائم از اهمیت خاصی برخوردار است. چرا که امکان قیاس مؤثر آن با دیگر مناطق را به وجود می‌آورد. برای مثال مقایسه مناطق خنثی با مناطق بحرانی، کمک

می‌کند تا بتوانید تفاوت‌هایی را که در مناطق جرم‌زا، جاذب جرم یا تسهیل‌کننده جرم ایجاد بحران می‌کند را بشناسید. کنترل موردی مطرح شده در راهبرد سی و دو برای دستیابی به این منظور مفید و مؤثر است.

خلاصه، عموماً تبدیل نقطه بحرانی جرم یا بی‌نظمی اجتماعی به مسئله‌ای بزرگ‌تر از سه مسئله ناشی می‌شود: یا تعداد آماج‌های جرم افزایش یافته، یا تعداد بزهکارانی که از این نقاط بهره‌برداری می‌کنند افزایش یافته است و یا سطح کنترلی که در آن محل اعمال می‌شده، کاهش یافته است و گه‌گاه ممکن است هر سه مورد با هم اتفاق بیفتند. برای مثال با راه‌اندازی مسیرهای جدید تعداد مشتریان افزایش پیدا می‌کند، که ممکن است بزهکاران از فرصت‌های پیش آمده برای ارتکاب جرم استفاده نموده و نرخ سرقت افزایش یابد. ممکن است افزایش جرائم ارتكابی موجب شود که تعداد مشتریان کاهش یابد که این عامل موجب (حذف) عامل (حفاظت) می‌شود (مشتریان). تأثیر دیگر آن این است که با کاهش منابع تجاری میزان مدیریت محل نیز کاهش می‌یابد. بنابراین یک مسئله به عنوان یک عامل ایجادکننده جرم شروع می‌شود، بعد به جاذب جرم و در نهایت به تسهیل‌کننده جرم تبدیل می‌شود.

برای تشخیص اینکه کدام یک از این ساز و کارها عملی می‌شوند، می‌توان از مقایسه میان تعداد و نرخ‌ها استفاده کرد. با تقسیم جرائم مورد نظر بر تعداد آماج‌های جرم، نرخ به وجود می‌آید (به راهبرد بیست و هفت رجوع کنید). که اغلب به صورت تعداد جرائم به ازاء هر ۱۰۰ آماج جرم موجود، بیان می‌شود. بنابراین برای مثال، اگر طی یکسال پانزده مورد سرقت از وسایل خودرو در یک پارکینگ صورت گیرد و آن پارکینگ صد و پنجاه جای پارک داشته باشد و تقریباً از کل ظرفیتش استفاده کند، نرخ سرقت از وسایل خودرو ۰/۱ است. که به صورت ده مورد سرقت از وسایل خودرو به ازاء هر جای پارک در هر سال نمایش داده می‌شود. اما توجه داشته باشید که این تحلیل، زمانی مؤثر واقع می‌شود که تقریباً تمام ظرفیت پارکینگ تکمیل باشد. اما اگر اکثر روزها تنها پنجاه مورد از جا پارک‌ها در

پارکینگ استفاده شوند، نرخ سرقت سه برابر بیشتر می شود ($0/3 = 15/50$) یا به عبارتی سی مورد سرقت از وسائل خودرو به ازاء هر وسیله نقلیه در سال).

نمودار شماره یک نشان دهنده درجه اهمیت نقاط بحرانی با توجه به استفاده یا عدم استفاده از تعداد نرخ است. برای مثال نقطه A از نظر تعداد، بحرانی ترین نقطه است، اما از نظر نرخ در دومین جایگاه قرار دارد. اما نقطه C از نظر بحرانی بودن در جایگاه سوم قرار دارد، اما از نظر نرخ در جایگاه اول قرار می گیرد.

حال ببینیم که چگونه فرآیندهای نقاط بحرانی؛ تلفیقی گویا از تعداد و نرخ‌ها را به وجود می آورد. اماکن جرم‌زا جرم‌های زیادی دارند، اما اگر تعداد آماج جرم‌هایشان زیاد باشد، نرخ جرائم آنها پائین خواهد بود. (نقطه B در جدول شماره یک). جاذب‌های جرم نیز جرائم بسیاری دارند اما از آنجایی که تعداد آماج‌های جرم آنها کم است، نرخ جرائم آنها بالاست (مانند نقطه A). تسهیل کنندگان جرم نیز با تضعیف کنترل‌های رفتاری معمولاً برای آماج‌های جرم جذاب نیستند، البته آن تعداد کمی هم که وجود دارند، خطر بالایی دارند. بنابراین مکانی با تعداد جرائم نسبتاً کم و نرخ بالای جرم یک تسهیل کننده جرم را نشان می دهد (مانند نقطه C). نهایتاً تعداد جرائم در مکانهای خنثی نسبت به جرم پائین خواهد بود. بنابراین اگر آماج‌های جرم چندان زیاد نباشد، نرخ جرم‌هایشان نیز پائین خواهد بود (نقطه D). این روابط در جدول شماره دو خلاصه شده است.

درجه بندی تعداد و نرخ با هم ارتباط دارد. بنابراین از این فرآیند در مقایسه‌ها استفاده می شود و در آن به چندین طریق عمل شود. برای مثال ممکن است رفتارهای کنترلی ضعیف نیز بزهکاران را جذب کند. در هر حال چنین قیاس‌هایی در استفاده از فرضیه‌ها در بررسی‌های بعدی، معیار پایه‌ای برای ما فراهم می کند (به راهبرد بیست رجوع کنید).

چنین تحلیل‌هایی به شما کمک می کند، راهکارهایی پیشنهاد کنید که مؤثر واقع شود، که این مورد در نمودار شماره سه خلاصه شده است.

نمودار شماره یک : تعداد و نرخها				
مکان	جرائم	آماج‌های جرم	نرخ	نسبت به هر ۱۰۰ آماج جرم
A	۳۴۱	۸۹۸	۰/۳۵۰	۳۵
B	۱۴۸	۱۷۹۵	۰/۰۸۲	۸
C	۱۱۷	۲۴۳	۰/۴۸۱	۴۸
D	۲۸	۶۳۸	۰/۰۴۴	۴

نمودار شماره دو : تشخیص ساز و کار نقاط بحرانی		
نرخ	تعداد	
بالا	بالا	جاذب‌های جرم
پائین	بالا	جرم‌زاها
بالا	بالا یا پائین	تسهیل‌کنندگان جرم
پائین	پائین	از نظر جرم‌خیزی خنثی

نمودار شماره سه : نحوه برخورد با نقاط بحرانی که در حال وخیم‌تر شدن هستند			
نوع نقطه بحرانی	علت	نوع راهکار	سؤال‌هایی که باید به آنها پاسخ داده شود
جرم‌زا	بسیاری از آماج‌های جرم تحت حفاظت قرار نگرفته‌اند	افزایش حفاظت	در چه شرایطی آماج‌های جرم آسیب پذیرند؟ نقاط ضعف چگونه تغییر می‌کند؟
جاذب جرم	بزهکاران را جذب می‌کند	بزهکاران را از آمدن ناامید کنیم	چه چیزهایی بزهکاران را جذب می‌کند؟ چگونه می‌شود تغییر یابد؟
تسهیل‌کننده جرم	کاهش کنترل	بازگرداندن حفاظت، نظارت نزدیک و مدیریت مکانها	چه کسی می‌تواند رفتارها را کنترل کند؟ چگونه می‌توان آنها را ترغیب کرد که عوامل کنترل را به کار گیرند؟

۱۸- قاعده ۲۰-۸۰ را بیاموزید

یکی از مهم‌ترین قواعد پیشگیری این است که بدانیم جرم تا حد بالایی نسبت به اشخاص، اماکن و اشیاء معینی ارتکاب می‌یابد. بنابراین قاعده اگر منابع موجود در محل وقوع اکثر جرائم به کار گرفته شوند، پیشگیری بیشترین تأثیر را خواهد داشت. موضوع های فوق (اشخاص، اماکن، اشیاء که در راهکارهای بعدی با جزئیات بیشتر به آنها پرداخته خواهد شد) نزد تحلیل‌کنندگان جرائم به نام‌های خاصی شناخته می‌شوند:

- تکرارکنندگان جرم: حدود ۵ درصد بزهکاران مورد مطالعه، مرتکب بیش از ۵۰ درصد جرائم شده‌اند.

- بزه‌دیدگان مکرر: باتوجه به مطالعات موثق در مورد ۴۰ درصد از گزارشات جرائم مورد بررسی، بزه‌دیدگان مکرر (که تنها ۴ درصد از کل بزه‌دیدگان) بوده‌اند. (به راهبرد بیست و نه رجوع کنید)

- نقاط جرم‌خیز: در راهنمای نقشه این نقاط را با علامت خاصی نشان می‌دهند، طبق بررسی لورنس شرمین و همکارانش، شهروندان ساکن در ۶ درصد از این نقاط در شهر مینا پلیس، ۶۰ درصد از کل تماس‌ها، اخذ خدمات پلیسی را به خود اختصاص داده بودند.

- فرآورده‌های در معرض خطر: طبق اطلاعات سالانه‌ای که توسط مؤسسه آمار و اطلاعات بزرگراه‌های لس آنجلس^۱ منتشر شد، سرقت‌هایی که نسبت به برخی مدل‌های اتومبیل ارتکاب می‌یابد، سی برابر بیشتر از سرقت‌هایی است که نسبت به سایر مدل‌های اتومبیل واقع می‌شوند (به راهبرد سی و یک رجوع کنید)

اماکن پُرخطر: در دانورس ماساچوست، سه مغازه از هفتاد و هشت مغازه (۵ درصد) محل وقوع ۵۵ درصد سرقت‌های گزارش شده از مغازه‌ها بوده است. (به راهبرد بیست و هشت رجوع کنید).

این نوع تمرکز، خاص جرائم نیست بلکه قاعده‌ای فراگیر است. در بیشترین میزان حیات بر روی زمین بخش کوچکی از کل سطح زمین است. کمتر زلزله‌ای موجب بیشترین خرابی‌ها می‌شود. بخش کوچکی از مردم، بیشترین میزان ثروت را در اختیار دارند و بخش کوچکی از مأموران پلیس بیشترین میزان دستگیری‌ها را انجام می‌دهند.

این پدیده را عرفاً «قاعده ۲۰-۸۰» نامیده‌اند. مطابق این نظریه، ۲۰ درصد از چیزی پدید آورنده ۸۰ درصد نتایج حاصله است. در عمل به ندرت پیش می‌آید که این نسبت دقیقاً ۲۰-۸۰ باشد. اما همیشه درصد کمی از امور یا گروه‌ها، به وجود آورنده درصد زیادی از نتایج هستند. نمودار، این قاعده را به تصویر کشیده است. این نمودار نمایانگر تحلیلی است از سرقت اماکن در حال ساخت که توسط استیسی بلدین نسبت به پنجاه و پنج پیمانکار در فلوریدا انجام شده است. ۸۵ درصد از کل این سرقت‌ها که طی جنیوری تا سپتامبر ۲۰۰۴ گزارش شده بود، نسبت به یازده نفر از پیمانکاران (که ۲۰ درصد پیمانکاران) واقع شده بود.

در بررسی هر مسئله، همیشه باید جویا شوید که آیا قاعده ۲۰-۸۰ حاکم است یا خیر؟ فرآیند شش مرحله‌ای ساده‌ای نشان می‌دهد که چگونه به این سؤال پاسخ دهید.

۱. از اماکن، افراد و فرآورده‌های مزبور با احتساب وقایعی که با هر یک از آنها مرتبط است، فهرستی تهیه کنید.

۲. با توجه به تعداد وقایع مرتبط، از زیاد به کم آنها را مرتب کنید.

۳. درصد وقایع مرتبط با هر شخص، مکان یا فرآورده را محاسبه کنید. در نمودار، سیصد و هشتاد و شش مورد سرقت و برگلری وجود دارد، شصت مورد از این دو جرم (۱۵/۵ درصد) در اماکن در حال ساخت، نسبت به پیمانکار اول ارتکاب یافته است.

۴. درصد‌های مربوط به وقایع را با هم جمع کنید، از مبتلاترین فرد، فرآورده یا مکان شروع کنید. (در این مثال پیمانکار)

۵. درصد‌های مربوط به افراد، مکانها یا فرآورده‌ها را با هم جمع کنید (در این مثال،

مجموع درصد پیمان‌کاران در ستون پنج)

۶. مجموع درصد‌های اشخاص، مکانها و فرآورده‌ها (ستون پنج) را با مجموع درصد‌های

وقایع (ستون چهار) مقایسه کنید. این امر نشان‌دهنده آن است که مبتلاترین فرد یا

مکان چقدر در مسئله مورد نظر دخیل است.

این نوع محاسبه‌ها می‌تواند در مرحله بررسی، برای دستیابی به راهکاری پیشگیرانه

بسیار مؤثر باشد. در مثال جکسون ویل، دقیقاً پنج نفر از پیمان‌کاران، بیش از ۵۰ درصد وقایع

را تجربه کردند. اما اجرای اقدامی پیشگیرانه نسبت به این پنج پیمانکار، راهکار مؤثری برای

کاهش نرخ سرقت و برگرگی از کل اماکن در حال ساخت است.

در مرحله تحلیل، هنگامی این‌گونه نمودارها می‌توانند به کاهش نرخ مسئله کمک کنند

که تفاوت فاحشی میان این‌گونه افراد، مکانها و.... در بالاترین و پائین‌ترین سطح، وجود

داشته باشد. در مثال ما تعداد خانه‌های ساخته شده، به طور نسبی با تعداد سرقت‌ها و

برگرگی‌هایی که هر پیمانکار تجربه نموده، ارتباط دارد. اما این نسبت، گویای همه خطرهای

موجود نیست. موارد مذکور در زیر نیز می‌توانند به عنوان مسئله‌هایی که ممکن است میان

درصد بالا و پائین آنها تفاوت فاحشی باشد، در نظر گرفته شوند:

- محله‌ای که پیمان‌کاران در آن جا اقدام به عملیات اجرایی کرده بودند.

- گزارش شده توسط پلیس و هشدارهای امنیتی او.

سرقت‌ها و برگروری‌های گزارش شده در اماکن در حال ساخت
پنجاه و پنج پیمان‌کار در جکسون ویل فلوریدا از جنیوری تا سپتامبر ۲۰۰۴

۵	۴	۳	۲	۱
مجموع درصدهای پیمان‌کاران	مجموع درصدهای وقایع	درصد وقایع	تعداد وقایع	پیمان‌کار
%۱/۸	%۱۵/۵	%۱۵/۵	۶۰	۱
%۳/۶	%۲۵/۷	%۱۰/۱	۳۹	۲
%۵/۵	%۳۵/۵	%۹/۸	۳۸	۳
%۷/۳	%۴۴/۳	%۸/۸	۳۴	۴
%۹/۱	%۵۳/۱	%۸/۸	۳۴	۵
%۱۰/۹	%۶۱/۱	%۸	۳۱	۶
%۱۲/۷	%۶۱/۷	%۷/۵	۲۹	۷
%۱۴/۶	%۷۵/۴	%۶/۷	۲۶	۸
%۱۶/۴	%۸۰/۳	%۴/۹	۱۹	۹
%۱۸/۲	%۸۳/۲	%۲/۹	۱۱	۱۰
%۲۰	%۸۵/۲	%۲/۱	۸	۱۱
%۲۱/۸	%۸۷/۱	%۱/۸	۷	۱۲
%۲۳/۷	%۸۸/۹	%۱/۸	۷	۱۳
%۲۵/۵	%۹۰/۴	%۱/۶	۶	۱۴
%۲۷/۳	%۹۱/۷	%۱/۳	۵	۱۵
%۳۲/۷	%۹۴/۸	%۳	۱۲	چهار واقعه و سه پیمان‌کار
%۳۸/۲	%۹۷/۲	%۳/۴	۹	سه واقعه و سه پیمان‌کار
%۴۰	%۹۷/۷	%۰/۵	۲	دو واقعه و یک پیمان‌کار
%۵۶/۴	%۱۰۰	%۲/۳	۹	یک واقعه و نه پیمان‌کار
%۱۰۰	%۱۰۰	%۰	۰	صفر واقعه و بیست و چهار پیمان‌کار
%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	۳۸۶	پنجاه و پنج پیمان‌کار

۱۹- در مورد مسئله مورد نظر تحقیق کنید

ممکن است هم‌زمان با بررسی شما درباره مسئله مورد نظر، دیگر اداره های پلیس نیز به آن بپردازند، یا محققان قبلاً آن را بررسی کرده باشند. با دانستن این که چگونه آنها مسئله مورد نظر را تحلیل کرده‌اند، در عمل کدام یک از راهکارها را مؤثر دانسته‌اند و... می‌توانیم صرفه‌جویی چشمگیری در زمان کنیم. مطالعه اقدام های دیگران، فرضیه های مفیدی در اختیار شما قرار می‌دهد تا از آن طریق بتوانید مسئله مورد نظر را ارزیابی کنید.

می‌توانید از کتب **pop guides** شروع کنید. این کتب به صورت **on-line** در آدرس‌های **www. popcenter. org** و همچنین **www. cops. Usdoj. gov** موجودند. هر کتاب، چکیده‌ای از تحقیقات انجام شده بر موضوعی خاص و راهکارهای مربوط به آن را بررسی کنند. (نسخ موجود در وب سایت، منابع مهم دیگری را نیز در اختیارتان می‌گذارد که در نسخ چاپی موجود نیست). نسخ جدید همواره در حال تهیه است، اما اگر نوشتار مرتبطی با مسئله مورد نظر شما وجود نداشت، می‌توانید به دنبال کتب مرتبط باشید. برای مثال در حال حاضر هیچ کتابی در خصوص معامله مواد مخدر در مهمان‌پذیرها وجود ندارد. اما نوشتارهایی درباره «معامله مواد مخدر در مجتمع‌های آپارتمانی» و «بازارهای مواد مخدر در اماکن عمومی» موجود است، که مطالعه آنها می‌تواند مفید واقع شود.

وب سایت‌های کاربردی:

برای تکمیل تحقیقاتتان از وب سایت‌های زیر دیدن کنید. حتماً تحقیقات انجام شده در استرالیا و انگلستان را بخوانید، چرا که امور پلیسی مسئله محور در این دو کشور بسیار انجام شده و جرائم آنها نیز شبیه جرائم اینجاست. در واقع احتمال بیشتری دارد که جرم، در سان فرانسیسکو شبیه سیدنی استرالیا باشد تا شهری کوچک در لوسیانا یا تنسی.

مؤسسه‌ای برای انجام امور پلیسی مسئله محور:

(www.popcenter.org). به غیر از نوشتارهای مربوط به امور پلیسی مسئله محور می‌توانید صدها گزارش از پروژه‌های مسئله محور که طی سال‌ها برای دریافت جوایز گلدشتاین و تیلی ارائه شده بودند را نیز در وب سایت بیابید. موتور جستجوگر وب سایت، این امکان را فراهم می‌آورد که بتوانید بر اساس عنوان، این پروژه‌ها را جستجو کنید.

بانک چکیده‌های NCJRS:

(http://abstractsdb.ncjrs.gov). تنها بخش کوچکی از چکیده‌های موجود در این بانک چکیده‌ها مرتبط است، اما همان مقدار نیز اطلاعاتی را در بردارند که دانستن آن برای شما بسیار مفید است. گاهی چکیده‌ها ضمیمه متن اصلی است، که می‌توانید آن را از اینترنت دریافت کنید. در موارد دیگر می‌توانید یک نسخه از آن را به امانت بگیرید، این خدمات رایگان و کارآمد است. عموماً دریافت این اطلاعات کمتر از دو یا سه هفته طول می‌کشد.

Home office (وزارت دادگستری) انگلستان:

The department of Justice ایالت متحده است. این سازمان، تحقیقات فوق‌العاده‌ای در زمینه امور پلیسی انجام می‌دهد یا هزینه‌های انجام این گونه تحقیقات را متقبل می‌شود. با جستجوی سریع، با استفاده از کادر جستجوی موجود در صفحه اصلی شروع کنید. از این طریق، برای هر جستجو، چکیده‌ای به شما ارائه می‌دهد که با کلیک کردن روی آن، متن کامل در اختیار آن قرار می‌گیرد.

وب سایت کاهش نرخ جرم Home office:

وب سایت www.crimereduction.gov.uk به مجموعه ابزارها (toolkits) و سایت‌های کوچک (mini - sites) این سایت نیز نگاهی کنید. سایت مزبور درباره بسیاری از جرائم نظیر سرقت مقرون به آزار، سرقت از اماکن مسکونی، خشونت‌های خانوادگی، جرائم خیابانی و بزه‌دیدگی دانشجویان تحقیقاتی کاربردی ارائه می‌دهد.

مؤسسه جرم‌شناسی استرالیا:

www.aic.government.a.k. جستجو را از صفحه اول این وب سایت آغاز کنید. درباره هر مدخل شرح کوتاهی وجود دارد که با جستجو آشکار می‌شود. با کلیک کردن بر روی خلاصه، می‌توانید به مشروح آن دست یابید. متن کامل بسیاری از این اسناد را می‌توان از اینترنت دریافت کرد.

سایر منابع مفید:

Google، هنگامی که این وب سایت‌ها مؤثر واقع نشدند، سعی کنید مسئله را در google جستجو کنید. google از اصلی‌ترین ابزارهای جستجو در اینترنت به حساب می‌آید. برای وارد کردن یک سؤال، کافی است آن را در چند واژه توصیفی (کلید واژه) تایپ و روی گزینه جستجو کلیک کنید تا لیستی از صفحات وب مرتبط، نمایان شود. این وب سایت‌ها به ترتیب اهمیت (بر اساس تعداد اتصالات به سایت‌ها) فهرست می‌شوند. با اضافه کردن واژگان بیشتر به عبارت مورد جستجو که پیش از این وارد نموده‌اید، می‌توانید جستجو را محدودتر کنید. برای این سؤال جدید (به نسبت سؤال اصلی که بسیار گسترده‌تر بود) زیر مجموعه کوچک تری از صفحات ارائه می‌شود.

دیگر اداره های پلیس:

اگر متوجه شدید که دیگر اداره های پلیس نیز به مسئله مورد نظر شما پرداخته‌اند، با آنها تماس بگیرید. سعی کنید با تحلیل‌کنندگان جرائم یا مأمورانی که خودشان مستقیماً درگیر پرونده‌اند صحبت کنید. در صورت عدم وجود گزارش مکتوب، به آنچه که گفته می‌شود چندان اعتماد نکنید، چرا که حافظه انسان غیرقابل اعتماد است.

دانشکده منطقه:

خصوصاً هنگامی که دانشکده منطقه شما در امور جرم‌شناسی تخصص دارد، می‌توانید از توصیه‌های اعضای هیئت علمی استفاده کنید. قبل از این‌که با کسی تماس بگیرید، در خصوص موضع دانشکده از وب‌سایت دانشگاه تحقیق کنید. برای هر توصیه یا مشاوره‌ای که بیش از یک ساعت به طول می‌انجامد، ممکن است عضو هیئت علمی مورد نظر شما توقع جبران آن زحمات را داشته باشد، اگر چه برخی از دانشکده‌های ایالتی، همکاری با اداره های دولتی را بخشی از وظایف خدماتی ثابت دانشکده به حساب می‌آورند.

کارشناسان برجسته:

اگر در طول تحقیقات، نام کارشناسی را به کرات مشاهده کردید، برای دریافت اطلاعات به او e-mail بزنید. تنها اطلاعات تخصصی را از او بخواهید تا بتواند به سرعت به شما ارائه دهد. هنگامی که به دنبال منابع هستید، از منابعی که تاکنون یافته‌اید فهرستی تهیه کنید، این کار این امکان را برای کارشناس فراهم می‌آورد که تشخیص دهد شما گمراه شده‌اید یا خیر؟

امانت دادن میان کتابخانه‌ای:

اکثر کتابخانه‌های عمومی و کتابخانه‌های دانشکده‌ها برای دریافت این خدمات

مشترک می‌شوند. این خدمات، این امکان را برای آنها فراهم می‌آورد تا بتوانند کتاب‌ها و مقاله‌هایی را که شما ممکن است بدانها نیاز داشته باشید، از دیگر کتابخانه‌ها تهیه کنند. شما باید فرمی که کتابخانه در اختیارتان قرار می‌دهد را تکمیل کرده و حدود دو هفته صبر کنید تا آن خدمات به دست شما برسد.

چکیده‌های وزارت دادگستری امریکا (CJA)

دسترسی on-line به CJA منبع مهمی است که معمولاً می‌توانید در دانشکده‌هایی بیابید که در آنها دروس جرم‌شناسی تدریس می‌شود. سعی کنید اداره خود را متقاعد کنید که برای دریافت این خدمات، مشترک شوند. این سایت اصلی‌ترین مجله‌ها، کتاب‌ها و گزارش‌ها را در این زمینه در اختیارتان می‌گذارد. همچنین نسبت به چکیده‌های NCJRS، دارای مطالب تخصصی بیشتری است. دومی نیز بیشتر تحقیقات دولتی و مجله‌های حرفه‌ای را در اختیارتان می‌گذارد.

محدودیت‌های اطلاعات:

احتمالاً بهترین منابع اطلاعاتی شما یکی از موارد زیر است:

۱. مقاله‌های تألیف شده توسط محققانی که مسئله مورد نظر شما را مطالعه کرده‌اند.

۲. گزارش‌های پروژه‌های پلیسی مرتبط با مسئله مورد نظر شما. هر یک از این موارد، محدودیت‌های خاص خود را دارد که در زیر ذکر شده‌اند:

- اکثر جرم‌شناسان، بیشتر به کلیات بزه و بزهکاری می‌پردازند تا به مطالعه تخصصی نسبت به جرم خاصی. همچنین آنها بیشتر به علل دور جرم نظیر وضعیت نامساعد و ناهنجاری‌های خانوادگی می‌پردازند تا علل نزدیک مسئله، نظیر ضعف امنیت یا عدم نظارت. بنابراین حتی اگر شما مقاله‌های مرتبط با مسئله را نیز بیابید، چون

به صورت کلی و نظری به آن پرداخته شده است، نمی‌توانید راهکارهای اجرایی مؤثری را از آنها اقتباس کنید.

• به جز مواردی که مسئله مورد نظر شما متداول است، انتظار نداشته باشید که طرح‌های پلیسی زیادی در ارتباط با آن بیابید. نسبت به ادعاهای موفقیت در اجرای طرح‌های پلیسی شکاک باشید، مگر این‌که با اطلاعات موثق، ارزیابی شوند. ممکن است حتی طرح‌هایی که مفتخر به دریافت جایزه گلدشتاین یا تیلی شده‌اند نیز به خوبی ارزشیابی نشده باشند. بدین نکته نیز واقف باشید که ممکن است راهکاری که در یک شهر یا منطقه مؤثر بوده در مورد مسئله مورد نظر شما مؤثر واقع نشود. زیرا ممکن است شرایط و اوضاع و احوال موجود، موقعیت شما را متمایز کند. البته تجربه‌های گذشته پلیسی درباره مسئله‌ی خاص، همیشه منبع مهمی بوده و به هر حال بررسی آن بی‌تأثیر نیست.

بررسی مقاله‌های نظری

بیشتر مقاله‌های نظری با یک چکیده شروع می‌شود، اگر جالب به نظر رسید، خلاصه، شرح موضوع و نتیجه را بخوانید. اگر اینها نیز مفید به نظر رسیدند، مقاله را از ابتدای آن بررسی قرار کنید. حتی اگر مقاله نیز ارتباط مستقیمی با موضوع نداشته باشد، می‌توانید اطلاعات مفیدی از قسمت منابع و مأخذ آن بیابید.

اگر برای راهکاری نیاز به اطلاعات دقیق‌تری دارید (برای مثال نظارت از طریق دوربین‌های مدار بسته) دوباره به سراغ کامپیوتر خود و کتابخانه بروید. موارد مذکور این امکان را به شما می‌دهند تا حقایق مورد نیاز خود را بیابید و بتوانید از تجربه‌های دیگران منتفع شوید.

شناسایی راهکارها

با ترسیم جدول زیر که در اکثر نوشتارهای امور پلیسی مسئله محور یافت می‌شود، راهکارهای موجود را خلاصه کنید. برای هر راهکار یک ردیف و پنج ستون مانند زیر در نظر بگیرید:

ردیف	نوع راهکار	منابع	میزان تأثیر	کارایی بیشتری داشت اگر	ملاحظات
۱.					

۲۰- فرضیه‌سازی کنید

هرگاه با برخی اشکال جدید و پیچیده جرم مواجه شدید، درمورد علل پیدایش آن فرضیه‌سازی کنید. اغلب این فرضیه‌ها، در ابتدا براساس اطلاعات موجود ساخته می‌شوند، بنابراین تجربه و نظریه‌های موجود، منابع خوبی برای فرضیه‌سازی هستند. شما باید ابتدا فرضیه‌های خود را به وضوح بیان کنید. دوم، روی صحیح بودن آنها چندان تأکید نکنید و سوم، از داده‌ها استفاده کرده تا فرضیه‌ها را بی‌طرفانه ارزیابی کنید. ممکن است با بررسی داده‌های مربوط، هر یک از فرضیه‌ها تغییر کرده یا رد شوند، چرا که هیچ فرضیه‌ای کاملاً درست نیست. بدین خاطر بهترین کار این است که چندین فرضیه مغایر با هم را ارزیابی کنید.

در هنگام تحلیل، مجموعه فرضیه‌ها مانند نقشه راه‌ها است. فرضیه‌ها تعیین می‌کنند که چه نوع داده‌هایی باید جمع‌آوری شود و سپس چگونه تحلیل شوند و نتایج این تحلیل‌ها چگونه باید تفسیر شود. اگر به دنبال بررسی نزاع‌های مرتبط با شرب خمر در مشروب‌فروشی‌ها هستید، باید با این سؤال شروع کنید، چه تعداد از مشروب‌فروشی‌ها محل ارتکاب این مسئله هستند؟ با توجه به قاعده ۲۰-۸۰ (راهکار هجده) ممکن است این فرضیه را در نظر بگیرید: «در برخی از مشروب‌فروشی‌ها نزاع‌های زیادی صورت می‌گیرد و در اغلب آنها، تعداد نزاع‌ها کم است و یا نزاعی رخ نمی‌دهد» سپس با تهیه فهرستی از مشروب‌فروشی‌های دارای مجوز و شمارش تعداد گزارش نزاع‌های انجام شده در هر یک از آنها طی دوازده ماه گذشته، این فرضیه را ارزیابی کنید.

اگر فرضیه شما تأیید شد، باید این سؤال را پرسید که تفاوت مشروب‌فروشی‌های پرنزاع در مقایسه با مشروب‌فروشی‌های کم‌نزاع در چیست؟ مفهوم اماکن پرخطر (راهکار بیست و هشت) به شما کمک می‌کند که سه فرضیه زیر را بسازید:

۱. مشروب‌فروشی‌های پرخطر مشتریان بیشتری دارند.
 ۲. مشروب‌فروشی‌های پرخطر، ویژگی‌هایی دارند که توجه نزاع‌کنندگان را به خود جلب می‌کند.
 ۳. کارکنان مشروب‌فروشی‌های پرخطر یا نمی‌توانند رفتارها را کنترل کنند و یا خود نیز در نزاع‌ها نقش تحریک‌کننده دارند.
- با جمع‌آوری داده‌ها درباره تعداد مشتریان در مشروب‌فروشی‌های پرخطر و کم‌خطر، تحلیل تعداد و نرخ نزاع‌ها نسبت به هر مشتری، مشاهده عکس‌العمل افراد در این گونه مشروب‌فروشی‌ها و نهایتاً مصاحبه با کارکنان و مشتریان، می‌توانید این فرضیه‌ها را ارزیابی کنید.
- اگر فرضیه اول شما با اطلاعات به دست آمده مغایرت داشت و احراز کردید که تفاوتی فاحش در شمار حمله‌ها و تهدیدهای به ضرب در مشروب‌فروشی‌ها وجود ندارد، می‌توانید بپرسید چرا شمار بسیار زیادی از مشروب‌فروشی‌ها مسئله‌آفرین هستند؟ این فرضیه، فرضیه‌های دیگر را مطرح می‌سازد: این مسئله، مسئله‌ی استنباطی است، تعداد حمله‌ها و تهدیدهای به ضرب در این شهر با دیگر شهرهای مشابه تقریباً برابر است. این فرضیه بیان می‌دارد که باید اطلاعاتی از شهرهای مشابه به دست آورید.
- اگر پس از جمع‌آوری داده‌های مرتبط، متوجه شدید آمار مشروب‌فروشی‌های مسئله‌آفرین شهر شما بالاتر از حد طبیعی است، باید این سؤال را بپرسید «وجه اشتراک مشروب‌فروشی‌های شهر در چیست که موجب وقوع تعداد زیادی نزاع و درگیری می‌شود؟» یک فرضیه در این ارتباط این است که «این موضوع ناشی از شیوه اعطای مجوز برای دایر کردن مشروب‌فروشی‌ها و شیوه اداره آنها است». فرضیه دیگر این است که «این موضوع به نوع مشتریان مشروب‌فروشی‌های شهر شما باز می‌گردد.» برای ارزیابی هر یک از این فرضیه‌ها، باید داده‌های مرتبط را جمع‌آوری و بررسی

کنید.

توجه داشته باشید سؤال‌ها و فرضیه‌ها باید به گونه‌ای طرح شوند که به تحلیل‌های شما نظم بخشند. (تحلیل‌ها باید یکی پس از دیگری، از یکدیگر استنتاج شوند). نتایج ارزیابی‌ها چه مثبت باشد و چه منفی، سؤال‌های جدیدی را مطرح می‌کند. بهتر است که از سؤال‌ها و فرضیه‌های کلی‌تر شروع کرده و با حذف زواید به سؤال‌های دقیق‌تری برسیم.

فرضیه‌ها، مشخص‌کننده نوع داده‌هایی هستند که باید جمع‌آوری شوند. در مثال نزاع‌های مشروب‌فروشی‌ها، ارزیابی هر یک از فرضیه‌ها نیاز به داده‌های مشخصی دارد. گاهی هم همان اطلاعات می‌تواند چندین فرضیه را ارزیابی کند. (مانند موردی که باید از میان سه توجیح متفاوت برای مشروب‌فروشی‌های پرخطر، فقط یکی را انتخاب کرد.) اغلب برای برگزیدن فرضیه‌ای از میان فرضیه‌های متفاوت، داده‌های متفاوتی نیاز است (مانند فرضیه‌های سری آخر) هر قدر فرضیه‌های شما مشخص‌تر باشند، جمع‌آوری داده‌ها راحت‌تر خواهد بود. بدین خاطر، داشتن فرضیه‌ای واضح که حتی مورد قبولتان نیست، بهتر است از یک فرضیه‌ای گنگ که با آن موافقت بدترین حالت وقتی است که هیچ فرضیه‌ای در نظر نگرفته باشید.

وقفه در تحلیل

عدم وجود فرضیه‌های صریح می‌تواند منجر به «وقفه در تحلیل» شود. بدون وجود فرضیه، ممکن است داده‌های بسیار زیادی جمع‌آوری کرده (مفید، غیرمفید)، سپس تحلیل‌هایی اضافه کنید و به نتایج نامطلوب برسید.

فرضیه‌ها می‌توانند مستقیماً به تحلیل داده‌ها کمک کنند. هر فرضیه واضح، حیطه داده‌های مورد نیاز را بیان می‌کند. در مثال بالا فرضیه‌ها گرفته شده از مفهوم اماکن پرخطر را می‌توان با استفاده از یک فرآیند تحلیلی ساده ارزیابی کرد. اگر مشروب‌فروشی، جرم‌خیز است، پس باید شاهد نرخ بالای نزاع‌ها و تعداد زیادی مشتری در

آن باشید. (به راهبرد هفده رجوع کنید) اگر شاهد این موارد نبودید، بدانید که فرضیه اشتباه است. بنابراین باید بدانید که در صورت صحت فرضیه، شاهد چه چیز خواهید بود و در غیر این صورت، شاهد چه مسئله‌های دیگری خواهید بود. (به ستون سوم جدول رجوع کنید) اگر نتوانستید چنین کاری کنید، نشانه این است که فرضیه شما بسیار مبهم است.

فرضیه‌ها کمک می‌کنند که بتوانیم نتایج تحلیل‌ها را تفسیر کنیم. فرض کنیم که تحلیل نزاع‌های مشروب‌فروشی‌ها نشان دهد که تعداد کمی از مشروب‌فروشی‌ها، محل وقوع بیشترین نزاع‌ها بوده‌اند و مشاهدات مشروب‌فروشی‌های پرخطر و کم‌خطر نشان دهند که کارکنانی که مسئولیت تأمین امنیت مشروب‌فروشی‌های پرخطر را برعهده داشتند، مشتریان را تحریک به نزاع می‌کرده‌اند. از این طریق، شما فوراً راهی برای مداخله و رفع این مسئله می‌یابید.

خلاصه، وجود فرضیه باید تفاوتی ایجاد کند و آن این است که اگر فرضیه مورد نظر درست باشد، باید تصمیمی (راهکاری) متفاوت از زمانی که فرضیه اشتباه است، اتخاذ شود. اگر قرار باشد شما بدون در نظر گرفتن نتیجه ارزیابی‌ها، همان تصمیم را بگیرید، دیگر نیازی به فرضیه و ارزیابی آن نیست. فرضیه‌ها در هدایت روند تحلیل‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند. برای فرضیه‌سازی، لازم است که شما سؤال‌های مهمی بپرسید، سپس، پاسخ‌های حدسی، ساده و صریح به این سؤال‌ها بدهید. این پاسخ‌ها همان فرضیه‌های شما هستند. پاسخ به سؤال‌ها (فرضیه‌ها) ممکن است غلط باشد، مهم این است که راهی بیابید تا صحت یا سقم آن را نشان دهد. در صورت امکان، فرضیه‌های متضاد بسازید.

فرضیه‌سازی، فعالیت گروهی مفیدی است که به اعضاء با دیدگاه‌های متفاوت اجازه می‌دهد که چشم‌اندازهای خود را در معرض ارزیابی‌های صریح و بی‌طرفانه قرار دهند. در این امر، اعضایی که فرضیه‌های اشتباه ارائه می‌کنند نیز نقش مهمی در

تحلیل مسئله ایفا می‌کنند. اگر هر فرضیه ما را به یک راهکار بالقوه نائل کند، ارزیابی همزمان این فرضیه‌ها، توجه ما را به سمت راهکارهای عملی جلب کرده و راهکارهای غیر مؤثر را رد می‌کند.

سؤال‌ها، فرضیه‌ها و آزمون‌ها		
سؤال‌ها	نمونه فرضیه‌ها	آزمون‌های ممکن
چرا این مکان مخاطره‌آمیز است؟	به دلیل شمار فراوان آماج‌های موجود و در دسترس بودن این مکان	آماج‌های موجود در آن مکان را بشمارید و نرخ جرم مورد نظر را محاسبه کنید. این نرخ را با نرخ‌های مناطق مجاور مقایسه کنید. اگر مکان مخاطره‌آمیز مورد نظر شما دارای نرخ‌های بالاتر است، فرضیه غلط است. اگر این نرخ حدوداً یا تقریباً و یا همان است، فرضیه صحیح است.
چرا سرقت خودرو در منطقه مورد نظر نسبت به مناطق مجاور بیشتر است؟	ساکنان خودروهای خود را در خیابان پارک می‌کنند، بر عکس ساکنان مناطق مجاور.	اگر منطقه مورد نظر نسبت به مناطق مجاور دارای میزان مشابه یا پایین‌تری از پارک خودرو در سطح خیابان است، فرضیه را رد کنید. اگر بالاتر است، فرضیه صحیح است.
چرا سرقت میل گرد از ساختمانهای نوساز به طور ناگهانی افزایش یافته است؟	شخصی در آن حوالی، سمساری فلز آلات باز کرده است.	نرخ‌های سرقت میل گرد را قبل و پس از باز شدن این سمساری با هم مقایسه کنید. اگر این دو نرخ یکسان بودند یا قبل از این تغییر روندی صعودی داشت، احتمالاً فرضیه غلط است. در غیر این صورت به نظر می‌رسد فرضیه منطقی باشد.

۲۱- اطلاعات خود را جمع‌آوری کنید

در جریان کار تحلیلی روزمره خود، احتمالاً شما بیشتر از اطلاعات حادثه جرم و دستگیری استفاده می‌کنید، ولی برای پروژه‌های مسئله محور، باید از اطلاعاتی با دامنه و ترتیبی گسترده‌تر استفاده نمایید. برای مثال، شما با اطلاعات تعداد تلفن‌ها برای دریافت خدمات، می‌توانید درباره مقدار خرید و فروش مواد مخدر در مناطق مسئله‌آفرین مطالب بیشتر و ارزشمندتری را نسبت به اطلاعات درباره دستگیری‌ها به دست آورید. اطلاعاتی که توسط شهروندان و شرکت‌ها نگهداری می‌شوند می‌توانند در تجزیه و تحلیل مسئله‌هایی مثل تخریب یا دله‌دزدی از مغازه‌ها سودمند واقع گردند که در هر دو مورد ذکر شده اطلاعات به دست آمده توسط پلیس بسیار ناکارآمد و ضعیف است. ولی در اغلب پروژه‌های مسئله محور، درمی‌یابید که باید وارد میدان شده و شخصاً تحقیقاتی را برای جمع‌آوری اطلاعات انجام دهید. برای مثال شما و تیم پروژه‌تان شاید مجبور شوید مشاهدات منظمی را از ویژگی‌های محیطی اماکن حل ارتکاب جرم انجام دهید، از بزه‌دیدگان حادثه تحقیق به عمل آورید، و یا با بزه‌کاران مصاحبه نمائید یا از دیگران مأموران بخواهید که این کار را برای شما انجام دهند. لزوم جمع‌آوری اطلاعات توسط خود شما می‌تواند در هر یک از چهار مرحله SARA همان‌طور که در مثال‌های زیر نشان داده شده پیش آید:

۱. رونالد کلارک بر روی پروژه سرقت‌های مرتبط با وسایل نقلیه در پارکینگ‌های پائین شهر واقع در شارلوت، شمال کالیفرنیا کار می‌کرد. مشخص شد که شهر فاقد نقشه‌ای جدید برای نشان دادن موقعیت هر پارکینگ است زیرا پارکینگ‌های جدید دائماً در محل تخریب ساختمانهای قدیمی احداث می‌شدند و ساختمانهای جدید در محل پارکینگ‌های قبلی بنا می‌گردیدند. در نتیجه، مأموران پلیسی که روی این پروژه کار می‌کردند به منظور صورت‌برداری

از همه پارکینگ‌ها، باید تمام منطقه پائین شهر را بررسی می‌کردند. سپس مأموران، فضاها را موجود در هر پارکینگ را به گونه‌ای شمارش می‌کردند که میزان امکان خطر سرقت در هر پارکینگ می‌توانست اندازه‌گیری شود. با این کار آنها توانستند پارکینگ‌ها را بر اساس میزان امکان خطر سرقت، از پرخطرترین به کم‌خطرترین، رتبه‌بندی نمایند. بعد از آن، برای توضیح چرایی وجود اختلاف در میزان وقوع سرقت پارکینگ‌های مختلف، مأموران، اطلاعات جزئی درباره امنیت هر یک از پارکینگ‌ها، از جمله نور کافی، حصارکشی و استفاده از نگهبان یا گشت‌های امنیتی را جمع‌آوری نمودند.

۲. در پروژه دیگر شارلوت، سرقت از محل ساختمانها را زیر نظر گرفتند. دو مأمور پلیسی که روی این پروژه کار می‌کردند، دن کانوس و اریک روس، به طور منظم هر خانه مشمول در این پروژه را کنترل می‌کردند تا مطمئن شوند که سازندگان آنها اقدام‌های پیشگیرانه توافق شده را رعایت می‌کنند. تا پایان پروژه، مأموران هشت هزار و پنجاه کنترل جداگانه را روی خانه‌های افراد انجام داده بودند یعنی در حقیقت جمع‌آوری مفصل اطلاعات آن هم در هر نوع آب و هوایی انجام گرفته بود.

۳. در گزارشی برای مرکز تکنولوژی اصلاحات و اجرای ملی قانون، کارین اشمیر، تحلیل‌گر دولتی مسائل امنیتی در چولاویستا، کالیفرنیا، مثال‌های دیگری از جمع‌آوری اطلاعات مقدماتی، ارائه شده برای دریافت جایزه هرمن گلدشتاین برای بهترین طرح در انجام امور پلیسی به شرح زیر ارائه نمود:

- در پروژه‌ای که در بوفالو، نیویورک، به منظور کاهش تماس‌های مرتبط با روسپی‌گری اجراء می‌شد، پلیس پانزده مصاحبه جدی با زنان روسپی و صد و شانزده تحقیق درباره سرویس‌های بهداشتی انجام داد. اطلاعات به دست آمده برای جلب حمایت جامعه برای افزایش اعمال قانون علیه سرویس‌های

بهداشتی مورد استفاده قرار گرفت و درمان مرتبط با مواد مخدر و اختیارات دادگاه برای زنان روسپی را افزایش داد.

- در جریان پروژه گشت‌زنی بزرگراه کالیفرنیا، یک گروه ضربت سی نفره به مدت پنج ساعت به وسیله اتوبوس ۲۰ مایل از جاده را بررسی نمودند تا مرگ و میر ناشی از تصادف‌ها در یک ناحیه مرگبار در جاده‌های روستایی را به میزان ۳۵ درصد کاهش دهند. توصیه کلیدی که توسط گروه ضربت ارائه شد برای مدت ۲۴ ساعت به عنوان چراغ راهنمای این خط‌مشی پذیرفته شد.
- در پروژه‌ای که به منظور کاهش قلدری در مدرسه‌ای در اوهایو انجام شد، پلیس با دانش‌آموزان به منظور تعیین مکان و زمانهایی مصاحبه نمود که آنها احساس عدم امنیت می‌کردند. دانش‌آموزان راهروها و کلاس‌ها را به عنوان پرخطرترین مکانها برای قلدری مشخص نمودند که پلیس با بررسی سوابق حوادث مدرسه آن را تأیید نمود. بر اساس این یافته‌ها، زمانهای کلاس به طور متناوب به صورت فوق‌العاده تغییر داده می‌شد و معلمان برای افزایش نظارت بر راهروها به صورت گروهی با یکدیگر همکاری نمودند. تمام اینها منجر به کاهش ۶۰ درصدی تهدید و ارباب در راهروهای مدارس شد.

کارین اِشْمِلِر در مقاله‌اش خاطر نشان می‌کند که حتی جمع‌آوری غیررسمی

اطلاعات

می‌تواند مفید واقع شود. او مثالی از یک بازدید سریع از یک دستگاه خودپرداز برای بررسی موقعیت و روشنایی آن ارائه می‌نماید. در موارد دیگر، جمع‌آوری اطلاعات ممکن است نیازمند مساعدت دانشکده محلی در طراحی و انجام این امر باشد.

هنگام جمع‌آوری اطلاعات مراقب باشید

انجام امور پلیسی مسئله محور شما را در معرض مسائل فراوانی قرار می‌دهد، ولی واجب نیست برای جمع‌آوری اطلاعات، خود را در معرض جیب‌بری یا حمله و تهدید به ضرب قرار دهید.

گرچه گاهی اوقات به دلیل مشکلات و کمبود وقت شخصاً مایل به جمع‌آوری اطلاعات نیستید، ولی برخی مواقع انجام این کار برای پروژه‌ای مسئله محور ضروری است و همیشه مزایای زیر را برای شما در پی دارد:

۱. با ورود به یک حوزه می‌توانید استنباطی از مسئله مورد نظر داشته باشید که هرگز با نشستن پشت رایانه خود به این درک نخواهید رسید، بنابراین اطلاعات مورد استفاده خود را پربار نمائید.

۲. طراحی ابزاری برای جمع‌آوری اطلاعات می‌تواند شما را مجبور می‌نماید درباره ماهیت مسئله و نوع راهکارهایی که ممکن است مؤثر واقع شوند، تفکر کنید و چگونه به بهترین شکل تلاش‌های خود را ارزیابی نمائید.

۳. دست داشتن مأموران پلیس در جمع‌آوری اطلاعات (و در طراحی و نحوه اقدام) فرصت ارزشمندی را برای آموزش آنان در هنگام نیاز به رویکردی منظم در یک پروژه پیچیده مسئله محور، فراهم می‌آورد.

۴. تقبل مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات توسط خود شما این فرصت را در اختیارتان می‌گذارد تا مهارت‌های تحقیق خود را صیقل داده و باعث پیشرفت آنها شوید و قطعاً تبدیل به فردی خلاق شوید.

جدول بندی برچسب‌های موقتی

وقتی مت وایت و کارلس در اداره پلیس مِکلِنبورگ شارلوت کار می‌کردند، معتقد بودند شمار بسیار زیادی از بزهکاران از برچسب‌های موقتی جعلی بر روی خودروهای خود استفاده می‌کنند. با این اقدام آنها می‌توانند مالیات نپردازند، خودروهای خود را ماه‌ها یا حتی سال‌ها بیمه نکنند و از آن به عنوان وسیله‌ای مطمئن برای ارتکاب جرم استفاده کنند. به منظور اصلاح و بهسازی سیستم برچسب موقتی، وایت و دین عهده‌دار انجام پیمایشی غیر رسمی از دو محله هم اندازه در شارلوت شدند، یکی محله‌ای با نرخ بالای جرم و دیگری محله‌ای با نرخ پایین جرم. محله با نرخ بالای جرم (یعنی پلمونت در سمت راست نقشه زیر) طی دوازده ماه قبل از انجام این پیمایش، شمار جرائم خشونت‌آمیز گزارش شده، $6/4$ برابر و شمار بازداشتی‌های محله‌ها، $5/6$ برابر نسبت به محله با نرخ پایین جرم (پلازا میل وود) بوده است. همان‌طور که انتظار می‌رفت آنها بر روی ۱۲ خودرو (نقاط مشکی روی نقشه) در پلمونت برچسب‌های موقتی مذکور را چسبانده بودند، از طرفی بر روی هیچ خودرویی در پلازا میل وود این کار نشده بود. این موضوع به رغم آن بود که در هر دو محله، خودروها در خیابان پارک می‌شد و شمار بیشتر خودرو در پلمونت، راه‌های عبوری را به گونه‌ای مسدود می‌کرد که این برچسب‌ها از دید گشتی‌های عبوری مخفی بمانند.



۲۲- پراکندگی اطلاعات خود را بررسی کنید

پس از جمع‌آوری داده‌ها، باید بدانید که آنها بیانگر چه مواردی هستند. فرض کنید در مورد حمله و تهدید رانندگان تاکسی به ضرب، اطلاعاتی جمع‌آوری نموده‌اید. باید بفهمید که آیا این حمله‌ها نسبت به تعداد خاصی از رانندگان صورت می‌گیرد؟ آیا حمله‌ها در روزهای خاصی از هفته یا ساعت‌های خاصی از روز اتفاق می‌افتد؟ برای پاسخ دادن به این سؤال‌ها باید توزیع داده‌ها را بررسی کنید. نمودار زیر توزیع قتل غیر عمدی میان پنجاه و سه ناحیه از نواحی مجاور سینسیناتی در یک دوره زمانی بیست و شش ماهه را نشان می‌دهد. محور افقی تعداد قتل‌های غیر عمدی در نواحی مجاور این منطقه را نشان می‌دهد و محور عمودی نشان دهنده آن است که چند مورد از این نواحی هر یک از این میزان قتل‌ها را به خود اختصاص داده است. مثلاً در ستون اول میزان قتل در سیزده ناحیه صفر بوده است. تعداد قتل‌ها در بسیاری از نواحی کم است اما نوار طولانی که به سمت راست کشیده شده نشان می‌دهد که تعداد کمی از نواحی میزان بالایی از قتل‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

در اغلب موارد لازم است که توزیع داده‌ها را خلاصه کنید. دو توصیف عمده در مورد توزیع داده‌ها وجود دارد: توزیع معمولی یا میانگین داده‌ها و توزیع تغییرات یا پراکندگی داده‌ها.

داده میانگین. این میانگین به سه روش قابل محاسبه است:

میانگین: متداولترین روش اندازه‌گیری متوسط داده‌هاست. عدد میانگین قتل نواحی اطراف سینسیناتی $3/7$ مورد قتل در هر منطقه است، که با تقسیم نمودن صد و نود هشت کشته بر پنجاه و سه منطقه به دست آمده است.

میان: این مقداری است (ارزش عددی است) که داده‌ها را به دو گروه برابر تقسیم می‌کند. برای مثال نیمی از مناطق مجاور سینسیناتی بیشتر از دو مورد قتل داشته‌اند و

نیمی دیگر کمتر از دو مورد.

نما: به بالاترین میزان داده‌ها اطلاق می‌شود. در این مثال نما صفر است، زیرا در بزرگترین گروه از مناطق، هیچ مورد قتل وجود نداشته است.

پراکندگی داده‌ها: برای اندازه‌گیری پراکندگی داده‌ها سه روش متداول وجود دارد که عبارت است از:

دامنه تغییرات: متداولترین روش سنجش پراکندگی است. کمترین تا بیشترین را شامل می‌شود. در مثال ما، دامنه تغییر از صفر تا بیست و هفت قتل است.

دامنه چارکی درونی: کمترین و بیشترین حدود داده‌های ۵۰ درصد وسطی را لحاظ می‌کند. در مثال سینسیناتی دامنه چارک درونی از یک تا پنج قتل است. نیمی از نواحی در این بازه قرار می‌گیرند. ۲۵ درصد دیگر نواحی، صفر یا یک مورد قتل دارند و ۲۵ درصد آخری پنج مورد به بالا قتل دارند. برای یافتن دامنه چارکی درونی، داده‌ها را ترتیب بندی نموده و آنها را به چهار گروه تقسیم کنید. دامنه چارکی درونی کمترین و بیشترین مقدار دو گروه میانی است.

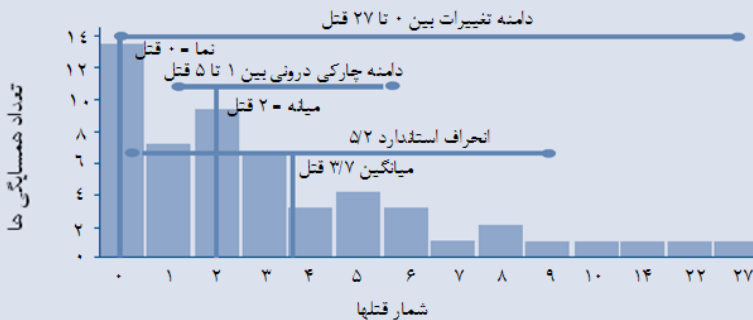
انحراف معیار: این نوع اندازه‌گیری پراکندگی، نشان دهنده اختلاف داده‌ها با مقدار میانگین است. هرچه انحراف معیار کمتر باشد، پراکندگی داده‌ها در اطراف میانگین کمتر است. فرمول آن نسبتاً دشوار است، اما در بسیاری از نرم‌افزارهای آماری یا صفحه گسترده قادر به محاسبه آن هستند. در یک انحراف معیار، دو سوم داده‌ها در یک طرف میانگین قرار می‌گیرند. در مثال سینسیناتی انحراف معیار استاندارد پنج و دو دهم مورد قتل است.

اینکه کدامیک از دو نوع اندازه‌گیری داده‌ها بهتر است، به دو ویژگی داده‌ها بستگی دارد. اولین مورد تقارن داده‌هاست. در یک توزیع متقارن، شکل نموداری توزیع در یک طرف میانگین، قرینه طرف دیگر است. در توزیع‌های متقارن، میانگین با میانه برابر است. اگر بیشترین تعداد داده‌ها در مراکز نمودار توزیع قرار گیرد، نما با دو مقدار

توزیع منافع و کنترل ویدیویی در یکی از پارکینگ‌های دانشگاه :

یکی از روسای جدید حراست دانشگاه سری انگلستان تصمیم گرفت با استفاده از دوربین‌های مدار بسته به مسئله سرقت از پارکینگ‌های دانشگاه رسیدگی کند. وی دوربین مدار بسته‌ای را روی تیرکی بلند قرار داد که امکان نظارت بر فضای پارکینگ‌ها وجود داشته باشد. همان طور که نقشه نشان می‌دهد، دوربین مذکور کنترل یکسانی روی همه پارکینگ‌ها نداشت، چرا که وجود ساختمانهایی در مسیر پارکینگ شماره یک مانع دید دوربین می‌شد.

توزیع معمول قتل‌های غیرعمدی در اطراف سینسیناتی



پیش بینی می‌شد که اگر چنانچه استفاده از دوربین در پیشگیری از جرم مؤثر واقع شود، این تأثیر فقط باید نسبت به پارکینگ‌هایی صورت پذیرد که توسط دوربین‌ها تحت کنترل قرار گرفته‌اند. همچنین پیش بینی می‌شد که جرائم از پارکینگ‌هایی که تحت کنترل هستند به پارکینگ‌هایی که تحت نظر نیستند منتقل شود(جابه‌جا شود).

میانگین و میانه برابر است. ولی نیازی نیست نما با این دو، برابر باشد. توزیع می‌تواند، دو نما داشته باشد که هر کدام در یک طرف میانگین واقع شده‌اند. اگر توزیع داده‌ها تقریباً متقارن باشد، میانگین و انحراف داده‌ها مقادیر مناسبی خواهند داشت. اما اگر توزیع نامتقارن باشد، نباید از میانگین و انحراف معیار استفاده نمود. در این مورد باید از میانه یا نما و دامنه چارکی یا دامنه تغییرات استفاده نمود. عدم تقارن در تحلیل مسئله‌ها بسیار مؤثر است.

دومین ویژگی که برای تعیین اندازه‌گیری نوعی یا پراکندگی داده‌ها به کار می‌رود، مقیاس اندازه‌گیری داده‌هاست. سه نوع مقیاس اندازه‌گیری متداول وجود دارد.

* **مقیاس‌های اسمی** که در این مورد به داده‌ها برچسب می‌زنند. جنسیت (مرد=یک

و زن=دو) می‌تواند با مقیاس اسمی سنجیده شود، چرا که این ارقام به سادگی می‌توانند جایگزین حروف شوند و داده‌ها قابلیت برچسب‌گذاری مجدد دارند (مرد=دو و زن=یک) بدون اینکه مشکلی پیش بیاید. اگر داده‌های شما اسمی است فقط نما کفایت می‌کند.

* **مقیاس ترتیبی** که ضمن برچسب‌گذاری داده‌ها آنها را رتبه‌بندی می‌کند. یک لیست مرتب شده از محله‌هایی که بیشترین تا کمترین مقدار قتل را داشته‌اند، یک مقیاس ترتیبی است (اول، دوم، سوم، تا پنجاه و سوم). داده‌های ترتیبی را نمی‌توان جمع، ضرب، تفریق، یا تقسیم نمود. فقط می‌توانید مشخص کنید که یک داده از داده‌های دیگر کمتر یا بیشتری دارد و یا با آن مساوی است. اگر داده‌ها ترتیبی باشند، هیچ یک از میانگین و انحراف معیار کاربرد چندانی ندارند و باید از میانه و دامنه چارکی داخلی استفاده نمود.

* **مقیاس‌های نسبی** امکان ضرب، جمع، تقسیم و تفریق کردن داده‌ها را فراهم می‌کند، چرا که اختلاف بین مقادیر یکسان است و مقدار صفر نیز معنی دارد. میزان قتل در محله‌ها با مقیاس نسبی اندازه‌گیری می‌شود، تفاوت میان صفر قتل و یک قتل با تفاوت بین بیست و شش قتل و بیست و هفت قتل برابر است. صفر مورد قتل با معنی است. برای این گونه داده‌ها می‌توانید از میانگین و انحراف معیار استفاده کنید.

انواع داده‌ها، کاربردها و محدودیت‌هایشان			
نسبی	ترتیبی	اسمی	
بین اعداد بازه‌های مساوی وجود دارد و صفر بامعنی است.	دسته‌ها را نام‌گذاری و رتبه‌بندی می‌کند.	دسته‌ها را نام‌گذاری می‌کند	
شماره جرائم: ۰، ۱، ۲، ... ۰ = جرمی وجود ندارد	۰ = جرمی وجود ندارد ۱ = یک جرم ۲ = بیش از یک جرم	۰ = بزهدیده وجود ندارد. ۱ = مانند «۰» بزهدیده وجود خارجی دارد ۰ = بزهدیده ۱ = غیر بزهدیده	مثال
معیارهای قرار گرفته در سمت راست همان موجودی‌های سمت چپ را دارند + موجودی‌های خودشان. برای مثال هرکاری را که با داده‌های اسمی و ترتیبی می‌توانستید انجام دهید با داده‌های نسبی آن میزان بیشتر می‌توانید انجام دهید.			
جمع، تقسیم، ضرب، تفریق	بزرگ تر، کوچک تر یا مساوی بودن	یکسان بودن یا نبودن	عملیات ریاضی مجاز
میان، میانگین و نما	نما و میانه	نما	میانگین مجاز
انحراف معیار	دامنه داخلی چارکی و دامنه تغییرات	دامنه تغییرات	پراکندگی مجاز
در مورد شمارش‌ها، درصدها و گروهی از اندازه‌گیری‌ها به کار می‌رود	زمانی که طبقه بندی ها به طور طبیعی ترتیب و توالی دارند. (مثل درجه های پلیس) استفاده می‌شود ولی تفاوت بین درجه ها همیشه یکسان نیست	زمان بررسی طبقه بندی ها (مثلا جنسیت) و گروه‌ها (مثل فروشگاه های زنجیره‌ای و غیر زنجیره ای) به کار می‌رود.	توضیحات

۲۳- محل‌های بحرانی را شناسایی کنید

هنگام نقشه‌برداری از جرم، تفاوت قائل شدن میان محل‌های بحرانی فعلی و سابقه‌دار می‌تواند مفید باشد (راهبرد هفده). محل‌های بحرانی فعلی نشان‌دهنده خلاءهای غیرمعمول در جرم هستند و ممکن است شمار این محله‌ها به خودی خود کاهش یابند، این در حالی است که محل‌های بحرانی سابقه‌دار دارای سطوح بالاتر و مداوم‌تری از جرم نسبت به سایر مناطق هستند و بعید است که این گونه محل‌ها کاهش یابند مگر این که در آنها اقدامی انجام شود. سه نوع محل‌های بحرانی با سابقه وجود دارد، هر یک از آنها ریشه در نظریه‌ای خاص دارد و با راهکاری مشخص می‌توان آن را مهار کرد.

• **نقاط بحرانی:** مکانهایی هستند که سطوح جرم در آنها بالاست. این نقاط نشان می‌دهند که جرم در اماکن یا آدرس‌های بزه‌دیدگان مکرر متمرکز شده است (راهبرد بیست و هشت و بیست و نه). وقایع چندگانه جرم در اماکن، در نزدیکی «نقاط» واقع می‌شوند.

• **مسیرهای بحرانی:** خیابانهایی هستند که جرم در آنجا متمرکز شده است. این مسیرها ممکن است برای مثال در صورتی شکل گیرند که نرخ بالایی از تخریب شیشه خودرو و داخل شدن به آن، بر روی وسایل نقلیه‌ای صورت گیرد که در طول خیابانهایی خاص پارک شده‌اند. جرائم چندگانه در طول مسیرهای خیابانی با خطوط نمایش داده می‌شوند.

• **مناطق بحرانی:** محله‌هایی هستند که جرم در آنها متمرکز شده است. مناطق بحرانی به یک یا چند دلیل به وجود می‌آیند. ویژگی‌های هر منطقه ممکن است جرم را افزایش دهد. یا یک منطقه بحرانی ممکن است شمار زیادی از مسئله‌های مستقل و مجزا را در برگیرد. بر روی نقشه، مناطق بحرانی را با کدر کردن نشان می‌دهند، به

طوری که خطوط کران نما یا شیب‌ها تصویرگر سطوح جرم هستند. نظریه نوع‌شناسی محل‌های بحرانی جری راتکیلف، میان دو نوع از محل‌های بحرانی منطقه‌ای تفاوت قائل می‌شود:

- آنهایی که دارای الگویی به هم چسبیده و گروهی، از وقایع هستند،
- آنهایی که دارای پراکندگی یکنواخت و متناسب از وقایع، در سطح منطقه بحرانی مورد نظر هستند.

جدول زیر نمایشگر سه نوع از محله‌های بحرانی است. اماکن تفریحی مسئله‌آفرین به صورت «نقاط» نشان داده می‌شوند زیرا حمله‌ها و تهدیدهای به ضرب در آدرس‌های (مشخصی) واقع شده‌اند. اما شکستن شیشه وسایل نقلیه و ورود به آنها در طول مسیرهای ممتد خیابانی انجام شده‌اند، بنابراین این نوع تمرکز نشان‌دهنده دو نوع بستر است. در نهایت خطوط کران‌نمای مرزبندی شده در مورد محل‌های مسکونی بحرانی بیانگر این هستند که خطر شکستن شیشه وسایل نقلیه و ورود به آن، در منطقه‌ای کوچک بالاتر است اما وقتی از مرکز آن دور شویم، کاهش می‌یابد. نقاط بحرانی واقع در میان این منطقه مرزبندی شده، نمایانگر اماکنی هستند که سرقت در آنها تکرار شده است.

با روشن شدن ماهیت محل‌های بحرانی، افقی اندک از راهکارها نمایان می‌شود:

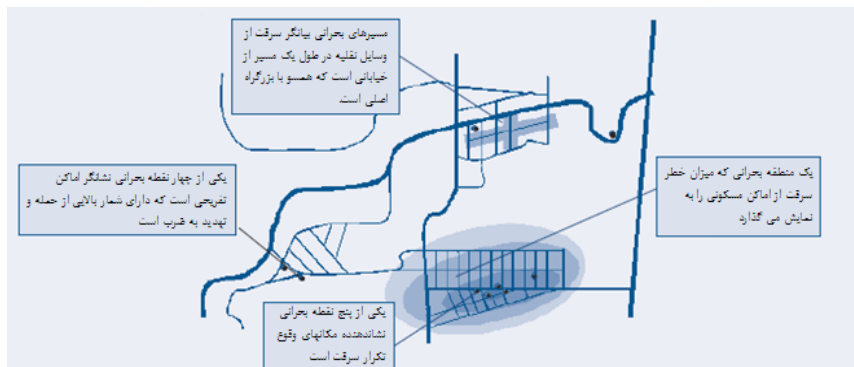
- نقاط بحرانی بیانگر (لزوم) ایجاد تغییر در محیط فیزیکی مکانهایی خاص یا تغییر در نحوه مدیریت آنها هستند. آنها همچنین گویای (لزوم) مداخله و اقدام در مورد بزه‌دیدگان در معرض خطر بالا هستند.

- مسیرهای بحرانی بیانگر لزوم تغییر خیابانها، راه‌ها و دیگر مسیرها یا فقط محیط‌های آنها هستند.

- مناطق بحرانی بیانگر لزوم مشارکت در سطحی وسیع هستند به طوری که محله‌ها تغییر یابند.

نمودار زیر نشان می‌دهد که تمرکز جرم به چه صورت با راهی که در نقشه نشان داده شده مرتبط می‌شود. این نمودار همچنین محلی را نشان می‌دهد که راهکارها در آنجا متمرکز شده‌اند.

تمرکز، نقشه برداری و اقدام			
تمرکز	محل‌های بحرانی که در قالب زیر نشان داده شده‌اند	سطح اقدام	مثال‌هایی از اقدام
اماکن، در آدرس‌هایی خاص، گوشه‌ها، ساختمانها	نقاط بحرانی	ساختمان، گوشه، آدرس	دوربین مدار بسته در یک پارکینگ، تغییر شیوه مصرف الکل در یک رستوران
بزه‌دیدگان	نقاط بحرانی	آدرس‌های بزه‌دیدگان	کمک‌رسانی به بزه‌دیدگان با پیشگیری از جرائم بعدی از طریق سخت کردن دستیابی به آماج جرم
خیابانها، خیابانهای طولی یا اماکن مقابل ساختمانها	مسیرها	راه‌های طولی، خیابانها، بزرگراهها	بن بست کردن، تغییر الگوی رفت و آمد و وسائل نقلیه، اصلاح مقررات پارک کردن
منطقه، محله	مناطق سایه خورده	محله‌ها، مناطق و...	مشارکت محلی، بازسازی محله



نوع‌شناسی جری رانکیلف از محل‌های بحرانی

جری رانکیلف میان سه نوع محله بحرانی قائل به تفصیل می‌شود. او کار خود را با منطقه دارای محله بحرانی آغاز می‌کند و سپس به بررسی الگوی نقطه‌ای می‌پردازد. اگر تمامی وقایع در محلی یکسان انجام شود، آن محل بحرانی، یک «نقطه بحران» است. نقطه‌های بحرانی توصیف‌گر پدیده‌ای یکسان در قالب نقاط بحرانی هستند. در نهایت اگر وقایع به طور یکنواخت و متناسب در سرتاسر منطقه دارای محله بحرانی پخش شده باشد، او این محل بحرانی را «پخش شده» می‌نامد. محله‌های متجمع و پخش شده بحرانی، زیرگروه‌هایی از مناطق بحرانی هستند. رویکرد رانکیلف ناشی از توجه به تمرکز وقایع است و تحلیل‌گرا را ملزم به تعیین معیار منطقه دارای محله بحرانی، قبل از طبقه‌بندی محله بحرانی می‌کند.

تحلیل محل‌های بحرانی بهتر است با اماکن آغاز شود و سپس خیابانها و در آخر مناطق بررسی شوند. برای مثال به مسئله خودروهای بلاصاحب و رها شده توجه کنید. آیا آنها مکرراً در آدرس‌های خاص یافت می‌شوند؟ اگر جواب مثبت است، آنگاه بهتر است پرسید چرا این امکان به جای سایر اماکن نزدیک آنجا انتخاب می‌شوند؟ اگر پاسخ منفی است، بهتر است به بررسی خیابانها بپردازید. اگر به تمرکز در سطح خیابان برخوردید، بهتر است برای یافتن این که چرا برخی خیابانها محلی برای این گونه خودروهاست ولی سایر خیابانها خیر، خیابانها را با یکدیگر مقایسه کنید. اگر تمرکز در سطح خیابان اندک بود (یعنی جرم به طور یکنواخت و متناسب در سطح شمار زیادی از خیابانها گسترده است)، آنگاه بهتر است به تمرکز در سطح محله توجه کنید و محله‌های دارای تمرکز زیاد و کم را با یکدیگر مقایسه نمایید. اتخاذ این رویکرد، تضمین‌کننده راهکاری با تمرکز بالا است.

بر روی شکل بالا نقاط بحرانی سرقت گویای وجود بزه‌دیدگان مکرر در سرتاسر محله است. یک منطقه بحرانی به تنهایی این موضوع را آشکار نخواهد کرد. قبل از انجام هرگونه فرآیندی، بهتر است معین کنید که آیا منطقه بحرانی عمدتاً ناشی از تعداد اندکی محله بحرانی سرقت نبوده است؟ شما می‌توانید با این امر بدین ترتیب برخورد کنید که آیا هر موقعیت جرم دارای فقط یک واقعه بوده است یا خیر و سپس به منطقه

به طور دقیق نگاه کنید. اگر بحرانی تر نبود، آنگاه مسئله مورد نظر از تعداد اندکی اماکن بحرانی ناشی می‌شود. اگر منطقه مورد نظر هنوز هم بحرانی است این نقاط بحرانی سرقت، بخش‌هایی از یک تمرکز سرقت‌ها محسوب می‌شوند.

در ابتدا تحلیل محل‌های بحرانی می‌تواند ابزاری ارزشمند در فرآیند حل مسئله باشد اما برای کشف محل‌های بحرانی لازم است پرسید که چرا برخی محل‌ها بحرانی هستند و برخی دیگر خیر. وقفه در تحلیل پس از کشف محل‌های بحرانی، منجر به تحلیلی سطحی شده و می‌تواند به اجرای راهکارهایی ناکارآمد بینجامد. اگر عنصری جغرافیایی در مسئله مورد نظر شما دخیل نیست، نقشه‌برداری از محل‌های بحرانی کارایی اندکی دارد و باید از سایر رویکردهای تحلیلی بهره ببرید.

۲۴- از نقشه‌های سه‌بعدی داخلی استفاده کنید

نرم‌افزارهای متعارف، برای ترسیم نقشه جرائم مرکز شهر، محوطه یک دانشگاه، مشروب فروشی‌ها یا هر مکان دیگری که دارای ساختمانهای بزرگ باشد، کاربرد چندانی ندارد. چرا که اکثر ساختمانها، هر چقدر هم که بزرگ باشند، در خیابان معینی قرار داشته و جرائمی که در هر نقطه ساختمان (فضای داخلی آن) به وقوع می‌پیوندد نیز متناسب به آدرس همان خیابان است. بنابراین نقشه‌های ترسیم شده فقط گویای آنند که ساختمان یا مکان معینی دارای مسئله است، دلیل آن نیز این است که این نقشه‌ها بسیار بزرگ و کلی هستند. با احتساب تعداد زیاد کارکنان شاغل در این ساختمانها یا کسانی که از این اماکن استفاده می‌کنند، در وادی امر به نظر می‌رسد که اماکن مزبور نسبتاً امن هستند. برای مثال جُرج رِنگرت نشان داد گاراژی که در مرکز فیلادلفیا به نقطه جرم خیز جرائم مرتبط با اتومبیل معروف بود، با احتساب تعداد زیاد خودروهایی قابل پارک در آنجا، نسبت به خیابانهای اطرافش دارای نرخ پائین‌تری از جرائم مزبور است.

در حقیقت، بسیاری از ساختمانهای بزرگ، محلی امن نیستند. اُسکار نیومن، ضمن انتقادی کوبنده از مشروب فروشی‌ها در دهه ۱۹۶۰ اثبات کرد که در امریکا هر چه ارتفاع برجی بلندتر باشد، به ازاء هر صد نفر ساکن در آن، نرخ جرم بالاتر خواهد بود. او اظهار داشت ساختمانهای بسیار بلند، انگیزه ارتکاب جرم را تقویت می‌کنند، زیرا ساکنان، همسایگان خود را نمی‌شناسند و طرح و ترکیب کلی ساختمانها امکان اعمال هر نوع نظارتی بر فضاهای عمومی آن نظیر راهروها، آسانسورها و فضاهای بازی را از آنها می‌گیرد. امروزه نظریه‌های او باعث پیشرفت علم طراحی محیطی عاری از جرم شده است (CEPTED). طبق این نظریه‌ها می‌توان ساختمانها و اماکن عمومی را به گونه‌ای ایمن طراحی کرد.

برای درک این که چرا ساختمان مورد نظر ناامن است، ابتدا جرائم باید به دسته‌های معینی تقسیم شده و سپس محل دقیق وقوع آنها در ساختمان، بر روی نقشه مشخص شود. دقیقاً همین جاست که نقشه توأم با جزئیات یا نقشه‌کشی سه‌بعدی داخلی کاربرد پیدا می‌کند. متأسفانه نقشه‌کشی سه‌بعدی داخلی، مشکل و وقت‌گیر است و مشکلات مزبور از دو مسئله ناشی می‌شود:

۱. عموماً در سوابق پلیس، محل دقیق وقوع حادثه (معمولاً جرم) در ساختمان مشخص نشده است، البته گاهی مدیران ساختمان و یا ادراستی که مسئولیت برقراری امنیت را بر عهده دارند، می‌توانند این اطلاعات را در اختیار شما بگذارند. اگر نتوانستند چنین کمکی کنند، باید برای دستیابی به این اطلاعات، برای ثبت دقیق محل ارتکاب جرائم، روال مشخصی را نهادینه کنید. (به راهبرد بیست و یک رجوع کنید).

۲. ممکن است بتوانید نقشه ساختمانهای جدید را با فرمت دیجیتال به دست آورید که می‌تواند در ترسیم نقشه مورد نظر ما کمک چشمگیری کند. اما در مورد ساختمانهای قدیمی، پیدا کردن نقشه به روز آن، کمی مشکل است و خود باید پلان آن را ترسیم کنید.

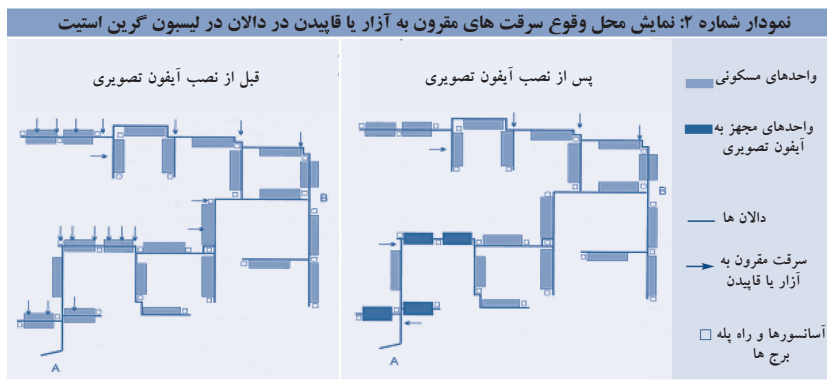
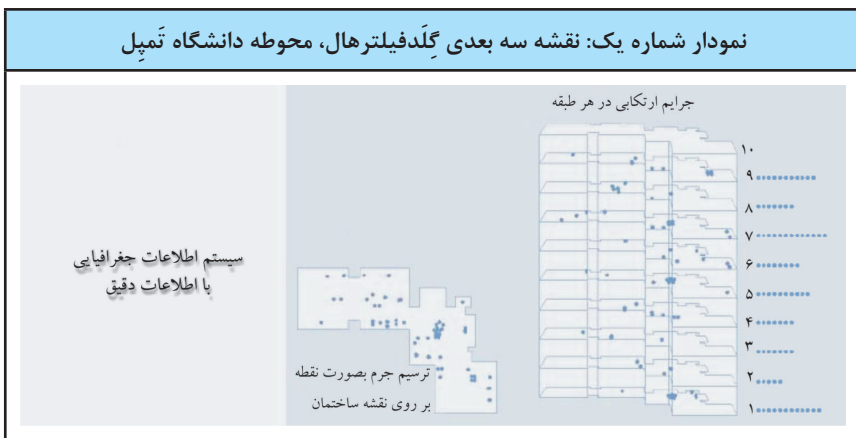
در بسیاری از موارد، این مشکلات موجب می‌شود که در صدد ترسیم نقشه سه‌بعدی داخلی نباشیم. اما همان‌طور که جرج رنگرت و همکارانش در مطالعه جرائم ارتكابی در دانشگاه تمپل فیلادلفیا نشان دادند، به هر ترتیب باید بر این مشکلات فائق آمد. آنها با تلفیق نرم افزار نقشه‌کشی با نقشه‌های ترسیم شده، با استفاده از نرم افزار اتوکد به سیستم GIS ای با دقت بالا دست یافتند. مواردی نظیر سیستم لوله‌کشی آب و سیم‌کشی‌های برق حذف شده‌اند و نقشه به گونه‌ای تغییر کرده که خیابانها به شکل خط نمایش داده شده‌اند (خطوط ترسیم شده در هر یک از طرفین نیز نشان‌دهنده پیاده‌روهاست). باغچه‌ها، حصارها، چراغ‌ها و موارد ملموس دیگری نیز بر روی نقشه

نمایش داده شده است. به این ترتیب، محل دقیق ارتکاب جرائم در محوطه دانشگاه، ثبت و روی نقشه مشخص شده‌اند. به این واسطه آنها توانستند جرائم را با ویژگی‌های محیطی نظیر عدم وجود نور کافی یا نقاط کور محل کمین مهاجمان، مرتبط سازند.

جرائم ارتكابی هر طبقه از ساختمان بر روی نقشه ترسیم می‌شود و تصویری با در نظر گرفتن محل وقوع جرائم بر هر طبقه، به صورت افقی در ساختمان به تصویر کشیده می‌شود. نمودار شماره یک همین موضوع را در مورد یکی از ساختمانهای گلدفیلترهال نشان می‌دهد. جرم در تمامی طبقات به غیر از طبقه دهم وجود دارد. همچنین این نقشه سیاهه‌ای از جرائم را به تصویر کشیده که در اکثر طبقات وجود دارد، یعنی نزدیک‌ترین محوطه به چهار آسانسور مجاور مرکز ساختمان. اینجا همان جایی است که متصدیان پذیرش و منشیان ساختمانها و مراکز آموزشی در آنجا مستقر هستند. این نوع ساختمانها به این دلیل که معمولاً سراسر دیوارهای آن شیشه‌ای است، دست سارقان را باز می‌گذارد تا بتوانند هر شخص موجود در ساختمان را مشاهده کنند یا هر کالای ارزشمندی را برابیند. هم اکنون مدیر ساختمان عدالت کیفری، پرده‌هایی را نصب کرده که در غروب می‌توان آن را پایین کشید تا کسی نتواند داخل ساختمان را مشاهده کند.

نرم‌افزارهای تجاری موجود کاملاً قادرند مدل‌هایی واقعی از تصویر شهر تولید کنند و پیشرفت‌های انجام شده در زمینه فن‌آوری نظیر نقشه‌کشی سه بعدی با استفاده از لیزر، تولید نقشه‌های رایانه‌ای نظیر نقشه گلدفیلترهال را ساده کرده است. این بدان معناست که در صورت اندک بودن شمار وقایع، طرح‌های کاملاً واضح از موقعیت جرائم، گاهی اوقات می‌تواند دقیقاً همین کار (مورد نظر ما) را انجام دهد. نمودار شماره دو طرحی است از وضعیت یک مشروب فروشی در لندن که توسط بری پوینر به تصویر کشیده شده است. این نمودار نشان‌دهنده موقعیت‌های سرقت‌های مقرون به آزار یا تهدید و کیف‌قاپی‌ها در پیاده‌روهای منتهی به این ساختمان در دو دوره شش

ماهه است، یعنی قبل از انجام هر گونه اقدام پیشگیرانه و پس از این که چهار تلفن در چهار ورودی این ساختمان نصب شد. در واقع تلفن‌های نصب شده در این ورودی‌ها، دسترسی به پیاده‌روهای مذکور را از ابتدای خیابان اصلی کاملاً محدود کردند. در این مورد، نقشه‌کشی با تعیین دقیق موقعیت جرائم، بررسی اقدام پیشگیرانه مذکور را تسهیل کرد. نمودار شماره دو به تشخیص مسئله مورد نظر نیز کمک می‌کند زیرا نشان می‌دهد که سرقت‌ها و کیف‌قاپی‌های مذکور، بیشتر در بخش‌هایی از این پیاده‌روها صورت می‌گیرند که فاقد نظارت از سوی ساختمانهای مجاور یا طبقات است.



۲۵- به دوره‌های زمانی روزانه و هفتگی توجه کنید

چرخه‌ای از فعالیت‌ها تأثیر شایان‌ذکری بر مسئله‌ها دارند. میزان تردد و سائل‌نقلیه، از میزان خرید روزانه و روال عادی عبور و مرور شهروندان ناشی می‌شود. این موضوع بر نرخ سرقت و سائل‌نقلیه و سرقت از منازل نیز مؤثر است. احتمالاً نرخ سرقت‌های مقرون به آزار از اشخاص مست و عیاش در زمان تعطیلی مشروب‌فروشی‌ها (روزهای جمعه و شنبه) بیشتر است، چرا که تعداد آماج‌های جرم افزایش می‌یابد. در این مثال، دو ریتم مهم، محور اصلی فعالیت‌های مسئله‌آفرین هستند. اولین مورد، چرخه روزهای کاری/روزهای تعطیل است که موجب می‌شود شنبه شب‌ها و جمعه شب‌ها به زمان تفریح و سرگرمی معروف شوند. دومین چرخه به روند روزانه بازکردن و تعطیل کردن مشروب‌فروشی‌ها مربوط می‌شود. در این راهکار، تغییر مقطعی که طی ساعت‌ها و روزها به وقوع می‌پیوندد را بررسی می‌کنیم. در راهبرد بیست و شش به مقاطع زمانی طولانی‌تری از جمله ماه‌ها و سال‌ها خواهیم پرداخت.

اماکن متفاوت دارای چرخه‌های فعالیتی متفاوتی‌اند که می‌تواند در مسئله مربوط به آن مکان تأثیر داشته باشد. ریتم حتی در مورد مدارس نیز وجود دارد، گرچه متفاوت از ریتم‌های شغلی است. ایستگاه‌های اتوبوس نه تنها تحت تأثیر میزان عبور و مرور روزمره و تردد در بازارها هستند، بلکه عبور و مرور مکرر اتوبوس‌ها نیز بر آن مؤثر است.

ترسیم نمودار ریتم جرائم و بی‌نظمی‌ها در شناخت چرخه فعالیت‌های مؤثر بر پیدایش مسئله، کمک چشمگیری می‌کند. در جدول، میانگین نرخ وقایع انجام شده در هر ساعت (یا فواصل زمانی دیگر)، طی چندین روز (ماتریس داده‌ها در بالا) محاسبه، سپس نمودار نتایج ترسیم شده است (نمودار الف). نمودار ب درصد وقایع هفتگی است که در هر روز از هفته رخ می‌دهد. از آنجا که برخی از روزها عموماً ریتم‌های بسیار متفاوتی نسبت به سایر روزها دارند، توصیه شده که نمودار به گونه‌ای ترسیم شود که هم ساعت‌ها و

هم روزها نمایش داده شوند (نمودار ج). در نتیجه، مقاطع زمانی جرم با نمودار مشخص می‌شود. تنظیم چنین نمودارهایی کار ساده‌ای است؛ هر سه این نمودارها در صفحه گسترده، با استفاده از مراحل استاندارد ترسیم نمودار، ترسیم شده‌اند.

هنگامی که دائماً با وقوع مسئله مواجهیم، انجام تحلیل‌های مقطعی ساده‌تر از بقیه حالت‌ها است. تحلیل‌های مقطعی، در وقایع کم‌اهمیت و متداولی نظیر شکایت از ایجاد آلودگی‌های صوتی و تصادف‌ها رانندگی کوچک مفیدتر از تحلیل مقطعی وقایع وخیم و غیرمتداولی نظیر قتل عمد است. اگر تعداد وقایع کم بود، به منظور جمع‌آوری وقایع بیشتر، می‌توانید مقاطع زمانی طولانی‌تری را در نظر بگیرید. اما اگر طی مقاطع زمانی طولانی‌تر باشد و نوع مسئله‌ها تغییر کنند، تصویری که پدیدار می‌شود تحریف شده و یا فاقد اعتبار خواهد بود.

در اختیار داشتن زمان نسبتاً دقیق وقوع مسئله‌های، برای تحلیل‌های مقطعی مفید است. در جرائم اصابتی^۱ نظیر سرقت مقرون به آزار و تهدید، تجاوز به عنف و حمله و تهدید به ضرب، می‌توان زمان دقیق ارتکاب جرم را تعیین کرد، همان‌طور که اغلب بزهدیدگان نیز می‌توانند زمان وقوع این‌گونه جرائم را توصیف کنند. اما در اکثر جرائم علیه اموال نظیر جرائم مربوط به خودرو، سرقت و تخریب اموال عمومی، تعیین زمان دقیق ارتکاب جرم بسیار مشکل است، چرا که بزهدیدگان این‌گونه جرائم فقط طیف زمانی‌ای را تعیین می‌کنند که طی آن، احتمال وقوع این جرائم بدیهی است. اگر چه در این طیف، میانگین زمان وقوع برای تخمین زمان وقوع جرائم در نظر گرفته می‌شود، اما این امر در حقیقت، تحریف زمان وقوع است، بنابراین باید از انتخاب مقاطع زمانی طولانی (برای مثال بیش از هشت ساعت) اجتناب کرد.

جری راتکلیف نیز سه نوع مقطع زمانی را تعریف کرده است. در نوع اول، وقایع تقریباً به طور یکنواخت در طول روز توزیع می‌شوند، او این را طرح توزیعی می‌نامد، دوم، طرح‌های متمرکز که نشان‌دهنده تجمع مسئله‌ها در دوره‌های زمانی متفاوت است.

۲۶- دوره‌های زمانی بلند مدت را مد نظر قرار دهید

مسئله مورد نظر وخیم‌تر شده و یا مرتفع شده است؟ آیا تغییرها به صورت منظم است یا تصادفی؟ برای پاسخ به این سؤال‌ها لازم است مسئله را با ترسیم نمودار تعداد وقایع برحسب زمان، مطالعه کنید. به طور کلی، نرخ جرم عبارت است از تعداد جرائم یا تخلف‌ها تقسیم بر تعداد آماج‌های جرم (به راهبرد بیست و هفت رجوع کنید).

روند زمانی مسئله را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

- روند کلی، که از بررسی ظاهری مسئله مشخص می‌شود. این روند نشان می‌دهد که آیا مسئله مورد نظر وخیم‌تر شده، رفع شده و یا در طولانی مدت به همان صورت قبلی باقی مانده است.

- چرخه‌های زمانی فصلی، روزانه و هفتگی

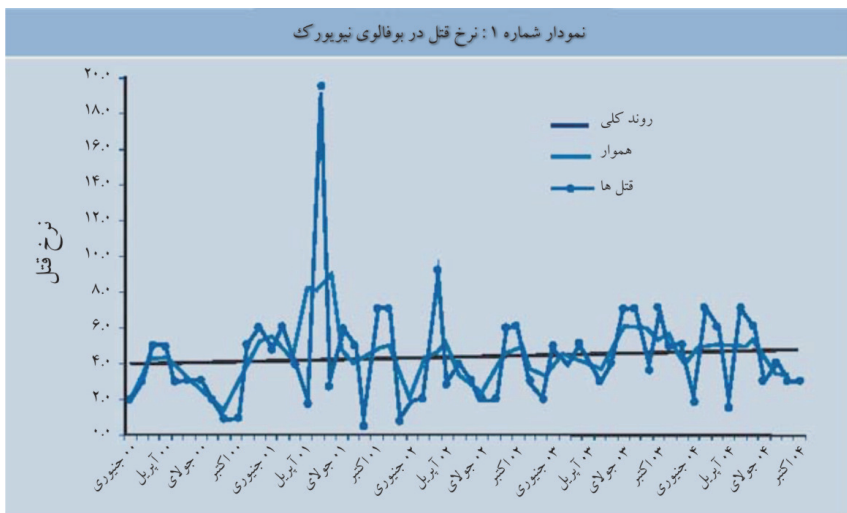
- نوسانهای تصادفی، که از تعداد زیادی متغیر خفیف ناشی می‌شود.

مطالعه منظم روند زمانی جرم را «تحلیل مجموعه‌های زمانی» می‌نامند.

نمودار شماره یک نرخ قتل‌ها را در بوفالوی نیویورک نشان می‌دهد. خط افقی وسط نمودار، روند کلی آن را نشان می‌دهد. این خط تقریباً یکنواخت و صاف بوده و سیر صعودی بسیار کمی دارد (افزایش آن بیان‌گر حدود یک قتل، در هر صد ماه است). می‌تواند ۲۰۰۱ ماه فوق‌العاده بدی بود و اکتبر و نوامبر ۲۰۰۰ ماه‌هایی بودند که در آنها شاهد کاهش فوق‌العاده نرخ قتل بودیم.

در این پنجاه و هشت ماه، نوسان ماهیانه چشمگیری وجود داشته که در این نمودار با قله‌ها و دره‌ها نشان داده شده‌اند. عموماً مسئله‌هایی که کمتر تکرار می‌شوند، دارای این ویژگی‌اند، اما مسئله‌هایی که در هر مقطع زمانی مکرراً به وقوع می‌پیوندند، تغییرهای کمتری را نشان می‌دهند. این نوسانات تصادفی می‌توانند موجب شوند که تغییرهای منظم به چشم نیایند. استفاده از میانگین متغیر، یکی از طرقی است که به واسطه آن می‌توان

تغییرهای مزبور را مشاهده کرد، به این کار «هموار کردن» می‌گویند. در این مثال از میانگین متغیر سه ماهه استفاده شده است. برای مثال نرخ ماه جولای، میانگین ماه ژوئن، جولای و آگوست است. نرخ ماه آگوست نیز میانگین نرخ ماه‌های جولای، آگوست و سپتامبر است. توجه کنید که هیچ داده‌ای از ماه اول و ماه آخر در مجموعه وجود ندارد، زیرا برای این ماه‌ها داده‌های سه ماهه‌ای نداریم. میانگین متغیر، دره‌ها را پُر کرده و قله‌ها را نیز از بین می‌برد. میانگین‌های متغیر طولانی مدت، نسبت به میانگین‌های متغیر کوتاه مدت دارای نمودارهای هموارتری هستند. توجه کنید که نمودارهای بسیار هموار، بسیاری از اطلاعات مفید را نشان نخواهند داد.



چرخه‌ها با در نظر گرفتن همان ماه‌های سال (یا همان هفته‌های ماه، روزهای هفته یا ساعت‌های روز، بسته به مقطع زمانی مورد نظر شما) مشخص می‌شوند. این نکته مهم را نیز باید در نظر داشته باشیم که ماه‌ها دارای زمانهای متفاوتی هستند (ضمناً ماه فوریه سال‌های کبیسه را نیز فراموش نکنید) که ممکن است در تعداد مسئله‌های مورد نظر مؤثر باشد. با توجه به این موضوع، برخی از تحلیل‌گران، به جای ماه از مقاطع زمانی چهار

هفته‌ای استفاده می‌کنند.

چرخه‌های فصلی را می‌توان در نمودار شماره دو مشاهده کرد. در این نمودار شاهد نرخ سرقت‌های دوچرخه در هر ماه و در مجموع سی و دو ماه هستیم. نرخ سرقت‌ها همواره در ماه‌های جولای و آگوست به اوج خود رسیده و همواره در ماه‌های ژانویه و فوریه به کمترین حد خود رسیده است. ضمناً مطابق آمارهای موجود، هر ماه در سال ۲۰۰۱ به طور معمول و در مقایسه با ماه مشابه خود در سال ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ بحرانی‌تر شده است. این امر گویای این است که در تابستان، تعداد دوچرخه بیشتری برای سرقت در دسترس بوده و در زمستان در واقع سارقان استفاده چندانی از دوچرخه نمی‌کنند. (خصوصاً در بوفالو)

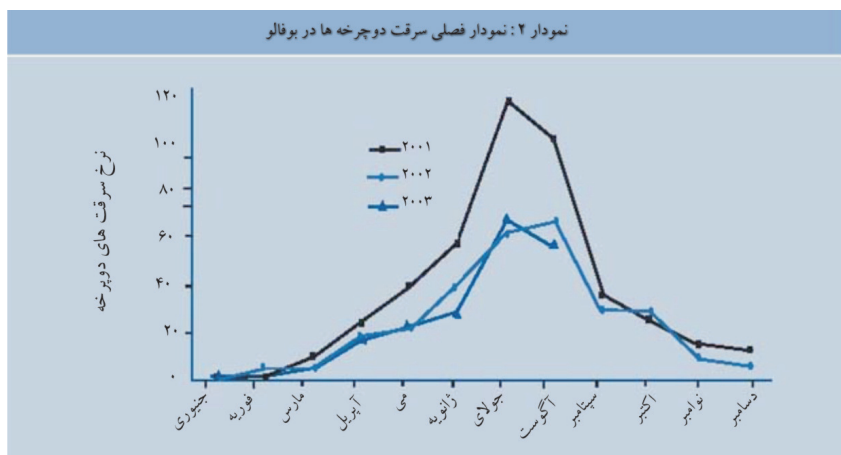
تفکیک مجموعه‌های زمانی به اجزاء تشکیل دهنده آنها

تفکیک مجموعه‌های زمانی به اجزاء تشکیل دهنده، در کشف عوامل مسئله بسیار مؤثر است. برای مثال روند قتل‌ها را می‌توان به دو نمودار تقسیم کرد، که نشان‌دهنده قتل‌های خانوادگی و غیرخانوادگی (با سلاح گرم یا بدون سلاح گرم) باشد. بنابراین اگر نرخ قتل‌های غیرخانوادگی، روند صعودی و قتل‌های خانوادگی روندی نزولی داشت، نشان‌دهنده این است که باید به قتل‌های غیرخانوادگی بیشتر توجه کرد.

تحلیل مقاطع زمانی، روش دقیقی برای ارزیابی میزان تأثیر یک راهکار است. نکته مهم این است که برای یافتن روند کاملاً طبیعی مسئله‌ها، چرخه‌ها و تغییرهای قبل از اجرای راهکارها، باید از تدابیری استفاده کنید که قبلاً توضیح داده شد. این کار به شما می‌گوید که اگر درباره مسئله مورد نظر اقدامی انجام نشود، در آینده چه اموری از آن ناشی می‌شود؟ همچنین می‌توانید ساختارهای زمانی پس از اجرای راهکار را بررسی کنید. با بررسی تغییرهای روند چرخه‌ها یا حتی نوسانات تصادفی، راهکار مؤثر مشخص می‌شود. هر چه مقاطع زمانی قبل و بعد از اجرای راهکار طولانی‌تر باشد، نتایج حاصله

معتبرتر خواهند بود.

تحلیل مجموعه‌های زمانی بسیار پیچیده است، بنابراین اگر در نمودار شما داده‌های بزرگی وجود دارند که برای تحلیل دقیق آن باید با زمان مورد نظر تطبیق داده شود، بهتر است از متخصص ریاضی و آمار استفاده کنید.



۲۷- بدانید که چگونه باید از نرخ جرائم استفاده کنید

یکی از دلایل بیشتر بودن جرم در مکانی نسبت به مکانی دیگر، بیشتر بودن آماج جرم در آنجا نسبت به دیگری است. بررسی نرخ‌ها به شما کمک می‌کند تا بدانید که آیا تعداد آماج‌های جرم در مسئله مورد نظر شما تأثیری دارد یا خیر؟ (به راهبرد هفده رجوع کنید). نرخ، نشان‌دهنده تعداد جرائم نسبت به آماج‌های جرم در مقطعی از زمان است. برای مثال یک مورد سرقت در هر صد خانه، طی سال ۲۰۰۲ نشان‌دهنده خطر ابتلا به جرم در طی مدت معین است.

برای احتساب تعداد آماج جرم به موارد زیر نیاز دارید:

۱. نوع وقایع مورد نظر را مشخص کنید (برای مثال سرقت از وسایل نقلیه).
۲. جمعیت در معرض خطر را مشخص کنید (برای مثال وسایل نقلیه).
۳. محل‌ها و مدت زمان را مشخص کنید (برای مثال پارکینگ‌های مرکز شهر طی سال ۲۰۰۴).
۴. منابع اطلاعاتی را بیابید که شمار وقایع مورد نظر و آماج‌های هر مکان را بررسی کرده است. (برای مثال جرائم گزارش شده به پلیس، دارای اطلاعاتی است درباره آدرس محل سرقت‌ها که ممکن است به پارکینگ‌های خاصی مربوط باشد. با مشاهده پارکینگ‌های مرکز شهر نیز می‌توان تعداد وسایل نقلیه در هر پارکینگ را تخمین زد.)

۵. برای هر مکان، تعداد وقایع (صورت کسر) را بر تعداد آماج‌ها (در مخرج کسر) تقسیم کنید تا نرخ‌ها را به دست آورید.

تعیین تعداد آماج‌های در معرض خطر جرم، به تفکر دقیق نیاز دارد. برای مثال اگر سرقت‌ها را تحلیل می‌کنید در ابتدا باید ببینید که آماج جرم، شهروندان هستند یا منازل؟ «منازل» پاسخ منطقی‌تری است. در شرایط یکسان، اگر هزار نفر در پانصد آپارتمان زندگی

کنند، پیش‌بینی می‌شود که نرخ سرقت‌ها بیشتر از زمانی است که همان جمعیت در دوپست و پنجاه آپارتمان زندگی کنند. اگر ارتکاب سرقت‌های مقرون به آزار در خیابان را تحلیل می‌کنید، جمعیت در معرض خطر آن دسته از عابران پیاده‌ای هستند که در منطقه مورد بررسی تردد می‌کنند.

گزارش‌های پلیس از وقایع، معمولاً حاوی اطلاعاتی در مورد آن وقایع است. از جمله این اطلاعات، آدرس اماکن مورد نظر است، بنابراین با این اطلاعات می‌توان شمار وقایع را در اماکن مزبور به‌دست آورد. اگر چه اغلب به سختی می‌توان اطلاعاتی از تعداد آماج‌های در معرض خطر جرم در اماکن مورد نظر به‌دست آورد. برای مثال ممکن است گزارش‌های سرقت از وسائل نقلیه در پارکینگ‌ها موجود باشد، اما تعداد وسائل نقلیه‌ای که از این پارکینگ‌ها استفاده می‌کنند، در حال حاضر مشخص نباشد. (به جدول رجوع کنید)

برای حل این مشکل باید تعداد احتمالی آماج‌های جرم را بیابید. معمولاً تعداد وسائل نقلیه‌ای که از پارکینگ‌ها استفاده می‌کنند، متناسب با اندازه پارکینگ است. یکی دیگر از اندازه‌های احتمالی برای وسائل نقلیه در معرض خطر، بر مبنای فوت مربع یا تعداد فضاهای پارک است. جدول نیز نمونه‌هایی از چگونگی تخمین تعداد آماج‌های در معرض خطر جرم را نشان می‌دهد.

تعداد احتمالی آماج جرائم باید دارای دو ویژگی باشد. اول باید ارتباط منطقی با آماج جرم‌ها داشته باشد. ممکن است کسی تعداد خودروی احتمالی را با فضای اشغال شده توسط آن وسیله در پارکینگ محاسبه کند، اما از نظر مترژی، طول پارکینگ با محاسبه مذکور مطابقت نداشته باشد. زیرا در پارکینگ‌های مطبق، سطح پارکینگ کوچک است اما خودروهای زیادی را در خود جای می‌دهد. دوم، تعداد احتمالی و تعداد واقعی آماج‌های در معرض خطر جرم در محل‌های مشابه، نمی‌توانند خیلی متفاوت باشند. اگر در طول هفته حدود همه پارکینگ‌های مرکز شهر پُر باشند، تعداد فضاهای احتمالی برای پارک،

معیار مفیدی تلقی می‌شود. اما اگر ظرفیت برخی از پارکینگ‌ها تکمیل باشد و از برخی از پارکینگ‌ها استفاده چندانی نشود، تعداد فضا برای پارک، معیار مناسبی برای تعیین تعداد آماج جرائم نیست.

نمونه نرخ های جرائم مختلف			
نوع جرم	محل	نرخ	توضیح
سرقت از آپارتمان	مجتمع‌های آپارتمانی	سرقت بر حسب آپارتمان یا اموال اهل خانه	در اماکن مسکونی، سرقت‌ها بیشتر نسبت به خانواده‌های پر جمعیت اتفاق می‌افتد
دله‌دزدی	فروشگاه‌های زنجیره‌ای	سرقت بر حسب اجناس از قفسه‌ها یا بر حسب فوت مربع غرفه های فروشگاه	ربایش‌های هر مشتری نرخ تأسفاوری است
سرقت موتور سیکلت	محل‌ها	سرقت موتور سیکلت، بر حسب موتور سیکلت‌های شماره شده	در مناطقی که موتورسواران تردد می‌کنند مسئله‌آفرین است، نه جایی که زندگی می‌کنند
دیوارنویسی	مناطق تجاری	دیوارنویسی بر حسب فوت مربع	اندازه گیری آن مشکل است.
زورگیری از رانندگان	آژانس‌ها	سرقت بر حسب تاکسی یا بر حسب زورگیری از راننده یا بر حسب ساعت های رانندگی	ساعت های که در معرض دید هستند ترجیح داده می‌شود، اما ممکن است اطلاعات مورد نیاز آن موجود نباشد
جار و جنجال در مهمان‌پذیرها	مهمان‌پذیرها	جارو جنجال بر حسب میهمانان یا در اتاق‌ها	می‌تواند بر حسب تعداد اشخاص غیر میهمان نیز باشد

محاسبه تعداد آماج جرم حتی به صورت تقریبی نیز کار مشکلی است. ممکن است برخی اداره های دولتی بخشی از اطلاعات مورد نیاز شما را در اختیار داشته باشند. برای مثال در ناحیه همیلتون در اوهایو، سازمانهای دولتی، اطلاعات مربوط به هر قطعه زمین ناحیه، از قبیل مترآژ آن بر حسب فوت مربع و موقعیت آن را در اختیار دارد گاهی اصناف و مجمع‌های اصناف، اطلاعات مربوط به میزان فروش‌ها را در اختیار دارد. همچنین از اطلاعات درباره مالیات حاصل از فروش‌های مذکور، میزان تقریبی تعداد مشتریان (با

مقایسه مغازه‌هایی با اجناس مشابه) را مشخص می‌کنند.

محاسبه نرخ‌ها می‌تواند برای یافتن اماکن در معرض خطر بسیار مفید باشد (به راهبرد بیست و هشت رجوع کنید). کارین اِشِمِلِر و همکارانش در اداره پلیس چولاویستای کالیفرنیا، جار و جنجال‌های واقع شده در مُتل‌های شهر را بررسی کردند. ده متل زنجیره‌ای و شانزده مُتل مستقل شخصی، جار و جنجال‌های مشابهی داشته‌اند، البته متل‌های زنجیره‌ای تعداد بیشتری اتاق داشتند.

هنگامی که تعداد تمام جار و جنجال‌های مربوط به متل‌های شخصی را جمع و بر تعداد اتاق‌های موجود تقسیم کردند، اِشِمِلِر دریافت که میانگین نرخ جار و جنجال در متل‌های شخصی ۱/۸ برای هر اتاق بود و با انجام همین کار در مورد متل‌های زنجیره‌ای، به میانگین ۵ درصد دست یافتند. بی‌تردید تعداد جار و جنجال متل‌های شخصی به ازای هر اتاق بسیار بیشتر بوده است.

آیا باید بیشتر به تعداد زیاد جار و جنجال‌ها توجه کرد یا نرخ‌های بالا؟ اگر هدف شما کاهش نرخ جرائم است، تأکید بر تعداد وقوع جرم می‌تواند بهترین گزینه باشد. اما اگر هدف شما این است که بروز آسیب را کاهش دهید، بررسی نرخ را در اولویت قرار دهید.

استفاده از نرخ‌ها برای شناسایی پارکینگ‌های در معرض خطر

ارزش محاسبه نرخ‌ها در پروژه‌های در شارلوت، شمال کالیفرنیا که در آن، یکی از ما (کلارک) با هرمن گلدشتاین روی آن کار می‌کرد، در شکل زیر نشان داده شده است. در این پروژه، با همکاری تحلیل‌گران محلی و مأموران پلیس، سرقت از اتومبیل‌ها را در پارکینگ‌های مرکز شهر (که محلین، آن منطقه را شمال شهر می‌دانستند) بررسی کردیم. تحلیل‌های حاصل از بررسی محلی ارتکاب جرم، توزیع کاملاً همسان این نوع سرقت‌ها را در وسط منطقه مورد نظر نشان می‌داد. این موضوع از روی نقشه ترسیم شده بر اساس نرخ این نوع سرقت، بسیار گویاتر بود. این نقشه توسط مت وایت (تحلیل‌گر جرم) تنظیم شد. او برای شمارش تعداد فضای پارک در هر پارکینگ، از مأموران ناحیه کمک گرفت. سپس نرخ سرقت هر یک از پارکینگ‌ها و گاراژها را محاسبه کرد. نقشه حاصله، نشان‌دهنده تصویر بسیار دقیقی‌تری از احتمال (میزان) خطر بود. تحلیل‌های بعدی نشان داد خودروهای پارک شده در پارکینگ، نسبت به آنهایی که در گاراژها و آن دسته از پارکینگ‌هایی که به دلیل عدم امنیت کافی مستعد ارتکاب جرم‌اند، شش برابر بیشتر در معرض خطر هستند.

نرخ‌های سرقت وسایل داخل خودروهای نزدیک ساختمان، شارلوت ان سی، ۱۹۹۹



راهنمای شکل



۲۸- اماکن پرمخاطره را بشناسید

اماکن، محیط‌هایی با کارکردهای خاص‌اند (به راهبرد پانزده رجوع کنید) که خود به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند. مثلاً اماکن آموزشی که به مواردی نظیر تدریس و مطالعه مربوط می‌شود. اماکن صنعتی که مواردی نظیر تولید و پردازش مواد را در برمی‌گیرد. اماکن اداری که مسئولیت پردازش اطلاعات را بر عهده دارند و فروشگاه‌های زنجیره‌ای که فروش و معامله‌های پولی را در بردارند. برخی از اماکن دائماً محل ارتکاب جرم و بی‌نظمی‌های اجتماعی واقع هستند، از جمله این اماکن عبارت است از مشروب‌فروشی‌ها، پارک‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن، باجه‌های تلفن، فروشگاه‌های غذای آماده و مهمان‌پذیرها. این اماکن محل ارتکاب بیشترین نرخ جرائم و تخلفات بوده و به آنها اماکن پرمخاطره گفته می‌شود.

اما این عبارت (اماکن پرمخاطره) مفهوم دقیق‌تری را نیز در برمی‌گیرد و آن این است که در هر نوع از اماکن در مقایسه با مورد مشابه، برخی به طور خاص پرمخاطره‌اند. هنگامی که قاعده ۲۰-۸۰ را در راهکار هجده توضیح دادیم، ذکر کردیم که ۵۰ درصد دله‌دزدی‌های گزارش شده، به ۵ درصد از فروشگاه‌های دانورس در ماساچوست مربوط می‌شد. (به نموداری که کریستوفر بروس، تحلیل‌گر جرم در اداره پلیس دانورس تهیه کرده رجوع کنید) در اینجا نیز به برخی مصادیق مستند دیگر از اماکن پرمخاطره اشاره می‌کنیم:

- فروشگاه‌های ۲۴ ساعته: یکی از مطالعه‌های ملی نشان داد که ۶۵ درصد از کل سرقت‌های مقرون به‌آزار در ۶ درصد از فروشگاه‌های مواد غذایی واقع شده‌اند.
- پمپ‌های بنزین: بیش از ۵۰ درصد از تماس‌های مربوط به رها کردن اتومبیلی که با آن سرقت کرده‌اند و جرائم مواد مخدر در سال ۱۹۹۸ تا ۱۹۹۹ به ۱۰ درصد از پمپ‌های بنزین آستین تگزاس مربوط می‌شد.
- بانک‌ها: نرخ سرقت مقرون به‌آزار در ۴ درصد از بانک‌های انگلستان، شش برابر

بیشتر از دیگر بانک‌ها بود.

- مدارس: ۸ درصد از مدارس استکهلم، محل ارتکاب ۵۰ درصد از جرائم خشونت‌آمیز گزارش شده در سال تحصیلی ۹۴-۱۹۹۳ بوده‌اند.
- ایستگاه‌های اتوبوس: طبق رساله دکتری آندرو نیوٹن بیش از ۴۰ درصد از موارد تخریب اموال عمومی در ۹ درصد از سایه‌بانهای ایستگاه‌های اتوبوس شهر لیورپول بریتانیا واقع شده‌اند.
- پارکینگ‌ها: در شهر ناتینگهام بریتانیا، ۲۵ درصد (۱۰۳ مورد) از چهارصد و پانزده جرم گزارش شده در نوزده پارکینگ مرکز شهر در سال ۲۰۰۱، تنها در یک پارکینگ طبقاتی به نام رُیال مَوت هوس واقع شده‌اند.

حداقل هشت دلیل وجود دارد که نشان می‌دهد چرا این اماکن پرمخاطره‌اند. فرآیندهای تحلیلی دیگر، سایر دلایل مهم را در شرایط خاص بیان می‌کند. این موارد عبارت است از:

- ۱- **تفاوت تصادفی:** ممکن است به طور تصادفی معدود اماکنی را بیابید که محل ارتکاب اکثر جرائم هستند. این مورد بیشتر زمانی اتفاق می‌افتد که شما تنها به بررسی چند مکان با نرخ جرم پائین بپردازید. سعی کنید این اماکن را در مقطع زمانی دیگری نیز کنترل کنید. اگر ترتیب وقایع در هر دو مقطع تقریباً یکسان باشد، تفاوت تصادفی است.
- ۲- **روال گزارش‌دهی جرائم:** ممکن است مسئولان برخی اماکن همواره جرائم ارتكابی در آنجا را به پلیس گزارش کنند، در حالی که دیگر اماکن با این که همین نرخ وقایع در آنها واقع می‌شود، اما نرخ بسیار کمتری را گزارش می‌کنند. کنترل این امر مشکل است، بنابراین شما باید از مأموران آشنا با این اماکن بپرسید که آیا نرخ جرائم ثبت شده، با مشاهدات آنها از جرائم ارتكابی در این اماکن تطابق دارد یا خیر؟
- ۳- **تعداد آماج‌های جرم:** برخی از اماکن دارای آماج‌های زیادی هستند. مثلاً همان فروشگاه‌هایی که در دانورس بیشترین میزان دله‌دزدی را داشت، یکی از بزرگ‌ترین

فروشگاه‌های شهر است. اما این (بزرگی فروشگاه) علت اصلی نیست، زیرا بدون در نظر گرفتن اندازه فروشگاه، با محاسبه نرخ دزدی‌ها نسبت به هر ۱۰۰ فوت مربع (به آخرین ردیف جدول رجوع کنید) متوجه می‌شویم که این فروشگاه نسبت به جرم دزدی یکی از پرمخاطره‌ترین‌ها است. (به راهبرد بیست و هفت رجوع کنید)

۴- فرآورده‌های در معرض خطر: ممکن است مکانی پرمخاطره، تعداد زیادی آماج جرم نداشته باشد، اما دارای آماج‌های چشمگیر و جذابی باشد. فروشگاه پانزدهم در فهرست فروشگاه‌های دانورس، بالاترین نرخ دزدی را در هر ۱۰۰۰ فوت مربع داشت. ویژگی خاص این فروشگاه، فروش اجناس کوچک و گران‌قیمت الکترونیکی است. این اجناس با معیار CRAVED (که در راهبرد سی و یک توضیح داده خواهد شد) تطابق دارد.

۵- موقعیت مکانی: اماکنی که در مناطق جرم‌خیز قرار دارند، مثلاً در محل سکونت بسیاری از بزهکاران به عادت، در معرض خطر بیشتری قرار می‌گیرند. بدین خاطر که بزهکاران ترجیح می‌دهند برای ارتکاب جرم، مسافت چندانی را طی نکنند. (به راهبرد شانزده رجوع کنید)

۶- بزه‌دیدگی مکرر: برخی اماکن، اشخاصی که نسبت به جرم آسیب‌پذیرترند را جذب خود می‌کنند. بزه‌دیدگان اماکن پرخطر و بی‌خطر را مقایسه کنید. اگر تعداد بزه‌دیدگی‌های مجدد، متفاوت باشد، تکرار بزه‌دیدگی ناشی از خطر زیاد اماکن پرخطر، در مقایسه با اماکن بی‌خطر است. (به راهبرد بیست و نه رجوع کنید).

۷- جاذب‌های جرم: به اماکنی که بزهکاران بسیاری را به خود جذب می‌کنند، جاذب جرم گفته می‌شود. (به راهبرد پانزده رجوع کنید). در اماکن جاذب جرم، تعدد جرم وجود داشته و نرخ جرم بالاست. از دیگر عوامل کنترلی، تحلیل تعداد دستگیری‌های ثبت شده و دیگر اطلاعات از جمله نام بزهکاران است.

۸- ضعف مدیریت: هنگامی که مالکان یا مدیران، کنترل یا مدیریت کارآمدی نداشته باشند، خطر در آن مکان تشدید می‌شود. جدول شماره یک نشان می‌دهد که چگونه

مدیریت ضعیف مسئول محله‌ای فقیر نشین، منجر به استفاده سوء از اموال آنجا و تبدیل آن به مکانی پرمخاطره شد. (به راهبرد چهل و چهار رجوع کنید.)

دله‌دزدی‌های گزارش شده توسط فروشگاه‌ها، دَنورز، اول اکتبر ۲۰۰۳ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۴				
فروشگاه	دله‌دزدی‌ها	درصد دله‌دزدی‌ها	مجموع درصد دله‌دزدی‌ها	مجموع درصد فروشگاه‌ها
۱	۷۸	۲۶/۲	۲۶/۲	۱/۳
۲	۴۲	۱۴/۱	۴۰/۳	۲/۶
۳	۲۸	۹/۴	۴۹/۷	۳/۸
۴	۱۶	۵/۴	۵۵/۰	۵/۱
۵	۱۵	۵/۰	۶۰/۱	۶/۴
۶	۱۲	۴/۰	۶۴/۱	۷/۷
۷	۱۱	۳/۷	۶۷/۸	۹/.
۸	۱۱	۳/۷	۷۱/۵	۱۰/۳
۹	۹	۳/۰	۷۴/۵	۱۱/۵
۱۰	۷	۲/۳	۷۶/۸	۱۲/۸
۱۱	۵	۱/۷	۷۸/۵	۱۴/۱
۱۲	۵	۱/۷	۸۰/۲	۱۵/۴
۱۳	۴	۱/۳	۸۱/۵	۱۶/۷
۱۴	۴	۱/۳	۸۲/۹	۱۷/۹
۱۵	۳	۱/۰	۸۳/۹	۱۹/۲
۱۶	۳	۱/۰	۸۴/۹	۲۰/۵
۱۷	۳	۱/۰	۸۵/۹	۲۱/۸
۱۴	۲۸	۹/۴	۹۰/۶	۳۰/۸
۲۸	۰	۰/۰	۱۰۰/۰	۷,۶۶
۰	۰	۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
۲۹۸	۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰	۱۰۰/۰
مجموع فروشگاه‌ها ۷۸				هفت فروشگاه با دو واقعه بیست و هشت فروشگاه با یک واقعه بیست و شش فروشگاه با هیچ واقعه

محلله‌های فقیر نشین ، جرم در آپارتمانهایی با اجاره بهای اندک و آسیب دیدن محله‌های مجاور				
ملک	سال	شماره واحد	میانگین دستگیری های سالانه	
			قبل از تملک	بعد از تملک
۱	۱۹۹۷	۱۵	۰	۱/۶
۲	۱۹۸۲	۸	۰	۱۶/۹
۳	۱۹۸۳	۸	۰	۲/۳
۴	۱۹۸۵	۱۰	۰	۴/۵
۵	۱۹۸۵	۱۶	۰/۱	۶
۶	۱۹۸۶	۶/۸	۰/۲	۲۷/۹
۷	۱۹۸۶	۵	۰	۳/۴
۸	۱۹۸۷	۱۲	۰	۸/۳
۹	۱۹۸۷	۶	۰	۱۱/۳
۱۰	۱۹۸۸	۱۰	۰/۴	۸/۱
۱۱	۱۹۹۱	۱۰+	۰/۲	۹/۳
۱۲	۱۹۹۱	۴+	۲/۳	۲۱/۸
۱۳	۱۹۹۲	۴	۱/۱	۰/۷
۱۴	۱۹۹۲		۰/۲	۱۰/۷

در هر شهر بزرگ، چند مجتمع آپارتمانی با اجاره بهای پائین، فشار کاری پلیس را دو چندان می‌کنند. اغلب این اماکن پرمخاطره در تملک فقیرنشین‌هاست. صاحبان این خانه‌ها اغلب به امور غیراخلاقی پرداخته، نسبت به اموال محله، مدیریت ضعیفی داشته و به امور محله خود رسیدگی نمی‌کنند. خدمات‌رسانی ساختمانهای مذکور بسیار نامناسب بوده، معمولاً ساکنان آبرومند نقل مکان می‌کنند و به جای آنها شهروندان کم‌اعتبارتر نظیر موادفروشان، روسپی‌ها، قوآدها و... ساکن می‌شوند. اشخاص مزبور فقط قادرند اجاره بهای ماهانه را بپردازند و غالباً از تأمین سایر موارد لازم‌الرعایه پیش بینی شده توسط مدیریت کارآمد (نظیر اجرای مقررات آپارتمان نشینی توسط مدیر ساختمان) عاجزند. طی یک پروژه پلیسی مسئله محور در سانتا باربارای کالیفرنیا، مأمورانی به نام‌های کیم فریسلو و مایک اپسلند، دستگیری‌های چهارده مجتمع آپارتمانی فقیرنشین را قبل و بعد از تملک آنها تحلیل کردند. جدول شماره - به وضوح افزایش چشمگیری را در تعداد اشخاص دستگیر شده به دلیل تملک این نوع اموال (آپارتمان و سایر اموال واقع در محله فقیرنشین) در سال‌های بعد از تملک نشان می‌دهد. همچنین مدرکی مبنی بر افزایش نرخ جرائم و تخلفات وجود داشته که به نوعی مبین وجود ارتباط با این اموال است. جرائم و تخلفات مزبور، ساختمانهای اطراف را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند. مطابق یافته‌های این تحقیق، فقیرنشین‌ها در تباهی محله خود سهیم هستند.

۲۹- برای وقوع بزهدیدگی مکرر آماده باشید

برخی از اشخاص به کرات بزهدیده جرائم می‌شوند. مطابق قاعده ۲۰-۸۰ (به راهبرد هجده رجوع کنید) کمترین اشخاص، بیشترین بزهدیدگی را تجربه می‌کنند. کن پیس و گراهام فارل در یکی از نشریات معتبر وزارت دادگستری به نام *Once Bitten, Twice Bitten*^۱ این حقیقت را به طور مستند و دقیق به اثبات رسانده‌اند. آنها با استفاده از یافته‌های تحقیق «بررسی جرائم بریتانیا» (رجوع کنید به نمودار شماره یک) نشان داده‌اند، که تنها ۴ درصد شهروندان، حدود ۴۰ درصد از کل بزهدیدگی‌ها در طول یک سال را تجربه کرده‌اند. طبق این تحقیق، بزهدیدگی مکرر، در مورد جرائم مختلفی نظیر خشونت‌های خانوادگی، تجاوز جنسی، سرقت و سرقت‌های مرتبط با خودرو واقع می‌شود. همچنین تکرارها تقریباً به سرعت (بی‌درنگ) اتفاق می‌افتد، اغلب طی همان هفته وقوع بزهدیدگی اول، البته این موضوع متناسب با نوع جرائم بوده است.

نمودار شماره یک: حدود ۴ درصد از شهروندان، بزهدیده ۴۰ درصد جرائم هستند		
تعداد جرائم تجربه شده	درصد بزهدیدگان	درصد وقایع
۰	۵/۵۹	۰
۱	۳/۲۰	۷/۱۸
۲	۹	۵/۱۶
۳	۵/۴	۴/۱۲
۴	۴/۲	۸/۸
۵	۳/۴	۵/۴۳

منبع: بررسی جرائم بریتانیا، ۱۹۹۲، همه جرائم

بنا به دلایل زیر، میزان حقیقی بزهدیدگی‌های مکرر مشخص نیست:

۱ - یک‌بار گزیده شده، دوباره گزیده شده.

- بسیاری از بزه‌دیدگان، وقوع جرم را به پلیس گزارش نمی‌کنند، بدان معنی که بزه‌دیدگی مکرر در آمارهای رسمی پلیس درج نشده است. به همین خاطر، محققان از یافته‌های تحقیقاتی استفاده می‌کنند که در آنها از شهروندان درباره جرائمی پرسیده شده که به پلیس گزارش نشده است. متأسفانه «مرکز تحقیقات ملی بزه‌دیدگی»، معادل امریکایی «مرکز تحقیقات جرم بریتانیا»، تعداد بزه‌دیدگی‌های مکرر را محاسبه نمی‌کند. زیرا تنها به بررسی یک دوره شش ماهه پرداخته و جرائم مکرری که علیه بزه‌دیده واحد ارتکاب می‌یابد را نیز به حساب نمی‌آورند.
 - تحلیل‌گران جرائم، اغلب با شمارش آدرس‌های تکراری محل وقوع جرم، میزان بزه‌دیدگی‌های مکرر را محاسبه می‌کنند. اما معمولاً در داده‌های پلیسی، اطلاعات مربوط به آدرس‌ها، خصوصاً در مجتمع‌های آپارتمانی، ناقص است. این امر موجب می‌شود که تعداد بزه‌دیدگی‌هایی که دقیقاً یک بار به وقوع می‌پیوندد، بالاتر تخمین زده شوند. این مشکل با به کار بردن سیستم‌های GIS و تعیین آدرس‌ها با نرم‌افزارهای نقشه‌کشی (مانند کُدگذاری جغرافیایی) کاهش می‌یابد.
 - ممکن است با در نظر گرفتن مسئله زمان، بزه‌دیدگی‌های مکرر، نادیده گرفته شود، بنابراین، عدم محاسبه این مسئله با گذشت زمان نیز می‌تواند یکی از علل عدم توجه به بزه‌دیدگی مکرر باشد. اگر فقط بزه‌دیدگی‌های واقع شده طی یک دوره زمانی معین محاسبه شود، برای مثال از ژانویه تا آخر ژوئن ۲۰۰۲، اگر کسی در دسامبر ۲۰۰۱ بزه‌دیده شده باشد، حال چنانچه در این شش ماه، مجدداً بزه‌دیده شده باشد، به عنوان بزه‌دیده مکرر در نظر گرفته نخواهد شد. حال اگر فرد، بدشانس هم باشد و یک بار دیگر نیز در جولای ۲۰۰۳ بزه‌دیده شود ما نمی‌توانیم متوجه شویم که این فرد سه بار بزه‌دیده (مکرر) شده است.
- کن پيس در توصيف بزه‌دیدگی مکرر دو نوع منفعت را برمی‌شمارد:

۱. **Boost accounts**: سارق، تجربه های مثبت اولین مرتبه ارتکاب جرم را بازگو می کند. برای مثال سارقی که طی یک مورد سرقت، چیزهای زیادی درباره منزل یاد گرفته، ممکن است ترغیب شود تا دوباره به همان منزل بازگشته و سرقت دیگری مرتکب شود. یا در مورد کالاهایی که نبرده به دیگران اطلاعاتی دهد و منجر به ارتکاب سرقت توسط سایر سارقان شود.

۲. **Flag account**: جذابیت های خاص یا آسیب پذیری غیر معمول آماج ها را بازگو می کند. وجود این ویژگی ها در آماج ها موجب می شود که آنها هدف بزهکاران مختلف واقع شوند. برای مثال، نرخ بزه دیدگی صاحبان برخی مشاغل نسبت به مشاغل دیگر بیشتر است (مانند رانندگان تاکسی) و کسانی که در اماکن پرمخاطره مشغولند، (مانند کارکنان فروشگاه های غذای آماده) برای بزه دیدگی مکرر مستعدتر هستند. نهایتاً مالکیت فرآورده های در معرض خطر، نظیر خودروهای جذاب برای سارقان خودرو نیز (به راهبرد سی و یک رجوع کنید) احتمال بزه دیدگی مکرر را افزایش می دهد.

بلا دو دفعه سر آدم نازل نمی شه

گاهی مأموران خیرخواه، عبارت فوق را به مالباختگان سرقت می گویند، تا به آنها اطمینان خاطر دهند که دوباره بزه دیده سرقت نخواهند شد. اما متأسفانه طبق تحقیقی که پیشتر به آن اشاره شد، این موضوع صحت ندارد.

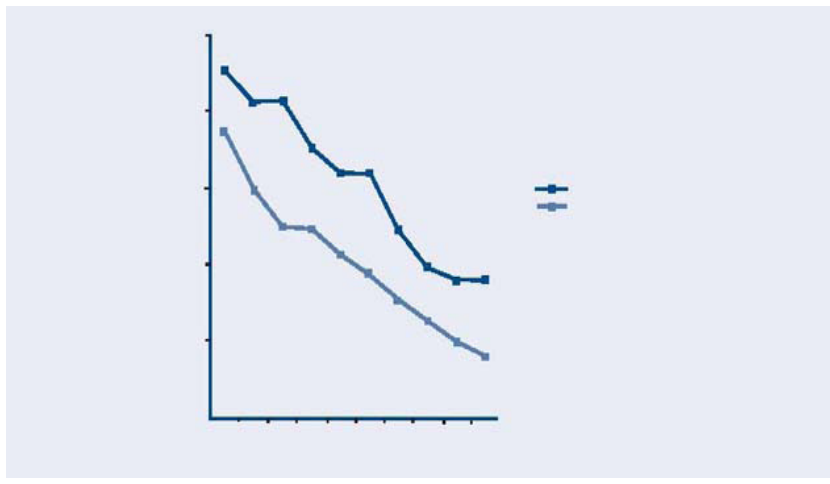
تکرارهای بالقوه یا قریب به وقوع، نسبت به بزه دیدگانی واقع می شود که دارای ویژگی هایی شبیه به بزه دیده یا آماج جرم اولیه هستند. پس از حمله موفقیت آمیز به آماج، بزهکاران، آماج با ویژگی هایی مشابه را هدف قرار می دهند. برای مثال خانه هایی که در یک محله قرار داشته و بر اساس نقشه ی خانه ی ربوده شده اولی ساخته شده اند، بیشتر در معرض خطرند، زیرا بزهکار با ارتکاب سرقت اول، چیزهایی آموخته است. با علم بزه دیده شناسی مکرر، می توان پیش بینی کرد که چه کسی و در چه زمانی بیشتر در معرض خطر قرار دارد. این بدان معنی است که می توان منابع (امکانات مالی)

پیشگیری را بر این اشخاص متمرکز نمود. بنابراین، امکانات مزبور در مقایسه با سایر شهروندان که در معرض خطر کمتری هستند، بیشتر به اشخاص در معرض خطر اختصاص می‌یابد.

امروزه بسیاری از اداره‌های پلیس نیز در مواجهه با بزه‌دیدگان مکرر از راهکارهای طبقه‌بندی شده (متناسب) استفاده می‌کنند. این بدان معنی است که هر چه تعداد بزه‌دیدگی‌های شخص بیشتر باشد، باید اقدام‌های پیشگیرانه پلیس نسبت به او از ظرافت بیشتری برخوردار باشد. همچنین آگاهی از دوره زمانی میان تکرارها کمک می‌کند تا اقدام‌های پیشگیرانه را در زمانی که خطر ارتکاب جرم به اوج می‌رسد، به طور موقت و برای کوتاه مدت اجراء کنیم. برای مثال برخی از اداره‌های پلیس در مکانهایی که خطر تکرار وقوع سرقت در آینده‌ای نزدیک وجود دارد، موقتاً آژیر خطر نصب می‌کنند.

همسایه، هوشیار باش!

بزه‌دیدی مجدد، این خطر بزرگ را گوشزد می‌کند که همان بزه‌دیده، اغلب بلافاصله در روزها یا هفته‌های بعد از وقوع جرم اول، مجدداً مورد آسیب قرار می‌گیرد. به هر ترتیب می‌توان وجود این خطر را به همسایگی محل وقوع جرم، هشدار داد. کیت باورس و شین جانسون از موسسه جرم‌شناسی جیل‌داندو نشان داده‌اند که چگونه خطر ارتکاب سرقت، به منازل واقع در امتداد یک خیابان منتقل می‌شود. این امر در نمودار زیر نشان داده شده است. خانه‌ی روبرو شده را سرقت مرجع نامیده‌ایم. اعداد پائینی، نشان‌دهنده میزان «فاصله‌ها» از سرقت مرجع است. فاصله یک، خانه‌ای است که دقیقاً کنار خانه محل سرقت اول، در همان سمت خیابان و یا دقیقاً مقابل آن خانه، در سمت دیگر آن خیابان قرار گرفته است. فاصله دو، مربوط به خانه‌هایی است که دقیقاً دو خانه پائین‌تر از خانه محل سرقت اول، در همان سمت خیابان یا به صورت ضرب‌دری در سمت دیگر خیابان قرار گرفته است. به همین ترتیب، خط عمودی نمودار، تعداد سرقت‌هایی را که در ادامه سرقت مرجع به وقوع پیوسته را نشان می‌دهد. این داده‌ها، نتیجه اجرای عملیات‌های متعدد توسط پلیس مرسی‌ساید انگلستان است. مشاهده می‌کنید که با افزایش فاصله از سرقت مرجع، خطر وقوع سرقتی دیگر، کاهش می‌یابد. برای هر مسافت مفروض، خطر نسبت به خانه‌های واقع در همان سمت خیابان بیشتر است. این امر به ما می‌آموزد که متعاقب وقوع یک سرقت، باید به دنبال حفاظت از کدامین خانه‌ها بود. خانه‌هایی بیشتر در معرض خطر وقوع سرقتند، که به خانه روبرو شده نزدیک‌تر بوده و به ویژه در همان سمت خیابان قرار دارند



۳۰- به بزهکاری مجدد توجه کنید

یکی از یافته‌های بنیادین جرم‌شناسی این است که تعداد کمی از اشخاص، بخش اعظم جرائم را مرتکب می‌شوند. اطلاعات به دست آمده از مطالعه گروه مشهور ماروین وُلْفگانگ نشان می‌دهد که حدود ۵ درصد بزهکاران مرتکب ۴۰ درصد از جرائم می‌شوند. دو دلیل برای بزهکاری مجدد وجود دارد، اول، افرادی که تابع امیال آنی و زودگذر هستند و تعلقات اجتماعی کمی به دیگران دارند نسبت به افرادی که کمتر تابع امیال آنی خود هستند و تعلقات اجتماعی‌شان بیشتر و محکم‌تر است، بیشتر دچار مشکل می‌شوند. دوم، افرادی که بیشتر در معرض موقعیت‌های جرم و بی‌نظمی قرار دارند از این موقعیت‌ها منتفع می‌شوند و در نتیجه خودشان را با شرایط سازگار می‌کنند (به راهبرد نهم مراجعه کنید). هر دوی این نظریه‌ها می‌تواند صحیح باشد. افرادی که دارای تعلقات ضعیف و تابع امیال زودگذر هستند باید هر روز در معرض موقعیت‌های جرم باشند تا به تکرار کننده جرم تبدیل شوند.

بزهکاری مجدد می‌تواند با بررسی وجود قاعده ۲۰-۸۰ معلوم شود (راهبرد هجده). این کار می‌تواند مشکل باشد زیرا بزهکاران سعی می‌کنند ناشناس باقی بمانند، بنابراین میزان اطلاعات جامع و فراگیر کم است و یا اصلاً وجود ندارند. اطلاعات هوشمند می‌توانند شواهد و مدارکی از بزهکاری مجدد فراهم آورد، ولی کیفیت این اطلاعات بی‌ثبات و به شدت تغییرپذیر است و ندرتاً درباره تعداد و جمعیت بزهکاران اطلاعات کاملی ارائه می‌دهد. آنچه که ما درباره مکانها و بزه‌دیدگان جرائم می‌دانیم به مراتب بیشتر و صحیح‌تر از اطلاعاتی است که در مورد بزهکاران در اختیار داریم. با این حال، مصاحبه‌های منظم با بزهکاران و هم‌دستان آنان می‌تواند اطلاعاتی سودمند را برای درک و توجه لازم به مسئله‌ها آشکار سازد (راهبرد ده).

درک اهداف و انگیزه‌های بزهکاری مجدد می‌تواند باعث ایجاد تدابیر پیشگیری

شود. چنانچه سارقان بخواهند با یک خودروی لوکس، گردشی در اطراف بکنند یا بخواهند بعد از میهمانی شبانه برای بازگشت به خانه وسیله‌ای در اختیار داشته باشند، یا خودرو را برای به دست آوردن پول به منظور تأمین مواد مخدر بفروشند، فهم اهداف و انگیزه‌های بزهکاران می‌تواند برای حل انواع این مسئله‌های مرتبط با سرقت، راهکارهایی متفاوت ارائه دهد. همچنین این مطلب می‌تواند برای حل مسئله‌های زیر راهکارهایی متفاوت ارائه دهد: چنانچه بزهکاران در حال راه‌اندازی باند یا دسته‌ای برای ایجاد مسئله دیوانیسی، خود نشان دادن به عموم، نمایش احساسات خود، یا سعی در تهدید و ارباب‌اقتدار مذهبی، نژادها و اقوام مختلف باشند.

جرمی که با موفقیت انجام شده، می‌تواند منجر به ارتکاب بزهکاری‌های بیشتری شود و این مطلب از سه طریق به وقوع می‌پیوندد:

- بزهکاران نیز مانند دیگر انسانها از تکرار و انجام دادن کارها مطالب زیادی یاد می‌گیرند. جرمی که با موفقیت انجام شده، درس‌های مهمی می‌آموزد. این امر باعث می‌شود بزهکار دوباره به همان آماج حمله نماید. ولی بزهکاران نیز مثل هر شخص دیگری، می‌توانند موضوعات را تعمیم دهند. در نتیجه آنها می‌آموزند که اگر به آماج‌های مشابهی حمله کنند احتمالاً موفق خواهند شد (به راهبرد بیست و نه مراجعه نمایید).
- بزهکاران از یکدیگر نیز مطالبی می‌آموزند. اطلاعات می‌تواند از طریق افرادی گسترش یابد که در یک گروه کوچک کار می‌کنند، گروه قبلی از هم می‌پاشد و گروه جدیدی شکل می‌گیرد. این مسائل لزوم درک و شناسایی شبکه بزهکاران را تأیید می‌کند. پلیس می‌تواند از شبکه‌های موجود به منظور انتشار اطلاعاتی استفاده نماید که درک بزهکاران را از خطرها و یا عدم مطلوبیت آماج یا مکان مورد نظر افزایش می‌دهد. برای مثال، بخشی از تلاش‌ها به منظور کاهش قتل نوجوانان در شهر بوستون واقع در ایالت ماساچوست، شامل تعداد زیادی

پیام‌های هدفمند برای اعضای باند بود.

- جرمی که با موفقیت انجام شده می‌تواند باعث تضعیف پیشگیری شود، بنابراین وقوع جرم‌های بعدی آسان‌تر می‌شود. شکافی کوچک در یک حصار در اثر استفاده مکرر بزرگ‌تر می‌شود. اگر رخنه و نفوذ بزهکاران و رفتارهای تهاجمی، سریع‌تر از راهکارهای محافظان و مدیران اماکن باشد، آنگاه مسئله کوچک تبدیل به مسئله وخیم‌تر و شدیدتر خواهد شد.

بزهکاران فعال را با تمرکز بر تکرار بزه‌دیدگی دستگیر نمایید

کن‌پیس اخیراً مطلبی درباره فواید کشف نتایج توجه بر تکرار بزه‌دیدگی نوشته است. شواهد نشان می‌دهند که تکرار بزه‌دیدگی اغلب حاصل کار بزهکارانی است که مرتکب بیشترین جرائم می‌شوند. وی خاطر نشان می‌سازد از آنجایی که هدف قرار دادن این بزهکاران ممکن است این راز را فاش کند که این هدف قرار دادن، صرفاً به واسطه کشف بزهکاری مجدد نسبت به همان خانواده یا شخص حاصل آید، زیرا این جرائم توسط بزهکارانی صورت می‌گیرد که تمایل دارند یک نفر را آماج قرار دهند. چون این امر بر مسئله‌آفرین‌ترین مجموعه اعمالی تمرکز می‌کند که بزهکاران فعال مرتکب می‌شوند، بنابراین مجال آن نخواهد شد که ادعاهایی مثل نقض آزادی‌های مدنی مطرح شود.

بسیاری از شگردهای پیشگیری از جرم روی فرضیه تهدید واقعی تکیه می‌کنند (راهبرد چهل). دوربین مداربسته تهدیدی بازدارنده است، تا حدی که بزهکاران بالقوه یا اعتقاد دارند کسی که در حال نظارت بر آنها است به هر حال اقدامی خواهد کرد پس بهتر است مراقب سوء رفتار خود باشند، یا این که بزهکاران می‌توانند بر اساس آنچه که این دوربین‌ها نمایش می‌دهد شناسایی و دستگیر شوند. این بدان معنی نیست که باید تعداد زیادی دستگیری و بازداشت صورت بگیرد، تعداد کمی دستگیری که به خوبی تبلیغ شده باشد می‌تواند پیامی مهم را تقویت نماید و اگر این پیام به شبکه بزهکاران انتقال پیدا کند می‌تواند بسیار قوی عمل نماید.

هنگامی که اطلاعات خاصی مبنی بر اینکه تعداد کمی از افراد علت اصلی اغلب مسئله‌های جامعه‌اند، وجود داشته باشد، این اطلاعات می‌تواند به منظور تمرکز بر این عده سودبخش باشد. اداره پلیس بوستون با مانیتور کردن تعداد نسبتاً کمی از

اعضای یک باند، تعداد قتل‌ها در میان مردان جوان را کاهش داد. فرانسس کولن و همکارانش پیشنهاد نمودند که مأموران تعلیق مراقبتی و آزادی مشروط باید شرایط خاصی را فراگیرند که در آن، بزهکار (با نقض شرایط تعلیق یا آزادی مشروط) وارد دردمسر می‌شود، سپس به بزهکاران کمک نمایند برای اجتناب از پیدایش این شرایط طرح‌هایی را به وجود آورند، و نهایتاً مطلوبیت این طرح‌ها را بررسی و تحت نظارت قرار دهند.

پرداختن به بزهکاری مجدد با از میان بردن تسهیل‌کننده‌های محیطی می‌تواند مؤثر واقع شود. برای مثال، در دهکده‌ای به نام استینینگ در انگلستان، یک اوراق فروشی محل خرید و فروش اموال مسروقه، قسمت‌های مختلف خودرو و دیگر لوازم مسروقه بود. بسیاری از همدستان بزهکاران شناخته شدند. ولی علیرغم تلاش‌های پلیس این مسئله برطرف نشد. پلیس محلی می‌توانست این محل را با استفاده از قوانین مرتبط با آلوده‌کننده‌ها و سایر خطرهای محیطی تعطیل نماید. این موضوع باعث کاهش چشمگیر جرم در آن دهکده شد. به همین نحو، پلیس ایالات متحده آمریکا اغلب با استفاده از قوانین مدنی اماکنی که باعث پخش توزیع‌کنندگان مواد مخدر، فحشا و دیگر جرائم و بی‌نظمی‌ها می‌شود را تعطیل می‌نماید.

برعکس، به وجود آوردن فرصت‌های جرم به منظور دستگیری بزهکاران می‌تواند همه چیز را بدتر کند. در اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوایل دهه ۱۹۸۰، تعدادی از افراد اداره‌های پلیس امریکای عملیات‌های غافل‌گیری، بازارهایی صوری برای اجناس مسروقه ایجاد کردند و سپس کسانی را که این اجناس را به آنها می‌فروختند شناسایی کردند و تعداد زیادی از سارقان را دستگیر نمودند. تعدادی از این عملیات‌ها ارزیابی شدند. هیچ مدرکی دال بر این‌که آنها (عملیات) باعث کاهش جرم شده باشند به دست نیامد. شواهدی در دست است که شاید آنها با ایجاد راه‌های سودمند و مناسب برای فروش اجناس مسروقه باعث اشاعه و گسترش جرائم شدند. از طریق این امر ما

متوجه تأثیر شدید تسهیل‌کننده‌های محیطی بر ترویج رفتار بزهکارانه شدیم. بنابراین باید درباره ایجاد فرصت‌های صوری جرم به منظور دستگیری بزهکاران فعال ناشناس، هوشیار و آگاه باشیم.

اطلاعات درباره تکرارکنندگان جرم و همدستانشان می‌تواند در شناسایی ویژگی‌های محیطی که ارتکاب جرم را تسهیل می‌نماید، استفاده شود. بسیاری از اقدام‌های پیشگیری اولیه از جرم که در فروشگاه‌های و سائل راحتی استفاده می‌شد از طریق مصاحبه با بزهکاران گسترش یافت (راهبرد نه). در اوایل دهه ۱۹۷۰، شهر لیک وود، اداره پلیس کلرادو با سارقان محکوم شده خانه‌ها مصاحبه کردند و مطالب زیادی درباره این‌که آنها چگونه خانه‌ها را هدف‌گیری و اجناس مسروقه را معامله می‌کردند، آموختند. در نیوپورت نیوز، اداره پلیس ایالت ویرجینیا از مصاحبه‌های بزهکاران برای کمک به تجزیه و تحلیل سرقت و سائط نقلیه استفاده نمود. اطلاعات مهمی که در این رابطه به دست آوردند این بود که سارقان، خودروهایی را برای سرقت انتخاب می‌کردند که احتمالاً در آنها مواد مخدر وجود داشت. به تازگی هنگامی که، از اداره پلیس چولا ویستا در کالیفرنیا با سارقان خودرو مصاحبه نمود دریافت که سارقان از روش بسیار ساده‌تری نسبت به آنچه مأموران تصور می‌کردند برای ربودن خودروها استفاده می‌کردند. این موضوع درباره آسیب‌پذیری ناشناخته خودروهای قدیمی‌تر به مأموران (محققان مذکور) هشدار داد. چنین اطلاعاتی از طریق منابع دیگر قابل دسترسی نیستند.

۳۱- اجناس جذاب برای سارقان را بشناسید

با توجه به قاعده ۲۰-۸۰ (راهبرد هجده) تمامی اجناس، به طور یکسان در معرض خطر سرقت (ریوده شدن) نیستند. زیرا سارقان درباره‌ی این‌که چه اجناسی را برابند، بسیار مشکل‌پسند هستند. آنها تنها تعداد اندکی از اجناس در معرض خطر مانند خودرو، لپ‌تاب، رایانه، دستگاه پخش DVD و تلفن همراه را مدنظر دارند. البته بهتر از همه اجناس مذکور، پول نقد است. مارکوس فِلْسُن از پول نقد، به عنوان لقمه چرب و نرم یاد می‌کند. پول نقد، شایع‌ترین ربودنی در سرقت‌های عادی، سرقت از منازل و سرقت‌های مقرون به‌آزار است. پول نقد، انگیزه مناسبی در سرقت از بانک، قماربازی در مراکز قمار، دستبرد از باجه‌های تلفن عمومی و زورگیری در نزدیکی دستگاه‌های خودپرداز است. دارایی و ثروت شهروندان می‌تواند توجه‌کننده میزان خطر بزه‌دیدگی متوجه آنها باشد. برای مثال داشتن خودرو خطر بزه‌دیدگی را دو برابر می‌کند. مدل خودرو نیز می‌تواند این خطر را تا حد زیادی بالاتر ببرد. موسسه اطلاعات و آمار بزرگراه‌های لس‌آنجلس در واشنگتن دی‌سی، هر سال اطلاعاتی را به منظور ارتقاء سطح آگاهی‌های مردم درباره انواع خودروهای در معرض خطر (سرقت) و اعمال فشار بر سازندگان خودرو با هدف ارتقای ضریب ایمنی خودروها منتشر می‌کند. بخشی از این اطلاعات، بیان‌گر میزان و مبلغ جبران خسارت ناشی از سرقت خودرو است. این اطلاعات بر مبنای مدل خودرو منتشر می‌شود. جدول این بخش، پنج مدل خودرو را نشان می‌دهد که دارای بیشترین و کمترین نرخ ربایش (در هر هزار خودرو در جاده) هستند. خودروهای مذکور، از میان سیصد و پنج مدل خودرو جدید در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳ انتخاب شده‌اند. نرخ ربایش کادیلاک اسکالاد و نیسان ماکسیم، حدوداً سی برابر بیشتر از پنج مدل دیگر است. پنج مدل دیگر کمترین نرخ ربایش را در میان خودروهای موصوف داشته‌اند. کادیلاک اسکالاد به خاطر طراحی خاص چرخ‌ها و ماکسیم به خاطر چراغ‌های جلو،

آماج بیشترین سرقت‌ها بوده‌اند. این در حالی است که قطعات مذکور (جذاب برای سارقان) با این‌که با سایر خودروها تناسب داشته و قابل نصب بر روی آنها نیز هستند اما به ترتیب، فقط بر روی خودروهای مذکور (کادیلاک و ماکسیما) نصب شده‌اند.

گرچه داده‌های این جدول مفیدند، اما نشان نمی‌دهد که کدام خودرو با کدام نوع سرقت، متناسب‌تر است. با وجود این، تحقیقات انجام شده در دهه ۸۰ نشان داد که خودروهای پُر قدرت و پرشتابی مانند شورولت کامارو، باب میل رانندگان ماشین‌باز است. همچنین خودروهای گران‌قیمتی مانند لینکلن و مرسدس بنز در صورت ربوده شدن، هرگز پیدا نخواهند شد. از طرفی آن دسته از خودروهای مسروقه‌ای که اوراق می‌شوند و قطعات آن به فروش می‌رسد، معمولاً مدل‌های اروپایی نظیر فولکس است. خودروهای دسته اخیر، عمدتاً دارای رادیوپخش‌های مطلوب و قابل استفاده برای سایر خودروها هستند. خودروهای کاروان خانوادگی که مناسب سفرهای خانوادگی است، در معرض هیچ نوع خطری نبوده‌اند. این خودروها ارزان‌قیمت بوده، رادیو پخش‌های بی‌ارزش داشته و باب میل ماشین‌بازان هم نیستند.

تحقیقات انجام شده توسط شورای تحقیقات پیشگیری لس‌آنجلس نشان می‌دهد که دله‌دزدان، عمدتاً CD، سیگار، مشروب و اجناس مُد روز نظیر شلوار لی و یا کتانی ورزشی را برای پنهان کردن در لباس یا کیف خود انتخاب می‌کنند. بسیاری از این اجناس، با مراجعه به در منازل به راحتی فروخته می‌شوند. در این زمینه شایان ذکر است که پلیس توجه چندانی به معامله اموال مسروقه نمی‌کند. شاید علت آن باشد که اثبات مسروقه بودن اموال دشوار است و در صورت اثبات نیز مجازات ناچیزی در پی دارد. اما هم‌اکنون، بسیاری از حوزه‌های قضایی، گزارش‌های الکترونیکی از معامله‌های انجام شده در فروشگاه‌هایی دریافت کرده‌اند که در ازای اخذ گروی نقدی، اجناس مسروقه را به امانت نزد خود نگهداری می‌کنند. مطالعه دقیق این گزارش‌ها به شما کمک می‌کند تا اطلاعات کاملی درباره‌ی نوع اجناس جذاب برای سارقان داشته باشید. همچنین

اطلاعاتی درباره چگونگی فروش اموال مسروقه و نحوه رکود و خراب شدن بازارها به واسطه ورود این‌گونه اموال، ایده‌هایی را به ذهن‌تان متبادر می‌کند.

بالاترین درخواست خسارت ناشی از سرقت بیمه از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۳		
۲۰/۲	سواری بزرگ لوکس	کادیلک اسکالاد ExT (۲۰۰۲-۲)
۱۷/۰	چهار در متوسط (اندازه)	ماکسیما (۲۰۰۲-۳)
۱۰/۲	SVV بزرگ لوکس	کادیلک اسکالاد (۲۰۰۲-۳)
۷/۹	چهار در متوسط (اندازه)	لاک استاریت / کریسلر سپرینگ
پایین‌ترین درخواست خسارت از بیمه از ۲۰۰۱ - ۲۰۰۳		
۰/۵	چهار در بزرگ	بویوک لسابر
۰/۵	چهار در بزرگ	بویوک پارک اونیو
۰/۵	واگن‌دار بزرگ	فورد تاروس
۰/۷	SVV متوسط (اندازه)	بویوک رندروک (۳ - ۲۰۰۳)
۰/۷	واگن‌دار متوسط	سِترن LW
۲/۵		میانگین همه خودروها:

واژه اختصاری CRAVED، اجناس در معرض خطر بیشتر را به شما معرفی می‌کند. این اختصارها عبارت است از: پنهان‌شدنی، منقول، در دسترس، ارزشمند، جذاب و قابل‌خرج.

پنهان‌شدنی‌ها: یعنی اجناسی که قابل پنهان شدن در جیب یا کیف هستند. این اجناس، بیشتر در برابر دله‌دزدها و قاپ‌زن‌ها در معرض خطر هستند. البته اجناسی که شناسایی آنها دشوار بوده و یا پس از ارتکاب سرقت، به راحتی پنهان می‌شوند نیز در معرض خطرند. در برخی از موارد، حتی ممکن است سارقان نیز خود را از چشم مالک اجناس پنهان‌کنند. مثلاً زمانی که سارق در جایی مبادرت به سرقت می‌کند که محل انبار آجر و یا الوار است.

منقول‌ها: این حقیقت که خودرو و دوچرخه، خاصیت سیار بودن دارند، توجیه مهمی درباره علت ربوده شدن آنهاست. سرقت لپ‌تاپ‌ها هم مسئله عجیبی نیست، زیرا علاوه بر مطلوب بودن، حمل آنها نیز بسیار آسان است. البته این مطلب که حمل چه اجناسی آسان است، به شخص سارق بستگی دارد. علاوه بر دزددها، سارقان منازل نیز در هنگام سرقت از فروشگاه‌ها (سوپرمارکت‌ها)، سیگار، مشروب، دارو و لوازم آرایشی می‌ربایند. تنها تفاوت میان این دو نوع سارق این است که سارقان منازل، سرقت را در سطحی گسترده مرتکب می‌شوند.

در دسترس‌ها: در دسترس‌ها اجناسی مطلوب بوده، عموماً در دسترس هستند و یافتن آنها نیز آسان است. این‌گونه اجناس، در معرض خطر زیادی هستند. این موضوع بیان‌گر علت این امر است که چرا صاحبان منازل سعی می‌کنند جواهرات و پول نقد را از سارقان منازل پنهان کنند. همچنین این مطلب کمک می‌کند تا دریابیم که چرا خودروها هرچه قدیمی‌تر می‌شوند، بیشتر در معرض خطر ربایش قرار می‌گیرند. این‌گونه خودروها باب میل اشخاص ساکن در مناطق فقیرنشین است. در مناطق فقیرنشین، پارکینگ عمومی وجود نداشته و بزهکاران زیادی در اطراف آن زندگی می‌کنند. در پایان می‌توان گفت که آماج سرقت می‌تواند در نتیجه در دسترس بودن کالایی جدید و جذاب مانند تلفن همراه باشد. از طرفی این کالای جدید، علاوه بر بازارهای رسمی، بازار خرید و فروش غیرقانونی نیز دارد.

ارزشمندها: معمولاً سارقان اجناس گران‌قیمت را انتخاب می‌کنند، به ویژه زمانی که هدف از سرقت، فروش اموال مسروقه باشد. اما ارزش و بهای یک جنس از طریق بهای فروش مجدد (پس از سرقت) آن تعیین نمی‌شود. در نهایت، ممکن است دزدان جوان، بیشتر برای خودنمایی میان هم‌دستان خود، جنسی را برای استفاده خودشان برمایند. سارقان ماشین‌باز نیز، بیشتر به قابلیت‌ها و کارکردهای خودروها توجه می‌کنند تا قیمت آنها.

اجناس جذّاب: اجناسی هستند که نگهداری یا مصرف آنها لذت بخش است. برای مثال، مشروب، تنباکو و DVD از این دسته اجناس هستند. سارقان منازل بیشتر تمایل دارند دستگاه پخش DVD و تلویزیون را برابیند تا این که به سایر اجناس الکترونیکی با قیمت مشابه نظیر ماکروویو دستبرد زنند. این موضوع بازتاب سبک زندگی لذت طلبانه بسیاری از این سارقان (و مشتریان آنها) است.

اجناس قابل خرج: به تازگی، تحقیقات سازمان یافته‌ای در مورد ارتباط میان اجناس در معرض خطر و بازارهای معامله اموال مسروقه انجام شده است. اما کاملاً مشخص است که سارقان تمایل دارند تا اشیایی را انتخاب کنند که به راحتی به فروش می‌رسند. این موضوع کمک می‌کند تا توضیح دهیم که چرا باتری و تیغ‌های یک بار مصرف در میان شایع‌ترین اموال مسروقه، از داروخانه‌های امریکایی هستند.

رشد صعودی و نزولی کپی برداران از تلفن همراه



از زمانی که تلفن‌های همراه، همگانی شد، بزهکاران راه‌هایی را برای کپی کردن سیم‌کارت آنها پیدا کرده و در نتیجه بدون پرداخت هیچ‌گونه صورت‌حسابی، می‌توانستند از آنها استفاده کنند. آنها در نزدیکی فرودگاه‌ها و هتل‌ها از اِسکَنِر استفاده می‌کردند تا بتوانند شماره‌هایی را که هر یک از تلفن‌ها امواج آنها را ارسال می‌کند، دریافت کرده و سپس از همین طریق بتوانند تماس بگیرند. آنها سپس از طریق برنامه‌ریزی مجدد بر روی تلفن‌های مسروقه، تلفن‌های اصلی را کپی می‌کردند. در نتیجه، صاحب تلفن اصلی، صورت‌حساب تلفن کپی‌شده را نیز پرداخت می‌کرد. این عمل به سرعت به تجارتی بزرگ تبدیل شد. خطی که در قسمت بالای نمودار است نشان می‌دهد که خسارت ناشی از کپی‌برداری تمام شرکت‌های تلفن همراه، از ماه ژوئن ۱۹۹۲ تا ژوئن ۱۹۹۶ رشد زیادی داشته و در ۶ ماهه آخر رشد، حدوداً به ۴۵۰ میلیون دلار رسیده است. (این خسارت‌ها عبارت است از: هزینه‌هایی که شرکت‌های تلفن همراه بابت کپی‌برداری از شماره‌های مشترکان قانونی خود پرداخته‌اند). در این مرحله شرکت‌های تلفن‌های همراه، فن‌آوری‌های متعددی را جهت دشوار کردن سرقت شماره تلفن‌ها و ایجاد تلفن کپی‌شده، اتخاذ کردند. در نتیجه تا دسامبر ۱۹۹۹، کاهش شدیدی در این امر ایجاد و نهایتاً مرتفع شد. در همین میان، لازم به ذکر است که دومین نوع از کلاهبرداری رایج از تلفن همراه که به کلاهبرداری مشترکان معروف است، عبارت است از یک شماره حساب که اسم و آدرس جعلی دارد که با توجه به خاتمه کپی‌برداری از تلفن‌های همراه، رشد پیدا نکرد. البته جابه‌جایی حتمی این نوع بزهکاری نیز قابل پیش‌بینی بوده است. این امر می‌تواند به این علت باشد که کپی‌برداری در سطح کلان از تلفن‌های همراه توسط بزهکاران سازمان‌یافته، امری آسان بوده اما کلاهبرداری مشترکان کار چندان ساده‌ای نیست.

۳۲- مطالعات موردی - کنترل انجام دهید

هنگام تجزیه و تحلیل یک مسئله، معمولاً سودمند است که پرسیم «چرا این اشخاص، مکانها و زمانها و یا وقایع مشکل‌سازند، در حالی که مشابه آنها به ندرت مشکل‌آفرین هستند؟» برای پاسخ به چنین سؤالی، لازم است شما موارد مشکل‌آفرین را با موارد بدون مشکل مقایسه کنید.

این نوع مقایسه، مطالعه «موردی - کنترل» نامیده می‌شود. یک مطالعه موردی - کنترل، شامل مقایسه اشخاص، مکانها، زمانها، و وقایع مسئله‌آفرین «موارد» نامیده می‌شوند. موارد بدون مشکلی که موارد مسئله‌آفرین با آنها مقایسه می‌شوند، «کنترل» نامیده می‌شوند.

یکی از این مثال‌ها توسط سوزان ورنیکه که یک تحلیل‌گر جرم در اداره پلیس کاتزاس است، ارائه شده است. او برای هر مشروب‌فروشی در شائونی نرخ جار و جنجال را برای هر صد نفر محاسبه کرده است. محاسبه وی برای مشروب‌فروشی‌های با اندازه‌های مختلف هم‌خوانی دارد (به راهبرد بیست و هفت مراجعه کنید). او نمودار مشروب‌فروشی‌ها را از بالاترین نرخ تا پایین‌ترین نرخ به تصویر کشیده است. در اینجا می‌توان یک مطالعه موردی - کنترل را به کار بست. مشروب‌فروشی‌های دارای بالاترین نرخ با آنهایی که پایین‌ترین نرخ را داشته‌اند مقایسه شده تا ببینیم که آیا تفاوتی در روش عملکرد، رفتار آنها در مشروب‌فروشی و نوع مشتریان آنها وجود دارد یا خیر؟

مطالعه موردی - کنترل، زمانی بسیار سودمندند که موارد مسئله‌آفرین در مقایسه با موارد بدون مسئله، نادر هستند که این خود معمولاً به حل مسئله کمک می‌کند.

برای انجام مطالعه موردی - کنترل مستند باید به صورت زیر عمل کنید:

- موردها را به دقت تعریف کنید.
- یک نمونه آماری از هر یک از این موردها انتخاب کنید.

- یک گروه از کنترل‌هایی را تعریف کنید که می‌توانستند مسئله‌آفرین شوند، اما با وجودی که در شرایط یکسان بودند، مسئله‌آفرین نشدند. (برای مثال گروهی که در شهر یا منطقه یکسان، مشتری‌های مشابهی دارد و ...)
 - یک نمونه آماری از این کنترل‌ها را انتخاب کنید.
 - مشخصه‌های موردها را با مشخصه‌های کنترل‌ها مقایسه کنید.
- تفاوت‌های اساسی، مشخصه‌هایی را نشان می‌دهند که ممکن است در ایجاد آن مسئله نقش داشته باشند. تشابه‌ها، مشخصه‌هایی را نشان می‌دهند که احتمالاً در ایجاد آن مسئله نقشی نداشته‌اند. حال می‌توانیم این مراحل را با یک مثال روشن کنیم.
- این مثال ساده از مشروب‌فروشی‌های شائونی، نشان‌گر چهار گام اول برای تعداد محدودی از موقعیت‌ها است. همچنین می‌توانیم مثالی پیچیده‌تر را بررسی کنیم تا از طریق آن، برخی از جزئیات تحقیقات موردی - کنترل را نشان دهیم.
- موردها را به دقت تعریف کنید:** در اوایل دهه ۱۹۹۰، جان اک علاقه‌مند بود بدانند که چرا در برخی از مناطق، دائماً خرید و فروش مواد مخدر انجام می‌شود، در حالی که در بیشتر مناطق مجاور، چنین مشکلی وجود ندارد. با کمک اداره پلیس سن دیگو در کالیفرنیا، بیشتر از سیصد مورد امکان خرید و فروش دائمی مواد مخدر در یکی از مناطق سن دیگو شناسایی شدند. این مناطق با تماس‌های شهروندان، اقدام‌های گروه‌های ضربت، سوابق مبتنی بر بازجویی، اطلاعات مربوط به دستگیری و بازداشت‌ها و مشاهدات گشتی‌های پلیس شناسایی شدند. به منظور این که یک منطقه به عنوان منطقه دائمی خرید و فروش مواد مخدر طبقه‌بندی شود، آن منطقه یا باید بیشتر از یک مورد بازداشت، تماس تلفنی و یا بازجویی در روزهای متفاوتی داشته یا حکم ورود به منزلی از آن منطقه اخذ شود و یا این که مأمور گشت، مکان خاصی را در آنجا شناسایی کند. به علت این که از شاخص‌های چندگانه‌ای برای طبقه‌بندی این مناطق استفاده شده، منطقه مورد نظر، قطعاً محل خرید و فروش مواد مخدر خواهد بود.

یک نمونه آماری از موردهایی انتخاب کنید که مسئله آفرین بوده‌اند: برای هر بلوک در آن منطقه که جایگاه خرید و فروش مواد است، آن محل برای مطالعه انتخاب شد. اگر در آن بلوک، دو جایگاه به صورت تصادفی انتخاب شد، این عمل نمونه آماری که صد و هشتاد و نه جایگاه را شامل می‌شد، ایجاد کرد. انتخاب تمامی موردها، گزینه معتبر دیگری بود، اما می‌توانست هزینه‌های این مطالعه را افزایش دهد. روش نمونه‌گیری تصادفی نیز می‌توانست استفاده شود. اما این عمل تمامی بلوک‌های دارای این مسئله را پوشش نمی‌داد.

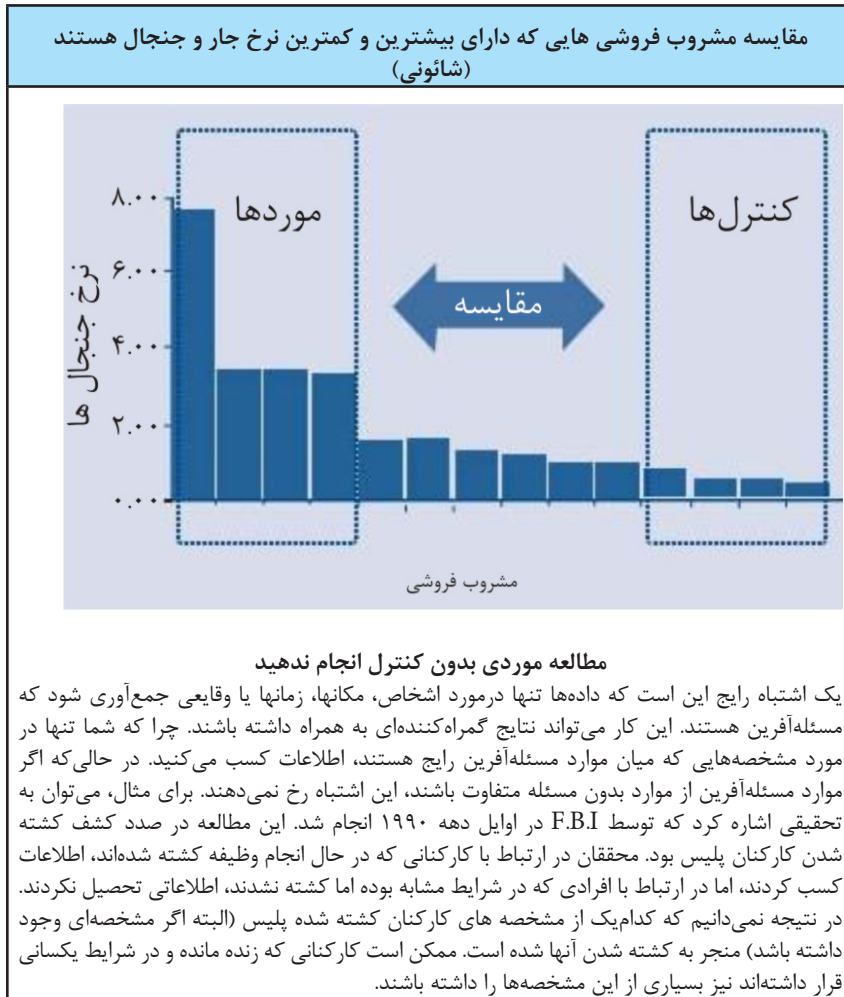
یک گروه از کنترل‌هایی را تعیین کنید که می‌توانستند مسئله آفرین شوند: کنترل‌ها مناطقی بودند که هیچ نوع ادله‌ای مبنی بر خرید و فروش مواد در آنها مشاهده نشده است. مکانهای مجاور، مفید بودند زیرا فروشنده‌های مواد مخدر که به دنبال منطقه‌ای برای معامله‌های خود هستند، می‌توانستند بر آن مناطق واقف (شناسند) شوند. بنابراین انتظار می‌رفت که مناطق مجاور در معرض این خطر قرار گیرند، اما توسط مواد فروشان انتخاب نشدند. کنترل‌ها باید اموری باشند که می‌توانستند به مورد تبدیل شوند اما به دلایل ناشناخته‌ای این چنین نشدند. هدف این مطالعه؛ حل همین معماست.

یک نمونه آماری از کنترل‌ها انتخاب کنید: در هریک از بلوک‌ها، تعداد مشابهی از مناطقی که خرید و فروش مواد در آنها وجود ندارد به عنوان مناطق خرید و فروش انتخاب شد. این مناطق به صورت تصادفی (که اگر در یک بخت‌آزمایی بود تبدیل به مورد می‌شدند) از لیستی از مکانهایی که در هر بلوک، شاخص فعالیت‌های بزهکارانه مربوط به مواد مخدر نداشتند، انتخاب شدند. انتخاب تمامی موقعیت‌های فاقد فعالیت‌های بزهکارانه مربوط به مواد مخدر می‌توانست ناکارآمد باشد، زیرا هزاران منطقه وجود داشتند که در آنها خبری از مواد مخدر نبود. با اطمینان از این‌که موردها و کنترل‌ها از یک بلوک مشابه بوده‌اند، انتخاب تصادفی، ما را مطمئن کرد که کنترل‌ها، نمونه‌هایی آماری از تمامی مکانهای فاقد مواد مخدر بوده‌اند.

موردها را با کنترل مقایسه کنید: مشاهده‌گرهایی به موردها و کنترل‌ها فرستاده شدند تا در ارتباط با مکانهای آنها، اطلاعات جمع‌آوری کنند. این کار در مورد موضوع‌های زیر، اطلاعات ارائه می‌داد: نوع ساختار (کسب و کار، آپارتمان، خانه‌ای که فقط یک خانواده در آن ساکن است، پارکینگ خالی و ...); نوع خیابان (تعداد خطوط عبور، یک طرفه یا دو طرفه بودن خیابان); فاصله از نزدیک‌ترین بزرگ‌راه بین شهری؛ نوع ساختمانهای مجاور؛ نزدیکی به نور؛ تعداد واحدهای آپارتمان، وجود فنس و دیگر تجهیزات امنیتی؛ مجاورت با کوچه و جاده و بسیاری عوامل دیگر. هدف از این کار این بود که دیده شود آیا مراکز خرید و فروش مواد، با مناطقی که در آنها خرید و فروش انجام نمی‌شود از لحاظ هر یک از این مشخصه‌ها، تفاوت اساسی داشته است یا نه؟ دو الگو پیدا شد، یک الگو در ارتباط با مناطقی بود که در آنها کِراک معامله می‌شد و دیگری مربوط به مراکز معاملاتی متافتمین بود. در مقایسه با کنترل‌ها، مراکز خرید و فروش کِراک، بیشتر در آپارتمانهای کوچک بودند که در منازل آن نیز قابل قفل شدن بوده است. در مقایسه با کنترل‌ها، مراکز خرید و فروش متافتمین، بیشتر در تک‌خانوارهایی واقع شده بودند که در مجاورت جاده بودند. این که چرا فروشندگان مواد، این نوع منازل را اجاره کرده‌اند (چه آپارتمانهای کم واحد و چه تک‌خانوارها) بیان‌کننده این موضوع است که آنها به دنبال مکانهایی بودند که مدیریت کمتری بر آنها حاکم بوده است. در آزمایش بعدی، جان‌اک دریافت که دخالت صاحب‌خانه‌ها، جرائم مرتبط با مواد مخدر را کاهش داده است.

مطالعه موردی - کنترل، از دیگر انواع مطالعه متفاوت است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، نیاز به روش‌های به خصوصی دارد. راهبرد سی و سه روشی را توصیف می‌کند که بسیار مفید است. مطالعه موردی - کنترل در تجزیه و تحلیل مسئله نیز بسیار مفید هستند. این رویکرد تا اندازه‌ای انعطاف‌پذیر است به طوری که می‌تواند برای تعداد اندکی از مکانها (برای مثال نمونه شائونی) یا عدد کثیری از مکانها (برای مثال نمونه سن‌دیگو) به کار گرفته شود. اگر چه این مثال‌ها بر مکانها تأکید دارند اما همین فرایند می‌تواند بر

شهروندان، زمانها و وقایع نیز به کار گرفته شود.



۳۳- میزان همبستگی را برآورد کنید

آیا پارکینگ‌های دارای متصدی نسبت به پارکینگ‌های بدون متصدی میزان کمتری سرقت از وسائل داخل خودرو دارند؟ آیا ساختمانهایی که دارای مدیر هستند نسبت به ساختمانهای فاقد مدیر، از خطر کمتری از معامله مواد مخدر برخوردارند؟ برای پاسخ دادن به این سؤال‌ها باید مشخص کنید آیا بین یک ویژگی در افراد، اماکن و یا رویدادها و یک برآورد از مسئله (جرم، جراحت و ...) ارتباطی وجود دارد.

برای محاسبه این ارتباط راه‌های فراوانی وجود دارد. معمولاً از یک ضریب همبستگی استفاده می‌شود. ضریب همبستگی از ۱- تا ۱ تغییر می‌کند. یک همبستگی منفی به معنی این است که افزایش یک ویژگی در نتیجه کاهش ویژگی دیگر است و کاهش یک ویژگی به معنای افزایش ویژگی دیگر. یک همبستگی مثبت به معنی این است که افزایش در یک ویژگی همراه با افزایش در ویژگی دیگر است و کاهش در یک ویژگی همراه با کاهش در ویژگی دیگر است. ضرایب بزرگ به معنی همبستگی شدید (مثبت یا منفی) هستند. اگر ضریب همبستگی نزدیک صفر باشد، همبستگی بین ویژگی‌ها وجود ندارد. تغییر در یک ویژگی ارتباطی به تغییر در ویژگی دیگر ندارد. هر برنامه رایانه‌ای و هر برنامه تحلیل آماری می‌تواند این محاسبه‌ها را انجام دهد.

کارکنان واحد تحلیل جرم در کلاتری بخش جکسون ویل دوال بلوک‌های ساختمانی با بیش از پنجاه واحد را بررسی کردند. آنها دریافتند در دویست و شصت و نه مجتمع، ضریب همبستگی بین تعداد واحدها و تعداد جرائم حدود ۵۷ درصد است یعنی یک ضریب همبستگی متوسط. بین تعداد جرائم علیه اموال و جرائم توأم با خشونت در این مجموعه‌های ساختمانی، ضریب همبستگی مثبت بزرگی (۹۱ درصد) وجود دارد.

از ضریب همبستگی برای اندازه‌گیری ارتباط در مطالعه کنترل داده‌ها نمی‌توان استفاده کرد (راهبرد سی و دو)، بلکه بهتر است از نسبت اختلاف استفاده نمود.

نسبت اختلاف‌ها می‌تواند هر عددی بزرگتر از صفر باشد. زمانی که نسبت اختلاف برابر یک است، هیچ ارتباطی بین ویژگی و بازده وجود ندارد. یعنی ریسک بازده، زمانی که ویژگی را در نظر بگیریم یا در نظر نگیریم کمتر است (همبستگی منفی). نسبت اختلاف ۰/۱ نشان می‌دهد که ریسک بازده هنگامی که ویژگی در نظر گرفته شده است، یک دهم زمانی است که ویژگی را در نظر نگرفته‌ایم. اگر نسبت اختلاف از یک بیشتر باشد، ریسک زمانی که ویژگی را در نظر بگیریم بیشتر است (همبستگی مثبت). نسبت اختلاف سه به این معنی است که ریسک بازده، زمانی که ویژگی را در نظر بگیریم سه بار بیشتر از زمانی است که ویژگی را در نظر نگیریم.

برای به کار بردن یک نسبت اختلاف بازده و ویژگی باید تنها دو مقدار وجود داشته باشد. مثال برای بازده، یک به معنای این است که رستورانی نرخ بالایی از جرائم دارد و صفر به این معناست که نرخ جرم آن کم است. برای ویژگی، یک به این معناست که همه کارکنان برای پیشگیری از جرم حمله و تهدید به ضرب آموزش دیده‌اند و صفر به این معناست که هیچ یک از کارکنان آموزش ندیده‌اند. نسبت اختلاف به شما خواهد گفت آیا بین رستورانهایی که کارکنانشان برای پیشگیری از حمله و تهدید به ضرب آموزش دیده‌اند و رستورانی که نرخ جرائم آن زیاد است همبستگی وجود دارد یا نه. در این مثال ما انتظار همبستگی منفی را داریم. بنابراین نسبت اختلاف باید کمتر از یک باشد تا با انتظار ما هماهنگ باشد.

جدول یک چگونگی محاسبه نسبت اختلاف را نشان می‌دهد. بازده در ستون افقی و ویژگی‌ها در ستون عمودی قرار دارند. تعداد داده‌هایی که مقداری مناسب برای هر دو مقدار بازده و ویژگی دارند، در هر خانه درج شده‌اند. خانه A شامل تعداد داده‌هایی است که ویژگی‌های آنها نامعین است. خانه D شامل تعداد کنترل‌هایی است که ویژگی ندارند. نسبت اختلاف با ماشین حساب دستی به کمک فرمولی که در پائین جدول آمده قابل محاسبه است. هرچند خیلی از نرم‌افزارهای آماری می‌توانند آن را محاسبه کنند.

جدول دو کاربرد نسبت اختلاف در مطالعه کنترل داده‌ها در مکانهای معامله مواد مخدر در سن‌دیگو را نشان می‌دهد (راهبرد سی و دو). بازده، معامله پایدار کوکائین و هروئین است. پنجاه و هشت ساختمان در این بررسی دارای معامله پایدار بودند (داده‌ها). همچنین چهل و هفت ساختمان بودند که هیچ شاخصی از معامله مواد مخدر نداشتند (کنترل‌ها). آیا قفل بودن یا باز بودن درها و یا حضور مدیر ساختمان بر انتخاب مکان معامله‌کننده مواد مخدر تأثیر می‌گذاشت؟ زمانی که ساختمانها با در قفل شده، با آنهایی که در نداشتند و یا درشان قفل نشده بود مقایسه گردید نسبت اختلاف بزرگتر بود ولی این مقدار چندان با «یک» تفاوتی نداشت. بنابراین نمی‌توانیم نظر بدهیم بین درهای بسته نشده ساختمان و مبادله مواد مخدر نسبتی وجود نداشته باشد. به یاد بیاورید زمانی که نسبت اختلاف «یک» است، همبستگی وجود ندارد. همبستگی بین درهای قفل شده و معامله مواد مخدر کاملاً مثبت است. خانه‌هایی که در آنها قفل بود تقریباً ۳/۵ بار بیشتر از ساختمانهای دیگر معاملات هروئین و کوکائین داشتند. ساختمانهای دارای مدیر ۳ درصد احتمال معامله مواد مخدر نسبت به ساختمانهای فاقد مدیر را داشتند.

این از نظر آماری همبستگی منفی به شمار می‌آید. ولی به خاطر داشته باشید، همبستگی مانند ارتباط علیت نیست. همبستگی نشان می‌دهد که ویژگی نامعین می‌تواند بر یک داده تأثیرگذار باشد ولی همبستگی به تنهایی برای نشان دادن رابطه علیت کافی نیست.

جدول یک : محاسبه نسبت اختلاف ویژگی

مجموع	(۱) بله	(۰) خیر	بازده
A+C	A	C	داده‌ها - (۱) بله
B+D	B	D	کنترل - (۰) خیر

جدول ۲: امنیت مجتمع آپارتمانی و معامله مواد مخدر

نسبت اختلاف	در باز	در بسته یا بدون در	
۱/۸۵۷	۱۶	۴۲	دارای معامله
	۸	۳۹	فاقد معامله
نسبت اختلاف	در بسته	در باز یا بدون در	
۳/۴۵۲	۳۳	۲۵	دارای معامله
	۱۳	۳۴	فاقد معامله
نسبت اختلاف	دارای مدیر	فاقد مدیر	
۰/۳۰۵	۱۴	۴۴	دارای معامله
	۲۴	۲۳	فاقد معامله

۳۴- تسهیل کننده‌های جرم را بیابید

تسهیل کننده‌های جرم به بزهکار کمک می‌کنند تا او جرمی را مرتکب شود و یا اقدام به بی‌نظمی بکند. تسهیل کننده‌های جرم بر سه دسته‌اند:

- **تسهیل کننده‌های فیزیکی:** این تسهیل کننده‌ها توانایی بزهکاران را افزایش داده و یا به آنها کمک می‌کند تا بر اقدام های پیشگیرانه غلبه کنند. وانت‌بارها توان بزهکار را برای جابه‌جایی اموال مسروقه افزایش می‌دهند، تلفن به مردم اجازه می‌دهد تا مزاحمت تلفنی ایجاد کنند و سلاح‌های گرم قابل حمل به سارق اجازه می‌دهد تا بر هر گونه مقاومت (از سوی مالباخته) غلبه کند. برخی از تسهیل کننده‌های فیزیکی، ابزار هستند اما دیگر تسهیل کننده‌های فیزیکی بخشی از محیط فیزیکی ما هستند. فلسون و همکارانش، تشریح می‌کنند که چگونه چطور طرح و ساختار قدیمی‌ترین پایانه اتوبوس‌رانی پورت آتوریتی در نیویورک، موجب تسهیل دسته‌ای از جرائم می‌شود. انواعی از جرائم در این پایانه فقط به دلیل وجود نقایصی در طراحی محیطی آن واقع می‌شد.
- **تسهیل کننده‌های اجتماعی:** این تسهیل کننده‌ها از طریق جایزه دادن برای ارتکاب جرم، قانونی کردن معاذیر بزهکاری (موجه جلوه دادن برخی از گونه‌های بزهکاری) و یا تشویق به بزهکاری، موجب تحریک به ارتکاب جرم و بی‌نظمی می‌شوند. برای مثال گروه‌هایی از مردان جوان می‌توانند نوعی محیط اجتماعی فراهم سازند که این محیط، رفتار شلوغ و بی‌ادبانه را در وقایع ورزشی ترغیب می‌کند. گروه‌های بزهکاری و شبکه‌های سازمان‌یافته بزهکاری از طریق اعضایشان، اقدام های بزهکارانه را تسهیل می‌کنند.
- **تسهیل کننده‌های شیمیایی:** این تسهیل کننده‌ها توانایی بزهکاران را در جهت انکار خطرات و یا عوامل بازدارنده اخلاقی افزایش می‌دهند. برای مثال برخی

از بزهکاران به منظور کاهش حالت‌ها عصبی خود، مشروب بسیار زیادی می‌خورند و یا مواد مخدر مصرف می‌کنند.

هر نوع از این نوع تسهیل‌کننده‌ها، در جهت از کار انداختن انواع به خصوصی از بازدارنده‌های جرائم موقعیتی عمل می‌کنند (به راهبردهای ۳۹ تا ۴۳ رجوع کنید) این موضوع در جدول زیر نشان داده شده است. در این جدول هر تسهیل‌کننده‌ای (در ستون‌ها) می‌تواند در نقطه‌ی مقابل تدابیر پیشگیرانه‌ی به خصوصی قرار گیرد (که با نقطه نشان داده شده است). تسهیل‌کننده‌های فیزیکی به بزهکاران کمک می‌کنند تا به اقدام‌ها پیشگیرانه‌ای غلبه کنند که میزان خطر و یا زحمت ارتکاب جرم را بالا می‌برد. تسهیل‌کننده‌های فیزیکی همچنین می‌توانند به عنوان عوامل پیدایش انحراف نیز باشند. تسهیل‌کننده‌های اجتماعی می‌توانند هر یک از روش‌های پیشگیرانه را خنثی کنند. برای مثال رشوه، خطر (مثلاً محاکمه یا جریمه یا ... شدن) را خنثی می‌کند. ارتکاب برخی از جرائم، مستلزم وجود چند بزهکار است تا زحمت ارتکاب کمتر شود. میزان مطلوبیت آماج جرم اغلب توسط چیزی که مطلوب دیگران نیز هست، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. برای مثال عذری برای ارتکاب جرم موجه در نظر گرفته می‌شود که اغلب مردم نیز آن را می‌پذیرند. از سوی دیگر دوستان و آشنایان می‌توانند با تشویق‌های خود باعث ارتکاب جرم یا بی‌نظمی شوند. تسهیل‌کننده‌های شیمیایی به بزهکاران اجازه می‌دهد تا میزان خطر و زحمت ارتکاب جرم را نادیده بگیرند و معاذیر قابل قبولی را برای ارتکاب آن ارائه دهند.

به این علت که تسهیل‌کننده‌ها، پیشگیری از جرم را خنثی می‌کنند، بسیار مهم است که نقش آنها در پیدایش مسئله، شناخته شود. شواهد مربوط به تسهیل‌کننده‌ها در گزارش‌های بازپرسی (تحقیقات مقدماتی) و همچنین از طریق بازجویان قابل دسترسی است. که البته بازجویان، این شواهد را از طریق مصاحبه با بزه‌دیدگان و مشاهده موقعیت‌های متفاوت اجتماعی به دست آورده‌اند. تجزیه و تحلیل گزارش‌های

بزهکاری می‌تواند به این منظور استفاده شود تا ارتباط میان جرائم و تسهیل‌کننده‌های مختلف را مشخص کند.

اگر تسهیل‌کننده‌ها، نقشی در پیدایش مسئله‌ی داشته باشند، گام بعدی عبارت خواهد بود از یافتن رشد این تسهیل‌کننده‌ها. این ریشه‌ها با توجه به نوع تسهیل‌کننده، با یکدیگر تفاوت دارند. تسهیل‌کننده‌های فیزیکی ممکن است به آسانی در دسترس باشند. برای مثال سنگ که در اختیار آشوب‌گران خیابانی قرار می‌گیرد یا تلفن‌های عمومی که توسط فروشندگان مواد مخدر استفاده می‌شود. گاهی ممکن است به صورت قانونی خریداری شوند که در این زمینه می‌توان به بسیاری از ابزار و آلات سرقت اشاره کرد. گاهی ممکن است این تسهیل‌کننده‌ها، خود اموال مسروقه باشند. برای مثال گاهی اوقات وسائل نقلیه مسروقه، در جرائم وخیم استفاده می‌شوند. به محض این‌که ریشه عوامل تسهیل‌کننده شناسایی شود، امکان اقدامی مقتضی در برابر آن نیز به وجود خواهد آمد. جدول زیر اقدام‌هایی را نشان می‌دهد که بیان‌گر آن هستند که چگونه استفاده از تلفن عمومی، در خرید و فروش مواد مخدر و همچنین امکان اطراف خودپردازهای بانک، نقش تسهیل‌کننده دارند.

عوامل تسهیل‌کننده‌ای که برای خنثی کردن روش‌های پیشگیری از جرم توسط بزهکاران استفاده شده‌اند.			
نوع تسهیل‌کننده به کار رفته			روش پیشگیری از جرم
شیمیایی	اجتماعی	فیزیکی	
*	*	*	افزایش میزان خطر
*	*	*	افزایش تلاش برای ارتکاب جرم
	*		کاهش منافع حاصل از ارتکاب جرم
*	*		از میان برداشتن معاذیر
	*	*	کاهش میزان تحریک

اقدام هایی که جهت پیشگیری استفاده از تلفن های عمومی توسط فروشندگان مواد مخدر در شهرهای ایالات متحده اتخاذ شدند

قبل از این که تلفن های همراه به طور گسترده استفاده شوند، فروشندگان مواد مخدر اغلب برای بستن قرارداد میان فروشنده و خریدار از تلفن های عمومی استفاده می کردند. راه های زیادی برای متوقف ساختن آنها آزمایش شده که برخی از آنها عبارت است از:

- وضع قوانین مدنی به منظور ثبت تلفن های عمومی و ممنوع کردن استفاده از آنها و یا محدود کردن شماره های آنها در مکانها و یا نسبت به برخی واژه ها از سوی تماس گیرنده.
- نصب شماره گیرهای دوار که از طریق آنها امکان تماس با پیجر امکان پذیر نیست.
- اصلاح تلفن های عمومی و تنظیم آنها به نحوی که نتوان به آنها زنگ زد.
- فشار مردمی بر شرکت های متصدی تلفن های همگانی یا فرمانداری برای حذف برخی از این تلفن ها و یا استقرار آنها مکانهای تحت نظارت یا در جایی که نور کافی وجود دارد.
- مجاز ساختن تماس هایی که از طریق مرکز تلفن برقرار می شود و یا تماس های فوری و ضروری در طول ساعت های شب، که این کار از طریق مسدود کردن عملکرد سکه ای این تلفن ها انجام شده است.
- حذف یا اصلاح تلفن های عمومی بدین صورت که کسب و کارهایی نظیر دکه ها یا پمپ های بنزین در کنار این تلفن ها قرار داشته باشند.
- دیگر اقدام هایی نظیر افزایش گشتی های پلیس، چسباندن برچسب های هشداردهنده بر روی تلفن ها و ایجاد خط های تلفن مستقیم برای گزارش مسئله ها.

تسهیل کننده های اجتماعی تا حد زیادی بر افراد مرتبط با بزهکاران و زمینه ارتباط میان آنها وابستگی دارند. برای مثال امکانات خطر ساز (به راهبرد بیست و هشت رجوع کنید) می توانند زمینه مناسبی برای تسهیل کننده های اجتماعی فراهم سازند. گروه های بزهکار برای ارتکاب جرم، حمایت اجتماعی ایجاد می کنند. اما حتی عملکردهای قانونی نیز می تواند گاهی باعث تسهیل اجتماعی جرمی شوند. برای مثال خشونت هایی که انگیزه سیاسی دارند و یا آشوب های دانشجویی در پی مسابقات ورزشی از همین دسته هستند.

تسهیل کننده های شیمیایی بسیار فراوان بوده و بیشتر اوقات با جرم و بی نظمی مرتبط هستند. الکل به طور کلی، نمونه ای از یک تسهیل کننده است. ترکیب انواع مختلفی از تسهیل کننده ها، بسیار شایع است که می توان از اماکن تفریحی به عنوان مثالی از ترکیب تسهیل کننده های اجتماعی و شیمیایی نام برد. تعداد زیادی از بیست و پنج تکنیکی که در ارتباط با پیشگیری از جرائم موقعیتی وجود دارند، مد نظرند تا تأثیر این سه نوع تسهیل کننده جرم را کاهش دهند (به راهبردهای سی و نه تا چهل و سه رجوع کنید).

لس آنجلس	نیویورک	مقررات ایمنی برای دستگاه‌های خود پرداز بانک‌های نیویورک و لس آنجلس
	√	نصب دستگاه‌های خود پرداز در محلی امن و محصور
√	√	افزایش نور
		استفاده از پنجره‌هایی با دید مناسب (سوی دیگر پنجره کاملاً مشخص است) در اطراف دستگاه‌های خودپرداز
	√	نصب آینه قدی برای استفاده‌کنندگان از دستگاه خودپرداز (به طوری که پشت سر استفاده‌کننده معلوم باشد).
√		استفاده کردن از درخت‌های زینتی در اطراف دستگاه خودپرداز
√√	√	استفاده از دوربین‌های مدار بسته
√	√	هشدارهای امنیتی به استفاده‌کنندگان
√	√	هشدار وجود مقررات امنیتی به بزهکاران بالقوه
√		ارزیابی نرخ جرم قبل از نصب دستگاه خودپرداز
	√	استفاده از مأموران انتظامات در خارج از ساعت کاری بانک
√√		کاهش ساعت عملکرد دستگاه بر اساس الگوهای موقتی جرم در منطقه مورد نظر

√: از طریق وضع قانون
 √√: برای آن، قانون وضع نشده است اما در تمام بانک‌ها اعمال شده است.

۳۵- به مراحل ارتکاب جرم از ابتدا تا انتها توجه کنید

تصور ما بر این است که جرم در یک لحظه اتفاق می‌افتد. فقط چند ثانیه لازم است تا یک گردنبنند در خیابان قاپ زده شود، یک جیب‌بری صورت گیرد یا سرقت اتومبیل واقع شود و سارقان منازلی که در نقاط کور منازل به دنبال ربودن اجناسند بسیار نادرند و به جای این‌که به دنبال نقاط کور باشند، به محض این‌که ظرف چند دقیقه پس از ورود به منزل، جنس با ارزشی پیدا کنند آن محل را ترک می‌کنند. در واقع قاپ زدن یک گردنبنند یا سرقت از منازل فقط مرحله‌ای است از مراحل متعددی که برای تکمیل هر یک از این جرائم لازم است.

بهتر است که شما ترتیب مراحل که در یک جرم و یا مسئله بی‌نظمی وجود دارد را بدانید. در این زمینه رویکردهایی وجود دارند که به شرح زیر هستند:

- **لِزلی کِنْدی**، از دانشگاه روتگرز و همکارش وین سنت ساکو، این مراحل را به مرحله آغازین، عملیات مقدماتی و نتیجه تقسیم‌بندی می‌کنند و با توجه به این سه مرحله، یک کتاب درسی در زمینه جرم‌شناسی با عنوان واقعه مجرمانه نگاشته‌اند.
- **ویلیام هَدِن** برای پیشگیری از حوادث جاده‌ای، طبقه‌بندی مشابهی انجام داده است. او اقدام‌های پیشگیرانه را به اقدام‌های قبل از تصادف، حین تصادف و پس از تصادف تقسیم می‌کند.
- **دِرک گُرنیش** در تجزیه و تحلیل‌های راهبردی خویش از مفهوم فیلم‌نامه صحبت می‌کند. ایده اصلی وی بدین ترتیب است که هر مقوله به خصوصی از جرم، نیازمند مجموعه‌ای از حرکات و عملکردها است که همچون متن یک نمایشنامه به ترتیب خاصی اجراء می‌شود. صحنه‌های این نمایش عبارت است از: صحنه‌هایی از روند ارتکاب جرم که بازیگران آن عبارت است از: بزهکاران و بزه‌دیدگان؛ و

تماشاچیان و آلات ارتکاب جرم همان داربست‌های صحنه نمایش است. در استفاده از هر یک از این رویکردها سعی کنید تا ترتیب مراحل که باید بزهکار جهت کامل کردن جرمش انجام دهد را فهرست کنید. جدول زیر که توسط کُرنیش تهیه شده تصویری ساده از مراحل زیادی است که سارقان خودرو که برای تفریح سرقت می‌کنند باید مد نظر قرار دهند. البته این جدول نشان می‌دهد همان عملکرد معین که ما آن را جرم می‌دانیم (ربودن خودرو)، با مرحله عملیات مقدماتی آغاز می‌شود و فرار و لذت بردن از سرقت در مراحل بعدی آن قرار می‌گیرد. این موضوع ما را بر آن می‌دارد که جرائم را با دقت و مرحله به مرحله بررسی کنیم. درک کامل ترتیب اعمالی که برای ارتکاب موفق جرم لازمند، نکات دخیل دیگری را نیز معرفی می‌کنند. به بیان دیگر این موضوع، انتخاب راهکارهایی را که شما باید در پروژه خود مد نظر قرار دهید، بسیط‌تر می‌سازد. ستون آخر این جدول، راهکارهای ممکن برای هر مرحله از سرقت خودرو به منظور تفریح را فهرست کرده است.

سواری خودروهای سرقتی، یکی از جرائم ساده است اما می‌توان با استفاده از همان فرآیند و توجه به مراحل تکمیل‌کننده ارتکاب جرم، به جرائم پیچیده‌تری نیز دست زد. یک مثال آن بلبشویهای عمومی (که شامل شورش و اعتصاب هم می‌شود) است. کلارک مک فیل کارشناس کنترل اغتشاشات، فرایندی سه مرحله‌ای خلق کرده تا انواع مختلف تجمع را تجزیه و تحلیل کند. این سه مرحله عبارت است از: ۱- فرآیند تجمع جمعیت، ۲- ازدحام ناشی از تجمع، ۳- فرایند پرداختن تجمع به کاری خاص. تامارا مَدِنِسِن، فارغ‌التحصیل دانشگاه سین سیناتی دو مرحله دیگر به مراحل مذکور اضافه کرد:

۱- برنامه‌ریزی مقدماتی، ۲- مرحله آماده‌سازی قبل از تجمع. ممکن است که پلیس هشدارهای زیادی را درارهٔ میزبانی پارتی‌های همراه با مشروب‌خواری (نوعی تجمع) بدهد تا از مرحله برنامه‌ریزی مقدماتی جلوگیری کند. برای پیشگیری از آتش‌سوزی

می‌توان در مرحله آماده‌سازی تجمع، به راحتی هرگونه زباله اشتعال‌زا را از محل دور کرد. در طول فرایند تجمع، پلیس می‌تواند به دانشجویان خوش‌آمد بگوید تا آنها را تشویق به انجام رفتار قانونی بکند. وقتی که جمعیت جمع شد، پلیس می‌تواند بر رفتارها نظارت داشته باشد و در صورت بروز مشکل مداخله کند. در طول فرآیند پرداختن آنان به کاری خاص، پلیس قصد دارد اطمینان حاصل کند که جمعیت به سرعت و با آرامش متفرق خواهد شد.

گام‌های جرم سواری خودروی مسروقه و راهکارهای به هم پیوسته		
راهکارها	مراحل	گام‌ها
نظارت بر فروش وسائلی نظیر حس‌گرهای اثر انگشت (یا دست) و کلید یدک	تهیه مقدمات	<ul style="list-style-type: none"> تهیه وسائلی (مانند پیچ‌گوشتی، کلید یدک و...) انتخاب شریک جرم
نصب موانع در پارکینگ‌ها؛ نگهبان پارکینگ؛ ورودی‌های کمتر	فرایند ورود	ورود به پارکینگ
دوربین مداربسته و یا گشتی‌های منظم برای بازداشتن ولگردان	شرایط تحت کنترل درآوردن	پرسه زدن بدون جلب توجه دیگران
حفاظت دیداری از خودروهای تحریک‌آمیز (برای سرقت)	انتخاب سوژه	<ul style="list-style-type: none"> از کارانداختن دزدگیرها انتخاب خودروی مناسب
دوربین مداربسته برای نظارت بر رفتارهای مشکوک؛ بهبود نظارت طبیعی از پارکینگ؛ دزدگیر خودرو؛ قفل‌کننده خودرو	تکمیل سرقت	<ul style="list-style-type: none"> وارد شدن به خودرو (کلید یدک، استفاده از پیچ‌گوشتی) لخت کردن سیم‌های استارت خودرو روشن کردن خودرو با به یکدیگر زدن سیم‌های استارت
<ul style="list-style-type: none"> نگهبان پارکینگ یا دیگر موانع خروجی فعال کردن ردیاب خودرو؛ محدود کردن زمان تردد با خودرو؛ نظارت بر مراکز خیابانی فروش خودرو (شیطان بازارها). 	لذت و هیجان پس از تکمیل جرم	<ul style="list-style-type: none"> خروج از پارکینگ راندن خودرو برای تفریح رها کردن خودرو در زمینی بایر آتش زدن خودرو

پیشگیری از مرگ مهاجران غیرقانونی:

در اقدامی معمول از نوع پیشگیری وضعی، راب‌گرت از دانشگاه بین‌المللی فلوریدا مطالعه‌ای دقیق بر مرگ مهاجران غیرقانونی در سراسر مرزهای امریکا را بر عهده گرفت، مرگی که در حین عبور از مرزهای مکزیک به امریکا برای این مهاجران اتفاق می‌افتاد. هر ساله حدود سیصد مهاجر در شرایطی غم‌انگیز فوت می‌شوند، برای مثال مرگ آنان ناشی از عبور از رودخانه یا کانال، در معرض گرمای شدید مناطق بیابانی قرار گرفتن یا تصادفات رانندگی است. با ترسیم گام‌هایی منظم که باعث می‌شود مهاجران غیرقانونی با فریب از مرز عبور کنند و درک شرایطی که منجر به سلب حیات آنان می‌شود، او شماری پیشنهاد در راستای حفظ جان بیان کرد. او این پیشنهادها را به دو دسته تقسیم کرده است:

- در کنار این موضوع، او از شیوه ویلیام هَدِن تبعیت کرد و پیشنهادهای پیشگیرانه، در قبل، در حین و پس از وقایع تهدیدکننده حیات را تنظیم و مرتب نمود.
- دسته‌بندی ناکارآمد بود، از این رو مثلث تحلیل جرم را الگو قرار داد و اقدام‌ها و تدابیری، خواه هدف اصلی این اقدام‌ها مهاجر یا بزه‌دیده باشد و خواه فردی که توسط مهاجران به کار گرفته می‌شود تا آنها را به سلامت از مرز عبور دهد (یعنی بزهکار) و یا مکان یا محیطی نظیر بیابان، مناطق شهری و... را تنظیم و مرتب نمود.

برخی از این پیشنهادها بسط و توسعه (پیشنهادهای مطرح شده در گذشته) بودند اما بعضی از آنها کاملاً جدید و دست اول بوده‌اند که این امر حکایت از ارزش فراوان رویکرد او دارد. بسیاری از این پیشنهادها تفسیری بوده‌اند اما فهم همان نیز نیاز به زمینه داشت (شماری از آنها در زیر آمده است).

- ۱- تحقیق وی نشان می‌دهد که تعداد مرگ و میر ناشی از در معرض گرما قرار گرفتن، در زنان بیشتر بوده است.

- ۳- عموماً مهاجران در شهرهای ساحلی نزدیک مرز مکزیک جمع می‌شوند، یعنی جایی که می‌توانند با اشخاصی قرارداد ببندند که در عوض دریافت پول، آنها را به سلامت از مرز عبور می‌دهد.
- ۴- او دریافت هنگامی که عوامل آموزش‌دیده نجات غریق و عوامل امدادی اعزام می‌شوند، احتمال زنده ماندن مهاجران بیش از هنگامی است که عوامل دست‌اندرکار محلی برای نجات اعزام می‌شوند.
- ۵- برای ممانعت از هر اقدام فوری برای عبور مجدد (بازگشتن) از صحرا در ماه‌های بسیار داغ، مهاجران در این ماه‌ها در صحرای آریزونا در سال ۲۰۰۳ دستگیر و به شهرهای مکزیک نزدیک مرز تگزاس بازگردانده شدند. این اقدام در نجات جان مهاجران بسیار مؤثر بود.
- ۶- در سال ۲۰۰۴، مسئولان مکزیک با این امر موافقت کردند که کسانی که قصد بازگشت از آریزونا به وطن را دارند به شهرهای مکزیک برگردند.
- ۷- رانندگان در آریزونا معمولاً گروه‌های مهاجران غیرقانونی که در ماه‌های بسیار داغ از صحرا عبور می‌کنند را مشاهده می‌کنند. این مبارزه علنی جان آنان را از این طریق نجات داد که رانندگان با تماس گرفتن با شماره ۱ الی ۸۰۰ دیده شدن (این گروه‌ها) را گزارش می‌کردند.
- ۸- عوامل گشت مرزی در آریزونا به گِرت گفتند که آنها اغلب برای پیدا کردن مهاجری که از سایر مهاجران به ستوه آمده و موقعیت خود را گزارش کرده، مشکلی عظیم دارند. این مشکل ناشی از آن است که باریکه‌های طولانی آن صحرا، بدون علامت و نشانه است و جهت‌ها و راهنمایی‌های ارائه شده توسط مهاجران دستگیر شده غالباً مبهم هستند. برنامه نظام‌مند علامت‌گذاری مقطعی در صحرا با استفاده از کُدهای رنگی یا نمادها این مشکل را تا حدود زیادی حل کرد.

تهدیدکننده حیات پس از واقعه	تهدیدکننده حیات در حین واقعه	تهدیدکننده حیات قبل از واقعه	
بازگردانی به شهرهای مرزی نزدیک میهن. بازگردانی به میهن.	توزیع وسائل در شهرهای مرزی برای مهاجران، که به هنگام عذاب کشیدن ردی از خود بر جای گذارند تا بتوان آنها را پیدا کرد. افزایش دیده‌بانی گشت مرزی و ارتقاء ظرفیت امدادسانی.	آگاه کردن بانوان مهاجر از خطرهای موجود برای عبور از صحرا. سیستم اعلام خطر در شرایط خطرناک.	مهاجر
تشکیل گروه منسجم انتظامی برای تعقیب کردن اشخاصی که مهاجران را از مرز رد می‌کنند، البته در صورت مرگ مهاجر.	دستگیر کردن کسانی که مهاجران را از مرز رد می‌کنند.	سیستم اعلام خطر در شرایط خطرناک. هشدار به کسانی که مهاجران را از مرز رد می‌کنند مبنی بر این که در صورت وقوع مرگ هر یک از مهاجران، تعقیب کیفی خواهد شد.	کسی که مهاجر را به سلامت از مرز رد می‌کند
بازنگری مستمر اطلاعات برای کشف الگوهای جدیدتر خطر.	نمایش دادن تابلوی «نجات حتی یک جان، با گزارش دادن رویت یک مهاجر» به صورت علنی. نصب علائم صحرائی.	در نظر داشتن و انجام اقدام‌هایی در مورد زمانها و مکانهای مخاطره‌آمیز. تعبیه موانعی در نقاط پرخطر عبوری. چسباندن علائم هشدار دهنده قابل رویت در مناطق خطرناک.	محیط

۳۶- اطمینان حاصل کنید که به شش سؤال پاسخ داده‌اید

وقتی تجزیه و تحلیل خود را با استفاده از مفاهیم بحث شده در راهبردهای قبلی کامل کردید، باید از خود سؤال کنید آیا این تجزیه و تحلیل کفاف یک گزارش جامع مطبوعاتی را می‌دهد یا خیر؟ آیا به شش سؤال: چه، کجا، چه وقت، چه کسی، چرا، و چگونه به اندازه کافی پاسخ می‌دهد؟

این سؤال‌ها روش تجزیه و تحلیل بری پوینر از جرم را با تجزیه یک مسئله بزرگ به اجزای تشکیل دهنده آن شکل می‌دهد. برای مثال، هنگامی که وزارت کشور از او خواست موضوع "حمله‌های خیابانی" را در قسمت پایین شهر کاونتری و بیرمنگام (دو شهر بزرگ در انگلستان) مطالعه نماید، وی متوجه شد پلیس این جرم را در ردیف سرقت‌های مقرون به آزار یا تهدید و سرقت از اشخاص قرار داده است، از طرفی او دریافت اکثر این حوادث قابل تقسیم به تعدادی از مسئله‌های کاملاً مجزا و مشخص هستند:

- سرقت از دستگاه‌های فروش خودکار در خیابانها؛
- سرقت مقرون به آزار یا تهدید از اشخاص مست؛
- پول قاپی، در حین دریافت پول از بانک؛
- قاپیدن کیف دستی زنان؛
- کیف یا پول قاپی از دست بزه‌دیدگان بعد از گفتگویی شفاهی؛
- سرقت از سبدهای خرید؛
- جیب‌بری در ایستگاه‌های اتوبوس.

این امر توصیفی بسیار معنادارتر از "حمله‌های خیابانی" و اولین راهبرد مهم در درک این وقایع بود. سپس او گزارش‌های وقایع را بررسی و منظم نمود و سعی کرد به یک طرح و توصیف مسئله‌هایی دست یابد که می‌توانست به او در پیدا کردن

راهکار کمک نماید.

اطلاعات ثبت شده در گزارش‌ها وقایع کاملاً با یکدیگر متفاوتند، به خصوص وقتی بزه‌دیدگان در محل حاضر نیستند و هیچ شاهدهی وجود ندارد. به هر حال، پوینر سعی می‌کند به منظور دستیابی به طرح و توصیفی معین از مسئله‌ها، گزارش را کنار هم قرار داده و ارتباطی میان آنها ایجاد نماید. او سعی می‌کند برای هر حادثه دریابد:

- **چه اتفاقی افتاد؟** این امر مستلزم شرح مراحل و توالی وقایع و اقدام‌های است که در این حوادث انجام شده است (راهبرد سی و پنج).
- **کجا اتفاق افتاد؟** گاهی اوقات مراحل و توالی وقایع در مناطق متعددی اتفاق می‌افتند. برای مثال ممکن است خودرویی از یک پارکینگ ربوده شود، برای لخت کردن قطعات ارزشمند به یک گاراژ منتقل و سپس در زمینی بایر رها شود. ممکن است فقط از مکانهای اول و آخر اطلاعاتی داشته باشیم. بازدید از این مناطق می‌تواند توضیح دهد که چرا بزهکار این اماکن را انتخاب کرده است.
- **چه وقت اتفاق افتاد؟** مالکان خانه و خودرو شاید فقط می‌دانند که خانه یا خودروی آنها در تعطیلات آخر هفته سرقت شده است. به هر حال، در بسیاری از جرائمی که علیه اشخاص صورت می‌گیرد، بزه‌دیده قادر خواهد بود زمان دقیق وقوع جرم را گزارش نماید که شاید مداخله و انجام اقدام‌هایی بر موضوع‌هایی نظیر این میسر می‌سازد که آیا خیابانها متروک رها شده‌اند.
- **چه کسی درگیر این اتفاق شده است؟** همیشه حداقل یک بزهکار وجود دارد؛ حتی اگر بزه‌دیدگان هیچ تماس مستقیمی با بزهکاران نداشته باشند، ممکن است یک یا دو بزه‌دیده وجود داشته باشد؛ ممکن است شاهدان یا گروه‌های سه‌گانه دیگری وجود داشته باشد. اظهاراتی که پلیس توسط بزه‌دیدگان و شاهدان ثبت می‌نماید می‌تواند اطلاعاتی سودمند را فراهم آورد، ولی شاید گاهی اوقات لازم باشد درباره نمونه‌ای از واقعه نیز سؤال‌هایی پرسیده شود.

• چرا آنها چنین رفتاری را مرتکب شدند؟ دانستن منافع مشخصی که دسته به خصوصی از جرائم برای بزهکاران به وجود می‌آورند بسیار مهم است. در بسیاری از موارد سرقت، انگیزه واضح است، ولی انگیزه جرائم انجام شده میان اشخاص و تخریب، ممکن است فقط پس از انجام مصاحبه با بزهکار مشخص شود (راهبرد ده). اهمیت یکسان به امر پیشگیری شاید به درک اینکه چرا بزه‌دیدگان و شاهدان این‌گونه رفتار کردند کمک نماید و به سؤال‌هایی مانند: «چه چیز باعث می‌شود برخی بزه‌دیدگان با حمله کردن به بزهکار عکس‌العمل نشان دهند؟» و «چرا شاهدان اغلب مداخله نمی‌کنند؟» پاسخ دهد.

• بزهکاران چگونه مرتکب جرم می‌شوند؟ به جای این‌که جرم را عملی محدود فرض کنیم که در نقطه‌ای مشخص از زمان اتفاق می‌افتد، می‌توان آن (جرم) را مانند فرآیندی که از چندین مرحله، از آغاز تا پایان شکل گرفته در نظر گرفت. در هر مرحله بزهکاران باید تصمیم بگیرند که آیا نیاز است با دیگران همکاری نمایند، آیا باید دانش و وسائل خاصی را به کار برند یا خیر. در واقع این موضوع، بر رویکرد «نمایشنامه» است که آقای کرنیش آن را مطرح کرده و در راهبرد سی و پنج بحث شده است. شاید همیشه امکان تهیه جزئیات «نمایشنامه» وجود نداشته باشد، ولی تجزیه و تحلیل باید تصویری شفاف و روشن از چگونگی تکمیل و ارتکاب جرم ارائه نماید.

تجزیه و تحلیل پوینر از جیب‌بری در ایستگاه‌های اتوبوس، دیدگاه یاد شده را توضیح می‌دهد. او توانست به جای یک گزارش ناقص و سطحی از حادثه، از طریق مشاهده صف‌های ایستگاه‌های اتوبوس توصیفی جامع از این جرم ارائه دهد. او دریافت که ساعت شلوغ بعد از ظهر، به خصوص روز جمعه وقتی صف‌ها طولانی بودند، زمان اوج جیب‌بری بود. گروه‌های سه یا چهار نفری جوانانی که اطراف صف‌ها پرسه می‌زدند به منظور عدم برانگیختن سوظن اطرافیان، ویتترین مغازه‌های نزدیک را

نگاه می‌کردند و در همان حال برای پیدا کردن سوژه‌هایی مناسب مراقب بودند. سوژه‌ها مردان میان‌سال یا مسن‌تری بودند که همیشه کیف پولشان را در جیب پشتی شلوار قرار می‌دادند. (مردان جوان‌تر که شلوارهای تنگ‌تر می‌پوشیدند کیف پول را در جیب عقبی شلوار نمی‌گذاشتند.)

به محض این‌که بزه‌دیدگان در حین سوار شدن به اتوبوس بودند و از سیستم پرداخت کرایه به محض ورود استفاده می‌کردند، جوانان جلوی صف می‌دویدند و روی سکوی سوار شدن به داخل اتوبوس می‌پریدند و به مسافران تنه می‌زدند و سؤال‌های بی‌ربط درباره مقصد اتوبوس از راننده می‌پرسیدند. در این ضمن یکی از جوانان جیب سوژه مورد نظر را می‌زد. فرد مورد نظر ممکن بود در شروع تنه زدن خشمگین می‌شد از این رو قادر نبود تشخیص دهد که چه اتفاقی در حال رخ دادن است. راننده بر سر جوانان داد می‌زد که از اتوبوس او پیاده شوند و دیگر مسافران نیز شکایت می‌کردند. جوانان از اتوبوس پیاده می‌شدند و در میان جمعیت فرار می‌کردند. آنها هیچ‌وقت دستگیر نمی‌شدند. بزه‌دیدگان وقتی متوجه می‌شدند چه اتفاقی افتاده که کیف آنها ربوده شده بود.

این تجزیه و تحلیل چهار راهکار ممکن را پیشنهاد می‌نماید:

- به جای سیستم پرداخت کرایه به محض ورود، بلیط‌ها باید از قبل برای استفاده در این ایستگاه‌ها فروخته شوند.
- ایستگاه‌های اتوبوس باید دور از پیاده‌روی اصلی ساخته شوند و داخل سکوها بیشتر شبیه به پایانه (ترمینال) اتوبوس طراحی شوند. این کار باعث می‌شود ایستادن و انتظار کشیدن برای بزه‌کاران سخت شود.
- به منظور حفاظت از صف‌های انتظار بهتر است از ایستگاه‌های سرپوشیده استفاده شود بنابراین بزه‌کاران نمی‌توانند بزه‌دیدگان بالقوه را از قبل شناسایی نمایند.
- از موانعی استفاده کنید که باعث نظم بخشیدن به صف‌ها می‌شود تا بزه‌کاران

توانند روی سکوی سوار شدن به اتوبوس بپرند. توجه داشته باشید که این راه حل‌ها خارج از حیطه اختیار و محدوده کاری پلیس است. مأموران پلیس به ندرت تصور می‌کنند که برای مثال، طراحی مجدد ایستگاه‌های اتوبوس جزء وظیفه آنها است. ولی به عنوان یک تحلیل‌گر حل مسئله جرم وظیفه شما تقلیل جرم است و باید به آرامی همکاران پلیس خود را به انجام این وظایف تشویق و ترغیب نمائید که این قبیل راهکارها به طور کلی و در معنای وسیع جزء وظایف آنها نیز هست.

۳۷- بدانید که انسان جایز الخطاست

پیشگیری از جرم اغلب مستلزم پیش‌بینی وقایع است. آیا بزه‌کاران که مرتبط با مسئله پیش‌آمده همانند گذشته به ارتکاب جرم ادامه خواهند داد؟ آیا بزه‌دیدگان جدید در آینده نزدیک مجدداً بزه‌دیده خواهند شد؟ آیا مناطق بحرانی جرم، به حالت معمول خود باز خواهند گشت یا همچنان بحرانی و ناآرام باقی خواهند ماند؟ به هر حال شاید رفتارهای گذشته بهترین وسیله برای پیش‌بینی رفتارهای آینده باشند، البته قطعاً پیش‌بینی بی‌نقص و تمام‌عیاری نخواهند بود.

مثال‌های فوق‌الذکر به پیش‌بینی آینده می‌پردازند. ما همچنین سعی می‌کنیم ناشناخته‌ها را به روش‌های دیگری، مثلاً در راهکارهای برطرف کردن مسئله‌ها، جستجو نمائیم. آزمون‌گر یک دستگاه دروغ‌سنج سعی می‌کند دریابد آیا فرد مورد آزمایش دروغ می‌گوید یا خیر. آزمایش‌های مواد مخدر برای تعیین این‌که آیا افراد به تازگی از مواد مخدر ممنوعه مصرف کرده‌اند، استفاده می‌شوند. دستگاه‌های فلزیاب و بررسی چمدانها در فرودگاه‌ها برای مشخص کردن این‌که آیا مسافران همراه خود یا در چمدانهای خود اسلحه حمل می‌نمایند بهره‌برداری می‌شوند. در تمام این مثال‌ها آزمون‌گر سعی می‌کند درباره موقعیتی ناشناخته نتیجه‌گیری نماید. همانند پیش‌بینی آینده این امکان وجود دارد که آزمون‌گر، ارزیابی درست یا نادرستی انجام دهد. در نتیجه، درک این امر بسیار مهم است که پیش‌بینی‌ها و دیگر قضاوت‌ها چگونه ممکن است با شکست مواجه شوند.

راهی سودمند برای آزمایش خطا در پیش‌بینی و قضاوت این است که پیش‌بینی‌ها را با آنچه واقعاً اتفاق می‌افتد مقایسه نمائیم. ستون‌ها در جدول شماره ۱ دو پیش‌بینی را نشان می‌دهند: «بله» یعنی نتیجه پیش‌بینی شده رخ خواهد داد؛ و «نه» به این معناست که نتیجه پیش‌بینی شده رخ نخواهد داد. ردیف‌ها دو نتیجه واقعی را نشان می‌دهند: بله،

نتیجه رخ داد؛ نه، نتیجه رخ نداد.

جدول شماره یک: انواع خطا در پیش‌بینی		
نتیجه واقعی	بله	نه
بله	الف. درست، مثبت‌های واقعی	ب. نادرست، منفی
نه	ج. نادرست مثبت	د. درست، منفی‌های واقعی
	(الف + د) / (الف + ب + ج + د)	درصد صحت و درستی
	ب / (الف + ب + ج + د)	درصد نادرست منفی
	ج / (الف + ب + ج + د)	درصد نادرست مثبت

تعداد زیادی پیش‌بینی را حدس بزیند. وقتی یک پیش‌بینی با واقعیت مطابقت داشت پس درست است. خانه‌های «الف» و «د» شامل پیش‌بینی‌های درست هستند. شما می‌توانید درصد صحت و درستی را با جمع عدد پیش‌بینی‌هایی که در این دو خانه قرار دارند و تقسیم آنها بر تمام پیش‌بینی‌های انجام شده محاسبه نمایید.

به خانه‌های «ب» و «ج» توجه کنید. وقتی تصمیم‌گیرنده پیش‌بینی می‌کند که نتیجه مورد نظر رخ نخواهد داد، ولی رخ می‌دهد، این پیش‌بینی به خانه «ب» منتقل می‌شود و یک پیش‌بینی «نادرست مثبت» نامیده می‌شود. مواردی که در خانه «ج» قرار دارند موقعیت‌هایی هستند که تصمیم‌گیرنده پیش‌بینی کرده که اتفاق خواهند افتاد ولی اتفاق نمی‌افتند و یک پیش‌بینی «نادرست منفی» نامیده می‌شوند. شما می‌توانید درصد صحت و درستی را برای هر دو نوع، از تقسیم تعداد پیش‌بینی‌ها در هر خانه بر کل تعداد پیش‌بینی‌ها محاسبه نمایید.

مثالی فرضی را در نظر بگیرید. برای کاهش جرم در تهیه مسکن اجاره‌ای، اداره پلیس صاحبان خانه‌ها را در انجام کنترل سوابق اجاره‌کنندگان یاری می‌دهد و آنها را به انجام این کار تشویق می‌نماید. به مستاجران بعدی که دارای سابقه کیفری هستند خانه اجاره داده نمی‌شود. این نوع خط‌مشی، این پیش‌بینی را به ذهن متبادر می‌کند که

اشخاص دارای سوابق جدید کیفری، رفتارهای بزهکارانه خود را در محل مسکونی اجاره ای یا نزدیکی آنجا ادامه خواهند داد، و اشخاصی که فاقد این سوابق هستند چنین رفتارهایی را مرتکب نخواهند شد. حتی طرفداران این خط‌مشی موافقت می‌کنند که این پیش‌بینی‌ها کامل و بی‌نقص نیستند، ولی بهتر است دو مسئله را بدانیم. اول، آیا این خط‌مشی، ارتکاب جرم در املاک اجاره‌ای را کاهش می‌دهد؟ یک ارزیابی می‌تواند به این پرسش پاسخ دهد. ولی حتی اگر باعث کاهش جرم شود، پیامدهای منفی آن چیست؟ پاسخ به این سؤال مستلزم تجربه و تحلیل خطا در پیش‌بینی است.

اگر می‌توانستیم اطلاعات مربوطه را جمع‌آوری نمائیم شاید می‌توانستیم جدولی شبیه جدول شماره دو تهیه کنیم. می‌بینیم که پیش‌بینی‌های خط‌مشی مذکور درست هستند. ولی در مورد خطاها چه احساسی داریم؟ آیا در مورد اشخاصی که سابقه کیفری ندارند ولی مرتکب جرم می‌شوند باید اقدامی صورت گیرد؟ آیا بسیاری از بزهکاران پیشین که دیگر مرتکب رفتارهای مجرمانه نمی‌شوند از تهیه مسکن برای خود محروم می‌مانند؟

جدول شماره دو: مثال‌هایی از تجزیه و تحلیل خطا در پیش‌بینی			
اقدام مجرمانه قبلی			
جمع	نه	بله	اقدام مجرمانه اخیر
۴۵	۱۰	۳۵	بله
۵۳۱	۴۹۶	۳۵	نه
۵۷۶	۵۰۶	۷۰	جمع
درصد درستی			٪۹۲/۲
درصد نادرست منفی			٪۱/۷
درصد نادرست مثبت			٪۶/۱

کنترل و نظارت جدی‌تر برای کاهش جرم توسط افرادی که سابقه کیفری جدید

ندارند ممکن است درصد پیش‌بینی «نادرست منفی» را کاهش دهد، ولی به خصوص اگر اطلاعات لازم برای تصمیم‌گیری نسبت به اطلاعاتی که به طور رایج استفاده می‌شود، از میزان صحت کمتری برخوردار باشد، می‌تواند باعث افزایش درصد پیش‌بینی «نادرست مثبت» شود. از طرف دیگر، تمایز قائل شدن میان متقاضیان دارای سابقه جدید کیفری، می‌تواند ضمن افزایش درصد پیش‌بینی «نادرست منفی»، درصد پیش‌بینی «نادرست مثبت» را کاهش دهد. چنین مبادله‌ای (بده بستان) کاملاً عادی است.

علاوه بر این، شاید در مورد یک نوع خطا بیش از نوع دیگر اظهار پیشمانی نمائیم. چنانچه جرم‌هایی که توسط مالکان خانه‌ها از آنها پیشگیری شده، نسبتاً جزئی باشد، آن‌گاه درصد پیش‌بینی «نادرست مثبت» ممکن است بسیار زیاد شود. ولی اگر جرائم برطرف شده از نوع خشونت‌های وخیم باشند، آن‌گاه درصد پیش‌بینی «نادرست منفی» ممکن است نگران‌کننده‌تر شود. نتایج خطاها بسیار مهم هستند و اشخاص اغلب درباره آنها با هم به توافق نمی‌رسند.

علت دیگر عدم توافق‌ها، خودِ درصدهای خطاها هستند. برآورد این درصدها اغلب بسیار مشکل است. خانه‌های سایه‌دار در جدول شماره دو را ملاحظه نمائید. در اکثر شرایط این اعداد نامعلوم خواهند بود. ممکن است مالکان خانه‌ها تعداد اشخاصی که به دلیل سوابق کیفری رد کردند را شمارش نمایند، ولی آنها (مالکان) نمی‌توانند به ما بگویند اگر این اشخاص رد نمی‌شدند چه کاری انجام می‌دادند. در شرایط دیگر حقیقت چیز دیگری است؛ با کمی دقت درصد پیش‌بینی «نادرست مثبت» ممکن است مشخص باشد، ولی پیش‌بینی «نادرست منفی» مجهول باشد. در بررسی فرودگاه، پیش‌بینی «نادرست مثبت» معلوم است زیرا پیش‌بینی داشتن کالای قاچاق با بررسی و مذاقه بیشتر پیگیری می‌شود. مسافری که مأموران امنیتی درباره او معتقدند در حال حمل اسلحه گرم است، موضوع بازرسی بسیار دقیقی خواهد بود، به این ترتیب مشخص می‌شود آیا پیش‌بینی اولیه درست بوده است یا نادرست. به هر حال، پیش‌بینی‌های

«نادرست منفی» با اطمینان بیشتری مجهول هستند. مسافری که کالای قاچاق حمل می‌کند و از قسمت امنیتی فرودگاه عبور می‌نماید، ممکن است مجدداً بازرسی نشود، بنابراین ما نمی‌توانیم دریابیم که او یک پیش‌بینی «نادرست منفی» بوده است.

در برخی شرایط این امکان وجود دارد به جای تأثیرگذاری بر خطا در پیش‌بینی و مشاهده دقیق آنها که چه اتفاقی می‌افتد، به منظور تخمین و برآورد دقیق آنها (خطا در پیش‌بینی) از آزمون راهنما استفاده نمائیم. ممکن است انجام این کار با بزه‌کارانی که ترجیح می‌دهند جرائم ارتكابی خود را مخفی نگه دارند مشکل به نظر برسد ولی می‌تواند در مورد بزه‌دیدگان بالقوه و محل‌های وقوع جرم مؤثر واقع شود. برای مثال ممکن است راهکار حل یک مسئله، مستلزم پیش‌بینی مکان‌هایی باشد که احتمال وقوع جرم در آنها و سپس مکان‌هایی که در میان آنها قرار دارد، بیشتر است. قبل از اجرای این راهکار می‌توان یک مطالعه آزمایشی در جاهایی انجام داد که پیش‌بینی‌ها انجام شده‌اند، ولی هیچ اقدامی انجام نمی‌شود. اگر درصد خطاها به صورت غیرقابل قبولی بالا باشد، آن‌گاه ارزش ندارد که راهکار مورد نظر را به اجراء درآورد.

۳۸- بدانید در اجرای راهکار نقشی کلیدی دارید

اولین تمایل پلیس، حتی هنگامی که مشغول تجزیه و تحلیل مفصل و جزء به جزء مسئله ای است، تلاش برای حل آن به وسیله تقویت و اصلاح نحوه اجرای (قانون و...) است. شما باید منتظر چنین لحظه‌ای باشید و آن را از دست ندهید، حتی اگر آثار آن کوتاه مدت و زودگذر باشد. ولی از ابتدا باید همکاران پلیس خود را کمک کنید تا راه‌حل‌های دائمی‌تری پیدا کنند. همکاران نزدیک شما می‌توانند در این راه مساعدت کنند، ولی آنها معمولاً برنامه کاری خودشان را توسعه می‌دهند و راه‌حل‌های دارای تأثیری محدود را تحمیل نمایند. نتیجه این امر اغلب به سازش و مصالحه بر مجموعه طرح‌هایی منجر می‌شود که هیچ‌یک مؤثر واقع نمی‌شوند و هر یک از آنها ممکن است یک یا دیگر اعضای گروه را متقاعد نماید. در حقیقت عدم توافق درباره راه‌حل‌های پیشنهادی، ممکن است باعث از دست دادن سرعت انجام کار شود و در واقع هیچ اقدامی به درستی انجام نشود.

شما می‌توانید این وضعیت را خاتمه دهید، ولی اول باید تبدیل به متخصصی در حوزه حل مسئله شوید. برای مثال اگر مسئله مورد نظر سرقت از خودرو است، باید بتوانید مقتدرانه درباره ناکارآمدی طرح خودروهای دام‌انداز (طعمه برای سرقت) یا تبلیغ کردن علنی «در خودروی خود را قفل کنید» صحبت کنید. اگر مسئله مورد نظر، سرقت از منازل است، باید از نتایج تحقیق در مورد دزدگیرهای منازل آگاه شوید و یا سیستم روشنایی خیابانها را تقویت کنید، هر دوی اینها ممکن است به عنوان راه‌حل پیشنهاد شوند. از آنجایی که معمولاً آثار غیرارادی این نظریه مانع پیشرفت راه‌حل‌های ابتکاری می‌شود، باید به طور کامل با نتایج حاصل از جابه‌جایی بزهکاری آشنا باشید. برای اینکه در حوزه حل مسئله متخصص شوید، باید با انجام سریع تحقیقات در متون تخصصی (راهبرد نوزده) دریابید که چگونه درباره راهکارهای معین و مشخص

درک بیشتری پیدا کنید. همچنین باید در حوزه پیشگیری وضعی از جرم، یعنی علم کاهش فرصت‌های جرم نیز خبره شوید. پیشگیری وضعی همان روش‌های تحقیق میدانی را به کار می‌برد که امور پلیسی مسئله محور از آن استفاده می‌کند، و دارای تعداد بسیار زیادی موفقیت‌های ارزیابی شده برای تایید درستی آن است. اطلاعات زیادی درباره جابه‌جایی بزهکاری، توزیع منافع، تکرار بزه‌دیدگی و مفاهیم بسیار دیگری که در این کتاب بحث شده‌اند، توسط محققان در زمینه پیشگیری وضعی گسترش یافته‌اند. در پنج راهبرد بعدی درباره بیست و پنج تکنیک پیشگیری وضعی از جرم بحث شده که به پنج گروه اصلی تقسیم می‌شود (به جدول زیر مراجعه کنید). این تکنیک‌ها توسط تقسیم‌بندی نیک تیلی از دانشگاه ناتینگهام ترنت در انگلستان تعریف می‌شوند، او این تقسیم‌بندی را مکانیزمی می‌داند که از طریق آن، تکنیک‌های مذکور دارای اثر پیشگیرانه می‌شوند. این تکنیک‌ها عبارت است از: افزایش تلاش برای ارتکاب جرم، افزایش مخاطره، کاهش منافع حاصل از جرم، کاهش تحریک و از بین بردن معاذیر.

در این جا، ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا شما باید مسئولیت تعیین و تشخیص راه‌حل‌ها بپذیرید. داشتن بیشترین مسئولیت در نظارت، تجزیه و تحلیل و ارزیابی مراحل کافی نیست؟ و حتی اگر شما این وظیفه را به عهده گرفتید، چرا باید کسی به شما توجه کند؟ برای اینکه تحلیل‌گر حل مسئله شوید باید فراتر از تجزیه تحلیل سنتی عمل نمائید. شما باید عضوی کامل و تمام عیار برای تیم حل مسئله باشید. شاید یک کارمند نسبتاً جزء باشید ولی توانایی و قدرت (حقیقی) شما، از اطلاعات تخصصی شما ناشی می‌شود، نه از پست و موقعیتتان. اگر شما پیشنهادهای جدید، یا شواهد و مدارک مستند برای نظرات مطلوب سایر اعضای گروه ارائه دهید، مردم به سخنان شما توجه خواهند کرد.

بیست و پنج تکنیک برای پیشگیری وضعی از جرم	
<p>۱. آماج‌های جرم را مقاوم کنید. ۲. دسترسی به تسهیل کننده‌ها را کنترل کنید. ۳. راه‌های خروجی را تحت نظر بگیرید. ۴. بزهکاران را منحرف نمائید. ۵. اسلحه‌ها/ آلات (جرم) را کنترل کنید.</p>	افزایش زحمت (ارتکاب جرم)
<p>۶. آماج‌های جرم را مقاوم کنید. ۷. دسترسی به تسهیل کننده‌ها را کنترل کنید. ۸. راه‌های خروجی را تحت نظر بگیرید. ۹. بزهکاران را منحرف نمائید. ۱۰. اسلحه‌ها/ آلات (جرم) را کنترل کنید.</p>	افزایش خطر (ارتکاب جرم)
<p>۱۱. آماج‌ها را مخفی کنید. ۱۲. آماج‌ها را دور از دسترس بگذارید. ۱۳. املاک و مستغلات را شناسایی کنید. ۱۴. بازارها را مختل نمائید. ۱۵. منافع را مضایقه کنید.</p>	کاهش مزایای حاصل از جرم
<p>۱۶. ناکامی‌ها و فشارها را کاهش دهید. ۱۷. از بحث و مشاجره خودداری نمائید. ۱۸. برانگیختگی و وسوسه را کم کنید. ۱۹. فشار برابر را خنثی نمائید. ۲۰. مانع تقلید شوید.</p>	کاهش تحریک
<p>۲۱. قوانین را تنظیم نمائید. ۲۲. دستورالعمل‌ها را اعلام کنید. ۲۳. هوشیار باشید. ۲۴. مطیع باشید. ۲۵. مواد مخدر و مشروبات الکلی را کنترل نمائید.</p>	از بین بردن معاذیر

هفت انتقاد به پیشگیری وضعی از جرم و تکذیب آنها	
تکذیب	انتقاد
بر مبنای سه نظریه فرصت جرم پایه‌ریزی می‌شود: فعالیت روزمره، الگوی جرم و انتخاب منطقی. همچنین از روان‌شناسی اجتماعی کمک گرفته است.	بسیار ساده انگارانه و نظری است.
مطالعه موردی بسیار زیادی نشان می‌دهد که با جابه‌جایی بسیار اندکی می‌تواند میزان ارتکاب جرم را کاهش دهد.	کارکرد آن به اثبات نرسیده است؛ جرم را جابه‌جا نموده و اغلب آن را وخیم‌تر می‌کند.
نتایج فوری به دست می‌آورد و برای یافتن راه‌حل‌های بلند مدت فرصت ایجاد می‌نماید.	باعث می‌شود توجه به عوامل ریشه‌ای ارتکاب جرم از مسیر اصلی خود منحرف شود.
بیشتر از آنچه بتواند به عهد خود وفا کند چیزی را تعهد نمی‌نماید و راه‌حل‌های آن باید الزاماً مقرون به صرفه و از نظر اجتماعی قابل قبول باشند.	رویکردی قدیمی، محافظه کارانه و مدیریتی نسبت به مسئله جرم است.
برای ثروتمند و فقیر به یک میزان امنیت ایجاد می‌نماید.	جامعه‌ای خودخواه و انحصاری را توسعه می‌دهد.
فرآیند مردمی، جامعه را از این خطرها محافظت می‌نماید. اگر ناراحتی و تخلف‌های کوچک از آزادی، مردم را از ارتکاب جرم محافظت نماید جامعه آنها را تحمل می‌کند.	باعث به وجود آمدن سازمانی می‌شود که در امور خصوصی مردم دخالت می‌کنند و آزادی‌های شخصی را محدود می‌نمایند.
با فراهم نمودن اطلاعات لازم درباره خطرهای جرم و چگونگی اجتناب از آن برای بزه‌دیدگان، آنها را قدرتمند و دارای اختیار انتخاب می‌کند.	بزه‌دیدگان را مقصر می‌داند.

همیشه راه‌حل‌هایی را انتخاب کنید که بتوانند سریعاً مسئله به وجود آمده را کنترل نمایند. به این معنی که باید به جای تأکید روی عوامل غیر مستقیم و دور، بر روی عوامل نزدیک و مستقیم پیدایش یک مسئله تمرکز نمائید. این تمایز مهم توسط پُل اِکبلم کارمند وزارت کشور مطرح شده و می‌تواند با مسئله جراحات ناشی از نزاع در میخانه‌ها به وسیله بطری‌ها و لیوانهای شکسته توضیح داده شود. عوامل اصلی غیرمستقیم می‌تواند شامل تبعیض نژادی که نسلی از جوانان اقلیت ناراضی را به وجود می‌آورد، فقدان فرصت‌های محلی شغلی ناشی از محرومیت‌های گسترده اجتماعی و ارزش نهادن به شهرتی خشن و بیرحم در جامعه‌ای محروم و قانون‌گریز باشد. عوامل وضعی و مستقیم‌تر ممکن است شامل رفتار ناشی از مستی در میخانه‌ها و مشروب‌فروشی‌های محلی و دسترسی فوری به بطری‌ها و لیوانهایی باشد که می‌تواند به آسانی به عنوان اسلحه‌ای کشنده استفاده شود.

کاهش سریع و بی‌وقفه جرم فقط می‌تواند نتیجه توجه به عوامل وضعی باشد؛ تمرکز بر روی عوامل اصلی، حتی اگر ما بدانیم که چه اقدامی باید در مورد آنها انجام بدهیم، فقط می‌تواند در آینده‌ای نسبتاً دور مفید واقع شوند، یعنی خیلی بعد از اینکه دست‌اندرکاران و مسئولان فعلی علاقه‌ای به مدارا و تحمل کردن مسئله داشته باشند. در ضمن تا زمانی که به عوامل بلافصل و مستقیم پرداخته نشود، لیوانها و بطری‌های شکسته به قربانی گرفتن ادامه خواهند داد.

پاره‌ای از راه‌حل‌های وضعی نیز مستلزم زمان زیادی برای اجراء هستند. برای مثال خطر مطرح شده در مورد لیوانها و بطری‌ها می‌تواند توسط وضع این قانون مورد توجه قرار گیرد که میخانه و مشروب‌فروشی‌ها باید فقط از لیوانها و بطری‌های محکمی استفاده کنند که پس از شکستن، به تکه‌های نرم تبدیل

می‌شوند. البته انجام این کار ممکن است سالها به طول انجامد. بسیاری از راه‌کارهای واقع بینانه‌تر ممکن است میخانه‌های محلی را برای صرف آب‌جو فقط در لیوانهای

پلاستیکی و امتناع از فروش بطری، توسط جامعه تحت فشار قرار دهد. این راه حل در مدت زمان بسیار کوتاه‌تری عملی خواهد شد. شاید به منظور حمایت از این راه‌حل، با جمع‌آوری اطلاعات درباره هزینه‌های احتمالی برای مغازه‌ها و هزینه‌های کاهش یافته جراحات و مراقبت‌های اورژانسی، نقش تحلیلی ویژه‌ای را عهده‌دار باشید. در حقیقت وظیفه جمع‌آوری اطلاعات درباره امکان تحقق، هزینه‌ها و پذیرش عمومی هر یک از طرح‌ها که توسط همکاری تیم حل مسئله به طور جدی در نظر گرفته می‌شوند، به گردن شما (چه کس دیگری؟) خواهد افتاد.

کلام آخر این که اگر قرار است کار تحلیلی دقیق شما به نتیجه برسد، باید اطلاعات را توسط دامنه‌ای گسترده از راه‌کارها به دست آورید و به منظور یافتن عقاید خوب باید نبرد کنید پس آماده شوید.

۳۹- زحمت ارتکاب جرم را افزایش دهید

در این راهبرد اصلی‌ترین اقدام‌های وضعی یعنی آنهایی که سختی ارتکاب جرم را افزایش می‌دهند توضیح داده می‌شود که آن را با مقاوم نمودن آماج جرم آغاز می‌نماییم. گاهی اوقات پیشگیری وضعی نادیده گرفته می‌شود، اگر چه آن فقط یکی از ۲۵ تکنیکی است که این رویکرد را شامل می‌شود. توجه نمائید که میان تکنیک‌ها هم‌پوشانی چشمگیری وجود دارد، برای مثال مقاوم نمودن آماج جرم، علاوه بر این که ارتکاب جرم را مشکل‌تر می‌نماید همچنین می‌تواند فعالیت بزهکاران را زمان‌بر و کند کند و احتمال دستگیری آنان را نیز افزایش دهد. برخی از اقدام‌ها می‌توانند برای دستیابی به بیش از یک هدف به کار روند. هنگامی که از این طبقه‌بندی استفاده می‌نمائید نگران این موضوع نباشید که یک اقدام معین، در کجا برای استفاده مناسب است فقط اطمینان یابید که وسیع‌ترین مجموعه راهکارهای وضعی موجود را برای مسئله‌ای معین در نظر گرفته‌اید.

آماج جرم را مقاوم نمائید. مسلماً روشی بسیار مؤثر برای متوقف نمودن مرتکب جرم تخریب یا سارق، از طریق ایجاد موانع فیزیکی مثل، قفل‌ها، حفاظ‌ها یا ابزار و وسائل مستحکم است. بیش از سی سال پیش رواج استفاده از قفل‌های فرمان در این کشور و سایر کشورها، کاهشی بلند مدت را در سرقت خودرو به همراه داشته است و امروزه وسائل ضد حریق این منافع را تقویت می‌نمایند.

محافظ‌های ضد سرقت در اداره پست لندن، سرقت مقرون به آزار یا تهدید را تا ۴۰ درصد کاهش داده و حمله و سرقت از رانندگان تاکسی در شهر نیویورک، به وسیله حفاظ‌های ضدگلوله مسافر، به طور چشمگیری کاهش یافته است (به مقاله‌های «زورگیری از رانندگان تاکسی»، «مجموعه راهنماهای مسئله محور پلیس شماره بیست و هفت»، قابل دسترسی در آدرس‌های: www.cops.usdoj.gov و www.

popcenter.org مراجعه نمایند).

دسترسی به تسهیل‌کننده‌ها را کنترل نمایند. جلوگیری از ورود اشخاص به مکانهایی که اجازه ورود به آنها را ندارند، مثل پادگانهای نظامی، کارخانه‌ها و مجتمع‌های آپارتمانی، دارای سابقه فکری و نظری طولانی است به جز اماکنی مثل: قلعه‌ها، خندق‌ها و پل‌های متحرک قلعه‌های دوران قرون وسطی. این سابقه فکری همچنین جزء اصلی و مهم نظریه اُسکار نیومن درباره فضاهای قابل دفاع، و قابل بحث در آغاز پیشرفت علمی پیشگیری وضعی است. بَری پوینر ثابت کرده که نصب تلفن در ورودی‌ها و تخریب پیاده‌روهایی که ساختمانها را به یکدیگر وصل می‌نماید، حمله و آزارهای در حین و پس از ارتکاب سرقت را در لندن به طور چشمگیری کاهش داده است (راهبرد بیست و چهار). در پاره‌ای از موارد، کنترل راه‌های ورودی به این منظور انجام می‌شود که از دارا بودن بلیط و مدارک لازم اطمینان حاصل شود. طراحی مجدد بلیط‌ها برای تسهیل کنترل آنها، باعث کاهش سریع و ناگهانی در عدم پرداخت کرایه لنج‌های مسافربری و نَکُوور در کشور کانادا شد. در مشهورترین مثال، بررسی امنیتی مسافران و وسائل آنها در فرودگاه‌ها در اوایل دهه ۱۹۷۰، باعث کاهش تعداد هواپیماهایی‌ها از هفتاد مورد به پانزده مورد در هر سال شد.

راه‌های خروجی را تحت نظر بگیرید. هدف از کنترل خروجی‌ها این است که مطمئن شویم کسانی که یک ساختمان، فروشگاه و یا دیگر اماکن را ترک می‌کنند، چیزی را به سرقت نبرده‌اند و یا بهای وسائلی را که خریداری نموده‌اند، به طور کامل پرداخته‌اند. مسافران مترو در واشنگتن دی سی باید بلیط‌های خود را نه تنها در هنگام ورود به ایستگاه‌ها، بلکه هنگام خروج نیز در خروجی‌های اتوماتیک وارد نمایند. این روش دو فرصت برای کنترل کرایه پرداخت شده را فراهم می‌آورد. در متروی نیویورک، مسافران فقط هنگام ورود به ایستگاه بلیط خود را در دستگاه قرار می‌دهند، بنابراین احتمال یافتن اشخاصی که کرایه پرداخت نکرده‌اند کاهش می‌یابد. مثال

دیگری از بررسی خروجی‌ها، شامل کنترل مرزها هنگام ترک یک کشور و استفاده از برچسب‌های الکترونیک بر روی کتاب‌های ارزشمند و اجناس است. چنانچه کتاب‌ها به طور قانونی امانت گرفته نشده باشند یا سارق بخواهد کتابی را که حاوی این برچسب است از فروشگاه خارج نماید، این برچسب‌ها زنگ خطر را فعال می‌کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهند این راهکارها، دله‌دزدی از فروشگاه‌ها و سرقت از کتابخانه‌ها را به طور چشمگیری کاهش می‌دهند.

بزهکار را منحرف کنید. در انگلستان گروه‌های (تماشاچیان) رقیب طرفدار فوتبال، به منظور کاهش نزاع و درگیری در ورزشگاه‌ها از یکدیگر جدا شدند و به منظور جلوگیری از انتظار طولانی که این نوع مشکلات را افزایش می‌دهد، عزیمت و ورود آنها به ورزشگاه برنامه‌ریزی شد. اینها مثال‌هایی از منحرف کردن بزهکاران از آماج‌های جرم است، یعنی تکنیک وضعی که نظریه فعالیت‌های روزمره آن را پیشنهاد کرده است. دیگر مثال‌ها، توسط برنامه‌های انسداد جاده‌ها ارائه شده‌اند که در بسیاری از انواع جرم، کاهش بسیار زیادی را به وجود آورده‌اند (به مسدود نمودن خیابانها و کوچه‌های فرعی به منظور کاهش جرم، مجموعه کتب مسئله محور پلیس، کتاب شماره دو راهکارها، که در آدرس‌های: www.cops.usdoj.gov و www.popcenter.org موجود است مراجعه نمائید). حتی تیراندازی در حین راندگی نیز در لس آنجلس با مسدود نمودن خیابانها کاهش یافت.

اسلحه‌ها و آلات (جرم) را کنترل نمائید. به دلیل وجود خطر تیراندازی توسط افراد مست، مشروب‌فروشی‌ها نواحی غرب امریکا، از مشتریان می‌خواهند هنگام ورود اسلحه خود را تحویل دهند. اخیراً تفنگ‌های سبک که بی‌خطرتر نامیده می‌شوند پیشرفت زیادی کرده‌اند به طوری که فقط توسط صاحبان آنها شلیک می‌شوند یا گلوله‌های مومی یا فاقد درد شدید شلیک می‌نمایند. امروزه در انگلستان برای جلوگیری از استفاده لیوان یا شیشه شکسته به جای اسلحه، بسیاری از میخانه‌ها از لیوانهای مقاوم استفاده

می‌نمایند. اولین استفاده تجاری از هویت تماس‌گیرنده یعنی استفاده از Caller-ID (پایان دهه ۱۹۸۰ در نیوجرسی) کاهش ۲۵ درصد در تماس‌های مستهجن را در پی داشت. راهبرد سی و چهار راه‌های مختلفی را فهرست کرده که شهروندان از طریق آنها سعی کرده بودند استفاده از تلفن‌های عمومی برای فروش مواد مخدر را کنترل کنند، از جمله قفل کردن تلفن‌های ورودی و برداشتن آنها از مناطقی معین. برنامه‌ریزی مجدد تلفن‌های عمومی در ایستگاه اتوبوس مَنهتن از دسترسی غیرقانونی به سرویس تلفن بین‌المللی جلوگیری به عمل می‌آورد، بنابراین شیادی چندین میلیون دلاری انجام شده توسط شیادان امحاء شد. رویه‌های پیشرفته امنیتی به منظور واگذاری کارت‌های اعتباری، کاهش چشمگیر در کلاهبرداری با استفاده از این کارت‌ها در این کشور در اواسط دهه ۱۹۹۰ به وجود آورد.

زحمت ارتکاب جرم را افزایش دهید

- آماج‌های جرم را مقاوم نمایندید
- استفاده از قفل‌های فرمان و ضد حریق
- استفاده از حفاظ‌های ضد سرقت در بانک‌ها و دفاتر پستی
- استفاده از پوشش‌های ضدگلوله برای رانندگان تاکسی
- دسترسی به تسهیل‌کننده‌ها را کنترل کنید
- نصب تلفن در ورودی‌های مجتمع‌های آپارتمانی
- استفاده از کارت الکترونیکی برای دسترسی به گاراژها و دفاتر
- طراحی فضاهای قابل دفاع برای مکانهای عمومی
- راه‌های خروجی را تحت نظر بگیرید
- کنترل ارائه بلیط برای خروج
- کنترل مدارک خروج از کشور
- استفاده از برچسب‌های الکترونیک برای فروشگاه‌ها و کتابخانه‌ها
- بزهداران را منحرف نمایندید
- جداسازی طرفداران تیم‌های رقیب در اماکن ورزشی
- مسدود نمودن خیابان
- جداسازی حمام‌های زنانه
- اسلحه‌ها و آلات (جرم) را کنترل نمایندید
- اسلحه‌ها را امن‌تر نمایندید
- برای ناکام نمودن فروشندگان مواد مخدر تماس‌های انجام شده از بجه‌های عمومی را متوقف نمایندید
- عکس خود را روی کارت‌های اعتباری و اثر انگشت خود را روی چک‌ها حک کنید.

راه حلی برای تیراندازی در حین رانندگی

گروه‌های (ارازل و اوباش)، اغلب با تیراندازی به اعضای دسته دیگر داخل خودروی در حال حرکت، ستیز را آغاز می‌کنند. پیشگیری از این «تیراندازی‌های در حال رانندگی» توسط مأموران جوان یا انجام دقیق و شدید امور پلیسی کار مشکلی است. یک راه‌حل جدید، اجرای عملیات بن بست، در منطقه‌ای شامل ده بلوک در لس آنجلس، که دارای بیشترین میزان تیراندازی در حین رانندگی و قتل اعضای این گروه‌ها بود، آزمایش شد. پلیس در بیشتر خیابانهایی که دچار این مسئله بودند موانع تردد قرار داد. این خیابانهای بن بست مانع از این می‌شد که خودروها از انتهای دیگر (که باز بود) وارد شوند و اگر هم وارد می‌شدند باید از همان راهی که آمده بودند، باز می‌گشتند. این کار نه تنها کار را برای تیراندازان سخت می‌کرد، بلکه مخاطره آنها را نیز افزایش می‌داد زیرا وقتی آنها همان مسیر را باز می‌گشتند کسانی را که هدف قرار داده بودند، آماده شلیک می‌شدند.

موانع تردد تقریباً کاهشی سریع در تیراندازی در حین رانندگی و قتل به وجود آورد. یک سال قبل از اجرای عملیات بن بست، سال ۱۹۸۹، هفت قتل در منطقه انجام شده بود. دو سال بعد پس از اینکه موانع ایجاد شدند، فقط یک قتل به ثبت رسید. هیچ مدرکی دال بر این وجود نداشت که قتل‌ها به مناطقی دیگر جابه‌جا شده باشند. نتیجه اجرای عملیات بن بست این بود که وقتی موانع برداشته شدند، قتل‌ها دوباره به میزان قبلی خود افزایش پیدا کردند.

۴۰- خطر جرم را افزایش دهید

مصاحبه‌های انجام شده با بزه‌کاران نشان می‌دهد که این اشخاص بیشتر از خطرهای بازداشت شدن می‌ترسند تا از عواقب دستگیری خود. بدیهی است که نگرانی این اشخاص منطقی است چرا که این اشخاص در صورت دستگیری، کار زیادی نمی‌توانند برای فرار از مجازات انجام دهند اما با اعمال احتیاط خواهند توانست خطر دستگیری خود را کاهش دهند. به همین خاطر است که پیشگیری وضعی، خطر دستگیری را افزایش داده و تلاش برای مجازات اشخاص را غیرضروری می‌سازد.

افزایش سطح ایمنی. کوهن و فیلسون نشان داده‌اند که افزایش آمار سرقت از منازل طی دو دهه ۶۰ و ۷۰، تا حدودی به افزایش شمار زنانی که در خارج از خانه کار می‌کردند بر می‌گشت. این بدان معنا بود که بسیاری از منازل (اگر نگوئیم همه آنها) در اکثر ساعت‌های روز هیچ نگهبان توانمندی نداشتند. تحقیقات دیگر نشان داده‌اند که سارقان، عصر روزهای وسط هفته که مردم معمولاً بیرون از منازل خود هستند را برای سرقت ترجیح می‌دهند. به همین خاطر است که دائماً به مردم گوشزد می‌شود که از خرید روزنامه صرف‌نظر کنند (زیرا با عدم حضور صاحب‌خانه در منزل و انباشته شدن روزنامه‌ها در پشت در، سارقان به راحتی تشخیص می‌دهند که کدام منازل خالی هستند. م) و پیش از رفتن به تعطیلات حتماً همسایگان را از نبود خود در منزل مطلع سازند. به همراه داشتن تلفن همراه یا قدم زدن‌های دسته‌جمعی در شب نیز راه‌های دیگری برای افزایش سطح ایمنی به حساب می‌آیند. در حال حاضر مردم از تأثیر مثبت این نوع هشدارها چندان مطلع نبوده‌اند ضمن آن‌که گوشزد نمودن به همسایه برای مراقبت از منزل که بهترین راه برای افزایش سطح ایمنی تلقی می‌شود نیز چندان استقبال نشده است. با این حال طرح نگهبان محله «کُکون» که در آن ساکنان منازل اطراف را پس از وقوع سرقت از جریان مطلع می‌کرد عنصر مهمی از یک پروژه موفق

در منطقه «کایرخولت» انگلیس به حساب می‌آمد.

تسهیل نظارت طبیعی. صاحب‌خانه‌ها بوته‌های رشد کرده در نزدیکی در و پنجره منازل خود را کوتاه کرده و بانک‌ها و منازل اطراف نیز برای فراهم کردن امکان نظارت طبیعی چراغ‌های خود را روشن می‌گذارند تا اشخاصی که همه روزه در اطراف آنها به کار و فعالیت مشغولند بتوانند نظارت کافی داشته باشند. افزایش سطح نظارت طبیعی نیز، هدف اصلی روشن کردن خیابانها و طراحی فضاهای قابل رویت است. تحقیقات انجام شده در انگلیس نشان داده‌اند که بهبود وضعیت روشنایی اماکن عمومی، نرخ جرم را ضمن اندک بودن ادله مبنی بر جابه‌جایی آن کاهش می‌دهد. یکی از اقدام‌های اولیه انجام شده از طریق CPTED برای کاهش سرقت در یکی از مناطق تجاری «ارگون» واقع در «پرتلند» افزایش سطح روشنایی در محدوده بیرونی فروشگاه‌ها بود. اُسکار نیومن کاهش جرم در اماکن عمومی را از طریق اجرای اصول نظارت طبیعی موفقیت‌آمیز گزارش کرد. نهایتاً اینکه استفاده از منابع و مخبران تلفنی و اجرای برنامه‌های متوقف‌کننده جرم نیز تلاش‌های دیگری برای افزایش سطح نظارت طبیعی انجام شده توسط مردم به شمار می‌روند.

کاهش سطح گمنامی. مردم با خرید خودرو، فعالیت کردن در فواصل دور از منزل را برای خود آسان ساخته‌اند. افزایش تعداد مراکز خرید برون شهری تمایل مردم برای رفتن به مراکز تجاری درون شهری را کاهش داده است. مسافرت‌های کم‌هزینه میزان گردش‌های داخلی و خارجی را افزایش داده و همین مسئله باعث شده تا مردم مدت زمان بیشتری را در میان اشخاص غریبه سپری نمایند. ساخت مدارس بزرگ نیز نقش به‌سزایی در تحقق این موضوع ایفا کرده است چرا که در این‌گونه مدارس دانش‌آموزان آشنایی کمتری با کارکنان مدرسه و دانش‌آموزان دیگر خواهند داشت. کاهش سطح گمنامی تدبیر وضعی مؤثری است که متأسفانه به ندرت به کار گرفته می‌شود. امروزه برخی مدارس دانش‌آموزان را به پوشیدن یونیفرم ملزم ساخته و از این طریق تلاش

کرده‌اند تا میزان گمنامی آنها را در طول مسیر مدرسه تا منزل کاهش دهند. استفاده از آرم ویژه شناسایی رانندگان تاکسی و برجسب‌های شماره دار با مضمون «رانندگی من چگونه است؟» بر روی کامیون‌ها (از شماره ۱ تا ۸۰۰) نیز روش‌های دیگری برای کاهش سطح گمنامی به شمار می‌روند.

به کارگیری مدیر در اماکن. برخی کارمندان علاوه بر انجام وظایف اصلی خود به اجرای وظایف نظارتی نیز می‌پردازند. این مدیران اماکن شامل فروشندگان، نگهبانان در هتل‌ها و نگهبانان پارکینگ خودروها می‌شوند. تحقیقات انجام شده توسط محققان کانادایی ثابت کرده است که مجتمع‌های مسکونی دارای نگهبان، آسیب‌پذیری کمتری در مقابل سرقت دارند. اعطای تشویقی به صندوق داران بانک برای شناسایی کارت‌های اعتباری تقلبی یا سرقتی میزان سوء استفاده از دستگاه‌های خودپرداز الکترونیک در نیوجرسی را تا حدود ۱ میلیون دلار در سال کاهش داد. تخریب اتوبوس‌های دو طبقه در شمال انگلیس نیز پس از نصب دوربین‌های مداربسته در آنها تا حد زیادی کاهش یافت. گماشتن دو نگهبان جلوی در فروشگاه‌های رفاه، به خصوص در شب، تأثیر چشمگیری در جلوگیری از بروز سرقت در آنها داشته است (به جدول رجوع کنید).

تقویت نظارت‌های رسمی. این گونه نظارت‌ها توسط نیروهای پلیس، نیروهای امنیتی و نگهبانان فروشگاه‌ها که همگی نقش بازدارنده‌ای در قبال بزهکاران دارند انجام می‌شوند. دزدگیرها، دوربین‌های مداربسته و دوربین‌های کنترل سرعت می‌توانند به ارتقاء این نوع نظارت‌ها کمک کنند. تحقیق انجام شده در یکی از مناطق مرفه‌نشین فیلادلفیا نشان داد که افزایش استفاده از دزدگیر، نرخ سرقت و در نتیجه هزینه‌های پلیس را در آن منطقه تا حد زیادی کاهش داده است. مطالعه انجام شده توسط وزارت کشور انگلیس نشان داده‌اند که جرائم مختلف پس از نصب دوربین‌های مداربسته در شهرهای انگلیس کاهش چشمگیری داشته‌اند (به نظارت تصویری از اماکن عمومی).

مجموعه راهنماهای ویژه حل مسئله‌های پلیسی، راهنمای راهکاری شماره سه، موجود در سایت «www.cops.usdoj.gov» و «www.popcenter.org» رجوع کنید.) بررسی رادارهای تصویری تعبیه شده در سطح ایالت ویکتوریای استرالیا نشان داد که این رادارها سرعت خودروها را کاهش داده و در کاهش ۴۵ درصد ترافیک شهرها نیز نقش به‌سزایی ایفا نموده‌اند. طرح گشت‌زنی با دوچرخه در سطح معابر عمومی که توسط شرکت امنیت خصوصی در یکی از پارکینگ‌های بزرگ حومه شهر ونکوور به اجراء درآمد، کاهش چشمگیر سرقت خودروها را در پی داشت. پس از آن‌که مأموران امنیتی کار شمارش روزانه و سیستماتیک کالاهای تجاری پرخطر نظیر وی سی آر و دستگاه‌های فیلم‌برداری کوچک را آغاز کردند، سرقت‌های انجام شده توسط کارکنان انبار یکی از فروشگاه‌های محصولات الکترونیک در نیوجرسی تا بیش از ۸۰ درصد کاهش یافت. همان‌طور که در تحقیق انجام شده توسط «اکهارت کالهورن» نشان داده شده، امروزه روش‌های نظارت رسمی قدرتمند و جدیدی به واسطه مرتبط ساختن دستگاه‌های اطلاعاتی با اشخاص به کار گرفته شده‌اند. وی نشان داد که چگونه تنظیم اظهارنامه‌های رایانه‌ای برای درآمد شخصی توسط مدعیان و ارسال آنها برای دو دستگاه دولتی مجزا در سوئد میزان کلاهبرداری از امکانات رفاهی را کاهش داد. در گذشته شهروندان سوئدی زمانی که قصد داشتند از کمک هزینه اجاره استفاده نمایند سقف درآمد خود را پائین اعلام کرده ولی زمانی که می‌خواستند از دستمزد ایام بیماری استفاده نمایند آن را بالا اعلام می‌کردند ولی تنظیم رایانه‌ای اظهارنامه برای درآمد شخصی اشخاص این نوع برداری را تا حد زیادی کاهش داد.

منابع دیگر:

پینتر، کیت و نیک تیلی (۱۹۹۹). «نظارت بر اماکن عمومی»: CCTV، روشن کردن خیابانها و پیشگیری از جرم». مطالعه انجام شده در خصوص پیشگیری از جرم، جلد دهم. ماسنی، نیویورک: انتشارات «عدالت کیفری». موجود در سایت «www.popcenter.org»

جدول شماره یک

اقدام‌های که میزان سرقت مقرون به آزار یا تهدید از فروشگاه‌های رفاه را کاهش می‌دهد (براساس نتایج به دست آمده از چهارده تحقیق).	
شمار تحقیقات مرتبط	
۱۰	به کار گرفتن دو یا چند نگهبان در آنها
۸	جابجایی اصولی وجوه نقد
۶	فراهم آوردن شرایطی که راه ورود مخفی وجود نداشته باشد
۵	ساخت آنها در کنار فروشگاه‌های دیگر
۵	خلق چشم‌انداز واضح در ضلع جلویی آنها
۵	تعطیل نمودن آنها طی ساعت‌های شب
۵	استفاده از فناوری‌های امنیتی
۴	قرار دادن دستگاه‌های خودپرداز آنها در داخل محفظه‌های مطمئن
۴	آموزش کارکنان
۳	خلق چشم‌انداز واضح در داخل آنها
۳	احداث پمپ بنزین در جلوی آنها
۳	قرار دادن دستگاه‌های خودپرداز در مرکز آنها
۲	ساخت آنها در خیابانهای شلوغ
۲	گماشتن مأموران امنیتی
<p>همه مطالعات انجام شده کلیه اقدام‌های مذکور را دررنمی‌گیرند. منبع: هانتر و جفری (۱۹۹۷). «پیشگیری از سرقت در فروشگاه‌های رفاه به کمک طراحی محیطی». پیشگیری وضعی از جرائم: مطالعات موردی موفق، رونالد کلارک. مونسی، نیویورک: انتشارات «عدالت کیفری».</p>	

جدول شماره دو

افزایش خطرهای جرم
<p>افزایش سطح ایمنی</p> <ul style="list-style-type: none"> • اهمیت دادن به هشدارهای رایجی همچون اشغال جلوه دادن منزل پس از ترک آن، همراه داشتن تلفن همراه و بیرون رفتن به صورت «دسته جمعی» در شب • طرح نظارت محله «ککون» <p>فراهم کردن امکان نظارت طبیعی</p> <ul style="list-style-type: none"> • افزایش روشنایی سطح خیابانها • طراحی فضاهای قابل رویت • نگهبان محله و منابع و مخبران تلفنی <p>کاهش سطح گمنامی</p> <ul style="list-style-type: none"> • آرم‌های ویژه خودروهای تاکسی • برچسب‌های ویژه کامیون‌ها با مضمون «رانندگی من چطور است؟» • یونیفورم‌های مدارس <p>به کارگیری مدیر در اماکن</p> <ul style="list-style-type: none"> • آموزش کارکنان برای پیشگیری از جرم • اعطای پاداش به صندوق‌داران هوشیار • حمایت از منابع و مخبران <p>تقویت نظارت رسمی</p> <ul style="list-style-type: none"> • تعبیه دوربین‌های کنترل سرعت و انجام تست اتفاقی تنفس • نظارت تصویری از مراکز تجاری درون شهری • استفاده از نیروهای گشتی دوچرخه‌سوار در پارکینگ خودروها

۴۱- عواید جرم را کاهش دهید

تئوری انتخاب منطقی بر این باور است که بزهکاران همواره به دنبال کسب سود از جرائم ارتكابی خود هستند. این سودها فقط بهره مادی نیستند (همچون سرقت) چرا که معمولاً در جرائم، موضوع های دیگری همچون سوء استفاده های جنسی، مستی، هیجان، انتقام، دستمزد گرفتن از اعیان و اشراف و نظیر اینها نیز مطرح می شود. از این رو یکی از ابعاد مهم پیشگیری وضعی، پی بردن به عواید بزهکارانه خاص و یافتن راه های مناسب برای کم کردن و حذف آنها است.

مخفی نمودن آماج های جرم. صاحب خانه ها معمولاً تلاش می کنند تا با مخفی نمودن جواهر آلات و دیگر اشیاء ارزشمند سارقان را ناکام بگذارند. این اشخاص همچنین کرکره منازل خود را پائین کشیده و از این طریق مانع آن می شوند که سارقان بتوانند از پنجره داخل خانه را ببینند. برخی اشخاص در اماکن عمومی زنجیر طلا بر گردن نیاویخته و برخی دیگر نیمه شب خودروی خود را بیرون از پارکینگ رها نمی کنند (به خصوص اگر خودروی آنها همچون خودروهای هوندا و آکورا برای تفریح کنندگان با خودروی مسروقه جذاب باشد). جدول ذیل که حاوی اطلاعات مربوط به جرائم بریتانیا است، نشان می دهد که خودروهای رها شده در خیابان در مقایسه با خودروهایی که در پارکینگ یا جلوی در منزل صاحبان آنها پارک می شوند بسیار بیشتر در معرض خطر سرقت قرار خواهند داشت. همه اینها راه هایی برای مخفی نمودن آماج و کاهش وسوسه سارقان برای سرقت به حساب می آیند. برخی راهبردهای مخفی سازی از وضوح کمتری برخوردارند. برای مثال مشخص نکردن جنسیت در فهرست شماره تلفن ها، زنان را از مزاحمت های تلفنی در امان نگه داشته یا این که نچسباندن برچسب های ویژه بر روی کامیون های دارای حفاظ، خطر سرقت از آنها در جاده ها را کاهش می دهد.

جدول شماره یک

سرقت خودروها و مکانهای پارک: انگلیس و ولز، اطلاعات مربوط به جرائم بریتانیا	
محل پارک شدن خودرو	جرائم خودرویی رخ داده طی ۲۴ ساعت در بین ۱۰۰۰۰ خودرو*
پارکینگ منزل	۲
داخل خیابانهای اختصاصی	۴۰
خیابانهای دیگر	۳۲۷
پارکینگهای عمومی	۴۵۴
* که شامل سرقت‌ها، شروع به سرقت و تخریب عمدی خودروها می‌شوند. منبع: کلارک، رونالد و پت می‌هیو (۱۹۹۸). «پیشگیری از جرم در پارکینگ‌ها». کاهش نرخ جرم به کمک مدیریت و توسعه املاک، مارکوس فِلِسون و ریچارد پیسر، واشنگتن دی سی: مؤسسه زمین‌های شهری.	

حذف آماج‌های جرم: نصب دستگاهی که کارت‌های اعتباری را در یکی از کلیساهای اسپانیا قبول می‌کرد مزایای متعددی را به همراه داشت: اعانه‌دهندگان برای بهره‌مندی از تخفیف‌های مالیاتی، رسید دریافت کرده، هدایای بزرگ‌تری توسط کلیسا دریافت گردیده و خطر سرقت نیز با حذف آماج به حداقل رسیده بود چرا که پذیرش وجه نقد در آن امکان‌پذیر نبود. این تدبیر وضعی قبلاً هم در روزهای حمله به معادن طلای کالیفرنیا نیز به کار بسته شده بود. یکی از این معادن که از سرقت دلیجانها به تنگ آمده بود دست به ابتکاری جالب زده و طلاهای استخراج شده را به شکل شمش‌های ۴۰۰ پوندی درآورد. حمل این شمش‌های سنگین برای اسب‌های سارقان بسیار سخت بود. یکی از نمونه‌های جدیدتر حذف آماج، تغییرهای اعمال شده بر روی تلفن‌های سکه‌ای بوده است. برای جلوگیری از شکسته شدن شیشه باجه‌های تلفن توسط اشخاص، باجه‌های فلزی جایگزین کیوسک‌های شیشه‌ای در مناطق پرخطر انگلیس گردید و به جای تلفن‌های سکه‌ای که مقادیر زیادی پول در خود جای داده

و آماج مهمی برای سرقت به حساب می‌آمدند کارت‌های تلفن روی کار آمده‌اند. شاید بارزترین نمونه حذف هدف، صندوق‌ها و سیستم‌های پرداخت کرایه دقیق در اتوبوس‌ها باشند چرا که این صندوق‌ها زورگیری از رانندگان اتوبوس نیویورک و هجده شهر دیگر را در اواخر دهه ۶۰ به میزان چشمگیری کاهش دادند.

شناسایی اموال. در کشورهای توسعه یافته وسایل نقلیه موتوری باید ثبت گردیده و کد شناسایی منحصر به فردی همراه داشته باشند. این نوع راهکارها علاوه بر کمک به مأموران مالیاتی، در کاهش سرقت نیز کارساز بوده‌اند. یکی از ایالت‌هایی که ثبت وسایل نقلیه را در ۱۹۳۴ اجباری نمود ایلینویز بود. این کار باعث گردید تا سرقت خودرو در این ایالت از ۲۸۰۰۰ مورد در سال گذشته به حدوداً ۱۳۰۰۰ مورد کاهش پیدا کند. اخیراً یعنی در ۱۹۸۴ نیز قانون فدرال وضع شده برای وسایل نقلیه موتوری مربوط به پلیس، اعطای کد شناسایی به کلیه اجزای اصلی خودروهای پرخطر را اجباری نمود. برنامه‌های «عملیات شناسایی» پلیس موفقیت کمی را در این کشور به دست آوردند ولی «گلوریا لیکاک» از مؤسسه علوم جنایی «جیل داندو» نشان داده که اعطای کد شناسایی به وسایل نقلیه سه منطقه کوچک در ولز به همراه تبلیغات رسانه‌ای گسترده شمار سرقت‌های گزارش شده داخلی را به نصف رسانده است.

اختلال در بازار معامله اموال مسروقه. جرم‌شناسان و پلیس به اهمیت مختل نمودن بازار معامله اموال مسروقه توجه کمی کرده‌اند. جرم‌شناسان دسترسی به اطلاعات این بازارها را دشوار خوانده و پلیس نیز دستگیری سارقان را به دستگیری مال‌خرها ترجیح می‌دهند چرا که اصولاً مجازات‌های در نظر گرفته شده برای مال‌خرها نسبتاً سبک هستند. با این حال اگر بازاری برای معامله کالاهای سرقتی وجود نداشت تعداد سارقان سمج و کامیون‌های سرقتی حامل مقادیر زیاد الکل و تنباکو نیز کاهش می‌یافت. تلاش‌های اخیر انجام شده توسط مایک سائین (از کارکنان وزارت کشور انگلیس) مختل نمودن بازار معامله کالاهای سرقتی را پررنگ‌تر جلوه داده است.

راهکارهای در نظر گرفته شده برای ایجاد اختلال در این نوع بازارها شامل نظارت دقیق پلیس بر معامله های انجام شده در فروشگاه های رهنی، مقابله با فروشندگان خیابانی و غیرقانونی کالاها و نظارت دقیق بر آگهی های کوچک فروش در روزنامه ها برای شناسایی دست فروشان حرفه ای می شود. اجرای عملیات های ویژه پلیسی نظیر افتتاح ساختگی فروشگاه های سمساری نیز باید به کلی از دستور کار پلیس خارج گردند چرا که تحقیقات نشان داده اند این کار خود به افزایش سرقت در مناطق اطراف این فروشگاه دامن می زند.

محروم نمودن از منافع. نصب دستگاه های کنترل سرعت راهی مطمئن برای محروم نمودن سارقان از فرار سریع با خودروهای سرقتی است. استفاده از بی سیم های رمزدار و امنیتی در خودروها و نصب برچسب های جوهرریز بر روی البسه، تکنیک های دیگری برای پیشگیری از جرم هستند. بی سیم های رمزدار و امنیتی در صورت بی اطلاعی فرد سارق از رمز آنها کار نکرده و بررسی های انجام شده در امریکا و استرالیا نیز نشان داده اند که نرخ سرقت خودروهای مجهز به این بی سیم ها در مقایسه با خودروهای دیگر کمتر است. برچسب های جوهرریز نیز برای پیشگیری از دزدی در فروشگاه های لباس می شوند. این برچسب ها لباس هایی که بدون اجازه برداشته شوند را به شکلی غیرقابل امحاء لکه دار می کنند. این کار انگیزه سارقان را برای سرقت لباس از بین می برد چرا که در صورت ریختن جوهر بر روی این نوع لباس ها، بر تن کردن یا فروش آنها نیز غیرممکن خواهد بود.

منابع دیگر:

ساتن، مایک و همکاران (۲۰۰۱). مقابله با سرقت اجناس با استفاده از رویکرد «اختلال در بازار»، مجموعه تحقیقات انجام شده بر کاهش جرم، صفحه ۸. لندن: وزارت کشور.

جدول شماره یک

راهکارهای اتخاذ شده برای کاهش منافع حاصل از جرم
<p>مخفی نمودن آماج‌های جرم</p> <ul style="list-style-type: none"> • عدم پارک خودرو در خیابان به دلیل جذاب بودن آنها برای تفریح‌کنندگان با خودروی مسروقه • مشخص نکردن جنسیت اشخاص در فهرست شماره‌های تلفن • نجسباندن آرم ویژه بر روی کامیون‌های دارای حفاظ <p>حذف آماج‌های جرم</p> <ul style="list-style-type: none"> • استفاده از بی‌سیم‌های متحرک در خودروها • ایجاد سرپناه برای بانوان • استفاده از کارت‌های تلفن برای کیوسک‌های تلفن <p>شناسایی اموال</p> <ul style="list-style-type: none"> • اعطای کد شناسایی به وسیله نقلیه • اعطای مجوز به وسائل نقلیه و کدگذاری بر اجزای آنها • نصب برچسب بر روی وسائل نقلیه <p>اختلال در بازار معامله اموال مسروقه</p> <ul style="list-style-type: none"> • نظارت بر معامله‌های انجام شده در فروشگاه‌های رهنی • نظارت بر آگهی‌های تبلیغاتی طبقه‌بندی شده • اعطای مجوز به دست‌فروشان خیابانی <p>محروم نمودن از منافع</p> <ul style="list-style-type: none"> • استفاده از برچسب‌های جوهرریز در لباس‌ها • پاک کردن دیوارهایی که بر روی آنها شعارنویسی یا نقاشی شده است

حذف مزایای حاصل از دیوارنویسی

قطارهای زیر زمینی شهر نیویورک که تبلیغات زیادی بر روی بدنه آنها نوشته می‌شود به ابزاری تجاری در دهه ۷۰ و ۸۰ تبدیل گردیده و دائماً در ابتدای فیلم‌هایی که در مترو ساخته می‌شدند ظاهر می‌گردیدند. مقام‌های متروی زیر زمینی شهر نیویورک تدابیر قانونی و اجرایی بیشماری را برای خلاص شدن از شر این تبلیغات به کار بستند ولی متأسفانه نتایج چندان موفقیت‌آمیزی برایشان حاصل نگردید. این اشخاص سرانجام به ایده ساده‌ای دست پیدا کردند که موفقیت را برای آنها به همراه داشت: به محض آن‌که بدنه یک قطار از تبلیغات متعدد پر می‌شد قطار مذکور از سرویس‌دهی خارج گردیده و در صورت تکرار این قضیه باز هم عملیات پاک‌سازی بر روی آن انجام می‌شد. این اقدام باعث می‌شد تا عوامل نصب برچسب و تبلیغات دیگر نتوانند تبلیغات خود را در اماکن عمومی به معرض نمایش بگذارند. از آنجا که تعداد قطارهای زیرزمینی شهر نیویورک زیاد بود عملیات پاک‌سازی آنها شش سال به طول انجامید. این روزها وضعیت ظاهری قطارهای این شهر مطمئناً از وضعیت ظاهری قطارهای زیرزمینی شهرهای دیگر بدتر نیست.

قطارهای پاک‌سازی شده

سال	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹
هدف	---	۱۷۲۰	۳۴۳۴	۴۷۰۷	۵۹۴۶	۶۲۲۱
واقعی	۴۰۰	۱۹۱۵	۳۴۵۴	۴۸۳۹	۶۰۷۷	۶۲۴۵

منبع: اسلوان- هوویت، مریالیس و جورج کلینگ (۱۹۹۷)، «شعارنویسی بر روی قطارهای زیر زمینی شهر نیویورک: تزئین قطارها در مقابل پاک‌سازی آنها»، «پیشگیری وضعی از جرائم: مطالعات موردی موفق»، رونالد کلارک، مونسی، نیویورک: انتشارات «عدالت کیفری».

۴۲- عوامل تحریک‌آمیز را کاهش دهید

ریچارد ورتلی با مطالعه وضعیت زندانها و مشروب‌فروشی‌ها دریافت که ازدحام، عدم وجود امکانات رفاهی و رفتار بی‌ادبانه اصلی‌ترین عوامل بروز خشونت در هر دوی این مکانها بودند. این مسئله باعث گردید تا وی ادعا کند پیشگیری وضعی از جرم منحصراً روی فرصت‌های ارتکاب جرم متمرکز گردیده و معمولاً از ویژگی‌های وضعی که وقوع جرم را تسریع یا کاهش می‌دهند غافل می‌ماند. در نتیجه، تحقیقات وی موجب گردیدند تا کلارک و کرنیش برای کاهش آنچه که در طبقه‌بندی آنها از تکنیک‌های وضعی «عوامل تحریک» خوانده می‌شدند پنج تکنیک را معرفی نمایند. این تکنیک‌ها که مثال‌های ورتلی را به تصویر می‌کشند در ذیل توضیح داده شده‌اند.

کاهش فشار و استرس. مردم معمولاً در مواقعی که پیش‌خدمت‌های رستوران با آنها بی‌ادبانه برخورد کرده، از سوی دیگران تحت فشار قرار گرفته یا با تأخیر بدون علت حرکت قطارها مواجه می‌شوند از کوره در می‌روند. گاهی اوقات اشخاص آن‌قدر عصبانی می‌شوند که دست به حرکات خشونت‌بار می‌زنند. موضوعی که با ارائه خدمات بهتر که همواره نیز از سوی مردم تقاضا می‌شود قابل پیشگیری است. با این حال در مواقعی که شاکیان قدرت کافی برای دفاع از خود ندارند، شکایاتشان نیز نادیده گرفته می‌شود. برای مثال هر زمان که زندانیان از ناتوانی در غذا خوردن حین گرسنگی یا ناتوانی در انتخاب برنامه‌های تلویزیون شکایت می‌کنند، شکایاتشان نادیده گرفته می‌شود. هرچند که این مسائل با تنظیم وعده‌های غذایی و تهیه تلویزیون‌های بیشتر به راحتی قابل حل است. یا مثلاً زمان انتظار زندانیان برای استفاده از تلفن که یکی دیگر از دلائل اصلی ناراحتی این اشخاص است می‌تواند با به کارگیری سیستم‌های رایانه‌ای سهمیه‌بندی تلفن کاهش یابد (به جدول رجوع کنید). بروز رفتارهای خشونت‌بار و پرخاشگرانه از احساس ناراحتی زیاد در مواقعی که مثلاً سر و صدا زیاد بوده، اشخاص

به یکدیگر تنه زده و جایی برای نشستن وجود ندارد نیز نشأت می‌گیرد. این شرایط در بسیاری از کلوپ‌ها، کافه‌ها و پروازهای به تأخیر افتاده مشاهده شده و دائماً نیز باعث بروز مشکل می‌شوند. در چنین شرایطی افزایش تعداد صندلی‌ها، نواختن موزیک‌های آرام و کم کردن روشنایی محیط تأثیر به‌سزایی در کاهش استرس اشخاص خواهد داشت.

جلوگیری از بروز درگیری. در استادیوم‌های ورزشی انگلیس هواداران دو تیم رقیب از یکدیگر جدانگه داشته شده و ورود و خروجشان نیز به گونه‌ای تنظیم می‌شود که زمان انتظار اشخاص که خود عامل بروز مشکل به حساب می‌آید کاهش پیدا کند. کرایه‌های تاکسی از فرودگاه «کندی» شهر نیویورک تا مانهاتن ۴۵ دلار تعیین شده است تا جلوی تقلب و بروز درگیری بر سر کرایه گرفته شود. برای آن‌که در پیست موتورسواری گراندپریکس استرالیا مدیریت جمعیت به شکل صحیحی به‌اجراء درآید به موتورسواران اجازه داده شد عملیات گروهی با همکاران خود انجام دهند، ضمن آن‌که به توسعه اجرای وضع قوانین خاص برای استفاده از امکانات نیز تشویق گردیدند. این مسئله باعث گردید تا درگیری میان پلیس و موتورسواران که در سال‌های گذشته حوادثی را رقم زده بود از بین برود.

کاهش تحریک و وسوسه. پزشکان مرد نباید بدون حضور پرستاران یا متصدیان پذیرش به معاینه فیزیکی و دقیق بیماران زن پردازند. این کار از وارد آوردن اتهام‌های نادرست به پزشکان جلوگیری کرده و وسوسه شدن آنها برای سوء استفاده‌های نامناسب و جنسی از بیماران را کاهش می‌دهد. قوانینی که بزهکاران کودک‌آزار را از کار کردن با کودکان منع می‌کنند نه تنها از کودکان محافظت به عمل آورده بلکه به اشخاص بزرگسال نیز در کنترل امیال جنسی شان کمک می‌کنند. این‌که مشاهده یک تفنگ، احساس خشونت‌آمیز انسان برای چکاندن ماشه آن را تحریک می‌کند خود دلیل مناسبی برای جلوگیری از قرار دادن سلاح در معرض دید است. یا مثلاً این‌که شمار

چشمگیری از متجاوزان جنسی عکس‌ها یا فیلم‌های مستهجن در اختیار دارند دلیل منطقی برای کنترل این ابزار است. نهایتاً اینکه کاهش وسوسه، هدف اصلی توصیه‌هایی نظیر مراقب بودن حین حمل پول در انظار عمومی یا تنها بیرون رفتن خانم‌های جوان به هنگام شب به حساب می‌آید.

بی اثر کردن فشار اطرافیان. بسیاری از پدر و مادرها کودکان خود را از رفت و آمد با دوستان ناباب منع می‌کنند، این در حالی است که مدارس نیز دانش‌آموزان مشکل‌ساز خود را به گروه‌های مختلفی تقسیم می‌کنند. با این حال هم پدر و مادرها و هم فرزندان آنها دائماً در معرض این نوع فشارها قرار می‌گیرند. کارکنان فعلی، کارکنان تازه وارد را به سرقت از کارفرمایان خود تشویق کرده و جوانان نیز در اغلب موارد دوستان خود را به نوشیدن بیش از حد مشروب تشویق می‌کنند. یکی از آزمایش‌های عمومی انجام شده در استرالیا برای بررسی تأثیر مثبت تست‌های تنفسی از رانندگان بر شعار «اشخاص خوب اجازه نمی‌دهند دوستانشان در حالت مستی پشت فرمان بنشینند» تأکید داشت.

جلوگیری از تقلید. تلویزیون‌های جدید همگی دارای سیستمی هستند که به پدر و مادرها اجازه می‌دهند برنامه ریزی لازم را بر روی آنها انجام داده و از این طریق مانع مشاهده برنامه‌های خشن توسط فرزندان خود شوند. امروزه ارتباط میان فیلم‌های تلویزیونی و خشونت موجود در سطح جامعه هنوز به طور کامل اثبات نشده ولی موضوع این است که برخی شواهد از وقوع جرائم تقلیدی حکایت دارند چرا که گزارش‌های رسانه‌ای تهیه شده از جرائم نامتعارف در برخی موارد تقلید اشخاص دیگر را در پی داشته‌اند. برای مثال نشان داده شده دانش‌آموزانی که ملاحظه می‌کنند معلمان آنها به انجام فعالیت‌های غیرقانونی رایانه‌ای می‌پردازند، بیشتر در معرض خطر ارتکاب جرائم رایانه‌ای قرار داشته، یا این‌که رهگذرانی که می‌بینند بقیه اشخاص از چراغ قرمز رد می‌شوند بیشتر برای پیروی از آنها تحریک می‌شوند. آیا برای خود شما

پیش آمده که ابتدا چراغ قرمز را رد کرده و سپس از آیینه خودروی خود ببینید که آیا خودروی پشت سری شما هم این کار را انجام داده است یا خیر؟ این نیز نشان داده شده که میزهای خراش داده شده و کنده کاری شده در پارک‌های جنگلی بیشتر توجه اطرافیان را برای آسیب رساندن مجدد به آنها جلب می‌کنند. یافته‌هایی نظیر این‌ها اتخاذ سیاست «تعمیر سریع» را برای مقابله با تخریب، منطقی جلوه می‌دهند. ویلسون و کلینگ این اصل را در مقاله معروف خود یعنی «پنجره‌های شکسته» بیشتر تشریح نموده‌اند. آنها در این مقاله عنوان کرده‌اند که عدم مقابله سریع با نشانه‌های جزئی فساد در جامعه همچون تکدی‌گری یا خودفروشی روسپی‌ها خیلی زود به بدتر شدن اوضاع خواهد انجامید چرا که در چنین حالاتی بزهکاران سنگ‌دل به این‌گونه مناطق هجوم آورده، از هرج و مرج حاکم شده بهره‌برداری خواهند کرد.

منابع دیگر:

ورتلی، ریچارد (۲۰۰۱)، «طبقه‌بندی تکنیک‌های ابداع شده برای کنترل عوامل وضعی تسریع کننده جرم»، نشریه «Security»، ۸۲-۶۳:۱۴

کاهش عوامل تحریک‌آمیز

کاهش فشار و استرس

- سرویس‌دهی کارآمد و مؤدبانه
- افزایش تعداد صندلی‌ها
- نواختن موزیک‌های ملایم و کم کردن روشنایی محیط

جلوگیری از بروز درگیری

- جدا نمودن هواداران تیم‌های رقیب در فوتبال
- کاستن از جمعیت مشروب‌فروشی‌ها
- تثبیت نرخ کرایه‌های تاکسی

کاهش وسوسه و تحریک

- کنترل ابزار مستهجن و خشونت‌آمیز
- ممانعت از کار کردن اشخاص کودک‌آزار در کنار کودکان
- مشاوره برای ممانعت از بزهدیدگی جنسی

بی‌اثر کردن فشار اطرافیان

- «مشروب خوردن و رانندگی اشخاص لایالی»
- «نه گفتن از همه چیز بهتر است»
- طبقه‌بندی اشخاص مشکل‌ساز در مدارس

جلوگیری از تقلید

- تعمیر سریع تأسیسات تخریب شده
- وجود سیستم‌های قفل‌کننده در تلویزیون‌های جدید
- سانسور کردن جزئیات مربوط به طرز کار بزهکاران برای ممانعت از وقوع جرائم تقلیدی

کلاهبرداری تلفنی، استفاده از تلفن‌های سکه‌ای و کاتالوگ‌های «Victoria secrets» در زندان «رایکرز آیلند»

«رایکرز آیلند» که در فاصله کوتاهی از فرودگاه «لاگاردیا»ی شهر نیویورک واقع شده سیستم عظیمی است که ده زندان را در خود جای داده است. در این زندان زندانیانی ساکن هستند که با توجه به وضعیتشان از خدمات تلفنی استفاده می‌کنند. مأموران امنیتی این زندان سابقاً از کارت‌های شناسایی برای ثبت مکالمه‌های تلفنی و زمان اختصاص داده شده به هر زندانی استفاده می‌کردند ولی این سیستم در دهه ۹۰ کنار گذاشته شد. پس از آن زندانیان سیستم خود موسوم به «سیستم زمان‌بندی» (تلفن‌های سکه‌ای) را به کار بسته و همین موضوع سبب گردید تا هزینه تماس‌های برقرار شده به بیش از سه میلیون دلار در سال افزایش پیدا کند. زندانیانی که قدرتشان از بقیه بیشتر بود تلفن‌ها را کنترل کرده و از آنها برای دسترسی به هشداردهنده‌ها و همچنین خرید و فروش مواد مخدر در خارج از زندان استفاده می‌کردند. این زندانیان خطوطی را نیز برای ارتباط با زندانیان زن در اختیار داشته و برای برقراری تماس‌های راه دور و انجام خریدهای خود از شماره کارت‌های اعتباری سرقتی استفاده می‌کردند. نانسی لایون که فارغ‌التحصیل دانشگاه «رانگروز» بوده و این مسئله را بررسی کرده و می‌گوید: «زندانیان زن از این کار برای دسترسی به کاتالوگ‌های «Victoria secrets» که باعث فخر شیک پوش‌ترین زندانیان زن کشور می‌شد استفاده می‌کردند که نهایتاً نیز مسئولان زندان از وجود آنها مطلع گردیدند».

مقام‌های زندان سیستم رایانه‌ای بسیار مطمئنی را به کار گرفتند که استفاده از تلفن را با توجه به وضعیت تماس‌گیرنده محدود می‌ساخت. زندانیان با استفاده از بارکد کارت‌های شناسایی خود و وارد نمودن یک شماره رمز به تلفن‌ها دسترسی پیدا می‌کردند. این سیستم خیلی سریع هزینه‌های تلفن و درگیری‌های رخ داده بر سر استفاده از تلفن را به نصف کاهش داد. مطالعه انجام شده توسط لایون نشان داد که تعداد این درگیری‌ها در ماه از ۶/۷ مورد از بین ۱۰۰۰ نفر (پیش از به کارگیری سیستم تلفنی جدید) به ۳/۶ مورد از بین همین تعداد (پس از به کارگیری سیستم مذکور) کاهش یافت.

منبع: لایون، نانسی (۱۹۹۴). «انتخاب منطقی و درگیری زندانیان زندان رایکرز آیلند بر سر تلفن». تحقیقات انجام شده در خصوص پیشگیری از جرم، جلد ۳، رونالد کلارک. مونس، نیویورک: انتشارات «عدالت کیفری»

۴۳- معاذیر برای جرم را حذف کنید

این تکنیک وضعی که جزو گروه پنجم تکنیک‌های موقعیتی است بر این عقیده استوار است که بزهکاران قضاوت درستی از رفتار خود داشته و در اغلب موارد برای بی‌اثر کردن آنچه که ممکن است باعث احساس شرم یا گناه در آنها شود اقدام خود را منطقی جلوه می‌دهند. معاذیری که این اشخاص هنگام ارتکاب جرم مطرح می‌کنند معمولاً جمله‌هایی شبیه «حقش بود»، «من فقط می‌خواستم از او پول قرض بگیرم»، یا این‌که «من فقط یک سیلی به صورت او زدم» است. معاذیری از این دست برای اشخاصی که همه روزه به وسوسه فرار از مالیات، رانندگی در حالت مستی، سوء استفاده جنسی از کودکان و سرقت اموال کارفرماها واکنش نشان می‌دهند اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند.

وضع قوانین. همه سازمانها برای بهبود عملکرد مدیریتی خود قوانینی را وضع می‌کنند. برای مثال شرکت‌های تجاری به ثبت زمان کارکنان خود نظم بخشیده و فروشگاه‌ها نیز دستیاران فروش خود را به پیروی از دستورالعمل‌های دقیق جابه‌جایی پول ملزم می‌سازند. سازمانهایی همچون بیمارستانها، کتابخانه‌های عمومی و هتل‌ها باید نحوه عملکرد مشتریان خود را نیز تحت کنترل داشته باشند چرا که هرگونه ابهام در این نوع نظارت‌ها، باعث سودجویی کاربران آنها خواهد شد. از اینرو یکی از عوامل مهم و کلیدی در پیشگیری وضعی، وضع قوانین، معرفی قوانین یا دستورالعمل‌های جدید (و تشریح مناسب آنها) برای از بین بردن ابهام‌های جدی در خصوص مقبولیت نحوه عملکرد است. به عنوان مثال امروزه بسیاری از رستورانها فقط رزرو روزهایی که در آنها فرد درخواست‌کننده شماره تلفنی از خود بر جای گذاشته باشد را قبول می‌کنند. برخی از آنها نیز شماره کارت اعتباری فرد را درخواست کرده و از آن طریق به ارائه سرویس می‌پردازند. ملزم نمودن ماهی‌گیران ایالت کالیفرنیا به پوشیدن یونیفرم‌های

خاص ماهی‌گیری اکثر آنها را به رعایت قوانین وضع شده درباره خرید متقاعد نمود. **اعلام دستورالعمل‌ها.** معمولاً قوانین کار در قراردادهای استخدام ذکر گردیده و قوانین وضع شده توسط شرکت‌های ارائه‌دهنده کارت‌های اعتباری، خدمات تلفنی و خدمات بیمه‌ای نیز در قراردادهای ویژه در ارائه خدمات ذکر می‌گردند. قوانین وضع شده برای تاسیسات یا اماکن عمومی معمولاً به اطلاع عموم رسانده می‌شوند تا از این طریق هم مردم نتوانند از آنها اظهار بی‌اطلاعی کرده و هم این‌که موارد کاربرد آنها به طور دقیق مشخص گردند. برای مثال علائم مربوط به رانندگی و پارک خودرو در جاده‌ها زیاد دیده می‌شوند. بررسی‌ها نشان داده‌اند که علائم هشداردهنده، جلوی پارک غیرقانونی خودروها را در مکانهای اختصاص داده شده به رانندگان معلول می‌گیرند. تاسیسات مهم دیگری همچون پارک‌ها، دانشگاه‌ها، خطوط ترانزیت و پروژه‌های مسکونی نیز دارای علائمی هستند که بر رفتار عوامل دخیل در آنها تأثیر می‌گذارند. ارزیابی‌ها نشان داده‌اند که دستورالعمل‌های اعلام شده به رغم کاربرد زیادشان کارایی چندانی در پیشگیری ندارند. با همه این اوصاف دستورالعمل‌های مذکور ابزار مهمی برای اجرای قانون به حساب آمده و تا حد زیادی در حل مسئله‌ها به کار گرفته می‌شوند.

بیدار کردن وجدان. این تکنیک وضعی از دو جهت با کنترل اجتماعی غیررسمی فرق می‌کند. اول آن‌که این تکنیک بر اشکال خاص وقوع جرم در شرایط ناپیوسته و کاملاً محدود متمرکز بوده و دوم آن‌که هدف این تکنیک بیدار نمودن وجدان اشخاص حین ارتکاب جرم است نه تلاش برای تغییر رفتارهای عام آنها نسبت به نقض قانون. برای مثال در ورودی برخی فروشگاه‌ها علامت «بی‌اجازه برداشتن اجناس دزدی است» حک گردیده یا این‌که مثلاً در ترمینال اتوبوس بندر مانهاتان نوشته شده: «سیگار کشیدن در این محل اقدامی غیرقانونی، خودخواهانه و بی‌ادبانه است». تابلوهای سرعت‌گیر نصب شده در جاده‌ها نیز بدون جریمه کردن رانندگان فوراً آنها را از حرکت با سرعت

غیر مطمئن بر حذر می‌دارند.

تشویق مردم به اطاعت از قانون. زمانی که «سزار لمبروزو» جرم‌شناس ایتالیایی، در قرن نوزدهم پیشنهاد حبس اشخاصی که در خیابانها ادرار می‌کردند را مطرح نمود، یکی از شاگردانش که «انریکو فری» نام داشت راه‌حل عملی‌تری را برای رفع این مسئله پیشنهاد داد: ساخت توالت‌های عمومی. این مسئله نمونه‌ای بارز از کمک کردن به اشخاص برای رعایت قانون (تکنیکی که کاربرد زیادی نیز دارد) به حساب می‌آید. این تکنیک شامل تخفیف کرایه تاکسی برای اشخاص مست، تعبیه سطل‌های زباله و تابلوهای تبلیغاتی (برای نوشتن پیام‌های عمومی مردم) و بهبود دستورالعمل‌های اجرایی در کتابخانه‌ها (که تأخیر در پس دادن کتاب و در نتیجه بهانه آوردن برای عدم رعایت قوانین وضع شده در خصوص امانت گرفتن کتاب را کاهش می‌دهد) می‌شود. در گزارش کلاسیک «Disney world»، شیرینگ و استینگ راه‌هایی که به واسطه آنها کنترل و مدیریت پیچیده جمعیت از جمله استفاده از علائم ویژه پیاده‌روها، نشانه‌ها، موانع فیزیکی (که گردش‌های خلاف به چپ و راست را دشوار می‌سازند) و دستورالعمل‌های تدوین شده توسط کارکنان پارک آموزشی Disney به کاهش چشمگیر احتمال وقوع جرم و بی‌نزاکتی در پارک مذکور کمک می‌کند را به شکل جالبی بررسی کرده‌اند (به جدول رجوع کنید).

کنترل مواد مخدر و الکل. الکل و مواد مخدر ارتکاب جرم را آسان‌تر می‌سازند چرا که قدرت درک و تشخیص را کم کرده و باعث می‌شوند تا بزه‌کاران از تبعات قانون‌شکنی چندان آگاه نباشند. ارزش روش‌های کنترل وضعی مشروب‌خوری اثبات شده‌اند. «جوهانز ناتسون» که مدیر بخش تحقیقات دانشکده پلیس نروژ است نشان داده که کم کردن میزان الکل مصرفی اشخاص در تعطیلات اواسط تابستان از میزان مستی و رفتارهای غیرعادی آنها کم می‌کند. گروه موسوم به «بارو» در آلاسکا برای مهار مشروب‌خواری، فروش الکل را به کلی در ۱۹۹۴ منع نمود. این اقدام گروه مذکور

درخواست‌های کمک از پلیس، مرتبط با الکل را ۸۱ درصد، آمار جنایات را ۴۳ درصد و پرسه زدن اشخاص مست در اماکن عمومی را تا بیش از ۹۰ درصد کاهش داد (به جایزه سالانه «گلدشتاین» در سایت www.Popcenter.org رجوع کنید). در آن زمان مشروب‌فروشی‌های محلی متفق‌القول به این نتیجه رسیدند که کاهش مصرف مشروب و وقوع جرائم مرتبط با الکل در تفریح‌گاه‌های شبانه استرالیا را به شدت کاهش داده است. دانشگاه «راتگرز» دستور داد که مشروبات الکلی باید در بشکه‌های کوچک به مردم عرضه شوند نه در بطری‌های کوچک چرا که اصولاً مخفی کردن بطری‌ها آسان تر است. به گفته یکی از دانشجویان: «اگر شما یک بشکه بزرگ در اختیار داشته باشید بیست نفر پشت آن صف کشیده باشند مصرف الکل کمتر خواهد بود تا این که یک یخچال داشته که هر کس بتواند بطری‌های کوچک مشروب موجود در آن را بردارد».

حذف معاذیر

وضع قوانین

- توافقی‌های اجاره
- مجموعه قوانین مربوط به مزاحمت
- ثبت هتل

اعلام دستورالعمل‌ها

- پارک ممنوع
- دارایی‌های شخصی
- از بین بردن عوامل مشکل‌ساز

بیدار نمودن وجدان

- تابلوهای سرعت‌گیر نصب شده در جاده‌ها
- دادن امضاء برای اعلام اطلاع از موارد اعلام شده
- «بی‌اجازه برداشتن اجناس سرقت است»

کمک به اشخاص برای اطاعت از قانون

- بررسی‌های آسان انجام شده در کتابخانه‌ها
- توالت‌های عمومی
- سطل‌های زباله
- کنترل الکل و مواد مخدر
- انجام تست‌های ویژه الکل خون در کافه‌ها
- نظارت بر نحوه توزیع مشروب
- استفاده از مشروبات غیرالکلی

ورود به پارک آموزشی Disney world

- علائم به بازدیدکنندگان سوار بر خودرو می‌گویند که برای کسب اطلاعات به رادیوی ویژه پارک متصل باشند.
- علائم، مسیر منتهی به پارکینگ را به رانندگان نشان داده و نشانه‌های جاده‌ای نیز راه را برای آنها مشخص می‌کنند.
- مأموران متبسم پارک، بازدیدکنندگان را به سمت جایگاه‌های اختصاصی هدایت کرده و بلندگوها نیز دائماً قفل کردن در خودروها را به آنها گوشزد می‌کنند.
- بازدیدکنندگان برای استفاده از مونوریل به سمت قطارهای چرخ لاستیکی هدایت می‌شوند.
- مأموران امنیتی دائماً موقعیت پارکینگ را به بازدیدکنندگان اعلام می‌کنند (نظیر دونالد داک ۱).
- مأموران پارک مؤدبانه از بازدیدکنندگان درخواست می‌کنند که بنشینند، دست و پاهای خود را داخل کابین نگه دارند و از انجام این کار توسط فرزندان خود نیز اطمینان حاصل نمایند.
- مأموران پارک پیش از پیاده شدن بازدیدکنندگان، مسیر منتهی به مونوریل را به آنها نشان داده و موانع تعبیه شده نیز آنها را از قدم گذاشتن در مسیر نادرست برحذر می‌دارند.
- مأموران حاضر در سکو، بازدیدکنندگان را به سمت کوپه‌ها هدایت کرده و از پر شدن صحیح آنها اطمینان حاصل می‌کنند.
- درهای امنیتی در لبه سکو پس از توقف مونوریل باز می‌شوند.
- هرگونه تأخیر در ارائه سرویس اعلام گردیده و زمانهای پیش‌بینی شده برای رسیدن مونوریل نیز دائماً به اطلاع بازدیدکنندگان می‌رسند.
- در داخل مونوریل از مسافران خواسته می‌شود تا برای حفظ امنیت خودشان حتماً بنشینند.
- مأموران نحوه پیاده شدن و جابه‌جایی به سمت اولین نقطه تفریحی را به بازدیدکنندگان نشان می‌دهند.
- مأموران مکرراً از بازدیدکنندگان می‌خواهند تا مراقب فرزندان و وسائل خود باشند.
- بازدیدکنندگان حین انتظار برای ورود به خروجی‌ها به طور دسته جمعی و منظم حرکت کرده و همچنان منتظر باقی می‌مانند؛ بازدیدکنندگان در زمان انتظار با استفاده از شخصیت‌های والت دیزنی سرگرم می‌شوند.
- بازدیدکنندگان در حین خروج توسط علائم، موانع و مأموران پارک به سمت قسمت‌های دیگر هدایت می‌شوند.

منبع: شیرینگ، کلیفورد و فیلیپ استنینگ (۱۹۹۷). «از Pan opticon تا پارک آموزشی Disney world: افزایش نظم انضباط». پیشگیری وضعی از جرائم: مطالعات موردی موفق (جلد دوم)، رونالد وی. کلازک. مونسی، نیویورک: انتشارات «عدالت کیفری»

۴۴- ریشه اصلی مسئله را بیابید

بسیاری از مسئله‌ها از ناکارآمدی نهادها اعم از شرکت‌های تجاری، سازمانهای دولتی یا سازمانهای دیگر در انجام وظایف خود که بیشتر باید نقش پیشگیرانه داشته باشند تا تحریک‌آمیز نشأت می‌گیرند. خلاصه آن‌که بسیاری از مسئله‌ها از ناتوانی یا بی‌میلی یک یا چند سازمان در اتخاذ تدبیری پیشگیرانه یا فراهم آوردن عمدی شرایطی که به بروز بی‌نظمی یا جرم منجر می‌شوند نشأت می‌گیرند. این مسئله شرایط خطرناکی را به وجود آورده (به راهبرد بیست و هشت مراجعه کنید) ضمن آن‌که بستر لازم برای وقوع جرم را نیز فراهم می‌سازد.

حل مسئله‌ها معمولاً مستلزم همکاری فعالانه اشخاص و سازمانهایی است که در قبول مسئولیت لازم برای رفع مسئله مذکور ناموفق عمل کرده‌اند. این دسته از عوامل مشکل‌ساز مسئولیت حل مسئله را از دوش خود برداشته و آن را روی دوش مردم و پلیس می‌گذارد. از این رو یکی از اهداف مهم فرآیند حل مسئله وادار ساختن این اشخاص به قبول مسئولیت است. به همین خاطر حل هر مسئله‌ای مستلزم پاسخ‌گویی به سؤال‌های ذیل خواهد بود:

- عامل اصلی به وجود آمدن مسئله چیست؟
- چرا عامل بروز مسئله اجازه داده تا مسئله حاد شود؟
- وادار نمودن عامل اصلی بروز مسئله به پیشگیری از آن، مستلزم انجام چه کاری است؟

عامل اصلی به وجود آمدن مسئله چیست؟ در مواقعی که مسئله در موقعیت خاصی به وجود می‌آید شناسایی عامل اصلی آن کار چندان سختی نخواهد بود چرا که در این‌گونه موقعیت‌ها عامل اصلی بروز مسئله صاحب آن مکان یا موقعیت است. برای مثال مسئول به وجود آمدن مشکل در پارک سازمان نگهدارنده آن که معمولاً یک

سازمان دولتی محلی یا در برخی موارد یک سازمان خصوصی است خواهد بود. شناسایی عوامل بروز مسئله در چند منطقه وسیع به مراتب دشوارتر است. اگر یک مسئله حاد بر روی یک منطقه به خصوص متمرکز شده باشد در آن صورت به احتمال زیاد آن منطقه منبع وقوع حوادثی در مناطق اطراف خود بوده ضمن آن‌که مسئولیت آن نیز بر دوش صاحب آن مکان اصلی خواهد بود. برای مثال مشاور املاکی که صاحب یک منطقه مسکونی است. مسئول جرائم حادث شده در آن منطقه خواهد بود.

اگر پای گروه خاصی از اشخاص نظیر اشخاص مسن، کودکان دارای نیازهای خاص یا بزه‌دیدگان خشونت خانوادگی وسط بوده و احیاناً همین اشخاص آماج جرم یا بی‌نظمی قرار گرفته باشند در آن صورت عامل اصلی بروز مسئله اعضای خانواده خواهند بود. اگر سازمانهای به خصوصی مسئولیت تأمین رفاه این گروه‌ها را بر عهده داشته باشند، در آن صورت طبیعی است که آنها نیز در به وجود آمدن مسئله مقصر خواهند بود. گشت ویژه بزرگ‌راه‌های کالیفرنیا حین تلاش برای کاهش آمار مرگ و میر کارگران مهاجر در بزرگ‌راه‌ها، شرکت‌های تجاری متعددی را شناسایی نمود که کارشان جابه‌جایی کارگران مهاجر بود. آنها عامل اصلی بروز این مسئله بودند ولی متأسفانه هیچ‌کس آنها را مسئول نمی‌شناخت. تعیین مسئولیت برای این شرکت‌ها مستلزم وضع قوانین خاصی برای آنها است که بازرسی خودروها، استفاده از صندلی و کمربند ایمنی برای انواع خاصی از خودروهای حمل مهاجر و مقابله جدی با نقض قوانین ایمنی از آن جمله بودند. نتیجه این طرح کاهش چشمگیر تصادف‌ها و مرگ و میر کارگران مهاجر بود. این طرح در سال ۲۰۰۲ جایزه ویژه گلدشتاین برای حل مسئله را دریافت نمود.

چرا عامل بروز مسئله اجازه داده تا مسئله حاد شود؟ این پرسش چهار توضیح عام دارد که هم به تنهایی و هم در کنار یکدیگر اکثر مسئله‌های به وجود آمده را توجیه می‌کند:

۱. گاهی اوقات یک سازمان قادر به پیشگیری از وقوع جرم نیست. این مسئله ممکن است با بی‌توجهی سازمان مذکور به تأثیر عملیات‌هایش بر جرم و یا بی‌توجهی آن نسبت به نحوه پیشگیری از جرم مرتبط باشد. این مسئله ممکن است از نبود منابع کافی حتی در مواقعی که این سازمان می‌داند عملیات‌هایش به شکل‌گیری جرم کمک می‌کند نیز نشأت بگیرد. از این رو پی بردن به اهمیت رویه‌های نهادینه شده بسیار حیاتی خواهد بود. تغییر رویه‌ها هم در منابع مالی و هم در به کارگیری کارکنان، کار بسیار وقت‌گیر و پرهزینه‌ای خواهد بود. اجرای دستورالعملی جدید برای پیشگیری از دزدی و سرقت‌های داخلی، کار دشواری است چرا که این کار مستلزم اعمال تغییر چشمگیر در نحوه عملکرد عادی کارکنان خواهد بود.

۲. برخی سازمانها به پیشگیری از جرائمی که وقوعشان به واسطه فعالیت‌های آنها آسان شده رغبت چندانی نشان نمی‌دهند، چرا که معتقدند پیشگیری از وقوع جرائم صرفاً وظیفه پلیس است (برای مثال پمپ‌های بنزینی که سرقت‌های مکرر بنزین در آن‌جا به وقوع می‌پیوندد، وجود سارقان را مسئله می‌دانند، نه بی‌توجهی خود نسبت به گرفتن پول پیش از تحویل بنزین). برخی از اشخاص به جای آن‌که نقش فرصت را در ارتکاب جرم توجه کند فقط روی نقش بزهکاران تمرکز می‌کنند. از دیدگاه این اشخاص وظیفه پلیس است که با اعمال جدی‌تر قانون جرم را کاهش دهد. محدودیت‌های این رویکرد در راهبرد سوم مورد بررسی قرار گرفته است. عامل دیگر بی‌رغبتی سازمانهای مذکور نسبت به پیشگیری از جرم، اعتقاد به این مسئله است که پلیس با ایفای نقش خود به حقوق اشخاص تجاوز می‌کند. یک خرده فروش ممکن است ادعا کند که وی حق دارد اجناس خود را هر جا که دلش می‌خواهد در معرض دید قرار داده و پلیس نیز نمی‌تواند وی را مجبور کرده یا حتی به وی راهکارهای بهتری را برای

کاهش سرقت پیشنهاد دهد.

۳. برخی سازمانها به خاطر هزینه‌های ناشی از رفع مسئله نسبت به این مسئله بی‌میلی نشان می‌دهند؛ این سازمانها از نادیده گرفتن جرم بیشتر سود می‌کنند نه ضرر. از دید این سازمانها هزینه‌های رفع مسئله از منافی که نصیب آنها می‌شود بسیار بیشتر خواهند بود. استفاده از نیروهای امنیتی عادی در مکانهای تفریحی پرهزینه بوده در حالی که استفاده از نیروهای امنیتی ویژه پرهزینه‌تر است. اگر سازمان ذی‌ربط هزینه‌های رفع مسئله را تقبل نکند در آن صورت ضرورتی برای تقبل هزینه‌های مربوط به پیشگیری نیز احساس نخواهد کرد. در حقیقت این‌گونه سازمانها هزینه‌های جرم و پیشگیری از آن را به دیگران محول کرده و با این کار هزینه‌های خود را کاهش می‌دهند.

۴. برخی سازمانها از ارتکاب جرم بیشتر سود می‌برند. به همین خاطر است که در برخی موارد فروشندگان اجناس دست دوم چندان برای اثبات مالکیت واقعی اجناس خود تلاش نمی‌کنند. گاراژهای تعمیر خودرو می‌توانند قطعات سرقتی خودروها را ارزان‌تر خریداری کرده و از این طریق سود جانبی خود را افزایش دهند.

و ادار نمودن عامل اصلی بروز مسئله به پیشگیری از آن، مستلزم انجام چه کاری

است؟

«هرمن گلدشتاین» اقدام‌های را که باید برای واگذار نمودن مسئولیت حل مسئله از دوش پلیس به دوش نهادهای به وجود آورنده آن انجام شوند را به ترتیب ذکر نموده است (به جدول رجوع کنید).

اقدام های پیشنهادی هرمن گلدشتاین برای واگذاری مسئولیت	
برخورداری از حداقل همکاری / حداکثر سختی	- اقامه دعوایی مدنی - وضع قانون برای اجباری نمودن پیشگیری - در نظر گرفتن هزینه‌ای خاص برای ارائه خدمات پلیسی - کنار گذاشتن خدمات پلیسی - شرم‌نده نمودن مردم - ایجاد سازمانی جدید برای پذیرش مالکیت - درگیر نمودن یک سازمان دیگر - مطرح نمودن مستقیم درخواست‌ها
برخورداری از حداکثر همکاری / حداقل سختی	- مطرح نمودن غیررسمی و بی‌پرده درخواست‌ها - اجرای برنامه‌های آموزشی

هر قدر از انتهای فهرست پیشنهادی «گلدشتاین» به سمت بالا حرکت می‌کنیم راهکارهای ارائه شده شکل اجباری‌تری به خود می‌گیرند. این امر باعث می‌شود تا دشواری راهکار پیشنهاد شده به همراه هزینه‌های ناشی از ناکامی پلیس نیز افزایش یابند. از این رو ارزش اطلاعات و تجزیه و تحلیل جامع انجام شده نیز از پائین به بالا افزایش پیدا می‌کند. به گفته «گلدشتاین» این جدول سلسله مراتبی فقط نشان‌دهنده این گرایش‌ها بوده و توصیف دقیقی از آنها ارائه نمی‌شود. با این حال این جدول برای طرح‌ریزی مجموعه طبقه‌بندی شده‌ای از راهکارهای احتمالی برای یک مسئله بسیار سودمند است. سلسله مراتب تعریف شده در این جدول با مشارکتی‌ترین گزینه ممکن آغاز گردیده و فقط در صورت نیاز و با حمایت شدن به واسطه اطلاعات به سمت بالا حرکت می‌کند.

واگذاری مسئولیت به عامل به وجودآورنده مسئله، درگیری‌های حقوقی و سیاسی زیادی را به همراه خواهد داشت. سازمانهایی که از به وجود آمدن مسئله سود برده یا قبول مسئولیت را پرهزینه می‌بینند به این سادگی برای آن کاری انجام نخواهند داد. دادن هشدارهای غلط دو دهه است که به یک مسئله بزرگ تبدیل شده ولی با این حال می‌بینیم که در بسیاری از محاکم قضایی غلبه بر نفوذ سیاسی و اقتصادی اشخاصی

که بیش از همه مسئول دادن این هشدارها هستند بسیار دشوار به نظر می‌رسد. آنچه که بدیهی است این است که کم‌هزینه‌ترین و کم‌زحمت‌ترین راهکارهای پیشگیرانه کمترین مقاومت را در پی خواهند داشت (به راهبرد چهل و پنج مراجعه کنید). با این حال اگر این نوع راهکارها نیز ناکارآمد شوند آن وقت است که پلیس با گزینه‌ای دشوار مواجه خواهد گردید: درخواست مسئولیت بیشتر از عوامل به وجود آورنده مسئله و به جان خریدن خطر ناشی از یک درگیری سیاسی یا ادامه صرف هزینه‌های عمومی برای رفع مسئله‌ای که فقط چند نفر باعث پیدایش آن شده‌اند. در حالت عادی پاسخ روشن به نظر می‌رسد ولی در عمل پاسخ دادن تصمیمی دشوار است.

منابع دیگر: مایکل اسکات (۲۰۰۵). «انجام امور پلیسی برای پیشگیری از جرم: واگذاری و تقسیم مسئولیت رسیدگی به مسئله‌ها مربوط به امنیت عمومی»، «راهنمای پیشگیری از جرم و برقراری امنیت در جامعه»، نیک تیلی. کالومپتون، انگلیس: ویلان.

۴۵- راهکارهایی را انتخاب که بیشترین احتمال اجرایی شدن را دارند

یافتن یک راهکار مناسب فرایندی دردسر ساز به حساب می‌آید. گاهی اوقات رد راهکارهای پیشنهادی به بهانه هزینه، دشواری یا نبود همکاری لازم ناامیدی را در پی خواهد داشت. با این حال معمولاً برای یک مسئله چند راه حل وجود دارد. از این رو تیم شما راهکاری را خواهد پذیرفت که دارای ویژگی‌های ذیل باشد:

- بیش از حد مبهم یا پر هزینه نباشد.
- بر عوامل مستقیم و نزدیک متمرکز باشد تا بر عوامل دور و غیرمستقیم چرا که این کار فرصت مناسبی برای تأثیرگذاری فوری به آن می‌دهد.
- مکانیزمی که به واسطه آن هر راهکار باید بر مسئله تأثیر بگذارد به وضوح مشخص شده باشد.

پس در نهایت شما می‌توانید از شر نگرانی‌های خود خلاص شده و کمی استراحت نمایید، این‌طور نیست؟ خیر! اصولاً دشوارتر از موافقت کردن با یک راهکار مناسب، حصول اطمینان از اجرای حقیقی آن است. شما به تنهایی نمی‌توانید از این مسئله اطمینان حاصل نمایید ولی اگر از اشکالات اجراء آگاه شوید، قادر خواهید بود از انتخاب راهکارهایی که ممکن است قربانی این مسئله شوند اجتناب کنید. «تیم هپ» و «دن مورفی» زمانی که مشغول بررسی یک پروژه پیشگیری از تخریب در یازده مدرسه شهر منچستر انگلیس بودند، این اشکالات را شناسایی نمودند.

راهکارهایی که قرار بود در هر مدرسه به اجراء درآیند توسط گروهی از مقام‌های محلی دولت، کارکنان مدارس و پلیس انتخاب گردیدند. بررسی‌ها نشان دادند که اکثر آسیب‌های وارده از بی‌مبالاتی ناشی شده بودند تا از سوءنیت. این مسئله دو راهکار متفاوت را پیشنهاد می‌کرد: ارائه راهکارهای وضعی برای محافظت از ساختمانها یا فراهم نمودن امکانات تفریحی برای منحرف نمودن ذهن کودکان از فعالیت‌های

خرابکارانه. فقط یکی از یازده گروه شرکت‌کننده افزایش اوقات فراغت را پیشنهاد نمود. راهکارهای وضعی پیشنهاد شده اکثراً بر ایجاد موانع مستحکم (پنجره‌های فلزی، شیشه‌های دو جداره و دیوارهای بلند) متمرکز بودند هر چند که برخی پیشنهادات نیز شامل طرحی برای تشویق ساکنان محلی به زیر نظر گرفتن مدارس مجاور و همچنین طرحی برای جابه‌جایی زمین‌های بازی به یک منطقه امن‌تر می‌شدند.

فقط در دو مدرسه همه پیشنهادات مطرح شده به اجراء درآمدند. در مدرسه سوم هیچ پیشنهادی اجراء نشده و در شش مدرسه باقی مانده نیز یک یا چند پیشنهاد کنار گذاشته شدند. این موضوع بدان معنا بود که تأثیر وارده بر تخریب چندان قابل توجه نبود. «هپ» و «مورفی» پنج مانع جدی را برای اجرای پیشنهادهای مطرح شده را شناسایی نمودند که همگی آنها در پروژه‌های حل مسئله در آمریکا وجود داشتند:

۱- **مشکلات تخصصی پیش‌بینی نشده.** در هشت مدرسه، گروه‌های شرکت‌کننده جایگزینی شیشه‌های ضعیف با شیشه‌های محکم یا پلی‌کربنات‌دار (مات) را پیشنهاد نمودند که اتفاقاً هیچ‌یک از آنها نیز عملی نگردیدند. مهندسان معماری شهری استفاده از شیشه‌های مات پلی‌کربنات‌دار را ممنوع کرده بودند چرا که این نوع شیشه‌ها در صورت وقوع آتش‌سوزی راه فرار را بسته و گازهای خطرناکی متصاعد می‌کردند. شیشه‌های محکم پیش از جامد شدن باید در اندازه‌های مورد نظر بریده می‌شدند ولی این شیشه‌ها نیز در اندازه‌های مختلف تهیه شده و به همین خاطر آماده نگهداشتن چند برش از آنها دشوار بود. پیشنهاد ارائه سفارش برای تهیه شیشه در اندازه مورد نظر نیز به خاطر طولانی بودن مدت زمان تهیه آن (شش هفته) کنار گذاشته شد.

۲- **نظارت نامناسب بر روند اجرای پیشنهادها.** در یکی از مدارس همگی با انتقال زمین بازی به یک نقطه امن‌تر موافقت نمودند. تصمیم بر این شد که به جای زمین بازی، باغچه‌های گل ایجاد کنند ولی این کار باید توسط سازمانی دولتی

انجام می‌شد که به جزء برآورد، کار دیگری نمی‌توانست انجام دهد. مسئولیت جابه‌جایی زمین بازی به یک شرکت خصوصی واگذار شد ولی به دلیل سوء تفاهم‌های به وجود آمده، فقط نیمی از منطقه پیشنهاد شده برای کار آماده گردید. بعد از دو سال منطقه مورد نظر همچنان دست نخورده باقی مانده و هیچ اثری از باغچه‌های گل نبود تا آن‌که مدرسه در نهایت آنجا را به نوار باریک و بی‌فایده‌ای از سنگ‌فرش تبدیل نمود.

۳- ناتوانی در ایجاد هماهنگی میان سازمانهای مختلف. پیشنهاد هایی که اجرای آنها تنها مسئولیت واحد تأمین و نگهداری مدرسه بود همگی اجراء گردید. در حالی که هیچ‌یک از پیشنهادهایی که به واحدها یا سازمانهای دیگر مربوط می‌شدند به اجراء در نیامدند. برای مثال یکی از پیشنهادهای مطرح شده این بود که ساکنان مجاور مدارس پس از تعطیلی دانش‌آموزان، مراقب اوضاع باشند و موارد مشکوک را به پلیس گزارش دهند. این امر مستلزم همکاری سیستم اداری، مدیران، کارکنان و دانش‌آموزان مدارس و واحدهای سه‌گانه پلیس اعم از پیشگیری از جرم، روابط عمومی و پلیس محلی بود. همه این عوامل با ایده مطرح شده موافق بودند ولی متأسفانه هیچ‌کدامشان حاضر نبودند در این راه پیش‌قدم شوند.

۴- اولویت‌های رقابتی. در طول مدت اجرای پیشنهادها، درخواست‌های زیاد دیگری نیز در ارتباط با سیستم حاکم بر مدارس مطرح گردیدند. درخواست‌هایی که علت اصلی مطرح شدنشان شکل‌گیری ناآرامی‌های گسترده کاری توسط کارمندان محلی دولت و ضرورت تجدید ساختار مدارس به خاطر کاهش جمعیت آنها بود. تغییر کادر مدارس به انتصاب مجدد کارکنانی که در پروژه تخریب دخیل بودند منجر گردید. جای تعجب ندارد که بگوئیم کارکنان مذکور اولویت چندانی چشمگیری را به پروژه تخریب ندادند.

۵- هزینه‌های پیش‌بینی نشده. در برخی موارد تبعات گسترده یک اقدام خاص از مزایای آنی آن بیشتر می‌شدند. برای مثال مدارسی که آمار تخریب در آنها بالا بود یک مأمور امنیتی را برای روزهای تعطیل خود به کار گرفتند. این در حالی بود که کارکنان ویژه تأمین و نگهداری مدارس یاد شده نیز در اوقات فراغت خود در ازا دریافت حقوق به گشت زنی در آنجا می‌پرداختند. این راهکار خیلی زود موفقیت خود را در کاهش مسئله تخریب به اثبات رسانده و به همین خاطر در عصر روزهای عادی و تعطیلات آخر هفته نیز به کار گرفته شد. مدارس دیگر نیز خواهان به کارگیری این شیوه محافظتی شده، ضمن آن‌که کارکنان تأمین و نگهداری نیز خواهان استفاده از فرصت بیشتری برای اضافه کاری گردیدند. در نهایت هزینه‌ها بالا رفته و در نتیجه پروژه نیمه تمام رها گردید.

فهرست بالا نشان می‌دهد که برخی مشکلات اجرایی قابل پیش‌بینی نبوده و این‌که بخشی از راهکارهای منتخب هرگز قابل اجراء نخواهند بود. با این حال این نکته نیز بدیهی است که برخی از انواع راهکارها (که در کادر ذیل نیز نشان داده شده‌اند) به راحتی قادر به برطرف ساختن مسئله هستند. در برخی موارد یک راهکار آن‌قدر تأثیرگذار عمل می‌کند که استفاده از آن ارزش به جان خریدن خط‌های ناشی از ناکامی را خواهد داشت. با این حال در این‌گونه موارد برحذر داشتن به معنای تجهیز کردن است.

منابع دیگر:

«تیم هپ» و «دانیل مورفی» (۱۹۸۳). مسئله‌های پیشگیری از وقوع جرم: تجربه یک پروژه نمایشی. نشریه «XXII» The Howard، ۳۸ تا ۵۰.

«گلوریا لیکاک» و «نیک تیلی» (۱۹۹۵). پیشگیری از جرم. در «ساخت جامعه‌ای امن‌تر»، ویرایش شده توسط «مایکل تونری» و «دیوید فرینگتون»، انتشارات دانشگاه شیکاگو.

مشکلات اجرایی احتمالاً زمانی به وجود می‌آیند که یک راهکار

- مستلزم ایجاد هماهنگی میان سازمانهای مختلف باشد.
- زمان زیادی را برای معرفی و گنجاندن گام‌های مختلف (که باید به ترتیب اولویت کامل شوند) به خود اختصاص دهد.
- توسط کارکنانی که از هدف آن آگاهی چندانی ندارند به اجراء درآید.
- هیچ حمایت کننده‌ای در بین اعضای تیم نداشته باشد.
- از حمایت مقام‌های ارشد اجرایی بی‌بهره باشد.

مسئله‌های اجرایی زمانی که یک سازمان از ویژگی‌های ذیل برخوردار باشد نیز قابل پیش‌بینی خواهند بود

- خارج از فضای مشارکت باشد.
- از منابع لازم بی‌بهره بوده و دچار هرج و مرج باشد.
- از راه حل موجود، سود مستقیم ناچیزی به دست آورد.

۴۶- فرایند را ارزیابی کنید

نخستین گام اساسی در انجام ارزیابی، ارزیابی فرایند است. ارزیابی فرایند انجام یا عدم انجام مداخله طبق برنامه‌ریزی انجام شده و نحوه اجرای آن را مشخص می‌کند. همان‌طور که در شکل نشان داده شده، ارزیابی فرایند، بر منابع به کار گرفته شده توسط راهکار پیشنهادی (داده‌ها) و فعالیت‌های انجام شده به واسطه این منابع (نتایج) متمرکز بوده و به این که آیا راهکار مذکور در کاهش مسئله مؤثر بوده یا خیر (دستاوردها) کاری ندارد. از این رو آنچه که شما بدان نیاز دارید ارزیابی تأثیر است. ارزیابی تأثیر، تغییر یا عدم تغییر مسئله را به شما نشان می‌دهد (به راهبردهای ۴۷ تا ۵۳ مراجعه کنید).

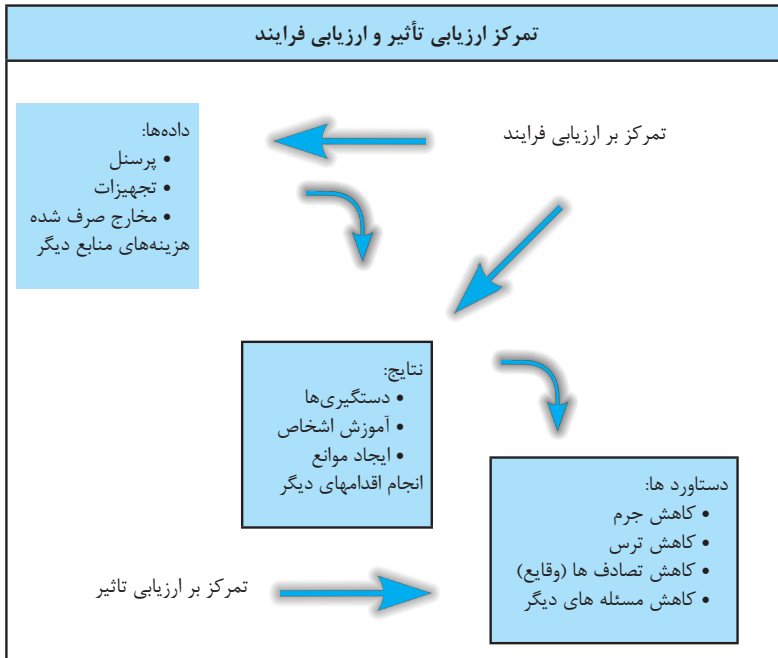
نقش ارزیابی فرایند و ارزیابی تأثیر

وجود هر دوی این ارزیابی‌ها در یک پروژه انجام امور پلیسی مسئله محور ضروری است. جدول ذیل نتایجی که ممکن است با توجه به یافته‌های این دو ارزیابی حاصل شوند را به صورت خلاصه مطرح می‌سازد. الف) راهکار پیشنهادی مطابق با طرح‌های در نظر گرفته شده به اجراء در آمده و هیچ توجیه منطقی دیگری نیز برای کاهش مسئله وجود ندارد. از این رو به جرأت می‌توان گفت که عامل اصلی کاهش مسئله، راهکار پیشنهادی بوده است. ب) راهکار پیشنهادی طرح شده و برنامه به اجراء در آمده ولی هیچ‌گونه کاهش در مسئله دیده نشده است. از این رو به جرأت می‌توان گفت که راهکار پیشنهادی کارایی لازم را نداشته است.

اگر راهکار پیشنهادی طبق برنامه به اجراء در نیاید وضعیت چگونه خواهد بود؟ در چنین مواردی رسیدن به یک نتیجه قطعی کار دشواری خواهد بود. ج) اگر مسئله کاهش پیدا کند این تصور پیش می‌آید که راهکار پیشنهادی تصادفاً مؤثر بوده یا آن که عوامل دیگری در کاهش آن تأثیر گذار بوده‌اند. د) اگر هم که مسئله کاهش پیدا نکند در آن صورت دستیابی به یک نتیجه قطعی غیرممکن خواهد بود. شاید راهکار به اجراء در آمده ناقص بوده و راهکار اصلی کارآمدی لازم را داشته باشد و شاید هم هیچ‌یک از

آنها کارآمدی لازم را نداشته باشند. رسیدن به یک نتیجه قاطع از طریق ارزیابی تأثیر، کار دشواری خواهد بود مگر آن‌که راهکار طرح‌ریزی شده به اجراء درآمده باشد.

شکل ۱



تفسیر نتایج حاصل از ارزیابی فرایند و ارزیابی تأثیر			
نتایج ارزیابی فرایند			
نتایج ارزیابی تأثیر	راهکار پیشنهادی به همان صورت طراحی شده، به اجراء درآمده	راهکار پیشنهادی به همان صورت طراحی شده، به اجراء در نیامده	
	مسئله کاهشی پیدا کرده و هیچ علت احتمالی دیگری در کار نبوده است	الف- بدیهی است که عامل کاهش مسئله راهکار پیشنهادی بوده است	ج- این‌گونه به نظر می‌رسد که راهکار پیشنهادی تصادفاً مؤثر واقع شده یا آن‌که عوامل دیگری در کاهش مسئله تأثیرگذار بوده‌اند.
	مسئله کاهش پیدا نکرد. عناصر است که هر یک از آنها ممکن	ب- بدیهی است که راهکار پیشنهادی کلیدی در کاهش مسئله بوده است.	د- نتیجه چندان قاطعی به هر دست نیامده است.

است دچار اشکال بشوند (به راهبرد چهل و پنج مراجعه کنید). ارزیابی، فرایند به کارگیری موفق یا ناموفق این عناصر را بررسی می‌کند. چک لیست ارزیابی، فرایند سؤال‌هایی که باید توسط شما پرسیده شوند را تأکید می‌کند.

زمان‌بندی فعالیت‌ها در یک راهکار حل مسئله اهمیت زیادی دارد. از این‌رو تعیین یک جدول زمانی برای نشان دادن زمان به کارگیری عناصر مختلف بسیار سودمند واقع می‌شود. در چنین شرایطی نشان دادن زمان وقوع رخداد‌های پیش‌بینی نشده و اعلام علنی آن نیز اهمیت زیادی پیدا خواهد کرد چرا که این کار به شما امکان خواهد داد تا مزایای قابل پیش‌بینی را ارزیابی کنید (به راهبرد پنجاه و دو مراجعه کنید).

پیشرفت‌های پیش‌بینی نشده می‌توانند شما را به اصلاح یا تغییر یک راهکار وادار سازند ولی برخی از همین پیشرفت‌ها با درک این‌که چه چیزی ممکن است راهکار مذکور را دچار مشکل سازد قابل پیش‌بینی خواهند بود. برخی از پاسخ‌های احتمالی به این مسئله به شرح ذیل هستند:

۱- ممکن است درک نادرستی از مسئله داشته باشید. برای مثال ممکن است توجه کافی به مسئله تکرار بزه‌دیدگی نداشته باشید. موضوعی که می‌تواند به واسطه تصور غلط از مسئله یا تجزیه و تحلیل ناکافی آن رخ دهد (برای مثال در زمان عدم توجه کافی به موضوع تکرار بزه‌دیدگی). اگر در حین توسعه راهکار، نقاط ضعف تجزیه و تحلیل خود را تشخیص دهید در آن صورت خواهید توانست طرح‌های اضطراری مناسبی را برنامه‌ریزی نمایید (نظیر طرح‌هایی که به تکرار بزه‌دیدگی توجه میکند که اثباتشان از ضروریات است).

۲- عناصر اصلی پروژه با شکست مواجه شده باشند. چک لیست ارزیابی فرایند، نقاط ضعف زیادی را به تصویر می‌کشد. با این حال همه عناصر نیز به طور یکسان برای موفقیت حائز اهمیت نیستند. گاهی اوقات نیز پیش‌بینی عناصری که احتمال بالایی برای شکست دارند امکان‌پذیر می‌شود. برای مثال گروه‌های

شهروندی از قابلیت‌های متنوعی برای انجام وظایف برخوردارند. ایجاد یا شکل بخشیدن به طرح‌های پشتیبان، خطر شکست عناصر را کاهش خواهد داد.

۳- بزهداران ممکن است به راهکار پیشنهادی شما واکنش منفی نشان دهند (به راهبرد یازده مراجعه کنید). برخی از اشکال منفی سازگاری، قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی است. برای مثال گاهی اوقات شناسایی محل وقوع جابه‌جایی‌های جغرافیایی بزهداری پیش از ارائه راهکار ممکن بوده که در نتیجه می‌توان اقدام‌های محافظتی لازم را برای مصون نگه داشتن آن انجام داد.

۴- تغییرهای خارجی پیش‌بینی نشده و تأثیرگذار بر راهکار پیشنهادی درکارند. برای مثال گاهی اوقات بودجه یک سازمان مشارکتی به طور غیرمنتظره‌ای کاهش می‌یابد و سازمان مذکور را به کاهش تلاش‌هایش برای رفع مسئله وادار خواهد ساخت. از آنجا که هیچ‌گاه مسئله به خودی خود برطرف نمی‌شود تنها راهکار ممکن، تغییر طرح‌های پیشنهادی خواهد بود.

ارزیابی فرایند، مستلزم به کارگیری اطلاعات است. بخش اعظم این اطلاعات از جانب اعضای تیم حل مسئله تأمین شده و به همین خاطر ثبت فعالیت این اشخاص اهمیت خاصی خواهد داشت. این‌که چه فعالیت‌هایی توسط چه کسانی و با چه جزئیاتی ثبت و ضبط می‌شوند سؤال‌هایی هستند که باید حین طرح‌ریزی راهکار پاسخ داده شوند.

چک لیست ارزیابی فرایند

- چه کسی باید اقدام لازم را انجام دهد؟
- یگانهای پلیس شرکای دولتی گروههای اجتماعی شرکت‌های تجاری و دیگران
- چه کارهایی باید توسط این اشخاص انجام شوند؟.....
- آیا این گروه‌ها توان لازم را برای ایفای نقش دارند؟
- مقامات حقوقی مقامات محلی منابع کارشناسان
- زمان انجام کار توسط این گروه‌ها چه زمانی است؟
- تاریخ و زمان هماهنگی با دیگران
- چه کسی یا چه چیزی باید نقش دریافت کننده را ایفا نماید؟
- اشخاص مکانها
- آیا اقدام لازم به شکل مناسبی انجام شده است؟
- نوع شدت طول مدت زمان
- آیا برای موارد ذیل طرح‌های پشتیبان وجود دارند؟
- طرح‌های اشتباه شکست عناصر سازگاری تغییرهای خارجی

۴۷- از نحوه به کارگیری ابزارهای مهارکننده آگاه باشید

ارزیابی یک راهکار مستلزم توجه به سه پرسش زیر است:

- ۱- «راهکار به اجراء در آمده چه بود؟» ارزیابی فرایند به این پرسش پاسخ می‌گوید (به راهبرد چهل و شش مراجعه کنید).
- ۲- «آیا مسئله کاهش یافته؟». با مقایسه شدت مسئله پس از اجرای راهکار با شدت آن قبل از پاسخ‌گویی به این پرسش.
- ۳- در صورت کاهش مسئله این پرسش را مطرح کنید: «آیا راهکار پیشنهادی باعث این کاهش شده یا چیز دیگری». معمولاً برای کاهش مسئله توجهات زیادی مطرح می‌شوند.

پاسخ‌گویی به پرسش سوم مستلزم به‌کارگیری ابزارهای مهارکننده است. هدف این ابزار مهارکننده ارائه توجهات چاره‌ساز مختلف مستلزم به‌کارگیری انواع مختلفی از ابزار مهارکننده است:

تغییرهای به وجودآمده در تعداد. اگر شمار ساکنان یک آپارتمان کاهش یابد طبیعی است که شمار سرقت نیز در آن آپارتمان کاهش خواهد یافت چرا که در چنین حالتی تعداد بزه‌دیدگان بالقوه کمتر بوده است. کاهش آماج جرم جای این توجیه که کاهش سرقت، از مداخله (پلیس و اجرای راهکار) ناشی شده را خواهد گرفت. برای کنترل تغییرهای به وجود آمده در تعداد و شمار سرقت‌های انجام شده در قبل و بعد از اجرای راهکار را بر شمار ساکنان آپارتمان قبل و بعد از اجرای راهکار تقسیم نمائید. همان‌طور که در جدول نشان داده شده دلیل کاهش سرقت‌های انجام شده تا حدودی به کاهش واحدهای پر از سکنه بر می‌گردد. با توجیه این قضیه، تأثیر راهکار پیشنهادی روشن‌تر خواهد شد. اگر طول مدت زمانهای محاسبه شده قبل و بعد از اجرای راهکار متفاوت باشند در آن صورت کنترل تغییر حادث شده در تعداد با تقسیم مجدد آنها بر ماه‌های قبل و بعد از اجرای راهکار و محاسبه

شمار سارقان هر واحد در ماه امکان‌پذیر خواهد بود.

استفاده از نسبت‌ها برای کنترل تغییرهای به وجود آمده در تعداد			
تغییر حاصل شده	۶ ماه بعد	۶ ماه قبل	
-۲۱	۲۰	۴۱	تعداد سرقت‌ها
-۱۰	۷۳	۸۳	واحدهای پر از سکنه
-۰/۲۰۸	۰/۲۸۶	۰/۴۹۴	نسبت سرقت‌ها به واحدهای پر از سکنه

چرخه‌های فعالیت. فعالیت انسان با گذشت روزها، هفته‌ها و ماه‌ها دست‌خوش تغییر می‌شود. برخی از رایج‌ترین چرخه‌های فعالیت انسان عبارت است از انجام محاسبه و حضور در مدرسه، محل کار، تفریح‌گاه‌ها، فصول و تعطیلات. این چرخه‌ها تغییرهای منظمی را در مسئله‌ها سبب می‌شوند. برای مهار چرخه‌ها آن بخش از چرخه که قبل از اجرای راهکار در نظر گرفتید را با همان بخش پس از اجرای راهکار مقایسه کنید.

گرایش‌های دراز مدت در مسئله. مسئله‌ها اصولاً پس از اجرای راهکار یا بدتر می‌شوند و یا بهتر (به راهبرد چهل و هشت مراجعه کنید). بدون توجیه‌گرایش‌ها می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که مسئولیت اصلی بر دوش راهکار پیشنهادی است، در حالی که این مسئله ممکن است در هر جایی اتفاق بیفتد. برای کنترل گرایش‌ها دو راه وجود دارد. راه اول ارزیابی مسئله مدت‌ها پیش از اجرای راهکار است (با هدف شناسایی گرایش‌ها). تغییرهای جدی حاصل شده از گرایش فعلی (پس از اجرای راهکار) نشان‌دهنده مؤثر بودن راهکار مذکور است. تأثیر قابل پیش‌بینی (به راهبرد پنجاه و دو مراجعه کنید) کاهش مسئله را در پی خواهد داشت (به خاطر راهکار اجراء شده) در حالی که قبل از اجرای راهکار چنین مسئله‌ای اتفاق نخواهد افتاد. این مسئله باید از گرایش‌های طولانی مدت شکل گرفته پیش از اجرای طرح تغییر داده شود.

راه دوم مقایسه اشخاص یا مکانهای بهره‌مند از راهکار اجراء شده با گروه یا اشخاص مشابهی که از راهکار مذکور بی‌بهره هستند است. این گروه، گروه کنترل یا گروه مقایسه نامیده می‌شود. گروه کنترل باید مشابه گروهی باشد که راهکار بر روی آن اجراء می‌شود (با

در نظر گرفتن مسئله) ولی نمی تواند دریافت کننده آن باشد. گروه کنترل اتفاق های به وجود آمده برای گروه گیرنده و راهکار را برای شما شرح می دهد به شرط آن که گروه اجرای کننده راهکار مداخله ای نکرده باشد. اگر گروه گیرنده راهکار، تغییر چشمگیری نسبت به گروه کنترل نشان دهد در آن صورت ثابت می شود که راهکار اجراء شده کارایی لازم را داشته است.

دیگر وقایع غیرمنتظره. با اجرای راهکار پیشنهادی، بسیاری از چیزهای دیگر نیز تغییر خواهند کرد که یک یا چند مورد آنها کاهش مسئله را در پی خواهد داشت. برای مثال در مورد جاده ها باید گفت که شاید عامل اصلی کاهش تصادف های جاده ای، کاهش ترافیک در آنها باشد نه راهکار کاهش دهنده آمار تصادف ها. همان طور که در بحث بررسی گرایش ها مطرح گردید، رویکرد استاندارد در چنین شرایطی استفاده از یک گروه کنترل است. استفاده از منطقه کنترل فقط در صورتی مؤثر خواهد بود که آن منطقه از عوامل مشابه تأثیرگذار بر منطقه راهکار تأثیر پذیرفته باشد. از این رو شمار تصادف های حادث شده در جاده های منطقه کنترل و راهکار که هر دویشان تحت تأثیر نیروهای تعمیر و مرمت جاده ها هستند به شما خواهد گفت که آیا تعمیر و مرمت جاده ها می تواند به کاهش تصادف ها کمک نماید یا خیر.

تغییر در ارزیابی مسئله. انجام مقایسه قبل و بعد از اجرای راهکار فقط در صورتی معتبر خواهد بود که مسئله، قبل و بعد از اجرای راهکار به شیوه ای یکسان ارزیابی شود. تفاوت در انجام ارزیابی می تواند تغییر چشمگیری را برای مسئله رقم بزند. از این رو تا آنجا که می توانید سعی کنید روش های انجام ارزیابی قبل و بعد از اجرای راهکار مشابه هم باشند. مشاهدات شما باید در هر شرایطی (چه قبل و چه بعد از اجرای راهکار) در یک موقعیت زمانی و مکانی یکسان انجام شوند. هم چنین باید امور مشابهی را زیر نظر گرفته و آنها را به یک شکل ثبت نمائید. عکس ها و تصاویر به دست آمده باید در یک زاویه، زیر یک نور، در یک فاصله و در یک تصویر زمینه یکسان نگهداری شوند. باید مصاحبه های انجام شده

قبل و بعد از اجرای راهکار مشابه یکدیگر بوده، سؤال‌های یکسانی را مطرح کرده و در یک ترتیب یکسان تنظیم شده باشند. برای حصول اطمینان از ثابت باقی ماندن نتایج به دست آمده طی زمان، آمار و ارقام رسمی را بررسی کنید.

کاهش طبیعی مسئله از وضعیت حاد. دلیل توجه نمودن به اکثر مسئله‌ها این است که گاهی اوقات بسیاری از چیزها وضعیت بسیار وخیمی به خود می‌گیرند. از این رو به محض آن‌که مسئله‌ای به گونه‌ای غیرطبیعی حاد می‌شود خیلی سریع راهکار لازم برایش اتخاذ می‌گردد. با این حال حتی مسئله‌های نسبتاً با ثبات نیز دست‌خوش برخی نوسانات خواهند گردید. مسئله‌ای که در حال حاضر بسیار غیرطبیعی به نظر می‌رسد در آینده به حالت نرمال در خواهد آمد حتی اگر کار خاصی برای آن انجام نشده باشد (این فرایند «بازگشت به حد وسط» نامیده شده و برای افت و خیزهای غیرعادی کاربرد دارد). در این گونه موارد که منطقه راهکار برعکس منطقه کنترل در بالاترین سطح ممکن قرار دارد، ابزار مهارکننده منطقه قیاس چندان سودمندی نخواهد داشت. در چنین شرایطی برای این که ببینید که آیا مسئله بسیار حاد شده یا خیر، پیش از اجرای راهکار نوسانات دراز مدت حادث شده را بررسی کنید.

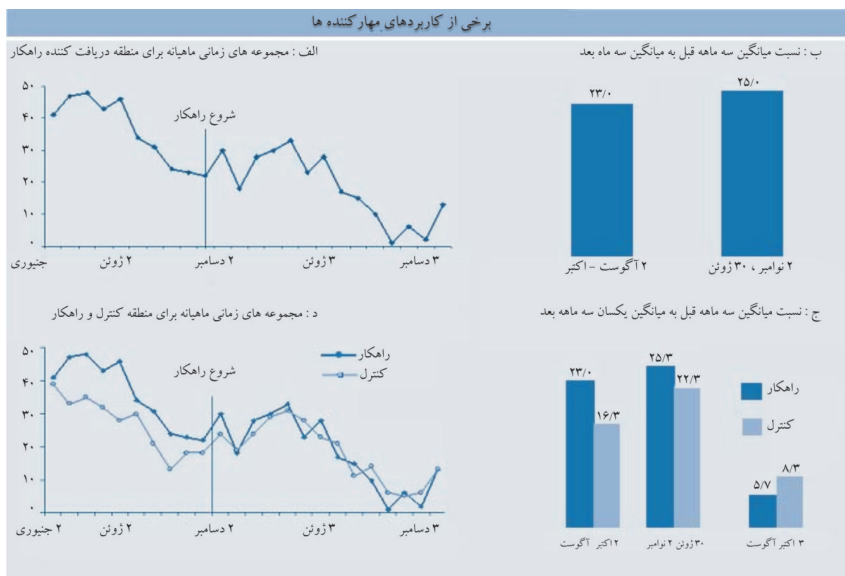
شکل زیر برخی از کاربردهای خاص ابزار مهارکننده را به تصویر می‌کشد. قسمت الف این نمودار دوره‌ای بیست و چهار ماهه که در آن راهکار پیشنهاد شده از اوایل نوامبر سال اول به کار گرفته شده را نشان می‌دهد. در این نمودار یک چرخه سالانه برجسته و یک گرایش رو به پائین دیده می‌شوند که علت هیچ کدامشان راهکار پیشنهاد شده نیست. وضعیت بوجود آمده در ماه نوامبر که در حقیقت پس از اجرای راهکار است نشان می‌دهد که نتیجه حاصله دقیقاً بر عکس چیزی که انتظار می‌رفت بوده است.

قسمت ب مقایسه انجام شده قبل و بعد از اجرای راهکار (میانگین اوت و اکتبر ۲۰۰۳ در مقایسه با میانگین نوامبر ۲۰۰۰ تا ژانویه ۲۰۰۴) را به تصویر کشیده و نشان می‌دهد که مسئله پس از اجرای راهکار بدتر شده است.

در قسمت ج یک منطقه مقایسه نیز اضافه شده است. مقایسه فوری وضعیت قبل و بعد

از اجرای راهکار نشان می‌دهد که شرایط منطقه راهکار از شرایط منطقه مقایسه بهتر است، البته ضمن آن‌که تأثیرهای دوره‌ای، این یافته‌ها را چندان قابل اعتماد نشان نمی‌دهند. مقایسه وضعیت حاکم بر سه ماه پیش از اجرای راهکار با وضعیت حاکم بر همان دوره زمانی در سال آینده رفتار دوره‌ای مجموعه جراثم را توجیه می‌کند.

با همه این اوصاف قسمت د تصویر بهتری از تأثیر راهکار پیشنهاد شده را نشان می‌دهد چرا که بخشی از کاهش حادث شده در هر دو گروه به احتمال زیاد به گرایش رو به پائین شکل گرفته بر می‌گردد. پیش از اجرای راهکار منطقه بررسی شده بدتر از منطقه مقایسه بود ولی می‌بینیم که پس از اجرای راهکار وضعیت هر دو گروه یکسان است. وضعیت بغرنج ماه نوامبر نیز ظاهراً با راهکار پیشنهاد شده مرتبط نیست چرا که وضعیت این ماه نیز در گرایش کنترل وضعیت مناسبی است. راهکار پیشنهاد شده ظاهراً کارآمد به نظر رسیده ولی از حساسیت بالایی برخوردار نبوده است. از این رو پیشرفت‌های حاصل شده در آن خیلی راحت به واسطه فاکتورهایی که کنترلشان ضروری بود (اعم از گرایش، چرخه‌ها و حوادث پیش‌بینی نشده) محو می‌شدند.



۴۸- به جابه‌جایی‌های جغرافیایی و زمانی بزهکاری توجه داشته باشید

جابه‌جایی جغرافیایی بزهکاری زمانی رخ می‌دهد که مداخله (پلیس و اجرای راهکار)، فرصت وقوع بی‌نظمی یا ارتکاب جرم در یک نقطه را یا محدود کرده و یا از بین برده است و بزهکاران مجبور می‌شوند برای ارتکاب جرم به نقطه یا محدوده دیگری بروند. جابه‌جایی‌های زمانی بزهکاری، از اجرای پیشگیری موفق نیز ناشی می‌شوند با این تفاوت که در این مورد بزهکاران ارتکاب جرم خود را به ساعت‌ها یا روزهای دیگری موکول می‌کنند.

بزهکاران حرکت به نقاط دیگر را دشوار تلقی می‌کنند چرا که با تغییر مکان، فرصت‌های موجود برای بی‌نظمی یا ارتکاب جرم محدود می‌شوند (به راهبرد شانزده مراجعه کنید). آماج‌ها ممکن است در برخی مکانها متمرکز بوده و در برخی مکانها متمرکز نباشند (به راهبرد شانزده مراجعه کنید). بزه‌دیدگان بالقوه آسیب‌پذیر ممکن است در برخی مکانها یافت شده و در برخی مکانها یافت نشوند (به راهبرد بیست و نه مراجعه کنید). برخی تأسیسات ابزار مهار رفتاری کمی در اختیار دارند، در حالی که برخی دیگر این‌گونه نیستند (به راهبرد بیست و هشت مراجعه کنید). فرصت‌های موجود یا تحریک‌آمیز بوده و یا آن‌که آن‌قدر از دسترس بزهکاران دورند که برای ارتکاب جرم مناسب تشخیص داده نمی‌شوند. بزهکاران در مواقعی که مجبور به جابه‌جایی می‌شوند چندان وقت خود را به بررسی نقاط دوردست اختصاص نمی‌دهند. به عبارت دیگر اگر این اشخاص تصمیم به جابه‌جایی بگیرند نقطه‌ای را انتخاب خواهند کرد که به پاتوق همیشگی آنها برای ارتکاب جرم نزدیک باشد. همان‌طور که در شکل نشان داده شده، هر قدر فاصله بزهکاران با پاتوق همیشگی شان بیش‌تر می‌شود فرصت ارتکاب جرم توسط آنها نیز کمتر می‌شود. گفتنی است که همه مکانها نیز برای بزهکاران مناسب نیستند چرا که فرصت‌ها در همه نقاط نقشه به‌طور یکسان فراهم نمی‌شوند.

در این نقشه نقطه‌های الماسی شکل مکانهایی هستند که خصوصیات پاتوق‌های اصلی بزهکاران در آنها وجود دارند. بزهکارانی که به پاتوق اصلی خود نزدیک‌تر هستند بیشتر تحت تأثیر جابه‌جایی قرار خواهند گرفت. علاوه بر فاصله، موانع طبیعی نیز جابه‌جایی را محدود می‌سازند. در این نقشه رودخانه‌ای که از شمال شرقی به سمت جنوب غربی در جریان است شانس جابه‌جایی به شرق را کاهش می‌دهد. آگاهی از این مسئله سبب می‌شود تا راهکارهای مقابله با جابه‌جایی بیش از هر چیز در نقاط آسیب‌پذیر به کار گرفته شوند.

با محقق شدن جابه‌جایی‌های جغرافیایی یا زمانی، احتمال انتقال جرم به موقعیت‌های مکانی و زمانی خاصی افزایش خواهد یافت که بسیار شبیه موقعیت‌های مکانی و زمانی تأثیر پذیرفته از راهکارهای پیشگیرانه هستند. این نوع جابه‌جایی‌ها در مقایسه با جابه‌جایی‌های انجام شده به موقعیت‌های مکانی و زمانی بسیار متفاوت، تلاش و آموزش کمتری را جلب کرده و خطر کمتری را برای بزهکاران در پی خواهند داشت. در چنین شرایطی احتمال این‌که بزهکاران برای مقابله با راهکار پیشنهادی تلاش نمایند زیاد است. این همان موضوعی است که یافته «لرنس شِرمَن» مبنی بر اینکه تأثیر ناشی از شدت عمل پلیس روز به روز کمرنگ‌تر می‌شوند را توجیه می‌کند. اگر بزهکاران توان مقابله با راهکار پیشنهادی را نداشته باشند، در آن صورت آشناترین موقعیت‌های مکانی و زمانی، بیشترین احتمال جذب جابه‌جایی جرم را خواهند داشت. به عقیده «پائول برانتینگهام»، و «پاتریشیا برانتینگهام»، مناطقی که بیشترین احتمال جذب جابه‌جایی‌ها را دارند قابل پیش‌بینی‌اند، اما برای این امر لازمست که اطلاعات کافی از فرصت‌های ارتکاب جرم در موقعیت فعلی وجود داشته باشد.

در صورت بروز جابه‌جایی‌های جغرافیایی ممکن است نتایج حاصله در خصوص کارایی، وارونه جلوه کند. جدول شماره یک این مسئله را به تصویر می‌کشد. در این مثال سه منطقه مشابه وجود دارند که شمار جرائمشان پیش از پاک‌سازی یکسان بوده است: (۱) منطقه پاک‌سازی شده، (۲) منطقه واقع شده در مجاورت منطقه پاک‌سازی شده و (۳) منطقه واقع شده در فاصله طولانی از منطقه پاک‌سازی شده. میزان کاهش جرم در منطقه پاک‌سازی

شده بیست و پنج مورد بوده در حالی که این رقم در منطقه مجاور آن ده مورد بوده است. این بدان معناست که اگر در منطقه پاک‌سازی شده کاری انجام نمی‌شد چه بسا که در آن جا نیز میزان جرائم ده مورد بیشتر بود. پس می‌توان گفت که کاهش نرخ خالص جرم رقمی معادل سی و پنج است (کاهش بیست و پنج موردی جرم در منطقه پاک‌سازی شده و افزایش ده موردی جرم که جلوی آن گرفته شده است).



جدول شماره یک: استفاده از مناطق کنترل دور و نزدیک تحت کنترل برای جابه‌جایی جغرافیایی بزهکاری				
تأثیر خالص برآورد شده	تفاوت	بعد از پاکسازی	قبل از پاکسازی	
	-۲۵	۷۵	۱۰۰	منطقه پاک شده
-۳۵	+۱۰	۱۱۰	۱۰۰	منطقه مجاور
-۲۵	۰	۱۰۰	۱۰۰	منطقه دور

شاید بتوان علت این افزایش ده موردی جرم را جابه‌جایی جغرافیایی دانست. استفاده از منطقه کنترل دور برای مقایسه بسیار مناسب است. منطقه دور از منطقه پاک‌سازی شده که نقش کنترل‌کننده دارد نشان می‌دهد که اگر هیچ‌گونه اقدامی برای پاک‌سازی جرم انجام نمی‌شد وضعیت منطقه پاک‌سازی شده یا مناطق مجاور آن نیز هیچ تغییری نمی‌کرد. این بدان معناست که پاک‌سازی انجام شده تعداد جرائم حادث شده در منطقه پاک‌سازی شده را بیست و پنج مورد کاهش داده ولی تعداد آن را در مناطق مجاور ده مورد افزایش داده است (جابه‌جایی) یعنی در حقیقت کاهش خالص جرم پانزده مورد بوده است. این برنامه تا حدودی کارآمد است ولی باز هم به اندازه‌ای که در ابتدا ارزیابی گردید کارایی نداشته است. راهبرد پنجاه و یکم فرمول‌های خاصی را برای جابه‌جایی (ضمن ارزیابی کارایی آنها) ارائه می‌دهد.

سعی کنید در ارزیابی‌های خود دو منطقه مقایسه را انتخاب نمایید: یک منطقه در نزدیکی منطقه پاک‌سازی شده که از فرصت‌های جرم مشابهی برای کشف جابه‌جایی جغرافیایی (و توزیع، راهبرد پنجاه و یک) برخوردار باشد و یک منطقه را نیز به عنوان منطقه کنترل. منطقه کنترل باید با ایجاد فاصله و موانع حفاظتی دیگر (نظیر اتوبان یا رودخانه) از گزند مسئله‌های ناشی از جابه‌جایی محافظت گردد. انتخاب درست منطقه کنترل و منطقه جابه‌جایی شما را وادار می‌سازد تا از الگوهای جابه‌جایی عادی بزهکاران اطلاعات مختصری را به دست آورید، چرا که اصولاً منطقه کنترل باید خارج از محدوده این اشخاص و منطقه جایگزینی باید در داخل محدوده آنها باشد.

برای بزهکاران جابه‌جایی زمانی از جابه‌جایی جغرافیایی آسان‌تر است چرا که به تلاش کمتری نیاز دارد. جابه‌جایی زمانی ظرف بیست و چهار در صورتی به وقوع می‌پیوندد که پیشگیری از جرم به زمانهای خاصی محدود شده و زمانهای دیگر را به حال خود رها کرده باشد. این نوع جابه‌جایی همچنین می‌تواند ظرف یک هفته یا حتی بیشتر انجام شود. اگر زمانهای برخوردار از راهکار پیشگیری، با زمانهای فاقد این راهکار مقایسه شوند

(توسط عملیات ارزیابی)، در آن صورت ابزارهای مهارکننده زمانی خیلی زود دچار آلودگی ناشی از جابه‌جایی بزهکاری خواهند شد. در جدول دو پاک‌سازی در روز شنبه و یکشنبه انجام شده است. میانگین جرائم حادث شده در روزهای دوشنبه و جمعه ده مورد افزایش نشان داده‌اند. آیا علت این مسئله جابه‌جایی زمانی بوده است؟ روزهای وسط هفته ابزار مهارکننده معتبرتری به حساب می‌آیند چرا این روزها در مقایسه با روزهای دوشنبه و جمعه وجه مشترک کمتری با روزهای آخر هفته دارند.

منتظر ماندن برای پیشگیری، شکل رایجی از جابه‌جایی زمانی است. شدت عمل‌های پلیس نیز آسیب‌پذیری بالایی در برابر این نوع جابه‌جایی زمانی از خود نشان می‌دهند چرا که اصولاً این نوع شدت عمل‌ها، موقتی‌اند. اگر در جایی مداخله صورت گیرد (بر خلاف شدت عمل)، در آن صورت بزهکاران قادر به وقت‌کشی نخواهند بود. این اشخاص در چنین حالتی مجبور خواهند بود به سمت اهداف یا نقاط نه‌چندان جذاب حرکت کنند و یا به‌کارگیری شیوه‌های ارتکاب جدید یا انجام جرائم دیگر را در دستور کار خود قرار دهند. اگر این گزینه‌ها بسیار دشوار، بی‌فایده، پرخطر یا فاقد جذابیت لازم باشند بزهکاران را به ارتکاب جرائم کمتر وادار خواهند ساخت.

منابع دیگر:

«پائول برانتینگهام» و «پاتریشیا برانتینگهام». (۲۰۰۳) «پیش‌بینی جابه‌جایی بزهکاری با استفاده از اصول جرم‌شناسی محیطی». مطالعات انجام شده در زمینه پیشگیری از جرم، جلد شانزدهم. مونس، نیویورک: انتشارات «عدالت کیفری».

«جان اک» (۲۰۰۲). ارزیابی راهکارهای ارائه شده برای حل مسئله‌ها: راهنمای مقدماتی برای نیروهای حل مسئله پلیس. واشنگتن دی سی: آمریکا. وزارت دادگستری، دفتر انجام امور پلیسی جامعه محور (موجود در سایت www.popcenter.org و www.cps.usdoj.gov)

جدول شماره دو : استفاده از روزهای هفته برای کنترل جابجایی زمانی بزهکاری					
	روزهای هفته	قبل از پاکسازی	بعد از پاکسازی	تفاوت	تأثیر خالص برآورد شده
منطقه پاکسازی شده	شنبه و یکشنبه	۱۰۰	۷۵	-۲۵	
منطقه مجاور	جمعه و دوشنبه	۱۰۰	۱۱۰	+۱۰	-۳۵
منطقه دور	پنجشنبه و سه شنبه	۱۰۰	۱۰۰	۰	-۲۵

۴۹- نحوه جابه‌جایی آماج، شیوه‌های ارتکاب و نوع جرائم را بررسی کنید

بزهکاران علاوه بر جابه‌جایی جغرافیایی و زمانی، از توان لازم برای تغییر آماج، شیوه‌های ارتکاب و نوع جرائم نیز برخوردارند.

جابه‌جایی آماج شامل تغییر گرایش بزهکاران از آماج‌های محافظت شده جدید، به سمت آماج دیگر جرائم می‌شود. هنگامی که در سال ۱۹۷۰ به‌کارگیری قفل‌های ایمنی در کلیه خودروهای فروخته شده در بریتانیا اجباری گردید سرقت خودروهای جدید از ۲۰/۹ درصد در سال ۱۹۶۹ به ۵/۱ درصد در سال ۱۹۷۳ کاهش یافت. با این حال نرخ کلی سرقت خودرو همچنان ثابت باقی ماند چرا که سارقان نیز از سرقت خودروهای حفاظت شده جدید دست کشیدند و به سرقت خودروهای قدیمی‌تر و بدون حفاظ روی آوردند. این مثال یکی از معدود موارد ثبت شده‌ای است که در آن جابه‌جایی، کلیه آورده‌های حاصل از پیشگیری را (حداقل در کوتاه مدت) خنثی نمود. این ابزارها در یک مدت زمان طولانی‌تر تا حدودی سرقت را کنترل نمودند. همان‌طور که این مثال نشان می‌دهد برای بزهکاران تغییر جهت به سمت آماج‌های کاملاً مشابه کار آسانی به شمار می‌رود. هنگامی که آماج‌های جایگزین شده، مشابه آماج‌های قدیمی نیستند احتمال جابه‌جایی آماج نیز به مراتب کمتر خواهد شد.

راهبرد چهل و دوم نشان می‌دهد که چگونه جابه‌جایی جغرافیایی یا زمانی می‌تواند گروه‌های کنترل را تحت تأثیر خود قرار دهد. اگر برای ارزیابی یک اقدام پیشگیرانه، یک گروه کنترل آماج به خدمت گرفته شود، نتیجه این می‌شود که شکل مشابهی از آلودگی (ناشی از جابه‌جایی جرم) اتفاق خواهد افتاد. برای مثال راهکار اتخاذ شده برای مهار کیف‌قاپی از زنان بالای ۶۰ سال را در یک مرکز خرید در نظر بگیرید. در این مورد ارزیابی نحوه کیف‌قاپی‌های انجام شده در گذشته مستلزم ارزیابی کیف‌قاپی‌های انجام شده از زنان ۴۵ تا ۵۹ ساله است (البته به شرط آن‌که فرض کنیم اقدامی برای کیف‌قاپی‌های قبلی انجام شده

باشد). اگر نتیجه بررسی نشان دهد که سارقان دست از سر زنان مسن و مراقب برداشته و به سراغ زنان میان‌سال و نه چندان مراقب رفته باشند (جابه‌جایی آماج) در آن صورت است که می‌توان گفت نرخ کیف‌قاپی‌ها بدون آن‌که راهکاری برای آنها اتخاذ شود بالا رفته است. زمانی که ما جابه‌جایی این گروه کنترل آماج را با جابه‌جایی گروه پاک‌سازی مقایسه می‌کنیم به اشتباه احساس می‌کنیم که عملیات پاک‌سازی کارآیی بالایی داشته است. در این مورد یک گروه کنترل آماج مطلوب می‌تواند گروه متشکل از زنان جوان (در سنین بین ۳۰ تا ۴۴) یا حتی از آنها بهتر مردان جوان باشد. با وجودی که هیچ‌یک از این گزینه‌ها کامل نیستند می‌توان آنها را پیشرفت به حساب آورد، چرا که با وجود آنها احتمال جابه‌جایی به سمت آماج غیرمشابه بسیار کمتر خواهد گردید. یا مثلاً مرکز خرید دیگری را به عنوان منطقه کنترل در نظر بگیرید. در هر دوی این موارد شما باید با توزیع جغرافیایی منافع یا آلودگی (ناشی از جابه‌جایی جرم) احتمالی مقابله نمایید، به راهبرد چهل و هشت و پنجاه و یک مراجعه کنید.

جابه‌جایی شیوه‌های ارتکاب زمانی رخ می‌دهد که بزهکاران شیوه‌های ارتکاب یا روش عمل خود را تغییر بدهند. برای مثال این اشخاص ممکن است از ابزار متفاوتی برای شکستن قفل‌های بهتر استفاده نمایند. یا مثلاً هکرهای رایانه‌ای ممکن است برای ورود به سیستم‌های پیشرفته امنیتی برنامه‌های خود را تغییر بدهند. در پزشکی، برخی باکتری‌ها به سرعت دارویی که برای مقابله با یک گونه خاص از باکتری ساخته شده را خنثی نمایند همان‌گونه که در برخی موارد ژن‌های جهش‌یافته بر ژن‌های دیگر غلبه می‌کنند. یکی از راه‌های مقابله با این قضیه، استفاده از درمان‌های گسترده است که در غلبه بر جهش‌های گوناگون، مؤثر واقع می‌شوند. راهکارهای موسوم به «طیف گسترده» نیز به همین شکل با روش‌های فعلی به کار گرفته شده توسط بزهکاران و یا بسیاری از اصلاحات انجام شده بر روی این تاکتیک‌ها مقابله می‌کنند. مداخلات طیف گسترده، بزهکاران را وادار می‌سازند تا تغییر چشمگیری را در رفتار خود ایجاد نمایند. «پائول اِکبلوم» جابه‌جایی شیوه‌های ارتکاب انجام شده پس از

نصب موانع خاص در اداره های پست بریتانیا (برای پیشگیری از سرقت‌های انجام شده در آنها) را تشریح می‌کند، در اداره مذکور برخی بزهاران از پتک برای رسیدن به هدف خود استفاده می‌کردند. این تغییر شیوه‌های ارتکاب چندان موفقیت‌آمیز نبوده ضمن آن‌که جابه‌جایی نیز کاملاً محدود بود. این نوع موانع نمونه بارز مداخله طیف گسترده به حساب می‌آیند چرا که به راحتی توانسته بودند شیوه‌های ارتکاب جدید اتخاذ شده توسط بزهاران را خنثی نمایند.

جابه‌جایی ناگهانی نوع جرم نیز شکل دیگری از جابه‌جایی قابل توجه به حساب می‌آید. بزهاران ممکن است شیوه‌های ارتکاب خود را از سرقت خودروها به سرقت لوازم داخل آنها جابه‌جا کنند. ما گاهی اوقات راهکارهای اتخاذ شده برای یک نوع جرم را با مقایسه گرایش موجود در جرم مشابهی که از راهکار پیشگیرانه استفاده نکرده ارزیابی می‌نمائیم. برای مثال ممکن است سرقت از خودروها را به عنوان ابزاری مهارکننده در ارزیابی مداخله سرقت از خودروها انتخاب می‌نمائیم.

آلودگی و محافظت یاد شده، برای جابه‌جایی شیوه ارتکاب و نوع جرم که در دیگر اشکال جابه‌جایی یافت می‌شوند نیز وجود دارند. اگر نوع جرم یا شیوه ارتکاب، با نوع جرم یا شیوه بررسی شده شباهت زیادی داشته باشد در آن صورت جابه‌جایی حاصل شده از توان لازم برای تأثیرگذاری بر این ابزار مهارکننده برخوردار خواهد بود. جرائم یا شیوه‌های غیرمشابه، کمتر در معرض آلودگی قرار می‌گیرند، البته ناگفته نماند که اگر جرائم یا شیوه‌ها بیش از حد هم غیرمشابه باشند ابزار مهارکننده سودمندی به حساب نخواهند آمد.

برای رفع این مشکل، راه حل مشخصی وجود نداشته و به همین خاطر لازم است تدبیر خاصی برای آن اندیشیده شود. این مشکل باعث شده تا تشخیص وقوع یا عدم وقوع جابه‌جایی و همچنین قضاوت در خصوص کارآمدی مداخله انجام شده بسیار دشوار شود. تشدید این دشواری‌ها به این شکل نمود پیدا کرده که اشکال مختلف جابه‌جایی همگی باهم در یک زمان رخ می‌دهند. در حقیقت گاهی اوقات یک شکل از جابه‌جایی به شکل

دیگر آن نیز دامن می‌زند. در برخی موارد جابه‌جایی آماج مستلزم جابه‌جایی شیوه ارتکاب بوده به طوری که اگر آماج‌های جدید در مکانهایی مشابه آماج‌های قبلی قرار نداشته باشند جابه‌جایی جغرافیایی نیز رخ خواهد داد.

پی بردن به وقوع جابه‌جایی، بدون جستجوی آن امکان‌پذیر نیست. این بدان معناست که شما باید مسئله را از نزدیک بررسی کرده و محتمل‌ترین اشکال جابه‌جایی را برای آن در نظر بگیرید. آیا فرصت‌های ارتکاب جرم یا بی‌نظمی دیگری هم وجود دارند که مشابه فرصت‌هایی باشند که از آن پیشگیری کرده‌اید؟ آیا بزه‌کاران مورد نظر شما به راحتی این فرصت‌ها را کشف خواهند کرد؟ جستجوی فرصت‌های جابه‌جایی پیش از کنار گذاشتن راهکار پیشنهادی دو مزیت عمده را در پی خواهد داشت. اول آن‌که شما می‌توانید در صورت ظاهر شدن آن، معیارهای کشف آن را بیشتر شناسایی کنید و مهم‌تر از آن این‌که خواهید توانست اقدام‌های متقابل که از پیدایش جابه‌جایی ممانعت می‌کند را افزایش دهید.

منابع دیگر:

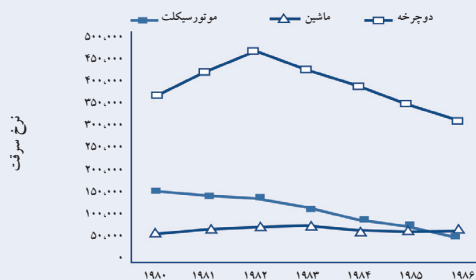
«پائول اکبلوم» (۱۹۸۷). پیشگیری از سرقت‌های مقرون به آزار یا تهدید در ادارات پست فرعی: ارزیابی ابتکاری امنیتی. نهمین گزارش ویژه پیشگیری از جرم: وزارت کشور.
 «بری وب» (۱۹۹۴). «استفاده از ابزار امنیتی برای پیشگیری از سرقت و سائل نقلیه: ارزیابی‌های انجام شده در سه کشور دنیا». مطالعات انجام شده در خصوص پیشگیری از جرم، جلد دوم، «رونالد کِلارک». مونسی، نیویورک: انتشارات «عدالت کیفری» (موجود در سایت www.popcenter.org)

تحقیق انجام شده درباره جابه‌جایی آماج: قوانین وضع شده مرتبط با کلاه ایمنی و کاهش سرقت موتورسیکلت

در آلمان (همچون نقاط دیگر جهان) اجرای قوانین وضع شده برای کلاه ایمنی با کاهش چشمگیر سرقت موتورسیکلت‌ها همراه بود. پس از اجرای قوانین مذکور در ۱۹۸۰، بزه‌کاران که قصد سرقت موتورسیکلت را داشتند باید از کلاه ایمنی استفاده می‌کردند و گرنه خیلی زود توسط پلیس متوقف می‌شدند. همان‌طور که در نمودار زیر نشان داده شده سرقت موتورسیکلت در ۱۹۸۶ به حدود یک سوم میزان سرقت در ۱۹۸۰ یعنی از ۱۵۰۰۰۰ مورد به ۵۰۰۰۰ مورد رسید. (کاهش تدریجی میزان سرقت ناشی از اعمال جدی‌تر قانون و افزایش آگاهی از ضرورت انجام این کار حکایت دارد). این موضوع نشان می‌دهد که سرقت موتورسیکلت عنصر فرصت‌طلبانه بسیار بارزتری از آن‌چه که بتوان درباره آن فکر کرد در اختیار دارد. وجود پایگاه اطلاعاتی ویژه سرقت در آلمان به محققان امکان داده بود تا بررسی کنند که آیا کاهش سرقت موتورسیکلت در جابه‌جایی آماج به سمت سرقت اتومبیل یا دوچرخه که دیگر ابزار حمل و نقل شخصی به حساب می‌آیند تأثیرگذار بوده یا خیر؟

دو خط دیگر ترسیم شده در نمودار ذیل نیز نرخ سرقت خودرو و دوچرخه را طی همان سال‌ها نشان می‌دهند. این دو خط شواهد مختصری از جابه‌جایی را به تصویر کشیده و نشان می‌دهند که سرقت خودرو از ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۶ حدود ۱۰ درصد افزایش یافت (یعنی از حدود ۶۴۰۰۰ مورد به ۷۰۰۰۰ مورد رسید). سرقت دوچرخه نیز بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۸۳ افزایش نشان داده ولی مجدداً در پایان این مدت به سطحی پایین‌تر از سطح سال ۱۹۸۰ کاهش یافته است. روی هم رفته بدیهی است که فقط درصد ناچیزی از ۱۰۰۰۰۰ موتورسیکلت به سرقت رفته که به‌واسطه قوانین وضع شده برای کلاه ایمنی به صاحبانشان بازگردانده شدند، به سرقت دیگر وسائل نقلیه جابه‌جا شده است.

کمی تأمل بر روی این مسئله عجیب نبودن آن را به اثبات می‌رساند. موتورسیکلت‌ها برای سرقت بسیار جذاب به نظر می‌رسند چرا که سارقان جوان در مقایسه با دوچرخه لذت بیشتری از آنها می‌برند. حتی اگر هدف صرفاً رسیدن به منزل در اواخر شب باشد باز هم موتورسیکلت مزایای بیشتری در مقایسه با دوچرخه دارد به خصوص اگر فاصله بیش از چند مایل باشد. سرقت موتورسیکلت نیز از سرقت خودرو آسان‌تر است چرا که سرقت خودرو مستلزم باز کردن در خودرو و وارد شدن به داخل آن است. همچنین خودرو همانند دوچرخه هیجان کمتری در مقایسه با موتورسیکلت داشته و به مهارت بیشتری برای راندن نیاز دارد.



منبع: پت، می هیو و همکاران (۱۹۸۹). سرقت موتورسیکلت، جابه‌جایی بزهکاری و قوانین مصوب به کلاه ایمنی، نشریه ویژه عدالت کیفری، ۸-۱: ۲۸-۱.

۵۰- مراقب دیگر بزهکاران غیر ثابت باشید

بخش حاضر بر سه اصل استوار است: (۱) مراقبت از بزهکاران غیر ثابت، مانع از ایجاد مسئله توسط آنها می‌شود؛ (۲) در صورتی که از فرصت (ارتکاب جرم) اشخاص حمایت نشود، آنها قادر به ارتکاب جرم نخواهند بود، و (۳) تغییر ساختارهای پیدایش فرصت مسئله را به میزان چشمگیری کاهش خواهد داد. در این بخش می‌خوانیم که راهکارهایی که فقط تمرکزشان بر روی حذف بزهکاران است تأثیر محدودی بر مسئله‌ها خواهند داشت. پس از حذف بزهکاران، مسئله فقط برای مدت زمان کوتاهی کاهش خواهد یافت، چرا که پس از آن یا بزهکاران قدیمی مجدداً به بهره‌برداری از فرصت‌های خود روی آورده و یا آن‌که بزهکاران جدید، بهره‌برداری از فرصت‌ها را آغاز خواهند کرد. این مسئله گاهی اوقات جابه‌جایی مرتکب نامیده می‌شود. جایگزینی طبیعی بزهکاران می‌تواند به کندی صورت گیرد به خصوص اگر فرصت‌ها نیز چندان واضح و شناخته شده نباشند. ولی اگر کسی فرصت‌های ارتکاب جرم را در گذشته کشف نموده باشد دیگران نیز در آینده آنها را کشف خواهند کرد. همچنین اگر بزهکاران قدیمی به واسطه به زندان افتادن حذف شوند این احتمال وجود دارد که برخی دیگر از فرصت‌های به وجود آمده در زمان آزادی آنها استفاده نمایند.

بزهکاران تازه‌کاری که مجذوب فرصت‌ها می‌شوند به راحتی می‌توانند سبب پیدایش در چرخه‌های دراز مدت جرم باشند. سرقت‌های مقرون به آزار یا تهدید از بانک‌ها در بخشی از امریکا نمونه بارز این قضیه به حساب می‌آید. این جرائم چند سالی به شدت رواج یافته، سپس چند سالی کاهش یافته و پس از مدتی مجدداً سیر صعودی از خود نشان می‌دهند. یکی از فرضیه‌هایی که در مورد این چرخه‌ها مطرح است این است که در طی سال‌های اوج این نوع سرقت، بانک‌ها راهکارهای پیشگیرانه متعددی به کار گرفته و شمار زیادی از بزهکاران را راهی زندان می‌کنند. این اقدام

ها سرقت از بانک‌ها را کاهش می‌دهند. چند سال پس از وقوع سرقت‌های اولیه از بانک‌ها، امنیت بانک‌ها کاهش یافته و همین مسئله خود فرصت سرقت مجدد از آنها را افزایش می‌دهد. در چنین شرایطی بزهکاران تازه‌کار بلافاصله بهره‌برداری خود از امنیت نه چندان مطلوب بانک‌ها را آغاز کرده و همین مسئله موج جدیدی از سرقت‌ها و پیشگیری از آنها را شکل می‌دهد. این فرضیه توجه همگان را به سوی این حقیقت جلب می‌کند که پیشگیری همواره از اجرای قانون کارآمدتر است.

امروزه بررسی ویژگی‌های راهکارهای مبتنی بر حل مسئله که با تشریح اقدام‌های اجرایی شکست خورده آغاز می‌شوند، بسیار رایج شده است. هم‌اکنون شرایط به گونه‌ای است که یا بزهکاران کهنه‌کار مجدداً ارتکاب جرم را آغاز کرده و یا این‌که بزهکاران تازه‌کار جای آنها را می‌گیرند. راه‌هایی که به واسطه آنها اشخاص تازه‌کار در معرض ارتکاب جرم قرار می‌گیرند عبارت است از:

۱. در معرض جرم قرار گرفتن از طریق انجام فعالیت‌های عادی و روزمره.

برای مثال پلیس همه روزه بسیاری از جوانان را حین سرقت از خودروهای بدون حفاظ در مرکز شهر دستگیر می‌کند ولی باز هم این خودروها همچنان بدون قفل و حفاظ در آنجا رها می‌شوند. از بین اشخاصی که همه روزه به مرکز شهر می‌روند تعداد کمی از آنها به این خودروها توجه کرده و دست به سرقت آنها می‌زنند. برخی از این اشخاص در صورت موفقیت باز هم به این کار ادامه می‌دهند.

۲. پیدایش فرصت جرم در اثر مواجهه با شبکه‌های غیررسمی دوستان و

آشنایان. گاهی اوقات اشخاصی که خود فرصت ارتکاب جرم یا بی‌نظمی را در اختیار دارند از دیگران نیز برای کمک به خود یا لذت بردن از تجربه‌شان دعوت به عمل می‌آورند. معمولاً اشخاصی وجود خواهند داشت که دائماً دیگران را به استفاده از فرصت‌های خود تشویق نمایند چرا که ما خیلی کم به طور صد در

صد در حذف درازمدت همه بزهکاران موفق می‌شویم.

۳. به خدمت گرفته شدن توسط بزهکاران. سردسته‌های باندهای سرقت در صورتی که احساس کنند اشخاص قدیمی دیگر قادر به سرقت کالاهای مورد دل‌خواه آنها نیستند، بلافاصله اشخاص جدیدی را به خدمت می‌گیرند. در باندهای سازمان‌یافته روسپی‌گری، اشخاص سردسته به محض آن‌که می‌بینند برخی روسپی‌ها با آنها همکاری نمی‌کنند روسپی‌های جدیدی را به خدمت می‌گیرند. باندهای مجرمانه نیز در برخی موارد اشخاص تازه‌وارد را جایگزین اشخاص قدیمی می‌کنند. گفته شده که قاچاقچیان بزرگ‌سال مواد مخدر انجام کارهای خطرناک را به نیروهای جوان خود محول می‌کنند، چرا که مجازات‌های در نظر گرفته شده برای جوانان به مراتب از مجازات اشخاص بزرگ‌سال کمتر است

چگونه می‌توان به تغییر یا جابه‌جایی بزهکاران پی‌برد؟ آسان‌ترین راه برای پی‌بردن به این موضوع مقایسه اسامی بزهکاران مرتبط با جرم پیش از اجرای راهکار با بزهکاران مرتبط با جرم پس از اجرای راهکار است. اگر پس از انجام مقایسه، اسامی متفاوت به نظر برسند در آن صورت است که مشخص می‌شود مرتکب ثابت نبوده است. مشکل اصلی این نوع رویکرد آن است که به ندرت می‌توان به فهرست کامل بزهکاران دست پیدا کرد. از این رو نمی‌توان فهمید که آیا اسامی جدید حقیقتاً به بزهکاران جدید تعلق داشته یا آن‌که این اشخاص مدتی مشغول جرم بوده و اخیراً شناسایی شده‌اند.

گاهی اوقات مصاحبه با بزهکاران نیز سودمند واقع می‌شود چرا که خود این اشخاص زمان و نحوه درگیر شدنشان در جرم و همچنین نام هم‌دستان خود را به شما خواهند گفت. این اشخاص می‌توانند اطلاعات مربوط به جابه‌جایی شیوه ارتکاب و دیگر انواع آن را نیز در اختیار شما بگذارند. با این حال در اغلب موارد بزهکاران همکاری لازم را نمی‌کنند و غیرقابل اعتماد به نظر می‌رسند. (راهبرد دهم)

گاهی اوقات بررسی دقیق روش‌های به کار گرفته شده برای ارتکاب جرم نشانه‌هایی از دخالت بزهداران تازه‌کار در جرائم حادث شده را به تصویر می‌کشند. اگر شیوه‌های فعلی تفاوت فاحشی با شیوه‌های قبلی داشته باشند این احتمال وجود خواهد داشت که پای بزهداران تازه‌وارد نیز وسط بوده باشد. با این حال بعید نیست که بزهداران قدیمی شیوه‌های خود را جابه‌جا کرده باشند.

منابع دیگر:

«راجر متیوس» (۱۹۹۷). «توسعه راهبردهای کارآمدتر برای مقابله با روسپی‌گری»، پیشگیری وضعی از جرم: مطالعات موردی موفق (جلد دوم)، «رونالد کلارک». مونسی، نیویورک: انتشارات «عدالت کیفری».

تلفیق شدت عمل‌ها با اصلاحات محیطی: کنترل روسپی‌های ولگرد در پارک فاینزبری

«راجر متیوس» مسئله ولگردی روسپی‌ها در پارک فاینزبری لندن را تشریح می‌کند. شدت عمل‌های مکرر انجام شده توسط پلیس طی سال‌های متمادی نتوانست بازار روسپی‌ها را کنترل کند چرا که این زنان خیلی راحت به همان مناطق برمی‌گشتند. به محض تلفیق شدت عمل‌های اعمال شده با ایجاد موانع خیابانی برای مردانی که با خودرو به دنبال این زنان می‌رفتند، روسپی‌گری به شدت کاهش پیدا کرد. به عقیده «متیوس» علت اصلی این کاهش، تلفیق دو راهبرد مختلف یعنی حذف بزهدار به واسطه اجرای قانون و مقابله با فرصت از طریق ایجاد موانع خیابانی بود. یکی از دلایل مهم موفقیت‌آمیز بودن این نوع مداخله‌ها این بود که روسپی‌های ولگرد در آن ناحیه چندان به این شکل از کسب درآمد وابسته نبودند. به عبارت دیگر فقط تعداد کمی از آنها به این قضیه معتاد بوده یا تحت کنترل رؤسای خود بودند. در حقیقت دلایل اصلی کشیده شدن این اشخاص به دام فحشا به دست آوردن پول بیش‌تر در مقایسه با مشاغل دیگر، لذت بردن از آزادی و ملاقات با مردان مختلف بود. بسیاری از آنها از نقاط دوردست و با بلیط‌های ارزان قیمت قطار به پارک فاینزبری می‌آمدند. اکثر این زنان به همراه زنان دیگر اطاقی در منازل یا آپارتمانهای مسکونی آن ناحیه اجاره کرده یا آن‌که در خودروی مشتریان اقدام به روسپی‌گری می‌کردند. بسیاری از آنها به غیر از روسپی‌گری به فروشندگی، رقص یا کار در فروشگاه‌ها نیز می‌پرداختند. وابستگی کم این اشخاص به روسپی‌گری و پرداختن به کارهای دیگر برای پول در آوردن اصلی‌ترین عاملی بوده که باعث شد محققان از جابه‌جایی این اشخاص به نقاط دیگر لندن شواهد کمی به‌دست آوردند.

۵۱- گوش به زنگ منافع غیرمنتظره باشید

اگر توزیع منافع را به حساب نیاورید ممکن است تأثیر مداخله‌ی خود را کمتر از حد معمول برآورد نمائید. (راهبرد سیزده). ممکن است به این نتیجه برسید که مداخله، ارزش امتحان نداشته یا ناتوان از رفع مسئله باشد. این امر به ویژه هنگامی که توزیع، گروه کنترل شما را آلوده می‌سازد صدق می‌کند.

گروه‌های کنترل نشان می‌دهند که در صورتی که کاری انجام ندهید چه اتفاقی برای مسئله‌ها می‌افتد (راهبرد چهارده). این گروه‌ها تا حد ممکن باید مشابه گروه تحت پاک‌سازی باشند. اما نباید تحت تأثیر پاک‌سازی قرار گیرند. اگر در منطقه کنترل مداخله شود، به این نتیجه‌گیری گمراه‌کننده می‌انجامد که اگر هیچ راهکاری اجراء نشود اوضاع بهتر خواهد شد. این نتیجه‌گیری نادرست باعث می‌شود تا ثمربخشی برنامه شما کمتر از حد واقعی برآورد شود (در مورد مسائل مربوط به جابه‌جایی، به راهبرد چهل و هشت مراجعه کنید).

باورز و جانسون دو روش برای گزینش منطقه‌های کنترل در زمانی که جابه‌جایی یا توزیع منافع امکان‌پذیر باشد پیشنهاد می‌کنند. نخستین روش ایجاد دو منطقه متحدالمرکز حول منطقه پاک‌سازی است. گاهی مداخله، وارد منطقه مجاور شده اما منطقه کنترلی بیرونی را آلوده نمی‌کند. این امر در صورتی ممکن است که منطقه‌های کنترل و پاک‌سازی بسیار مشابه بوده و توزیع یا جابه‌جایی به منطقه کنترل نرسد. اگر این شرایط وجود نداشته باشد، گزینه شماره دو استفاده خواهد شد. در این جا از مکانهای جابه‌جایی / توزیع نزدیک منطقه پاک‌سازی استفاده می‌شود. اما منطقه‌های کنترل کاملاً از منطقه‌های پاک‌سازی و توزیع / جابه‌جایی مجزا می‌شوند. مناطق کنترل مشخصاً به خاطر شباهت و جدا بودن از منطقه پاک‌سازی انتخاب می‌شود. می‌توان منطقه‌های چندگانه کنترل را انتخاب کرد و نرخ جرائم آنها را به طور میانگین محاسبه کرد.

این شکل، مثالی از گزینه شماره دو است. راهکاری برای مبارزه با سرقت از خودروها

در پارکینگ‌های جنوب شهر شارلوت را در نظر آورید. (راهبرد بیست و هفت). منطقه بحرانی سرقت به عنوان منطقه اجرای راهکار انتخاب می‌شود، نقاط بحرانی مجاور نیز محل‌های مناسبی برای منطقه توزیع و جابه‌جایی به شمار می‌روند. تحلیل قبلی نشان داد که یک خط ریلی در این پارکینگ‌ها باعث رفع مسئله می‌شود. بنابراین یک منطقه بحرانی سوم به جنوب و غرب در این خط ریلی نیز یک محل توزیع - جابه‌جایی سودمند محسوب می‌گردد. بخش‌های کنترل، روی خط ریلی نبوده و از منطقه راهکار چنان دورند که توزیع و جابه‌جایی را بعید می‌سازد.

برای تعیین تأثیر کلی راهکار رفع مسئله (شامل هرگونه تأثیر توزیع یا جابه‌جایی) باید به چهار پرسش پاسخ داد. هر پرسش دارای فرمولی ساده است.

$$R = \text{تعداد یا نرخ جرائم در منطقه راهکار است.}$$

$$D = \text{تعداد یا نرخ جرائم در منطقه جابه‌جایی / توزیع است.}$$

$$C = \text{تعداد یا نرخ جرائم در منطقه کنترل است.}$$

a, b = نشان می‌دهند که جرم پیش یا پس از آغاز راهکار محاسبه شده است. مثلاً Ra

نرخ جرائم در منطقه راهکار پیش از راهکار و Cb نرخ جرائم در منطقه کنترل پس از آغاز اجرای راهکار است.

۱- آیا مسئله از پیش تا پس از اجرای راهکار تغییر نشان می‌دهد؟ جرم در منطقه

پاک‌سازی پیش از اجرای راهکار را از آن منطقه پس از اجرای راهکار کسر کنید تا

به تأثیر ناخالص (GE) برسیم:

$$GE = R_b - R_a$$

عدد مثبت نشان‌گر کاهش مسئله است. صفر عدم تغییر و عدد منفی بدتر شدن اوضاع

را نشان می‌دهد.

۲- آیا راهکار مورد نظر علت احتمالی جابه‌جایی بوده است؟ باورز و جانسون

پیشنهاد می‌دهند که به تفاوت نسبت‌های منطقه پاک‌سازی به منطقه کنترل پیش و

پس از اجرای راهکار نگاه کنیم. یعنی راهکار پیش را به کنترل پیش تقسیم کرده و آن را از راهکار پس، تقسیم بر کنترل پس کسر نمائیم تا به تأثیر خالص (NE) برسیم:

$$NE = \frac{R_b}{C_b} - \frac{R_a}{C_a}$$

اگر تأثیر خالص نزدیک به صفر باشد احتمالاً راهکار بهبود یافته بوده است و اگر منفی باشد احتمالاً اوضاع بدتر شده است. در هر صورت جابه‌جایی و توزیع بی‌ارتباط خواهند بود. بنابراین می‌توان پاسخ به این پرسش را متوقف ساخت. اما اگر تأثیر خالص، مثبت باشد می‌توان راهکار را موجب بهبود و اصلاح دانست. به این ترتیب احتمالهای توزیع و جابه‌جایی به وجود می‌آید. بنابراین شما باید به پرسش بعدی پاسخ دهید.

۳- اندازه نسبی جابه‌جایی یا توزیع چیست؟ باورز و جانسون ضریب جابه‌جایی (WDQ) برای اندازه‌گیری آن را این طور محاسبه کرده‌اند:

$$WDQ = \frac{\frac{D_a}{C_a} - \frac{D_b}{C_b}}{\frac{R_a}{C_a} - \frac{R_b}{C_b}}$$

Da نرخ جرم در منطقه توزیع / جابه‌جایی پس از برنامه و Db نرخ جرم در این منطقه پیش از برنامه است. مخرج کسر عبارت است از تمرین‌های راهکار در ارتباط با منطقه کنترل. برنامه تمرین‌های باعث منفی شدن مخرج کسر می‌شود. صورت کسر نشان‌گر میزان نسبی توزیع یا جابه‌جایی است و هنگامی منفی می‌شود که توزیع وجود داشته و هنگامی مثبت می‌شود که جابه‌جایی وجود داشته باشد. هنگامی که نزدیک به صفر باشد، یا وجود ندارد یا این ضریب صفر است (بنابراین می‌توانید پرسش شماره چهار

را نادیده بگیرید). اگر این ضریب مثبت باشد توزیع وجود دارد (منفی در منفی، مثبت می‌شود) و اگر بزرگ‌تر از یک باشد، تأثیر توزیع، بزرگ‌تر از تأثیر اجرای راهکار است. اگر این ضریب منفی باشد، جابه‌جایی وجود دارد. هنگامی که این ضریب بین صفر و منفی یک باشد، جابه‌جایی تا حدودی تأثیر اجرای راهکار را از بین می‌برد. به لحاظ نظری، ضریب WDQ می‌تواند کمتر از منفی یک باشد که در این صورت نشان می‌دهد راهکار باعث بدتر شدن اوضاع شده است. با این حال پژوهش نشان می‌دهد که این احتمال بسیار ضعیف است.

۴- تأثیر خالص و کلی (TNE) اجرای راهکار (شامل توزیع و جابه‌جایی) چیست؟ باورز و جانسون فرمول زیر را برای محاسبه این تأثیر نوشته‌اند:

$$TNE = \left[R_b \frac{C_a}{C_b} - R_a \right] + \left[D_b \frac{C_a}{C_b} - D_a \right]$$

بخش اول این فرمول تأثیر اجرای راهکار در منطقه راهکار را نشان می‌دهد. هر چه



پاک‌سازی ثمربخش‌تر باشد این عبارت بزرگ‌تر خواهد بود. بخش دوم فرمول، سطح توزیع یا جابه‌جایی را نشان می‌دهد. در صورت وجود توزیع، این عبارت مثبت و در صورت وجود جابه‌جایی، منفی خواهد بود. هرچه میزان تأثیر خالص و کلی بیشتر باشد، اجرای راهکار ثمربخش‌تر خواهد بود.

۵۲- منتظر کاهش پیش از موعد جرائم باشید

بزهکاران اغلب بر این باورند که اقدام‌های پیشگیرانه پیش از آغاز واقعی آنها به اجراء گذاشته می‌شود. این امر به آنچه که «منافع قابل پیش‌بینی» پیشگیری نامیده می‌شود منجر می‌شود. هر چند این تأثیرهای قابل پیش‌بینی می‌تواند تصادفاً روی دهد، پلیس می‌تواند برای ایجاد یا تشدید آنها دست به اقدام‌های از پیش برنامه‌ریزی شده بزند. پلیس باید از بینشی عمیق و مفید نسبت به درک بزهکاران از موقعیت، بهره‌مند باشد و روش‌هایی برای فریب دادن بزهکاران در مورد ماهیت واقعی مداخله داشته باشد.

مارتا اسمیت و همکارانش در چهل درصد مطالعات پیشگیری وضعی، شواهدی از منافع قابل پیش‌بینی یافتند که داده‌های آن می‌توانست چنین منافعی را نشان دهد. آنها در این مطالعات، شش نوع از این منافع را شناسایی و آنها را معرفی کرده‌اند:

۱. **تأثیر آماده‌سازی - پیش‌بینی:** این تأثیر زمانی روی می‌دهد که بزهکاران تصور کنند برنامه، پیش از آغاز آن عملیاتی شده است. مثلاً اگر برنامه علامت‌گذاری بر اموال اعلام شده اما ساکنان هنوز بسیج نشده باشند یا دوربین‌های مدار بسته نصب شده اما هنوز روشن نشده باشند.
۲. **تأثیرات تبلیغ / اطلاع‌رسانی نادرست:** این تأثیرات زمانی روی می‌دهد که بزهکاران تصور کنند مراقبت مخفی در پی تبلیغ یا شایعه وجود دارد. درک بزهکاران را دست کم می‌توان در کوتاه مدت با اطلاع‌رسانی نادرست به بازی گرفت. حتی گاهی ارتباطات هدف‌مند می‌تواند سودمند باشد. پروژه‌ای برای کاهش قتل جوانان در «بوستن» از ارتباطات مستقیم با بزهکاران بالقوه، برای دادن هشدار به آنها در مورد شکست قطعی برخی رفتارهای معین استفاده شد.
۳. **تأثیر آماده‌سازی - اخلال:** این تأثیر زمانی روی می‌دهد که برنامه‌های پیشگیری

باعث نظارت در محل‌های پیشگیری گردد. تحقیق از ساکنان ممکن است توجه بزهکاران را به خود جلب نماید. پروژه‌های حل مسئله می‌تواند در صورت وجود تحقیقات مشهود در اجتماع به ایجاد راهکارهای منتج به منافع قابل پیش‌بینی، در مرحله تحلیل آنها بینجامد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ اعضای پلیس نیویورک نیز به عنوان بخشی از تحلیل‌کنندگان یک مسئله سرقت به انجام تحقیقات خانه به خانه در یک محله با نرخ بالای سرقت دست زدند. این امر احتمالاً به کاهش میزان سرقت انجامیده است. شِرمَن و اِک در بررسی راهبردهای اثر بخش پلیس، تماس‌های خانه به خانه پلیس را دارای تأثیر کاهنده جرم دانسته‌اند.

۴. **اجرای خزنده:** این مورد هنگامی روی می‌دهد که بخش‌هایی از راهکار پیش از آغاز تاریخ رسمی به مرحله اجراء در آمده باشد. ارزیاب برنامه ممکن است اول ژوئن را به عنوان روز آغاز کل برنامه در نظر بگیرد. اما بزهکاران این کار مرحله‌بندی شده را در هفته‌های پیش از اول ژوئن تشخیص داده و بر همین اساس رفتار خود را تغییر دهند.

۵. **تأثیر آماده‌سازی- آموزش:** این تأثیر زمانی روی می‌دهد که برنامه‌ریزی، آموزش و تحقیق باعث آمادگی بیشتر مردم یا پلیس برای مقابله با مسئله‌ها و استفاده آنها از این دانش جدید، پیش از اجرایی شدن برنامه شود. مثلاً ممکن است یک برنامه مبارزه با دله‌دزدی از مغازه‌ها که به صورت هماهنگ در مورد چند صنف مختلف تجاری استفاده می‌شود در یک تاریخ خاص آغاز شده اما مباحثات و آموزش کارمندان پیش از این تاریخ آنها را آماده‌تر می‌سازند.

۶. **انگیزه:** انگیزه مأموران یا مردم به همان دلایل آماده‌سازی- آموزش شکل می‌گیرد، جز آن‌که اشخاص به جای آن‌که از تجهیزات بهتری برخوردار باشند انگیزه بیشتری دارند. انگیزه بالا به بهبود عملکرد پیش از راهکار منتهی می‌گردد. استفاده از یک معیار زمانی برای مستندسازی دقیق، هنگامی که بخشی از راهکار

اجراء شده برای نشان دادن درستی تأثیر ناشی از منافع قابل پیش‌بینی سودمند است (راهبرد چهل و شش).

اسمیث و همکارانش چهار وضعیت متمایز که خود را به صورت تأثیر ناشی از منافع قابل پیش‌بینی نشان می‌دهند اما در واقع نتیجه سوء تعبیر یا تحلیل ناقص هستند را بر می‌شمارند:

۱- «تغییرهای فصلی»: می‌تواند هنگامی که مداخله‌ای کمی پس از توقف فصلی جرم، آغاز گردد باعث ایجاد تأثیر قابل پیش‌بینی کاذب شود. کنترل فصلی بودن این موضوع (راهبردهای بیست و شش و چهل و هفت) می‌تواند این مشکل را مرتفع سازد.

۲- تأثیرهای «پس‌رفتی»: به کاهش طبیعی جرائم از میزان بسیار بالا اشاره دارد که حتی اگر هیچ کاری صورت نگیرد نیز روی می‌دهد. (راهبرد چهل و هفت). اگر گرایش یافتن جرمی به سوی تبدیل به یک مسئله، به علت تأثیر پس‌رفتی کاهش یافته و یک برنامه پیشگیری اجراء گردد، این کاهش طبیعی مشابه یک تأثیر قابل پیش‌بینی خواهد بود. بررسی میانگین میزان جرائم بلند مدت (راهبرد بیست و شش) پیش از راهکار، طبق پیشنهاد طرح شده در راهبرد چهل و هفت، می‌تواند نشان‌گر یک تأثیر پس‌رفتی باشد که خود را به صورت تأثیری قابل پیش‌بینی می‌نمایاند.

۳- اگر جرم نوع الف به دلیل تغییر طبقه‌بندی، در طبقه جرم دیگری قرار گیرد و بیش از اندازه ثبت شده باشد، رسیدن به چیزی مشابه تأثیر قابل پیش‌بینی امکان‌پذیر خواهد بود. این امر زمانی روی می‌دهد که یک نوع جرم خاص به منظور کسب بودجه برای رفع آن، برجسته شده و سپس با دریافت بودجه این طبقه‌بندی به حالت عادی باز گردد. این تأثیر قابل پیش‌بینی غیرواقعی را می‌توان با نگاه به گرایش‌های متضاد در دیگر جرائم شناسایی نمود. یافتن دو جرم مشابه

که دارای گرایش‌های متضاد باشند می‌تواند نشانه‌ای بر آن باشد که آن دو را باید در طبقه‌هایی متفاوت طبقه‌بندی کرد.

۴- «تعدیل شدن داده‌ها» (راهبرد بیست و شش) نشان‌گر گرایشی است که دارای تغییرهای اتفاقی است و می‌تواند نتایجی مشابه تأثیر قابل پیش‌بینی همراه داشته باشد. هر چه میانگین حرکت بیشتر بود (مثلاً پنج دوره به جای سه دوره) و کاهش جرائم پس از مداخله بزرگ‌تر و ناگهانی‌تر باشد، این تعدیل شدن به ایجاد یک تأثیر قابل پیش‌بینی کاذب نزدیک‌تر می‌شود. مقایسه داده‌های تعدیل شده و تعدیل نشده این تأثیر کاذب را نشان می‌دهد.



برای مطالعه بیشتر:

- شِرمَن، لُرنس و جان اِک. ۲۰۰۲. انجام امور پلیسی برای پیشگیری از جرم. مجموعه کتب مسئله محور پلیس ۲۳۹-۲۹۵ در پیشگیری از جرائم بر اساس شواهد، نوشته لرنس شرمَن و همکاران. نیویورک: روت لُج.
- اسمیث، مارتا و همکاران (۲۰۰۲). منافع قابل پیش‌بینی در پیشگیری از جرم. در تحلیل پیشگیری از جرم. «مطالعات پیشگیری از جرم»، جلد ۱۳. مانسی، نیویورک: انتشارات عدالت کیفری.

۵۳- آزمون معناداری بگیرد

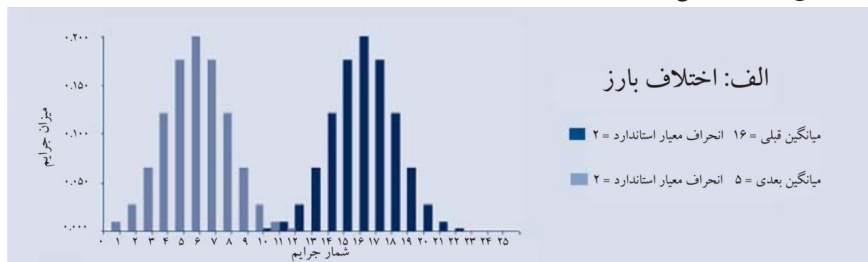
از کجا می‌توان دریافت که راهکاری باعث کاهش یک مسئله شده است؟ اکثر مسئله‌ها از نظر شدت با یکدیگر متفاوتند، حتی هنگامی که هیچ‌کاری در مورد آنها صورت نگرفته باشد. برای مثال به طور میانگین هر هفته در مرکز شهری خاص سی و دو مورد سرقت خودرو صورت می‌گیرد. اما به ندرت هفته‌ای یافت می‌شود که دقیقاً با سی و دو مورد سرقت همراه باشد. بلکه برای ۹۵ درصد هفته‌ها بین بیست و پنج و سی و هشت مورد سرقت و ۵ درصد آنها دارای کمتر از بیست و پنج یا بیشتر از سی و هشت مورد سرقت ثبت شده است. چنین اختلاف تصادفی عادی است. کاهش سرقت خودرو از میانگین سی و دو مورد در هفته به میانگین بیست و چهار مورد، به جای تأثیر پذیرفتن از راهکار، بیشتر امری تصادفی است. تصادف را، نوسانات غیرقابل پیش‌بینی در جرائم به علت تعداد بسیار زیاد تأثیر عوامل کوچک بدانید. حتی اگر پلیس هیچ‌کاری انجام ندهد جرائم تغییر خواهد کرد.

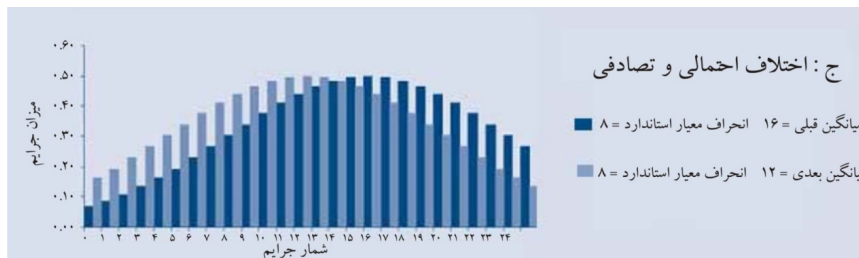
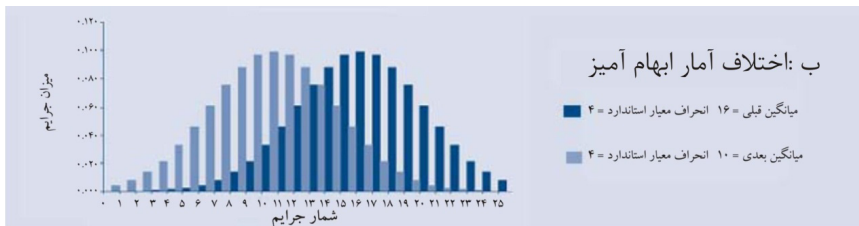
«آزمون معناداری» این احتمال را که تغییر در جرم، به تصادفی بودن مربوط باشد نشان می‌دهد. اختلاف معنی‌دار، اختلافی است که بعید است تصادفاً انجام شده باشد. فهم این مطلب که یک اختلاف کوچک معنی‌دار است مشکل‌تر است تا یافتن معنای آن در یک اختلاف بزرگ. یافتن اختلافی معنی‌دار در یک مسئله سیال جرم مشکل‌تر است حتی اگر راهکار در مورد آن اثر بخش باشد و در صورتی که تنها چند مورد معدود (اشخاص، اماکن، وقایع یا زمانها) را در اختیار داشته باشید مشکل‌تر بتوان این اهمیت را یافت تا وجود موارد متعدد (باز هم با وجود اثربخش بودن راهکار). نمی‌توانید میزان اختلاف یا سیال بودن مسئله را کنترل کنید. اما شاید بتوانید داده‌های موارد بیشتری را جمع‌آوری نمایید.

موقعیت رایج را در نظر آورید. شما در پی تعیین این امر هستید که آیا کاهش جرم

در یک منطقه، به تبع اجرای راهکار بوده است؟ داده‌های مربوط به جرم در چند هفته قبل و بعد از اجرای راهکار را برای همین منطقه در اختیار دارید. شما تعداد میانگین جرائم به ازای هر هفته را برای هر دسته از هفته‌ها محاسبه کرده، در می‌یابید که جرم کاهش یافته است.

شکل زیر نشان‌گر سه نتیجه احتمالی است. در هر گروه دو بعد وجود دارد، یکی برای هفته‌های پیش از اجرای راهکار و یکی هم مربوط به هفته‌های پس از اجرای راهکار. میله‌های عمودی نشان‌گر نسبت هفته‌ها با صفر، یک، دو جرم یا بیشتر است. (مثلاً در چارت بالایی، شش مورد جرم در ۲۰ درصد هفته‌ها پس از اجرای راهکار روی داده است). در گروه «الف» این توزیع‌ها به ندرت هم‌پوشانی دارند زیرا اختلاف میانگین در آنها زیاد بوده و انحراف معیار دو گروه کوچک است. (راهبرد بیست و دو). حتی با چند هفته از داده‌ها می‌توان گفت که آزمون معنی‌داری، تصادف را به عنوان یک عامل، از دور خارج می‌کند. در گروه «ب» هم‌پوشانی بیشتری در توزیع وجود دارد. اختلاف کوچک‌تری در میانگین وجود داشته و انحراف معیار بزرگ‌تر است. موارد بسیار بیشتری برای تشخیص یک اختلاف غیرتصادفی در موقعیت‌هایی شبیه به این لازم است. در گروه «ج» هم‌پوشانی تقریباً کامل بوده و اختلاف میانگین بسیار کوچک‌تر و انحراف معیار بسیار بزرگ‌تر است. تنها، مطالعه‌ای با تعداد بالای موارد باعث یافتن اختلاف معنی‌دار در این مورد می‌شود. نکته مهم این‌که هر چه اختلاف جرم کمتر مشهود باشد، موارد بیشتری لازم است برای این که اطمینان حاصل کنند که تصادفی بودن، دلیل تفاوت نبوده است.





نظریه احتمالات؛ استفاده از میانگین، انحراف معیار و تعداد موارد برای محاسبه احتمال این‌که تصادف، علت این اختلاف باشد را ممکن می‌سازد. اگر کمتر از ۵ درصد احتمال داشته باشد که تغییر مسئله به نوسانات تصادفی مرتبط باشد، نمی‌توان تصادف را علت این تغییر دانست، در اینجا ۵ درصد سطح معنی‌داری خوانده می‌شود. خلاصه این‌که از آنجا که احتمال آن‌که تصادف، علت باشد، زیر سطح معنی‌داری (یعنی ۵ درصد) است، می‌توان با قطعیت گفت که چیزی غیر از تصادف باعث تغییر بوده است. تعیین ۵ درصد به عنوان سطح معنی‌داری، به صورت قراردادی است، یعنی می‌توان از سطوحی نظیر یک درصد نیز استفاده کرد. هرچه این سطح محدودتر باشد احتمال آن‌که شما به اشتباه، راهکاری که مؤثر است را غیر اثربخش بدانید، بیشتر است. این نوع خطا یک «منفی نشان‌گر وجود غلط» خوانده می‌شود (راهبرد ۳۷). اگر هزینه راهکار چنان بالا باشد که شما از کارکرد آن مطمئن باشید می‌توانید از سطح معنی‌داری محدود استفاده کنید.

گاهی تحلیل‌گران از سطح معنی‌داری گسترده‌ای نظیر ۱۰ درصد استفاده می‌کنند. هرچه این سطح گسترده‌تر باشد احتمال آن‌که شما به اشتباه، از راهکاری بی

تأثیر حمایت کنید بیشتر است. این نوع از خطا یک «مثبت مبتنی بر اشتباه» خوانده می‌شود (راهبرد سی و هفت). زمانی که مسئله جدی است، اقدام‌های مربوط به مسئله چندان جالب نیست و شما نسبت به رد یک راهکار مطلوب نگرانید، می‌توانید از سطحی گسترده‌تر استفاده کنید.

دو روش برای استفاده از سطح معنی‌داری وجود دارد. در مبحث بالا ما از آنها به عنوان آستانه عدم پذیرش استفاده کردیم: پائین‌تر از سطح، احتمال تصادف رد می‌شود و بالاتر از سطح به عنوان علت پذیرفته می‌گردد. همواره پیش از آن‌که از آزمون معنی‌داری برای رسیدن به نتیجه مطلوب استفاده کنید سطح معناداری را مشخص نمایید.

برای اتخاذ گزینه‌ای صحیح بهتر است از سطح معنی‌داری به عنوان وسیله‌ای برای تصمیم‌گیری در کنار دیگر مسائل (نظیر وخامت مسئله، هزینه‌های برنامه، کاهش مطلق مسئله‌ها و نظایر آن) استفاده شود. بسیاری از علوم نظیر پزشکی از همین رویکرد پیروی می‌کنند. اگر شما نیز از این رویکرد پیروی می‌کنید، به جای آزمون معنی‌داری، از میانگین p استفاده کنید. میانگین p احتمال دقیقی است مبنی بر این که تغییر معض به دلیل تصادف است. بنابراین میانگین p ۰/۰۶۲ به این معنی است که حدود ۶ درصد احتمال دارد که با پذیرفتن راهکار یک خطای مثبت صورت پذیرد. به این ترتیب می‌توان چنین تفسیر کرد که در هر صد تصمیم از این نوع در حذف تصادف برای پذیرش راهکار، حدود شش تصمیم خطا خواهد بود. چنین تصمیمی توسط شما یا همکارانتان به مسائل زیادی بستگی دارد.

تمایز قائل شدن بین دو واژه معنی‌داری (significance) و با معنی بودن (meaningfulness) از اهمیت خاصی برخوردار است. «معنی‌دار» یعنی آنکه وجود اختلاف، به تصادف ارتباط چندانی ندارد. «با معنی» یعنی آن‌که اختلاف، بزرگ و با اهمیت است. با وجود موارد کافی حتی اختلافی بسیار کوچک نیز معنی‌دار است. اما منظور این نیست که با ارزش باشد. معنی‌دار را می‌توان محاسبه کرد اما با معنی بودن

یک داوری کارشناسانه است.

بررسی تصادف ممکن است بسیار پیچیده باشد زیرا آزمون‌های معنی‌داری متعددی برای بسیاری از موقعیت‌های متفاوت وجود دارد. وب سایت‌ها و نیز کتاب‌های بسیار سودمندی برای گزینش وجود دارد و برنامه‌های نرم‌افزاری آماری متعددی قادر به انجام محاسبه‌های لازم هستند. اما اگر نتیجه آزمون معنی‌داری یا میانگین p اهمیت داشته باشد و شما سر رشته‌ای از نظریه احتمال‌ها یا آمار نداشته باشید باید از کمک کارشناسان دانشگاه‌ها یا دیگر سازمانهایی که مرتباً از آمار استفاده می‌کنند برخوردار شوید.

۵۴- جریان را به طور روشن بیان کنید

هدف از این کار کمک به اشخاص برای تصمیم‌گیری بهتر است. شما برای کمک به تصمیم‌گیرندگان باید ماجرا را چنان روشن بیان کنید که از یک پرسش مهم، به پاسخ‌های احتمالی و سپس به اقدام‌های اثر بخش منتهی گردند. برای برقراری ارتباط لازم، باید مخاطب خود و پرسش‌های مورد نظر آنها را بشناسید. جریانی که شرح می‌دهید باید نیازهای خاص آنها را برطرف نماید. این ماجرا می‌تواند در یک گزارش کتبی یا در یک ارائه شفاهی گفته شود. (راهبرد پنجاه و هشت)

فقط آنچه را به منظور کشف، تحلیل، راهکار یا ارزیابی انجام داده‌اید ذکر نکنید، زیرا خسته‌کننده بوده و اشخاص را قادر به اتخاذ تصمیم عملی از کارتان نخواهد کرد. شما باید کار تحلیلی خود را به صورت ماجرای ارائه نمائید که نیازهای مخاطب را برطرف نماید.

کار شما باید به چهار پرسش اساسی پاسخ دهد که با مراحل فرآیند SARA متناسب است:

۱. ماهیت مسئله چیست؟ (کشف)
 ۲. علت مسئله چیست؟ (تحلیل)
 ۳. در مورد این مسئله چه باید کرد؟ (راهکار)
 ۴. آیا این راهکار منجر به کاهش مسئله شده است؟ (ارزیابی)
- روشن است که این پرسش‌ها باید بر اساس مسئله مورد بررسی، دقیق‌تر بیان شود. مثلاً گاهی ساکنان محل از سر و صدای شبانه یا وجود زباله در خیابان اظهار نارضایتی می‌کنند، می‌توانید به جای پرسش مربوط به کشف بر اساس آزمون CHEERS پرسش‌های دقیق‌تری ارائه دهید. (راهبرد بیست و چهار)
- ماهیت وقایع پر سر و صدا چیست؟ (رویدادها)

- این وقایع چه شباهتی با هم دارند؟ (شباهت)
- آیا موارد مکرر سر و صدای شبانه و زباله که برای ساکنان ایجاد مزاحمت کند وجود دارد؟ (تکرار)
- این وقایع چه وقت، کجا و توسط چه کسی روی می‌دهد؟ (جامعه)
- این وقایع چگونه برای مردم مزاحمت ایجاد می‌کند؟ (خسارت)
- چه کسی از پلیس انتظار دارد که به رفع این مسئله بپردازد؟ (انتظار)

پاسخ به پرسش کلی ماهیت مسئله چیست؟ مستلزم پاسخ‌گویی شما به پرسش‌های دقیق‌تری است.

نخستین وظیفه شما در بیان یک ماجرای منسجم به تعیین نوع پرسش‌هایی که شما درصدد پاسخ‌گویی به آن هستید باز می‌گردد. بعد باید سعی کنید گزارش خود را حول رویکردها و نظریه‌های مندرج در این راهبرد (مثلاً آزمون CHEERS، مثلث جرم، یا قاعده ۲۰-۸۰) ارائه نمایید. این‌ها چارچوب محسوب می‌شوند. چارچوب پوسته ماجرا است که عوامل متعددی را که می‌تواند برای انواع مسئله‌ها به کار رود به هم مرتبط می‌سازد. انتخاب چارچوب شما به مسئله، یافته‌های شما و نیازهای تصمیم‌گیرندگان بستگی دارد. مطمئن شوید که جریانی منطقی، از پرسش اصلی تا چارچوب و یافته‌ها و نهایتاً پاسخ‌ها وجود دارد. خلاء منطق مذکور را بررسی کنید. اکنون طرحی از ماجرای خود ارائه نمایید. رئوس اصلی ماجرا که راهنمای کار شما محسوب می‌شوند چهار مورد هستند. جزئیات اجراء به مشخصات مسئله شما بستگی خواهد داشت.

از تعصب‌ورزی نسبت به این رئوس بپرهیزید زیرا تنها نقطه آغاز ارائه نظرها به شمار می‌رود. در عوض آنها را با میزان زمان خود و از همه مهم‌تر با دغدغه‌های اشخاصی که با آنها سر و کار دارید تطبیق دهید. سعی کنید پرسش‌های آنها را پیش‌بینی کرده و بر اساس آن طرحی مناسب ارائه نمایید. گرچه از لغات تخصصی این راهبرد در این‌گونه طرح‌ها استفاده کرده‌ایم، شاید نیاز باشد تا از یک زبان مشترک در کار خود

استفاده نمائید. اگر مخاطب شما با زبان تحلیل مسئله آشنا نیست نباید چندان به آن پایبند باشید.

رئوس چهارگانه ماجرا

۱- ماهیت مسئله چیست؟

- الف. با سازماندهی چارچوب، مثلاً مبانی CHEERS
- ب. شرح نظام‌مند مدارک مربوط به وجود و نوع مسئله:
- ماهیت این وقایع چیست؟
 - چه شباهتی بین این وقایع وجود دارد؟
 - این وقایع چند بار تکرار می‌شود؟
 - این وقایع چه زمانی و کجا روی می‌دهد؟
 - چه کسی و چگونه از این وقایع آسیب می‌بیند؟
 - چه کسی از پلیس انتظار دارد تا مسئله را برطرف نماید؟
- ج. مسائل تحلیل و حل جمعی مسئله:
- پرسش‌هایی که نیازمند پاسخ‌اند.
 - مسائل تعریفی و سنجشی.
 - همکارانی که وجودشان مورد نیاز است.
- د. خلاصه.

۲- عوامل پیدایش مسئله چیست؟

- الف. با سازمان‌دهی چارچوب در مورد مسئله، مثلاً مثلث تحلیل مسئله
- ب. شرح نظام‌مند مسئله و پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر:
- بزهکاران کدامند؟

- اهداف چه کسانی یا چه چیزهایی هستند؟
 - مسئله در چه مکان و زمانی روی می‌دهد؟
 - چه چیزی بزهکاران و آماج‌ها را یکجا گرد هم می‌آورد؟
 - چه چیزی موجب پیدایش یا رفع مسئله می‌شود؟
- ج. مسائل مربوط به شکل کلی راهکار که متناسب با اطلاعات است:
- کنترل یا دسترسی بزهکاران
 - محافظت یا رفتارهای بزه‌دیده یا آماج
 - دسترسی به مدیریت یا امکانات.
- د. خلاصه.

۳. با این مسئله چه باید کرد؟

- الف. با سازماندهی چارچوب راهکار، مثلاً پیشگیری وضعی از جرائم:
- بزهکاران
 - آماج یا بزه‌دیدگان
 - اماکن
- ب. شرح نظام‌مند سیاست به کار رفته برای راهکار:
- افزایش خطر یا اقدام
 - کاهش عواید، معاذیر یا تحریک‌ها (جرم)
 - چه کسی، چه زمانی و کجا به انجام اقدام‌ها خواهد پرداخت
 - دیگر منابع لازم
- ج. مسائل و نتایج پیش‌بینی شده:
- نتایج مستقیم
 - جابه‌جایی بزهکاری

- توزیع منافع
- دیگر عوارض جانبی
- چگونگی انجام ارزیابی
- د. خلاصه.

۴. آیا راهکار باعث کاهش مسئله شده است؟

الف. با سازماندهی چارچوب، مثلاً اصول ارزیابی
ب. شرح نظام‌مند ارزیابی:

- آیا راهکار طبق نقشه اجراء شده است؟
- آیا مسئله تغییر کرده است؟
- چرا این احتمال وجود دارد که راهکار علت مستقیم تغییر باشد؟
- میزان جابه‌جایی، توزیع منافع و دیگر عوارض جانبی.
- ج. مسائلی برای اقدام‌های آینده:
 - آیا این اقدام برای حل مسئله کامل است؟
 - انجام چه اقدام‌های دیگری ضروری است؟
 - آیا باید تحلیل دیگری انجام شود؟
 - آیا راهکار باید تغییر یابد؟
- د. خلاصه.

۵۵- نقشه‌هایی واضح ارائه دهید

نقشه‌ها در بیان قانع‌کننده ماجراهای مربوط به مسئله‌ها، نقش مهمی ایفا می‌کنند. اما برای این کار باید کاملاً روشن و شفاف باشند. یعنی نقشه‌ها باید دارای حداکثر اطلاعات لازم بوده و فاقد اطلاعات بی‌مورد باشند. چند راهنما برای اصول کارتوگرافیک وجود دارد (برای مطالعه بیشتر به شکل و توضیح آن مراجعه کنید).

نحوه استفاده از نقشه را برای بیان ماجرای در یک پروژه حل مسئله در پلیس نروژ، توضیح خواهیم داد. شکل‌های شماره یک و دو استفاده از نقشه برای شرح مسئله‌ها و راه‌های حل را نشان می‌دهد. یوهانس کِونتسون از آکادمی ملی پلیس نروژ و کِونت، اریک و سوویک از پلیس وست‌فولد در صدد حل مسئله تاکسی‌های غیرقانونی در شهر ساحلی تونز برگ با جمعیت حدود سی و شش هزار نفر بودند. آخر هفته‌ها سی دستگاه ساختمان، برای نوشیدن الکل، اشخاص را به سمت خود فرا می‌خواندند، در نتیجه بزرگ راه در روزهای جمعه و شنبه بسته می‌شد. یک پارکینگ نیز بسته شده بود. با این حال اتوبوس‌ها و تاکسی‌های قانونی می‌توانستند در بزرگراه رفت و آمد کنند. تاکسی‌های بدون مجوز بخش اعظم کار در این منطقه را با ترساندن مسئولان مجاز تاکسی‌رانی انجام می‌دادند. شماری از جرائم وخیم، به رانندگان این تاکسی‌های غیرقانونی منتسب شده و بارها از آنها شکایت شده بود.

شکل و طرح مسئله بر روی دو نقشه شکل شماره یک نشان داده شده است. شکل سمت چپ یک نقشه خیابان است که بسیاری از خصوصیات بی‌ارتباط با مسئله را نشان داده و از بسیاری مشخصات مهم بازمانده است. این نقشه تنها حاوی سه ویژگی مرتبط با نقشه اصلی بوده و ویژگی‌های مهم حذف شده را با ارائه تصویری روشن‌تر اضافه می‌نماید.

شکل دو دو نقشه را نشان می‌دهد که نتایج تحلیل‌های انجام شده و ویژگی‌های

مهم راهکار را خلاصه کرده است. نقشه سمت چپ نشان‌دهنده مسیرهای اصلی رانندگان غیرمجاز است. این رانندگان از ترافیک خیابانها و پارکینگ‌ها برای سوار یا پیاده کردن مسافران استفاده می‌کنند. این نقشه نشان می‌دهد که ایستگاه اتوبوس و ایستگاه تاکسی‌های مجاز نیز دورتر از محل آمد و شد مردم واقع شده‌اند. هنگامی که مشروب‌فروشی‌ها پس از ساعت سه صبح تعطیل می‌شوند تقاضا برای حمل و نقل افزایش یافته و تاکسی‌های غیرمجاز از این موقعیت استفاده می‌کنند. نقشه راهکار در سمت راست شکل دو نشان می‌دهد که چگونه امکانات بزرگ‌راهی، جابه‌جا شده و مانع از سوار کردن مسافران توسط تاکسی‌های غیرمجاز می‌شود، پارکینگ‌ها شب‌ها دیر هنگام تعطیل می‌شوند تا این تاکسی‌ها وارد آن نشوند و ایستگاه‌های اتوبوس و تاکسی مجاز، به محل‌های مناسب‌تری انتقال یافته‌اند. این نقشه قسمت مهمی از ارزیابی فرآیند به شمار می‌رود. (راهبرد چهل و شش)

این سه نقشه ماهیت مسئله و کارهای انجام شده را به خوبی نشان می‌دهد. در نتیجه این پروژه، تقریباً مشکل تاکسی‌های غیرمجاز در تونز برگ بدون افزایش بی‌نظمی رفع شد.

کنوت سون و سوویک از این نقشه‌ها برای نشان دادن ویژگی‌هایی بهره بردند که هیچ سیستم اطلاعات جغرافیایی قادر به نشان دادن آن نبود. این کار خوبی است. بخش اعظم اطلاعات مربوط به مسئله‌ها در رایانه وجود ندارد.

با این حال برخی ویژگی‌های نقشه‌های مطلوب، از قلم افتاده است. مثلاً جهت‌های جغرافیایی دیده نمی‌شود. اما جهت‌یابی، نقشی در این مسئله نداشته بنابراین فقدان آن مانع از شفافیت نقشه‌ها نمی‌شود. همچنین مقیاس نقشه نیز دیده نمی‌شود که این امر مانع از فهم اشخاص ناآشنا با منطقه می‌شود.

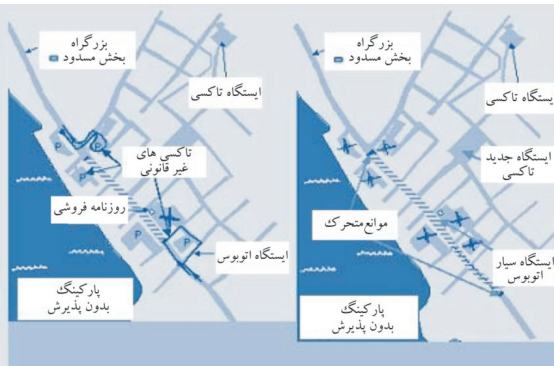
ترسیم نقشه‌های سودمند

۱. ببینید چه اطلاعاتی برای مخاطب شما سودمند (و چه اطلاعاتی سر در گم کننده) است؟
۲. نقشه‌ها را ساده کنید. کلیه مشخصاتی که به فهم مسئله کمک نمی‌کنند را حذف نمایید.
۳. از به کارگیری گرافیکی که بیش از داده‌ها توجه را به خود جلب می‌کنند خودداری کنید.
۴. جزئیاتی را که باعث فهم بیننده از مسئله می‌شود حتی اگر افزودن اطلاعات به صورت دستی باشد فراموش نکنید.
۵. مقیاس نقشه و در صورت لزوم جهت‌های جغرافیایی را ارائه دهید (معمولاً شمال در بالای نقشه قرار می‌گیرد)
۶. از تصاویر معنی‌دار برای نشان دادن میزان وخامت نقاط بحرانی استفاده کنید. مثلاً از رنگ‌های به تدریج گرم شونده (زرد تا قرمز) برای نشان دادن بدتر شدن مسئله استفاده کنید.
۷. بعد صحیح تمرکز جرم را به کار برید: نقطه برای اماکن (و گاهی بزه‌دیدگان)، خطوط برای تمرکز مسئله در طول خیابان و بزرگراه‌ها، و مناطق برای محله‌ها.
۸. از جدول و شکل در کنار این نقشه‌ها استفاده کنید.

شکل شماره ۱:
نحوه استقرار و توزیع معضل



شکل شماره ۲:
تحلیل معضل و اجرای راهکار



۵۶- از جدول‌های ساده استفاده کنید

جدول در صورتی که ساده باشد ابزاری مؤثر برای بیان ماجراست. اما نرم‌افزار مورد استفاده برای ترسیم جدول، خود مجموعه‌های غیرضروری نظیر خطوط عناوین مورد استفاده برای تفسیر داده‌ها را ایجاد نموده و به همین دلیل تحلیل‌گران نمی‌توانند جدول‌ها را به صورت مبتکرانه سازماندهی کنند.

فرض کنید قصد دارید نشان دهید که روش عرضه آبجو خود باعث تسهیل سرقت از آبجو فروشی می‌گردد. برخی فروشگاه‌ها آبجو را در ورودی و برخی در داخل فروشگاه عرضه می‌کنند. شما می‌خواهید نشان دهید که عرضه آبجو در داخل مغازه احتمال سرقت کمتری نسبت به مورد دیگر در پی دارد. جدول شماره یک گویای این پیام است. داده‌ها به خوبی سازمان‌دهی نشده و مجموعه کلی باعث سردرگمی می‌گردد.

جدول شماره دو این داده‌ها را به خوبی سازماندهی می‌کند. درصدها محور ماجرا هستند. از آنجا که اعداد خام کل ماجرا را بیان نمی‌کنند، اما ممکن است برای خواننده‌ای که خواهان نگاه دقیق‌تر است سودمند باشد، در پرانتز ارائه شده‌اند. به جای درصدهای خام نیز از درصدهای ستونی در جدول شماره دو استفاده می‌شود.

هر گاه رابطه‌ای بررسی شود که در آن امری علت امری دیگر باشد بهتر است علت در ستون‌ها ارائه شده و از درصدهای ستونی استفاده گردد. سپس مقایسه ردیف‌ها صورت گیرد. در این جا می‌بینیم که ۲۹ درصد فروشگاه‌های با ویتترین جلوی در، با سرقت رو به رو نشده‌اند در حالی که این میزان در فروشگاه‌های دیگر ۸۳ درصد بوده است. در طرف دیگر تقریباً ۴۶ درصد فروشگاه‌های با ویتترین جلوی در دارای سه مورد سرقت یا بیشتر بوده‌اند در حالی که از دیگر فروشگاه‌ها سرقتی انجام نشده است.

جدول شماره دو از مجموعه کمتری برخوردار است. خط‌های پهن کنار رفته و خطوط نازک جای آنها را گرفته‌اند. در داخل نیز تنها خط باقیمانده عنوان را از محتوا جدا می‌سازد. به جای خطوط، فضا به راهنمایی چشم خواننده در ردیف‌ها و ستون‌ها می‌پردازد. با اطلاع‌رسانی به خواننده در عنوان، در مورد اهمیت اعداد با عنوان درصد (و اعداد خاص در پراتز) نیازی به استفاده از نماد درصد دیده نمی‌شود. تنها مجموعه ستون باقی می‌ماند که به خواننده می‌گوید مجموع مهم عمودی است. تمامی درصدها نیز رُند شده‌اند و باعث پشت سر هم قرار گرفتن اعداد و آسان‌تر شدن تفسیر می‌شود. به این ترتیب جدول بیشتر ارائه‌دهنده داده و نه مجموع عدد است.

غالباً مسئله عوامل متعددی دارد. گرچه جدول می‌تواند تعداد زیادی از عوامل را نشان دهد، در بررسی بیش از دو علت یک جدول واحد کارآیی چندانی ندارد. اصول اساسی ترسیم جدول عبارت است از:

- تمامی عوامل در یک جهت قرار دارند (معمولاً ستون‌ها).
- مجموع در جهت علت قرار می‌گیرند (زیر ستون‌ها).
- مقایسه عوامل در جهت مخالف قرار می‌گیرد (در ردیف‌ها در صورتی که عوامل در ستون‌ها ارائه شده باشند).

جدول شماره سه یک جدول سه بعدی است زیرا سه مورد، بررسی شده است. (جدول‌های قبلی دو بعدی بوده‌اند). جدول شماره سه به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا ارتباط بین محل ویتترین و سرقت برای دو فروشگاه متفاوت فرق می‌کند یا نه. پاسخ منفی است. الگوی یکسانی برای هر دو فروشگاه وجود دارد که در جدول شماره دو دیدیم در هر دو مورد ما با جمع‌بندی ستون، به مقایسه فروشگاه‌های با ویتترین در جلوی در نسبت به دیگر فروشگاه‌ها می‌پردازیم. به این ترتیب هر فروشگاهی که ویتترین آن در داخل باشد صرف‌نظر از نوع، دچار سرقت کمتری می‌شود.

عملاً جدول شماره سه نوع فروشگاه را ثابت فرض می‌کند. اگر بقیه عوامل را نیز

مهم بگیریم آنها نیز ثابت فرض می‌شوند. مثلاً می‌توان فروشگاه‌ها را به لحاظ اندازه گروه‌بندی کرد. (کوچک، متوسط و بزرگ) و به طور مجزا ارتباط بین محل ویتترین و سرقت هر یک را تحلیل نمود. این کار نیازمند وجود ۳ گروه است اما از اصول یکسانی برخوردار است.

دیگر خصوصیات جدول شماره سه از این قرار است:

- اگر اعداد خام داخل پُرانتز را برای فروشگاه اول به اعداد فروشگاه دوم بیفزاییم، اعداد خام جدول شماره ۲ به دست می‌آید. به عبارتی دیگر جدول شماره دو خلاصه جدول شماره سه است اما نمی‌توان از جدول شماره دو به جدول شماره سه رسید.

- از آنجا که جدول شماره سه گویای دو علت احتمالی برای مسئله است یک خط عمودی برای جلب توجه به این دو نوع فروشگاه افزوده شده است.

- عناوین ردیف‌ها در مورد هر دو نوع فروشگاه ذکر شده، بنابراین نیازی به بازنویسی آنها نیست.

- به علت رُند شدن، مجموع درصدها گاهی به بالای عدد صد می‌رسد. در برخی موارد این مجموع می‌تواند درست زیر صد یعنی ۹۹/۹ باشد. چنین انحراف ناچیزی مسئله مهمی نیست.

اگر جدول‌های یکسانی برای تصمیم‌گیرندگان واحدی ارائه می‌دهید از چارچوب‌های متعدد و متفاوت با داده‌های واحد استفاده کنید. ببینید کدام چارچوب بیشتر به درد آنها می‌خورد و سپس از آن چارچوب استاندارد بهره بگیرید.

جدول یک : موقعیت و سرقت آبجو (ژوئن)			
شمار گزارش های سرقت	جلو	پشت	جمع
۰	۷(٪۱۷,۵)	۳۳(٪۸۲,۵)	۴۰
۱-۲	۶(٪۴۶,۱۵)	۷(٪۵۳,۸۵)	۱۳
۳	۱۱(٪۱۰۰)	۰(٪۰)	۱۱
مجموع	۲۴(٪۳۷,۵)	۴۰(٪۶۲,۵)	۶۴

جدول شماره دو: درصد فروشگاهها به همراه سرقت های گزارش شده آبجو (تعداد در پرانتز ذکر شده)				
موقعیت ویتترین		سرقت ها در ژوئن		
در پشت		در جلو		
۸۲/۵	(۳۳)	۲۹/۲	(۷)	۰
۲۹/۲	(۷)	۲۵/۰	(۶)	۱ - ۲
۰/۰	(۰)	۴۵/۸	(۱۱)	۳ یا بیشتر
۱۰۰/۱	(۴۰)	۱۰۰/۰	(۲۴)	مجموع

جدول شماره سه: درصد فروشگاههای زنجیره ای به همراه سرقت های گزارش آبجو (تعداد در پرانتز ذکر شده)							
فروشگاه های دارای محل صرف آبجو				فروشگاه های صرفاً فروشنده آبجو			
ویتترین در جلو		ویتترین در پشت		ویتترین در جلو		ویتترین در پشت	
۳۰/۸	(۴)	۸۴/۲	(۱۶)	۲۷/۳	(۳)	۸۱/۰	(۱۷)
۲۳/۱	(۳)	۱۵/۸	(۳)	۲۷/۳	(۳)	۱۹/۰	(۴)
۴۶/۲	(۶)	۰/۰	(۰)	۴۵/۵	(۵)	۰/۰	(۰)
۱۰۰/۱	(۱۳)	۱۰۰/۰	(۱۹)	۱۰۰/۱	(۱۱)	۱۰۰/۰	(۲۱)

۵۷- از نمودارهای ساده استفاده کنید

اگر شکل‌ها و نمودارها ساده ارائه شوند، همچون جدول‌ها و نقشه‌ها ابزار مؤثری برای انتقال اطلاعات به شمار می‌روند. همه شکل‌ها دارای دو قسمت ساختار و محتوی هستند. محتوی عبارت است از اطلاعاتی که شما خواهان انتقال آن به دیگران هستید. هدف از ارائه ساختار تضمین تفسیر سریع، آسان و دقیق محتوی است. سادگی به معنی به حداقل رساندن ساختار است. رایج‌ترین خطا، افزودن عناصری است که ماجرا را پیچیده می‌سازند. برای نشان دادن این مطلب با یک مثال، از شکلی با طراحی ضعیف آغاز می‌کنیم. سپس نشان می‌دهیم که نمودارها با ساده‌تر شدن خود چگونه شفاف‌تر و قوی‌تر می‌شوند.

شکل شماره یک نموداری دایره‌ای است که باید نشان دهد سارقان چگونه وارد منازل می‌شوند. این تصویر سه بعدی پیام را منحرف می‌سازد. همان‌گونه که خواهیم دید درها بزرگ‌ترین مشکل بوده و پنجره‌های عقبی در پشت قسمت «سایر» و در رده چهارم قرار دارند. تأثیر سه بعدی بودن این تصویر آن است که اهمیت تکه‌های جلویی را بیش از اندازه جلوه می‌دهد (در این مثال پنجره‌های جلویی که کمترین احتمال ورود را در بردارند). در حالی که اهمیت تکه‌های پشتی کم در نظر گرفته شده است. تنها ویژگی با ارزش یک نمودار دایره‌ای آن است که نقش هر قسمت را نسبت به کل نشان می‌دهد. اما هنگامی که از حالت سه بعدی استفاده شود، این ویژگی نیز از بین می‌رود. توجه داشته باشید که سایه‌ها و الگوهای متعددی برای نشان دادن گروه‌های شش‌گانه وجود دارد این کار به شلوغی بیشتر می‌انجامد.

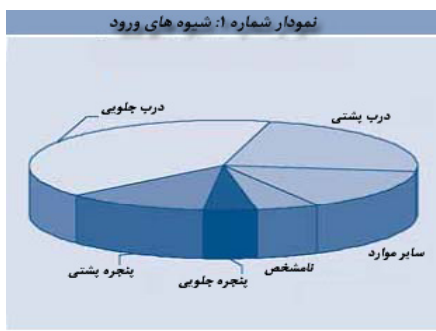
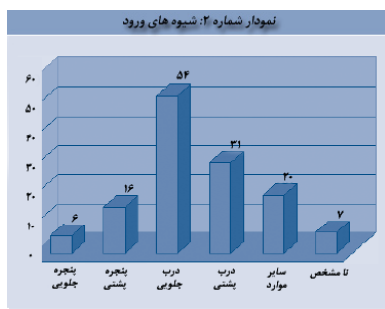
شکل شماره دو مشکلی را که تأثیر سه بعدی بودن در نمودارهای میله‌ای ایجاد می‌کند نشان می‌دهد. مقایسه ارتفاع میله‌ها دشوار است زیرا مجبوریم بین لبه جلویی بالا و لبه پشتی میله‌ها دست به انتخاب بزنیم. از حالت سه بعدی هرگز نباید استفاده

شود.

این نمودار دارای ویژگی‌های دیگری است که استفاده از آن را دشوار می‌سازد: سایه زدن سطح که تفاوت‌های بین میله‌ها و پس زمینه را نشان می‌دهد، عناوین میله‌ها و محور عمودی، و خطوط افقی. چارچوب اطراف شکل نیز غیرضروری است. نمودار میله‌ای ساده شکل سه اطلاعات را به نحو بهتری منتقل می‌سازد زیرا اثری از ویژگی‌های سردرگم‌کننده شکل شماره دو در آن نیست. اگر بنا باشد هر میله درصد دقیقی را نشان دهد می‌توان در بالای هر میله آن را علامت‌گذاری کرد اما باید محور عمودی را حذف کرد. زیرا این ویژگی همان اطلاعات را منتقل می‌سازد. به علاوه داده‌های شکل شماره سه دوباره سازمان‌دهی شده است. این نمودار به جای تعداد خام سرقت‌ها، درصد مجموع را نشان می‌دهد. به این ترتیب دو نکته روشن می‌شود: کدام روش‌ها رایج‌ترند و هر روش چه بخشی از کل را نشان می‌دهد. اگر بنا باشد نقش نسبی در کل نشان داده شود باید به جای نمودار دایره‌ای از نمودار میله‌ای استفاده شود.

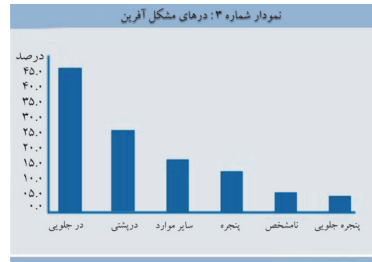
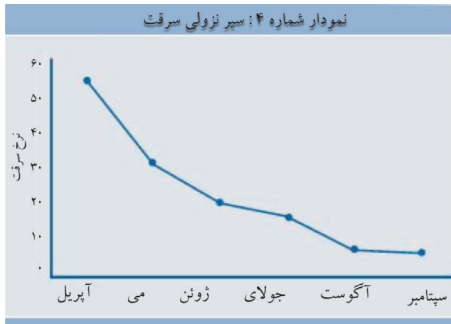
ویژگی دیگر شکل شماره سه آن است که گروه‌ها به ترتیب معنی‌داری تنظیم شده‌اند: یعنی از بیشترین به کمترین، که به محل تمرکز توجه خوانندگان اشاره دارد. انتقال نظم معنی‌دار در نمودار دایره‌ای دشوار است زیرا فاقد آغاز یا پایان مشهود است. در واقع نیازی به استفاده از نمودار دایره‌ای نیست زیرا نمودار میله‌ای انتقال بهتری دارد. هنگامی که گروه‌ها دارای داده باشند، نمودار میله‌ای ساده و اثربخش خواهد بود.

عنوان شکل را فراموش نکنید. در شکل شماره سه خود عنوان، بیان‌گر ماجراست؛ زیرا نه تنها جالب‌تر از عنوان شکل یک و دو، یعنی «شیوه‌های ورود» است بلکه ماجرا را نیز از ابهام خارج می‌سازد. خلاصه آن که شکل شماره سه می‌تواند خود بسنده باشد. خواننده بدون قرائت هیچ متنی درست به اصل ماجرا می‌رسد.



شکل نهایی یک نمودار خطی است که معمولاً برای ردیابی داده‌ها در طول زمان استفاده می‌شود. در شکل شماره چهار داده‌های شش ماه ارائه شده است. نقطه‌ها، نمادی از تعداد سرقت و خطوط بیانگر ارتباط پیوسته در طول زمان است. شما باید محور عمودی را نام‌گذاری کنید تا شکل بتواند به تنهایی به انتقال اطلاعات بپردازد. در این شکل با نگاهی کلی می‌توان دریافت که محور عمودی نشانگر تعداد سرقت‌ها و نه نرخ سرقت است.

اگر بخواهید تعداد هر رویداد در هر دوره زمانی را نشان دهید باید نقطه‌ها را نام‌گذاری کرده اما محور عمودی را حذف کنید. این کار اکنون رواج دارد. با این حال مراقب باشید عناوین عددی در هر نقطه زمانی می‌تواند قرائت نمودار را دشوار سازد. اگر نمودارهای متعددی در یک شکل واحد نشان داده شود (مثلاً گرایش به سرقت در چند ناحیه پلیس)، از علامت‌گذاری بر خطوط مختلف و تمایز آسان آنها در نمودار، اطمینان حاصل نمایید.



طراحی مؤثر نمودارها

- آنها را ساده طراحی کنید. بیش از حد جدول بندی نکنید.
- از طرح های سطحی مثل سه بعدی استفاده نکنید.
- از نمودارهای دایره ای استفاده نکنید.
- در مورد اطلاعات قابل طبقه بندی، از نمودارهای میله ای استفاده کنید.
- از نمودارهای خطی برای اطلاعات بر حسب زمان استفاده کنید.
- از علائم راهنما به بهترین وجه استفاده کنید.
- در انتخاب عنوان جدول بسیار دقت کنید.
- آنها را طوری طراحی کنید که بدون استفاده از متن یا توضیح، قابل فهم و تحلیل باشند.

۵۸- اظهاراتی مستدل ارائه دهید

ارائه مطالب باید با یک پرسش اصلی در چارچوبی برای توصیف یافته‌ها آغاز شود و با نتیجه‌گیری به پایان رسد (راهبرد پنجاه و چهار). باید طرح‌هایی با پیروی از راهنمایی موجود در راهبردهای پنجاه و پنج تا پنجاه و هفت تهیه شود. در این راهبرد تاکید بر ماجرای شما خواهد بود. در راهبرد پنجاه و نه نگاهی به نحوه ارائه، از جمله استفاده از اسلایدهای پاورپوینت خواهیم داشت.

تاکید اصلی ارائه شما باید بر پاسخ‌گویی به پرسش‌های مشخصی باشد که تصمیم‌گیری را آسان‌تر کرده و شامل موارد زیر باشد:

- مجموعه اسلایدهایی درباره ماجرای شما.
- تکرار متوالی طرح یا اسلاید اصلی برای تمرکز مخاطب شما بر ماجرا.

اسلایدها یافته‌های تحلیل را ارائه می‌دهند. ارائه‌کننده، یعنی گروه‌بان اسمیت، دو هدف دارد، نخست پاسخ به پرسش «علت پیدایش مسئله چیست؟» و دوم افتتاح باب گفتگو در مورد راهکارهای ممکن. اسلاید، عنوان پرسش را مطرح می‌کند (و ارائه‌کننده را معرفی می‌کند). این اسلاید به همراه دو تا چهار اسلاید، مقدمه محسوب می‌شود. اسلاید شماره دو نکات مورد توافق، که پایه‌ای است برای مطالب بعدی را بیان می‌کند. اسلاید شماره سه رئوس ارائه را ارائه داده و اسلاید شماره چهار خلاصه‌ای از داده‌های جمع‌آوری شده را در بر دارد.

چارچوب کار در اسلاید پنجم ارائه می‌شود. گروه‌بان اسمیت با استفاده از مثلث جرم کلیه یافته‌هایی را که در این مثلث دیده می‌شود مشخص می‌کند (توجه داشته باشید که این امر، تنها در صورتی ممکن است که مخاطب قبلاً با این مثلث آشنا باشد. در غیر این صورت باید از چارچوب دیگری استفاده شود). برای انتقال این پیام و سر

در گم نشدن مخاطب، گروه‌بان اسمیت از اسلاید مثلث جرم در سراسر ارائه یافته‌ها با کمی تغییر مهم استفاده می‌کند: سایه‌ها و رنگ‌ها در اسلایدها با تغییر آماج‌های جرم و اماکن و بزهکاران تغییر می‌کند. فلش گرد در اسلاید شماره پنج ترتیب خلاف جهت عقربه‌های ساعت را برای ارائه یافته‌ها توسط گروه‌بان اسمیت نشان می‌دهد. بنابراین در این اسلاید گروه‌بان اسمیت هم‌زمان به توصیف چارچوب خود و ارائه طرحی کلی از یافته‌های اصلی می‌پردازد.

اسلایدهای شماره شش تا سیزده حاوی جدول‌ها، نمودارها و نقشه‌هایی است که مبانی موجود در چارچوب را به مخاطب ارائه می‌نماید. گاهی یک نمودار میله‌ای اقدام‌های مورد استفاده برای محافظت از آماج‌ها را نشان می‌دهد. گاهی یک نقشه، موقعیت مکانی را که مسئله در آن‌جا شایع است را در مقابل اماکن فاقد آن نشان می‌دهد. تصاویر می‌توانند ویژگی‌های مهم این مکانها را نشان دهند. جدول ممکن است پیامد دستگیری بزهکاران را نشان دهد.

اسلاید شماره چهارده این یافته‌ها را جمع‌بندی می‌کند. در اینجا شکل مثلث، نشان‌گر تمامی جوانب سایه‌دار بوده و نشان می‌دهد که یافته‌های جداگانه، بخشی از یک کل بزرگ‌تر هستند. اسلایدهای پایانی، راهکارهایی را نشان می‌دهند که برخی از آنها با یافته‌ها همسو و برخی دیگر با آنها در تضادند. هر چند گروه‌بان اسمیت نظر کارشناسی خود را ارائه می‌دهد، اسلایدهای پایانی بحث مربوط به یافته‌های گذشته را می‌گشاید. این تصمیم‌گیرندگان هستند که حرف آخر را در این مورد می‌زنند.

تمرکز مخاطب شما به کل ماجرا و عدم سردرگمی در جزئیات، اهمیت زیادی دارد. دو روش برای انجام این کار عبارت است از استفاده تکرار متوالی (مانند مثلث در شکل) یا یک اسلاید رئوس مطالب برجسته. در صورت استفاده از اسلاید مطالب، این طرح پیش از هر عنوان نشان داده می‌شود. عنوان مورد ارائه، در طرح کلی برجسته شده و دیگر عناوین کم‌رنگ ارائه می‌شود. در ارائه گروه‌بان اسمیت اسلاید رئوس کلی

چهار بار نشان داده شده که هر بار قبل از عناوین اصلی بوده است. برگه های مربوط به اسلایدها نیز سودمندند. اما محدودیت‌هایی نیز وجود دارد. می‌توان تغییرهای دقیقه ۹۰ را در اسلایدها آسان‌تر از دست نوشته‌ها صورت داد. اگر منتظر تغییرهای عمده دقیقه ۹۰ هستید شاید برگه‌ها متناسب با تصاویر نباشند. معمولاً اسلایدهای رنگی بعد از کپی گرفتن سیاه و سفید جالب نخواهند بود. اگر از پاورپوینت استفاده می‌کنید، استفاده از گزینه «سیاه و سفید خالص» در منوی پرینت، موقتاً اسلایدهای رنگی شما را به سیاه و سفید مبدل خواهد ساخت.

بیشتر تصمیم‌گیرندگان به اندازه شما علاقه‌مند به روش‌هایی نیستند که شما برای تحلیل مسئله استفاده کرده‌اید. بنابراین زمان زیادی به شرح روش‌های خود اختصاص ندهید. مگر آن‌که این کار هدف اصلی ارائه باشد. در عوض، مبانی اصلی را جمع‌بندی نمائید (به اسلاید شماره چهار مراجعه کنید). می‌توانید اسلایدهای جداگانه‌ای در مورد روش‌ها تهیه کرده و در صورتی که مخاطبان در مورد آنها سؤالی داشته باشند همراه داشته باشید.

<p>۱- عوامل پیدایش مسئله XYZ چیست؟ گروه‌بان اسمیت از بخش تحلیل مسئله</p> <ul style="list-style-type: none"> • تعداد بالای رویدادهای گزارش شده X. • متمرکز در بخش Y. • نخستین مورد در سال ۱۹۸۶ ثبت شده. • عدم کفایت اجرای قانون • رایج بودن در بین دیگر نیروهای پلیس 	<p>۲- مواردی که به آنها پرداخته خواهد شد</p> <ul style="list-style-type: none"> • منابع اطلاعاتی مورد استفاده • چگونگی سازمان دهی داده‌ها • علت پیدایش مسئله چیست • راهکارهای ممکن
<p>۳- تحلیل مسئله XYZ</p> <ul style="list-style-type: none"> • انجام بخش تحلیل مسئله • اخذ اطلاعات از منابع مختلف - رویدادهای گزارش شده X - مصاحبه با تجار و فروشندگان - مصاحبه با بزهکاران - بررسی موارد ثبتی توسط دوربین مداربسته • کارشناسانی از دیگر نیروهای پلیس 	<p>۴- اجزای مسئله عبارت است از</p> 
<p>۶-۱۳</p> <ul style="list-style-type: none"> ▲ اسلایدهایی که آماج‌های جرم و محافظان را نشان می‌دهد ▲ اسلایدهایی که مدیران و اماکن را نشان می‌دهند ▲ اسلایدهایی که بزهکاران و کنترل کننده‌های نزدیک را نشان می‌دهند 	<p>۵- عوامل پیدایش مسئله XYZ</p> <ul style="list-style-type: none"> ▲ خلاصه‌ای موردبندی شده از اسلایدهای قبلی
<p>۱۴- راهکارهای نامتناسب آماج‌ها و کنترل کننده‌های نزدیک</p> <p>الف. ب. اماکن و مدیران الف. ب. بزهکاران و کنترل کننده‌های نزدیک الف. ب.</p>	<p>۱۵- راهکارهای متناسب آماج‌ها و دست‌اندرکاران</p> <p>الف. ب. اماکن و مدیران الف. ب. بزهکاران و دست‌اندرکاران الف. ب.</p>
<p>۱۶- راهکارهای متناسب آماج‌ها و دست‌اندرکاران</p> <p>الف. ب. اماکن و مدیران الف. ب. بزهکاران و دست‌اندرکاران الف. ب.</p>	<p>۱۶- راهکارهای متناسب آماج‌ها و دست‌اندرکاران</p> <p>الف. ب. اماکن و مدیران الف. ب. بزهکاران و دست‌اندرکاران الف. ب.</p>

۵۹- ارائه دهنده‌ای مؤثر باشید

همه اشخاص حرفه‌ای باید ارائه خوبی داشته باشند. مهارت‌های ارائه، اهمیتی به اندازه خوب نوشتن دارند. کلید ارائه مطلوب، برخورداری از آمادگی بالاست. نکات زیر از منابع مختلفی از جمله تجربه‌های تلخ و شیرین ما گرفته شده است.

آمادگی:

حتی ارائه دهندگان مجرب غالباً حالتی عصبی دارند، در نتیجه چندان نگران این مسئله نباشید. آمادگی کامل، کنترل اعصاب را آسان می‌سازد.

۱. عنوان مطالب خود را بشناسید.
۲. مخاطب خود از جمله فرد دیگری که قصد ارائه دارد را بشناسید.
۳. مدت زمان ارائه را مشخص کنید.
۴. آمادگی آن را داشته باشید که چند دقیقه زودتر کار را به پایان برید، اما در صورت لزوم تا آخر وقت کار کنید.
۵. ارائه و زمان‌بندی آن را تمرین کنید.
۶. در صورت لزوم تمرین را تکرار کنید.

در روز ارائه اتاق را بررسی کنید:

اطمینان حاصل کردن از محیط ارائه، سه هدف را تحقق می‌بخشد. نخست مانع از غافل‌گیری شما می‌شود. دوم شما را قادر به ارائه برنامه‌های متناسب با آنجا می‌سازد. سوم باعث می‌شود تا شما آرامش خود را حفظ کنید. هنگامی که در یک همایش یا خارج از سازمان خود در حال ارائه کاری هستید این امر اهمیت زیادی دارد. نحوه چینش امکانات برای همایش‌ها در هتل، بسیار تفاوت است.

۱. آیا تجهیزات مورد نیاز در اختیارتان هست؟
 - نمودارها
 - تخت سیاه/ سفید
 - گچ/ ماژیک
 - ویدئو پروژکتور
 - میکروفن
 - اشاره‌گر لیزری
۲. آیا از نحوه استفاده از تجهیزات اطلاع دارید؟
۳. آیا قبلاً با آنها کار کرده‌اید؟
۴. آیا از چگونگی دعوت از دیگر کارشناسان مربوط اطلاع دارید؟
۵. آیا می‌دانید چگونه باید نور را کم کنید؟
۶. آیا در اتاق قسمت‌هایی وجود دارد که مانع از دیدن و شنیدن مخاطبان شود؟

پروژکتور:

تجهیزات مدرن ارائه، هم پیچیده و هم مستعد نقص فنی هستند. از چگونگی کارکرد آن و طرح‌های پشتیبانی مطمئن شوید. در صورتی که زمان اجازه دهد تجهیزات را در اتاق امتحان کنید و در همین حین در قسمت‌های مختلف اتاق نشسته و پیچیده‌ترین اسلایدها را نگاه کنید. حتی اگر نتوانید کاری انجام دهید، بعداً می‌توانید به مخاطب از پیش هشدار دهید (مثلاً «کسانی که سمت چپ نشسته‌اند می‌توانند وسط بیایند. زیرا دیدن برخی از نمودارها از آنجا دشوار است»).

۱. پروژکتور را در بهترین موقعیت برای مخاطب خودتان قرار دهید.
۲. اطمینان حاصل نمایید که مانعی بر سر دید پرده وجود ندارد.
۳. در صورت لزوم برای نشان دادن اسلاید از دیگران کمک بگیرید.

۴. اطمینان حاصل کنید که اسلایدها از آخر اتاق نیز قابل خواندن هستند.
۵. در صورت لزوم پرده‌ها را بکشید.
۶. هرگز تصور نکنید همه چیز طبق برنامه پیش برود.

سبک ارائه:

گرچه شناخت مواد کاری شما اهمیت دارد، سبک مورد پذیرش مخاطب نیز دارای اهمیت است. دست کم مطمئن شوید مخاطب برای درک ارائه شما نیازی به تلاش برای انطباق با سبک شما ندارد. رفتار همراه احترام برای مخاطب از اهمیت به سزایی برخوردار است.

۱. حتی اگر یک نسخه کتبی در اختیار دارید نوشته‌های خود را نخوانید.
۲. از روی نوشته‌ها صحبت کنید. (استفاده از کارت باعث می‌شود شما محل خود را گم نکنید.)
۳. مؤدبانه آغاز کنید. (خودتان را معرفی کنید و با مخاطب احوال‌پرسی نمائید).
۴. در صورت امکان ایستاده صحبت کنید (این کار کنترل مخاطب را آسان می‌کند).
۵. در ارائه‌های طولانی می‌توانید محل ایستادن خود را تغییر دهید (اما به صورتی بی‌قرار قدم نزنید).
۶. جلوی دید مخاطب از تصاویر اسلاید را سد نکنید.
۷. از رسیدن صدای خود به دیگران اطمینان یابید.
۸. سریع صحبت نکنید (حدود ۱۳۰ کلمه در دقیقه مطلوب است).
۹. تماس چشمی با مخاطب را حفظ کنید (اما نه فقط با یک نفر).
۱۰. اطمینان یابید که مخاطب شما از زمان مناسب برای طرح پرسش، در حین معرفی یا پس از آن، آگاه است.

۱۱. پرسش‌ها را تکرار کنید تا دیگران نیز بشنوند. به دقت پاسخ دهید و از پرسش‌گر بپرسید آیا سؤال او را درست فهمیده‌اید؟
۱۲. از شفافیت (و کافی بودن) برگه‌ها اطمینان یابید.
۱۳. سر وقت کار را به پایان برید.
۱۴. سعی کنید از کار خود لذت ببرید.

نرم‌افزار ارائه:

پاورپوینت و دیگر نرم‌افزارهای مشابه مخاطب را هم‌زمان به دو صورت دیداری و شنیداری قادر به دریافت اطلاعات می‌سازد. بنابراین درک و به خاطر سپردن نکات کلیدی، امکان بیشتری می‌یابد. ارائه مطالب به شیوه الکترونیکی، چهار خطر را نیز در بردارد. نخست آن‌که معرفی استاندارد است که می‌تواند به سرعت برای مخاطبان آگاه‌تر خسته‌کننده شود. دوم، می‌تواند چنان پیچیده شود که مخاطب بیش از پیام، به خود رسانه توجه نماید. سوم، با افزایش میزان پیچیدگی احتمال بروز نقص فنی بیشتر می‌شود. چهارم، آن‌که مانع از طرح پرسش توسط مخاطب می‌گردد. تماشای دستکاری کردن تجهیزات، باعث خسته شدن مخاطب و هدر رفتن زمان می‌شود. اصل سادگی را فراموش نکنید.

۱. اسلایدهای خود را نخوانید- حرف‌های شما نباید صرفاً تکرار اسلایدها باشد.
۲. به مخاطب نگاه کنید- نه به اسلایدهای خود.
۳. با بیان عنوان ارائه، نام و ارتباط خود با این بحث، کار را آغاز کنید. (نه با بیان ویژگی‌های خود).
۴. تنها از یک شکل انتقال اسلاید استفاده کرده و از یک انتقال ساده که توجه مخاطب را از نکات اصلی منحرف نمی‌سازد بهره بگیرید.

اسلایدهای پاورپوینت:

اسلایدها را نیز ساده ارائه دهید. بیشتر نوشته‌های روی اسلاید با دشواری در خواندن مواجه اند. هدف شما آن است که اسلایدها تلگرافی باشند. هر اسلاید باید توجه را معطوف یک نکته مهم کرده و مانع انحراف از آن گردد. بنابراین کاری کنید که خواندن و درک آن آسان شود.

۱. تنها یک نکته ارائه دهید.
۲. جزئیات کافی برای نکته مورد نظر را ارائه نمائید نه بیش از آن.
۳. از کاربرد افکت‌های صوتی، انیمیشن، فونت تایپ و انتقال پرهیزید.
۴. از پس زمینه تیره (مثلاً آبی پررنگ) و رنگ‌های روشن برای متن استفاده کنید (مثلاً زرد).
۵. از فونت درشت و رنگ‌های متفاوت استفاده کنید (از آبی و نارنجی سیر استفاده نکنید بلکه از آبی و زرد بهره بگیرید).
۶. از کاربرد خطوط و حرف‌هایی که از پس زمینه متمایز نیست، اجتناب کنید. زیرا در نقشه‌ها نمودارهای خطی مشکل‌ساز خواهد بود.
۷. از کاربرد زیاد رنگ قرمز پرهیزید. از این رنگ برای تأکید بر نکته‌های مهم استفاده می‌شود.
۸. از گرافیک دیداری به جای کلام استفاده کنید.
۹. از تصاویر، نقشه‌ها، شکل‌ها و جدول‌های ساده استفاده کنید.
۱۰. از عبارت‌های کوتاه در نمودارهای کلامی استفاده کنید.
۱۱. اطمینان یابید که این عبارت به نکته اصلی اسلاید مربوط است.

نهایتاً آن که راحت باشید:

فرض کنید همه چیز به هم بریزد. اگر ویدئو پرژکتور خراب شود آمادگی داشته

باشید که بتوانید با استفاده از اُورهید مطالب را ارائه دهید. اگر آن هم خراب شود از برگه‌ها استفاده کنید، اگر آماده چنین مشکلاتی باشید کمتر عصبی شده و مخاطب شما دل‌سوزانه‌تر عمل خواهد کرد.

۱. از کاربرد فن آوری‌هایی که دائماً دچار مشکل شده یا شما آشنایی چندانی با آن ندارید پرهیزید.

۲. یک طرح پشتیبانی برای نقص تجهیزات نرم افزارها داشته باشید.

۳. برگه‌های اسلاید را به عنوان مکمل تهیه نمایید.

۶۰- در خزانه دانش سهیم شوید

بخش اعظم آنچه که امروزه درباره مسئله‌ها می‌دانیم بیست سال پیش شناخته شده نبود. این انباشت دانش عمدتاً به تبادل دانش پژوهش‌گران و پلیس در امریکا، کانادا، انگلستان و دیگر کشورها مربوط است. راهبردهای پنجاه و چهار تا پنجاه و هفت نحوه ارتباط با تصمیم‌گیرندگان در پلیس و جامعه شما را شرح داد. شما وظیفه دارید با انتقال کار خود به بیرون از سازمان محلی و اجتماع خود شغل‌تان را ارتقا بخشید.

دو رویکرد در ارتباط با همکاران وجود دارد. یکی از طریق موارد نوشتاری که می‌تواند به صورت گزارش، نشریات حرفه‌ای یا مقاله‌های مطبوعات منتشر شود. دوم از طریق معرفی در نشست‌ها و همایش‌های حرفه‌ای است. مؤثرترین راهبرد انتقال اطلاعات، ترکیب هر دو رویکرد مذکور است.

گزارش‌های کتبی حاوی اطلاعات دقیق و سودمندی است که دیگران می‌توانند به عنوان مواد ارجاعی از آن استفاده کنند. روش‌های مختلفی برای انتشار اطلاعات کتبی وجود دارد. این اطلاعات می‌تواند به شکلی قابل دانلود از وب سایت‌ها یا به صورت نشریه‌های حرفه‌ای در اختیار قرار گیرد. اطلاعات کوتاه‌تر برای جلب توجه اشخاص را می‌توان در خبرنامه‌های حرفه‌ای و دیگر نشریه‌ها منتشر نمود. در نهایت تشویق خبرنگاران حرفه‌ای به ذکر اقدام‌های شما می‌تواند مخاطب گستره‌تری را جلب کند. اطلاعات کوتاه‌تر که به آسانی قابل دسترسی باشد مخاطب گسترده‌ای را جلب می‌کند اما دارای اطلاعات کمتری است.

همایش‌ها؛ ارتباط چهره به چهره، پرسش و پاسخ و بحث در مورد آخرین پیشرفت‌ها را امکان‌پذیر می‌سازند. مباحثات غیررسمی برای تبادل نقطه‌نظر و ایده‌هایی که هنوز برای نشر به اندازه کافی پرورده نشده‌اند سودمند است و شما را قادر می‌سازد تا از کارشناسان مربوط در مورد مسئله‌های دشوار راهنمایی دریافت نمایید.

امریکا و انگلستان همایش‌های سالانه مربوط به انجام امور پلیسی مسئله محور را برگزار می‌کنند. همایش‌های تحلیل جرم و دیگر همایش‌های پلیس در سراسر جهان برگزار می‌شود که شما می‌توانید اطلاعات مربوط به حل مسئله‌ها را در آنها ارائه نمایید.

دست آخر این که شما باید همایش‌های دیگر حرفه‌ها را به ویژه اگر با همتایانی از رشته‌های دیگر همکاری داشته‌اید مد نظر قرار دهید. ایراد اصلی همایش‌ها؛ محدودیت زمانی ارائه مواد، نبود بایگانی کامل نشست‌های همایش و تعداد نسبتاً کم اشخاص حاضر در آنهاست. اما حضاران می‌توانند اطلاعات را به اشخاص غائب منتقل سازند. راهبرد جامع ارتباط باید در بر گیرنده موارد زیر باشد:

۱. وجود گزارشی تخصصی قابل دانلود در یک وب سایت قابل استفاده آسان برای کسانی که علاقه‌مند به جزئیات هستند.

۲. وجود یک یا چند مقاله کوتاه در نشریه‌های حرفه‌ای یا مردمی با ارجاع به وب سایت برای مخاطب عمده با علاقه کلی.

۳. وجود مقاله‌ای طولانی تر در نشریه‌ای حرفه‌ای برای دانشگاهیان و همکاران حرفه‌ای.

۴. دست کم یک ارائه در یک همایش حرفه‌ای برای گروهی کوچک اما صاحب نفوذ از همکاران حرفه‌ای.

به علاوه ارسال رونوشت مقاله‌ها به اشخاص علاقه‌مند به عنوان تحقیق، سودمند است. این کار نه تنها عقاید شما را انتقال می‌دهد بلکه مشاوره در مورد چگونگی انتقال عقایدتان به دیگران را در اختیار عام قرار می‌دهد.

اشخاص حرفه‌ای به خصوص علاقه‌مند به موارد زیر هستند:

۱. کشف مسئله‌های جدید یا در حال تغییر.

۲. پیشرفت در تکنیک‌های تحلیلی که می‌تواند پاسخ‌گوی پرسش‌های جدید بوده

یا دقیق‌تر و با خطای کمتر به پرسش‌های قدیمی پاسخ دهد.

۳. راهکارهای جدید به مسئله‌ها یا کاربرد جدید راهکارهای قدیمی.

۴. شواهد مربوط به اثربخشی، عدم اثربخشی یا عوارض جانبی راهکارها.

هر یک از این عنوانها را می‌توان به صورت مطالعه‌ای موردی از مسئله خاص خودتان نوشت. طرح اصلی یک مطالعه موردی خاص دارای چهار نکته است:

۱. عدم رضایت از موقعیت قدیمی - به علت ناکافی بودن درک یا اقدام مناسب در شرایط خاص.

۲. جستجوی راه‌حل‌ها - چگونگی درک کردن یا اقدام جدید.

۳. شواهد موید راه‌حل‌ها - مقایسه دو رویکرد قدیم و جدید.

۴. نتیجه‌گیری‌ها و کاربردها - خلاصه‌ای از آنچه اشخاص باید با توجه به این اطلاعات در نظر داشته باشند.

این طرح کلی از فرآیند SARA پیروی می‌کند. تشخیص نشان‌گر عدم رضایت از یک شرایط خاص است. تحلیل عبارت است از جستجوی درک جدید از مسئله. راهکار مستلزم مقایسه نظام‌مند رویکردهای جدید و گزینش رویکردی جدید است. ارزیابی آنچه را که از تجربه آموخته شده است جمع‌بندی می‌کنند.

جدول زیر نحوه به کارگیری این طرح در هر یک از چهار عنوان مطالعه موردی را نشان می‌دهد. این نوع مطالعه موردی را می‌توان در صورتی که شرایط ایجاب کند به رشته تحریر درآورد. تکنیک جدید تحلیل مسئله ممکن است نوع جدیدی از مسئله را نشان دهد، در این صورت می‌توان دو نوع مطالعه موردی را با هم ترکیب نمود.

به همین ترتیب شرح راهکار جدید برای رفع یک مسئله ممکن است شامل اطلاعات مربوط به ارزیابی بوده و در نتیجه دو نوع آخر از چهار نوع مطالعه موردی

را ترکیب نماید. ترکیب‌های دیگر نیز ممکن است.

دست آخر این‌که ما تحلیل جرم را به مثابه یک حرفه و دانش جرم را به عنوان یک رشته می‌دانیم. با این حال بخش اعظم آنچه می‌خواهید به روشنی درک کنید، هرگز تسلیم و سوسه اغراق در شواهد شما نمی‌شود.

هیچ چیز بیش از تحریف حقایق به شهرت شما و همکارانتان آسیب نمی‌زند. دیگر اشخاص ممکن است سریعاً به سراغ نتیجه‌گیری‌ها بروند. تحلیل‌گران، جرم‌فزاینده‌اتفاقی را با انسجام دنبال می‌کنند. اگر شما پاسخ را ندانید یا تنها بخشی از مسئله را درک کرده باشید، داستان سر هم می‌کنید. اما هنگامی که شما پاسخ را می‌دانید اشخاص به قضاوت حرفه‌ای شما بیشتر اعتماد می‌کنند.

قرن ۲۱، قرن تحلیل در انجام امور پلیسی است و شما می‌توانید نقش مهمی در آن ایفا نمائید. صد سال پس از این، تحلیل کاملاً در کار پلیس جا افتاده و اوضاع تغییر خواهد کرد. فن‌آوری نیز متفاوت خواهد بود. اما مهم‌تر از همه این‌که نسل بعد از ما اطلاعاتی بسیار بیشتر از ما درباره جرم و نحوه پیشگیری از آن در اختیار دارند. زیرا شما و اشخاصی نظیر شما به طرح پرسش‌های مهم پرداخته، داده‌ها را جمع‌آوری و تحلیل نموده و نتایجتان را به روشنی و درستی گزارش کرده‌اید.

چهار نوع مطالعه موردی				
رئوس مطالب	۱. مسئله جدید	۲. تکنیک تحلیلی جدید	۳. راهکار جدید	۴. شواهد جدید مربوط به اثربخشی
الف. عدم رضایت	کشف موقعیتی غیرعادی	علت محدودیت تکنیک قدیمی	علت محدودیت راهکار قدیمی	عدم قطعیت اثر بخشی راهکار در شرایط خاص
ب. جستجو	کشف موارد متفاوت	چگونگی کشف تکنیک جدید	چگونگی کشف راهکار جدید	دشواری‌های ارزیابی راهکار در این شرایط
ج. شواهد	مقایسه مسئله قدیمی با مسئله جدید	مقایسه نظام‌مند تکنیک قدیمی با جدید بر اساس معیارهای عینی	مقایسه نظام‌مند راهکار قدیمی با جدید بر اساس معیارهای عینی	روش‌های مورد استفاده در ارزیابی و نتایج آن
د. نتایج	کاربرد در حل مسئله	شرایطی که تکنیک جدید در آن سودمند است	شرایطی که راهکار جدید در آن سودمند است	شرایطی که راهکار باید در آن استفاده شده و نتایج موردنظر